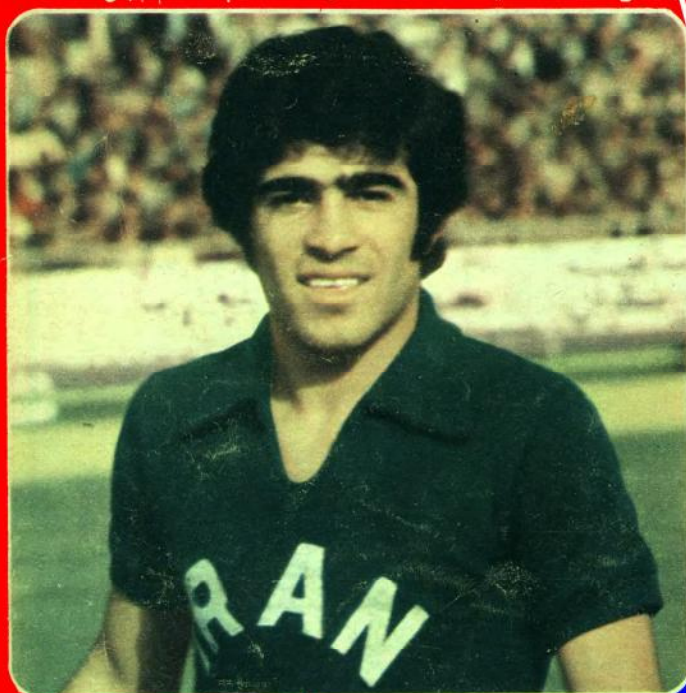




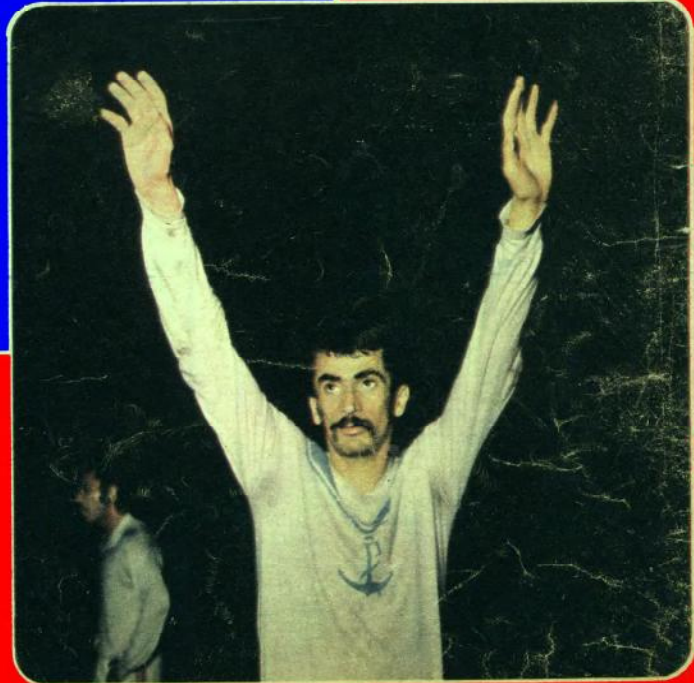
حاج رحیمی پورا اولین فوتبالیست صادراتی!
ملوان با حمله دقیقه فاصله داشت!
شب پایانی، شب شکوه و جوانی تهران بود
هما، والیبالی بانوان تهران را فتح کرد

تشریح ورزشی - اطلاعات - قیمت ۱۵ ریال شماره ۱۷۵ شنبه ششم بهمن ماه ۱۳۵۲



دو آس بزرگ والیبالی
ایران خدا حافظی کردند

ملی پوشهای جوان حق
تعویض باشگاه ندارند!



«تماشایی» نیست!

مسابقات جام اتحادیه است
توانستم دو مطلب را بهم ربط دهم. رئیس فدراسیون در نوشته‌اش می‌گفت تلاش میشود بسکتبال راه تعالی در پیش گیرد ولی بستم‌بودن «دره سالن حکایت از هماهنگی این مسائل با یکدیگر نمیکرد.

مگر میشود در سالن‌های در بسته هم چیزی پیدا کرد و اصولا اینکار چه معنی میتواند داشته باشد؟ ورزش با تماشاگر زندگی میکند و اوج میگیرد، اگر ورزش یک جسم باشد بدون‌تردید تماشاگر روحی است که به آن هستی می‌بخشد.

برگزاری مسابقات بسکتبال قهرمانی یک شهر بزرگ و یک پایتخت معروف در سالنی در بسته، برآستی مسئله‌ای است که درک آن آسان نیست!

ما اگر بخواهیم به ورزشهای «تیم‌محان» حیاتی‌تر از تیم‌هایم باید در جلب تماشاگر برای این‌گونه تیم‌ها که ماورای بقدریم نابه مراجعین بگوییم مسابقات «تماشایی» نیست!

بستن «دره سالن و جلوگیری از آمدن تماشاگر بدخل برای تماشای مسابقه، چه معنی میتواند داشته باشد و چرا با این کار خود، همان تعداد محدود علاقه‌مند را هم‌زاطراف خود می‌رانیم؟

آیا برگزاری مسابقات بدون تماشاگر جزو همان برنامه تازهای است که برای پیشرفت بسکتبال انتخاب کرده‌ایم!

در فکر بودم تا شاید جوابی برای این آیها و چراها بیداکتم که ناگهان صدائی مرا متوجه اطرافم کرد: اینجا بسکتباله؟

نگاهش کردم یک جوان ۲۱-۲۰ ساله بود مثل اینکه میخواست بفهمد از سالن بسکتبال می‌آیم یا نه و باین‌ترتیب هضم‌حینی پیدا کند.

گفتم: بله مسابقه بسکتبال همین‌جاست، نمیری تماشا؟ گفت: نه‌ایا، اینجا «مردارو راه نمیدن»!

و من بی‌آنکه چیزی بگویم به راهم ادامه دادم. صداهای در گوشم رنگ‌بندی شد: نمیشه، «تماشایی» نیست، مردها را راه نمیدن ... نمیشه ... مردها ... نمیشه ...

بعد از ظهر دوشنبه که طبق‌معمول روزهای اخیر بخاطر مسابقات والیبال قهرمانی دختران باشگاههای تهران به سالن شماره ۲ فرح رفته بودم، چنددقیقه‌ای زودتر از وقت لازم به سالن رسیدم، بهمین‌حاطر فکر کردم بدینست از فرصت‌استفاده کنم و سری هم بمسالن شماره یک بزنم و ببینم اوضاع‌امسابقات بسکتبال باشگاهی دختران ازچه قرار است.

وقتی جلوی در ورودی سالن شماره یک رسیدم آن را بسته دیدم. اول تصور کردم شاید زود مراجعه کرده‌ام ولی ساعت از نونیم هم گذشته بود درحالی‌که در برنامه بازی‌ها ساعت شروع مسابقه، ۴ نوشته شده بود.

با خودم گفتم شاید مدره ایرادی دارد که آترا باز نگرده‌اند. از اینرو بطرف مدره بالاتر که باصطلاح مدره‌بزرگ استادیوم بحساب می‌آید، رفتم.

مامور استادیوم جلوی در ایستاده بود، تا‌ما را دید که می‌خواهم داخل شوم، پرسید: کجا؟ بدون اینکه مسئله خبرنگار بودن را بیش بکشم گفتم: می‌خواهم برم سالن!

گفت: نمیشه! گفتم: چرا. مگر مسابقه بسکتبال نیست؟ گفت: چرا هست. گفتم: خوب، منم می‌خواهم برم تماشا!

گفت: مسابقات تماشایی نیست! گفتم: چرا نیست؟ پس چیه؟! گفت: نمیشه، دستورده دیگه!

بالاخره بعد از مدتی صحبت و اینکه کسی در این‌میان واسطه شد، موفق شدم راه بدخل سالن ببرم. تهران‌جوان - آزمایش بازی داشتند و حدود ۱۰ تماشاگر روی پله‌ها نشسته بودند!

سالن سرد بود و تهی دو تیم باوجودیکه سخت تلاش میکردند اما کارشان در سکوت جلوه‌ای نداشت، چند دقیقه‌ای نشستیم و بعد بلند شدم از سالن بیرون آمدم.

یاد نامهای افتادم که صبح همین‌روز باضای رئیس فدراسیون به‌همراه برنامه بازیها به مجله رسیده بود، در نامه مزبور نوشته شده بود فدراسیون در راهی تازه وارد شده‌که هدف آن اعلاای بسکتبال است. اولین قدم نیز همین‌برگزاری

این روزها راهروی فدراسیون فوتبال بی‌شبهات به راهروی دادگستری یا بیمارستان‌های دولتی نیست، شلوغ و برهیاو، هر کس بدینال کاری و حل مشکلی در تخابو است ولی واقعت این است که اگر در پایان هرروز بررسی کنیم ثمره اینهمه تلاش و صرف انرژی چیست؟ زیاد شادمان نخواهیم بود، چرا که بیشتر تلاش برای باز کردن گره‌های کوبیده که خودمان بدست و پاهای خودبسته‌ایم!

درهر گوشه و کنار جلسات خودمانی و محرمانه تشکیل میشود و دو سه نفری باهم مشغول گفتگو و تبادل نظر می‌یاشند.

شبه شب هفته قبل در این شلوغی مامم مثل‌همیشه وارد شدیم. پس از لیندنها و سلامهای گرم و صمیمانه ولی کوتاه و بی توقع وگاهی گله‌گذاری‌های بعضی از دوستان که مطالب ما زیاد با طبع ریاضیه بودند.

ناگهان احساس کردم محاصره شده‌ام، گروهی گردم را گرفتند و چنان با اشتیاق بمن نزدیک شدند که قبل از آنکه بخود آیم، سرووویی غرق بوسه کرده بودند.

از جگاشان و از وجودشان محبت و صداقت می‌ریخت، چنان صمیمانه یکی، یکی دست مرا می‌فشردند که از خجالت داشتم آب میشدم. میدانید اینها کی بودند؟

بچه‌های تیم حمید، آنها که درتمام طول سال شایدما کمتر از دویار ناشان را در مجله‌نوشته بودیم!! آن شب کمیته قضائی فدراسیون فوتبال برای روشن شدن وضع تیمهای گروه اول تهران تشکیل جلسه‌داد و بهمین جهت مربی و سرپرست تیم حمید را برای روشن شدن مسائل مربوط دعوت کرده بودند و چون شب سرنوشت‌بود، اکثر فوتبالیست‌های این تیم نیز برای آگاهی از سرنوشت خود همراه هوشنگ ظفری مربی و سرپرست تیم حمید به‌فدراسیون آمده بودند و جمعیتی نیز در حاشیه پیاده‌رو مقابل دفتر امور مشترک فدراسیونها قدم می‌زدند و سرا را از یادبرده بودند.

پس‌از محبت فراوان و سیاست‌گزاری از همه کارکنان مجله، مربی حمید خیلی خیلی آهسته بر کار تکیه و گفت: برابر مادرویش هستیم و درویش هم جز صفاودوست، چیزی ندارد بدوستان هدیه کند. بخدا ما نمیدانیم چگونه و چطور باید محبت شمارا جبران کنیم، روی صفا‌میراندگی

داریوش شاهرخی یک‌نواختی ابدی

دیدار های قهرمانی والیبال دختران تهران هفته‌گذشته به پایان رسید، بازی های اوج کم و بیش همچنان انگیز بودولی چهره‌های تازه‌ودلف‌ان‌برای این‌ورزش‌هنوز درحدهی نیستند که قادرباشند از زیر سایه سنگین بزرگان گذشته بیرون آیند.

ساده‌تر عنوان میکنم هنوز همان چهره هائی بهره های برتر هستند کهماشان ۸۶،۸۵ سال پیش اوج گرفته بود و اگر چند باشگاه علاقمند و پرتلاش چون هما ساس وسازمان های تاج نبود، بی‌تردید همین موجودیت امروز نیز وجود نداشت.

میرسید چرا؟ خیلی روشن است چون باشگاه های مالموز برای ادامه حیاتخود نیاز دارندبیرشته هائی رو کنند کمک وزیاد قادر باشد سبب بقایشان گردد، ساده‌تر اینکه بتواند دخل و خرج کنند.

گروهی امکاناتی فراوان دارند، اختصاصی هستند، بودجه کافی دارند، تقویت میشوند و بهر شکل برای درآمد داشتن نمیزند؛ ولی برخی دیگر برای پرداخت بول آتو برق حساب عضوهای تازه و شش یاده تومان حق عضویت ماهانه را دارند.

بدینروی نیازمند هستند تنگ کشتی - میز پینگ پنگ سانن پرورش اندام را که مشتری دارد و اگر فضائی داشته باشند استخر شنارو در تابستان دایر نمایند بقیه قضایا را میسپارند بدست خدا!

روی این اصل برای ورزش هائی چون ژیمناستیک - دوومیدانی - ششما - والیبال - بسکتبال و ازاین گروه در عموم باشگاه های ما نمیتوان بعنوان یک مرکز آموزشی یا پرورشی حساب کرد.

والا فوتبال بوساز، تنها چیزیتست که تمام باشگاهها به‌آن آمده آرزو دارند و می‌بینیم که علیرغم تلاش هرچه بیشتر برای فوتبال و امکانات آن، در هیچ رشته دیگر این هیجان و هروش نیست!

در این رهگذر اعتقاد من اینست کهباشگاه های ما مقرر نیستند، چراکه در یک ارزیابی ساده بدین اصلی- رسم که کمک سازمان تربیت بدنی به باشگاه ها سخت ناچیز و در شرایطی مضحک است ماهی-هزار ریال یا ده هزار ریال امروز بول مصرف آتوبورق یک باشگاه همینست چهرسد بهسایر مسائل، یکدست لباس برای یک تیم باشگاهی اگر کامل هم نباشد بیشتر از ده یا بیست هزار ریال خرج دارد حالا بماندسایر مسائل که در یک فرصت مناسب باآمارو ارقام دربارہ این گفتگو خواهیم کرد.

ولی دستگاه ورزش یا هزینه های سنگین باید در حقیقت بررسی نماید کهباوجودجه‌سالیانه خود چه میکند رقم بودجه های تعیین شده برای فدراسیون ها و بعد امکانات کمک به مربیان و رشته و کمک به باشگاه‌ها درجه معیاری قرار دارد و آیا این امکانات میتواند سازنده باشد؟

راه حلی کم‌در درجه نخست فکر میکنم گرچه اساسی نیست ولی میتوانم نخست باشد، طبقه بندی باشگاه‌هاست بدو طریق: اول تاسیسات - دوم موجودیت تنیم و تربیت در ورزش.

چه که تاسیسات باهر قدر عظمت اگر مورد بهره‌گیری نسل جوان‌باشد بیشتر به یک کلوب تفریحی شبیه است تا یک باشگاه سازنده. و باز ضوابطی جدا پیدا میکند ولی هستی تیمها و پشتوانه های یک باشگاه نمونه سالم سازی- تحریک و کمک‌آن باشگاه به ورزش‌ورشته‌های گوناگون است.

ازاینرو تلاش فدراسیون ها درهر واحدی تنها بی- تواندحفاظت چهره‌های ملی باشد بی‌پشتوانه و بدون فردا ولی موجودیت باشگاه ها میتواند کمیتی باشد که بهره گیری برای یک کمیت مطلوب دران دشوار نیست.

وسرانجام چنین نتیجه میگیریم که عدم تشکیلات کافی برای اداره باشگاه ها - نداشتن کارنامه صحیح ورده بندی مطلق سبب شده که چنین شرایطی بوجود آید.

اگر دستگاه ورزش در درجه اولدباشگاه، درجه دوم به باشگاه و درجه سوم نیز ده باشگاه را طبقه بندی کند واین طبقه بندی برحسب فعالیت رشته های مختلف نفتنها فوتبال باشد و کمک هزینه های سنگین-باشگاه هائی که در طبقه اول تاسوم قرار میگیرند بدهد.

اگر فدراسیونها برای تیمهای اول تا سوم یا ششم خوددر هر رشته کمک های کافی به باشگاه ها بنمایند و خلاصه اگر فوتبال بوساز است روسای باشگاهها احساس کنند که درخشش در رشته های دیگر ورزشی هم میتواند چراغ باشگاهشان را روشن نگاهدارد، عاملی بوجود آمده که در کلیه رشته ها تلاش و هیجان خلق شود در غیر اینصورت، این یکنواختی ابدی خواهد شد.

ابوالفضل جلالی صدای رنگبارادردلم می‌شیدم

یک یادگاری برای میز سردبیر دنیای ورزش داریم تدارک می‌بینیم که یاد ما باشد، آنها که شما را می‌شناسند بیاگفتند این را نمی‌بینید ولی درویش است و برگ سبز، امشب افتخار بده میمانم ما باش و بچه ها مرا محاصره کردند که نگریم.

آندر یه‌یریا و بااحساسات حرف می‌زدند و ازدنیای ورزش ممنون بودند که مانده بودم چه جوابی بدهم. مدتی سکوت کردم ودر سکوت ونگاه باچلاتی که مقابل صمیمیت و جوانمردی و حق‌شناسی آنها بی‌رنگ بود گفتم:

هرچه روی میز سردبیر ماست یادگار شما و دیگر قهرمانان این کشور است، ما اینقدر کدر روز و شب عکس شمارا، اسم شما را ووصف شمارا روی میز ونوی صفحات جابجا میکنیم از عکس‌افراد خانوادهمان واسم و وصفشان بگردانیم، ما وقف شما هستیم و هرچه داریم از شماست و تنها چیزیکه قلب مارا شاد میکند همین حق- شناسی و انسانیت و عاطفه شماست.

وقتی بدانز تمام کارها از فدراسیون خارج شد و راه خانه را پیش گرفتم ساعت اژده شب گذشته بود. در خلوت خودم ازاینهمه محبت و احساسات پاک بچه های محمده قلب شادی و شور خاصی داشت، مثل اینکه صدای رنگبارا دردم می‌شنیدم.

آنچنان شادمان بودم که سرمای آژاردهنده ه درجه زیر صفر را حس نمی‌کردم، شایداین برای نخستین بار بود کهباهمه قلب احساس کردم چقدر حرف‌ها را دوست دارم و باهمه گرفتاریها و فرازونشیبهای چقدر لذتبخش است.

راستی ما برای بچه های حمید چکار مهمی کرده بودیم، تنها نصف صفحه را به‌برادرهای آنها اختصاص‌داده و از مسئولین مربوطه تقاضا نموده بودیم که تلاش کنندحتی ازاین بچما شایع نشود.

مگر ما تابحال برای دهها تپو صداهای قهرمان سپه‌سیر نکرده بودیم، مگر برای شناساندن چهره های مختلف هزاران عکس رنگارنگ و هزاران جمله دلنیز چاپ نکرده بودیم و خیلی‌اوقات هم بدهکار بودیم، خلاصه نمیدانم چی بنویسم ولی حق شناسی و محبت خیلی لذتبخش است و سبب میشود انسان احساس کند، در قلبش رنگبارا بصدادآمده‌اند.

این روزها راهروی فدراسیون فوتبال بی‌شبهات به راهروی دادگستری یا بیمارستان‌های دولتی نیست، شلوغ و برهیاو، هر کس بدینال کاری و حل مشکلی در تخابو است ولی واقعت این است که اگر در پایان هرروز بررسی کنیم ثمره اینهمه تلاش و صرف انرژی چیست؟ زیاد شادمان نخواهیم بود، چرا که بیشتر تلاش برای باز کردن گره‌های کوبیده که خودمان بدست و پاهای خودبسته‌ایم!

درهر گوشه و کنار جلسات خودمانی و محرمانه تشکیل میشود و دو سه نفری باهم مشغول گفتگو و تبادل نظر می‌یاشند.

شبه شب هفته قبل در این شلوغی مامم مثل‌همیشه وارد شدیم. پس از لیندنها و سلامهای گرم و صمیمانه ولی کوتاه و بی توقع وگاهی گله‌گذاری‌های بعضی از دوستان که مطالب ما زیاد با طبع ریاضیه بودند.

ناگهان احساس کردم محاصره شده‌ام، گروهی گردم را گرفتند و چنان با اشتیاق بمن نزدیک شدند که قبل از آنکه بخود آیم، سرووویی غرق بوسه کرده بودند.

از جگاشان و از وجودشان محبت و صداقت می‌ریخت، چنان صمیمانه یکی، یکی دست مرا می‌فشردند که از خجالت داشتم آب میشدم. میدانید اینها کی بودند؟

بچه‌های تیم حمید، آنها که درتمام طول سال شایدما کمتر از دویار ناشان را در مجله‌نوشته بودیم!! آن شب کمیته قضائی فدراسیون فوتبال برای روشن شدن وضع تیمهای گروه اول تهران تشکیل جلسه‌داد و بهمین جهت مربی و سرپرست تیم حمید را برای روشن شدن مسائل مربوط دعوت کرده بودند و چون شب سرنوشت‌بود، اکثر فوتبالیست‌های این تیم نیز برای آگاهی از سرنوشت خود همراه هوشنگ ظفری مربی و سرپرست تیم حمید به‌فدراسیون آمده بودند و جمعیتی نیز در حاشیه پیاده‌رو مقابل دفتر امور مشترک فدراسیونها قدم می‌زدند و سرا را از یادبرده بودند.

پس‌از محبت فراوان و سیاست‌گزاری از همه کارکنان مجله، مربی حمید خیلی خیلی آهسته بر کار تکیه و گفت: برابر مادرویش هستیم و درویش هم جز صفاودوست، چیزی ندارد بدوستان هدیه کند. بخدا ما نمیدانیم چگونه و چطور باید محبت شمارا جبران کنیم، روی صفا‌میراندگی

تربیتون بی بلند گو!

همن شکفتن درباره هوت!

غیبه‌های نوشکفته باغ عطرانگیز فوتبال - بیش از هر زمانی آماج متکارچیان شطرنج‌باز، باشگاه‌ها قرار گرفته‌اند. شطرنج‌بازان ماهرو متفکر - که سان صیادان آژمند و فرصت طلب، روی سکوی استادیوم پیر امجدیه و سایر ورزشگاه‌ها کین کرده بودند و با تزیینی وهشیاری، حرکات و سکنات نوشکفتگان را می‌پایند، بعد از آنکه سرعت وفدت، جسارت و جنگندگی، تنکک و تبهر، و انعطاف بدنی و خیلی چیزهای دیگر نوسیدگان را بمحکزدند، بازی‌بامهرها را بمعددحربه بلندآوازی باشگاه‌ها، پول‌ورآمد دائم‌التزاید، و رنگ بیرمان‌های پایتخت، آغاز کرده‌اند - آب‌ها از آسیا افتاده، پایان لیگ‌سراسری فرصتی مفتت پیش‌آورده تا دریس برده‌ها، مهره‌ها به تغییر مکان ترغیب و تشویق شوند...

بگذرم. که این مطلبی بکر نیست - قصه غایب‌گیری است که سر درازی دارد، گرچه در همین هفته‌های اخیر، نوسندگان مجله، در فطرو نقل و انتقال باشگاه‌ها، مقالاتی دانشین برشته تحریر کشیدند، ولی، آنچه در این رهگذر، مخلص را وادار به نوشتن این یادداشت کرده، هجوبیشتر موج‌های انگیز به جمع پیرشان، تیم‌های شهرستانی است که هرگاه فرصتی برای خودنمایی می‌یابند، سخت در تیررس «جمع پیرشان‌شان، شطرنج‌باز» واقع میشوند و جان‌کلام‌اینگه، «جمع پیرشان‌شان، پیرشان‌تر و برآکندتر میشود... انگار، مربیان و سرپرستان

تیم‌های شهرستانی محکوم به این مجازات‌اند که: «غیبه‌هایی را با هزاران ریخ و مرارت، در باغچه‌های محفرو شروکو بر بهنه حس و خاشاک، پرورش دهند و بخصنه شوقانی و مرحله باروری برسانند و وقتی کار به مرحله اصلی و بهروری رسید، حاصل همه کوشش‌ها و ریخ و مرارت‌ها را برآین - و بی‌هیچ‌پاداش و ارمغانی، تقدیم شطرنج‌بازان ماهر بنمایند».

حقیقت اینست، در میان این آشفته‌بازار تغییر مکان مهره‌ها، فقط سیدیوشهای محسوب شمال - ملوانان - بودند که التمام بر زخم دل‌ناگرنده گذارند و خوش آمد از اینکه با شجاعت‌وشهامت و عزت نفس تمام، شطرنج‌بازان ماهرا و نواهیچین پاسخ گفتند که: «ما سیرنظمین و رگبیران باشگاه‌ها و تیم‌ها برآوازه باشگاه‌های تهرانی نمیشویم و دست بازرگب تیم یکدست خود نمی‌زیم».

این سخن - که در حقیقتش کمترین تردیدی نمیتوان کرد، سخن حق است و لایذ بارش بر همه‌کس سنگین، ولی که التمام بر زخم دل‌ناگرنده گذارند و خوش آمد از اینکه با شجاعت‌وشهامت و عزت نفس تمام، شطرنج‌بازان ماهرا و نواهیچین پاسخ گفتند که: «ما سیرنظمین و رگبیران باشگاه‌ها و تیم‌ها برآوازه باشگاه‌های تهرانی نمیشویم و دست بازرگب تیم یکدست خود نمی‌زیم».

این سخن - که در حقیقتش کمترین تردیدی نمیتوان کرد، سخن حق است و لایذ بارش بر همه‌کس سنگین، ولی که التمام بر زخم دل‌ناگرنده گذارند و خوش آمد از اینکه با شجاعت‌وشهامت و عزت نفس تمام، شطرنج‌بازان ماهرا و نواهیچین پاسخ گفتند که: «ما سیرنظمین و رگبیران باشگاه‌ها و تیم‌ها برآوازه باشگاه‌های تهرانی نمیشویم و دست بازرگب تیم یکدست خود نمی‌زیم».

این سخن - که در حقیقتش کمترین تردیدی نمیتوان کرد، سخن حق است و لایذ بارش بر همه‌کس سنگین، ولی که التمام بر زخم دل‌ناگرنده گذارند و خوش آمد از اینکه با شجاعت‌وشهامت و عزت نفس تمام، شطرنج‌بازان ماهرا و نواهیچین پاسخ گفتند که: «ما سیرنظمین و رگبیران باشگاه‌ها و تیم‌ها برآوازه باشگاه‌های تهرانی نمیشویم و دست بازرگب تیم یکدست خود نمی‌زیم».

این سخن - که در حقیقتش کمترین تردیدی نمیتوان کرد، سخن حق است و لایذ بارش بر همه‌کس سنگین، ولی که التمام بر زخم دل‌ناگرنده گذارند و خوش آمد از اینکه با شجاعت‌وشهامت و عزت نفس تمام، شطرنج‌بازان ماهرا و نواهیچین پاسخ گفتند که: «ما سیرنظمین و رگبیران باشگاه‌ها و تیم‌ها برآوازه باشگاه‌های تهرانی نمیشویم و دست بازرگب تیم یکدست خود نمی‌زیم».

جورج اسکینر و حشمت مهاجرانی در مورد تیم ملی جوانان در مسابقات جوانان آسیا در بهار گذشته بود و بدلیل همین موفقیت کاری ایندو در گذشته بوده که اکنون در آستانه مسابقات جوانان آسیا در بانکوک، باز هم اسکینر در کنار مهاجرانی بخدمت تیم جوانان گمارده شده است.

با ایحال همانطوری که رفت در تمام دفعات گذشته‌ای که یک مربی خارجی عهده‌دار کار رهبری تیم ملی ما شده، هرگز تجربه‌ای خوب و موفقیت باز در کار تیمی نداشته‌ام اما در این میان یک امتیاز، و آن سازندگی و تجربه بهتر مربیان خارجی را بجهت آشنائی و تجربه در فوتبال‌های پیشرفته تر دنیا نمی توان انکار کرد و در شرایط کنونی چیزی که ما نه در سطح تیم ملی بل در سطح عمومی فوتبال خود خاصه فوتبال باشگاهی بدان بیش ازهرچیز نیاز داریم، همین مساله است.

و چه بهتر که همیای تمام تلاش‌هایی که با ترتیب‌دادن مسابقات جام تخت جمشید برای تولد عمومی یک فوتبال نو پایه در این سرزمین آغاز شده با گماردن مربیان خارجی موجود نظیر اسکینر یا مک لنان در تیم‌های باشگاهی بخصوص تیم‌های شهرستانی، در راه سازندگی بازیکنان و تیم‌های جوان خود و آشنائی آنها با فوتبال امروز دنیا نیز بکوشیم.

در اینمورد - یعنی داشتن مربی خارجی برای تیم باشگاهی تجربه بدست آمده طول چند سال اخیر با حضور رایکوف در تاج یا راجرز در پرسپولیس، خوشبختانه نتیجه درست عکس آجیز است که مربیان خارجی با تیم ملی داشته‌اند، چه تصدیق می کنید که تاج و پرسپولیس از هر نظر بخصوص تربیت و رشد بازیکن، تحت رهبری مربیان خارجی خودتیم‌های موفقی بوده‌اند.

در حالیکه یک مربی تیم ملی هرگز وظیفه‌ای برای ساختن بازیکن یا آموختن تکنیک و رموز فوتبال ندارد، بلکه رهبر تیم ملی مواره با پیش آمدن هر مسابقه‌ای وظیفه اصلی‌اش دستچین کردن بهترین نفرات موجود از تیم‌های باشگاهی و اندیشه برای بهترین ترکیب آنها و دیگر تاکتیک‌های تیمی برای کسب پیروزی در یک یا چند مسابقه معهود است. و مسلما وقتی که یک مربی برجسته و شناخته شده ایرانی در مقام مربی تیم ملی فرد مسئول باشد، از هر نظر: شناخت روحی، شرایط خاصه هم زبانی - امکانات بیشتری برای نزدیکی با بازیکن و درک آنها یا تفهیم افکار و نقشه‌های خود بدانها خواهد داشت.

البته مربیان خارجی را که با سال‌ها اقامت و کار در اینجا، بجز آزمایش تجربی و اعتبار خوب خود در مقام یک مربی، شناخت وسیع و کاملی نیز در حد یک مربی خودی از فوتبال و بازیکنان ما یافته یا می یابند، می توان مستثنی دانست و چه بسا که یک مربی خارجی پس از طی این دوره چندین ساله - کار اولیه و موفقیت بار با یک تیم باشگاهی، بتواند مقام مربیگری تیم ملی آن سرزمین را احراز کند. نظیر ریل رازیک مربی موفقی و یوگوسلاو تیم ملی استرالیا که پس از چندین سال تجربه باشگاهی، به سمت مربی تیم ملی این کشور انتخاب گردید.

جائی صحبت از این بود که جورج اسکینر مربی انگلیسی فدراسیون فوتبال از فصل آبی مسابقات جام تخت جمشید بعنوان مربی در خدمت تیم صنعت نفت آبادان خواهد بود. از اینکه این مطلب تا چه حد صحت دارد بدرستی اطلاعی ندارم. اما آگاهی از همین گفته باعث شد که ملی این مختصر موضوعی در همین زمینه را استجا مطرح کنم.

بیاد داشته باشید فدراسیون فوتبال زمانی اقدام به استخدام همین مربی انگلیسی کرد که هدف خدمت گرفتن او برای تیم ملی بود. درست نظیر موقعیتی که اکنون دانی مک‌لنان مربی اسکاتلندی و دیگر فدراسیون فوتبال دارد. اما عملا و به تجربه دیدم اسکینر آن کسی که ما برای سپردن کار رهبری تیم ملی خود بدنبالش هستیم نیست و بدین خاطر با تصمیم بعدی مسئولان فدراسیون، اسکینر از کادر تیم ملی کنار نهاده شد و مامور تربیت مربیان و تشکیل کلاس‌هایی بهمین منظور گردید.

البته سرنوشتی که اسکینر از نظر کار با تیم ملی ما پیدا کرد، سرنوشت تازه و نا آشنائی نبود. چه در گذشته نزدیک ایگورتو روسی نیز بهمین درد مبتلا شد و پس از آزمایش تلخ مسابقات فوتبال بازیهای المپیک آسیائی سال ۱۹۷۰ راهی وطنش شد.

پیش از نتو نیز مربی خارجی دیگری که در خدمت تیم ملی ما در آمد، رایکوف مربی یوگوسلاو و کوونی باشگاه تاج بود که او نیز درگیر و دار سرنوشتی مشابه پس از شکست ۴-۰ تیم ملی برابر ترکیه در مسابقات جام عمران منطقه‌ای سال ۱۳۴۸ در آنکارا، عملا اعتماد و اعتباری را که پیش از شناخت کوونی کار او بیش‌بینی می شد از دست داد و بناچار از کار رهبری تیم ملی کناره گرفت.

و حالا بنظر میرسد همان داستان کهنه و قدیمی برای این یکی یعنی دانی مک لنان اسکاتلندی نیز در شرف تکرار است. بخصوص با انتخاب اخیری که فدراسیون فوتبال با انتخاب ۲ دستیار دیگر برای او انجام داده است.

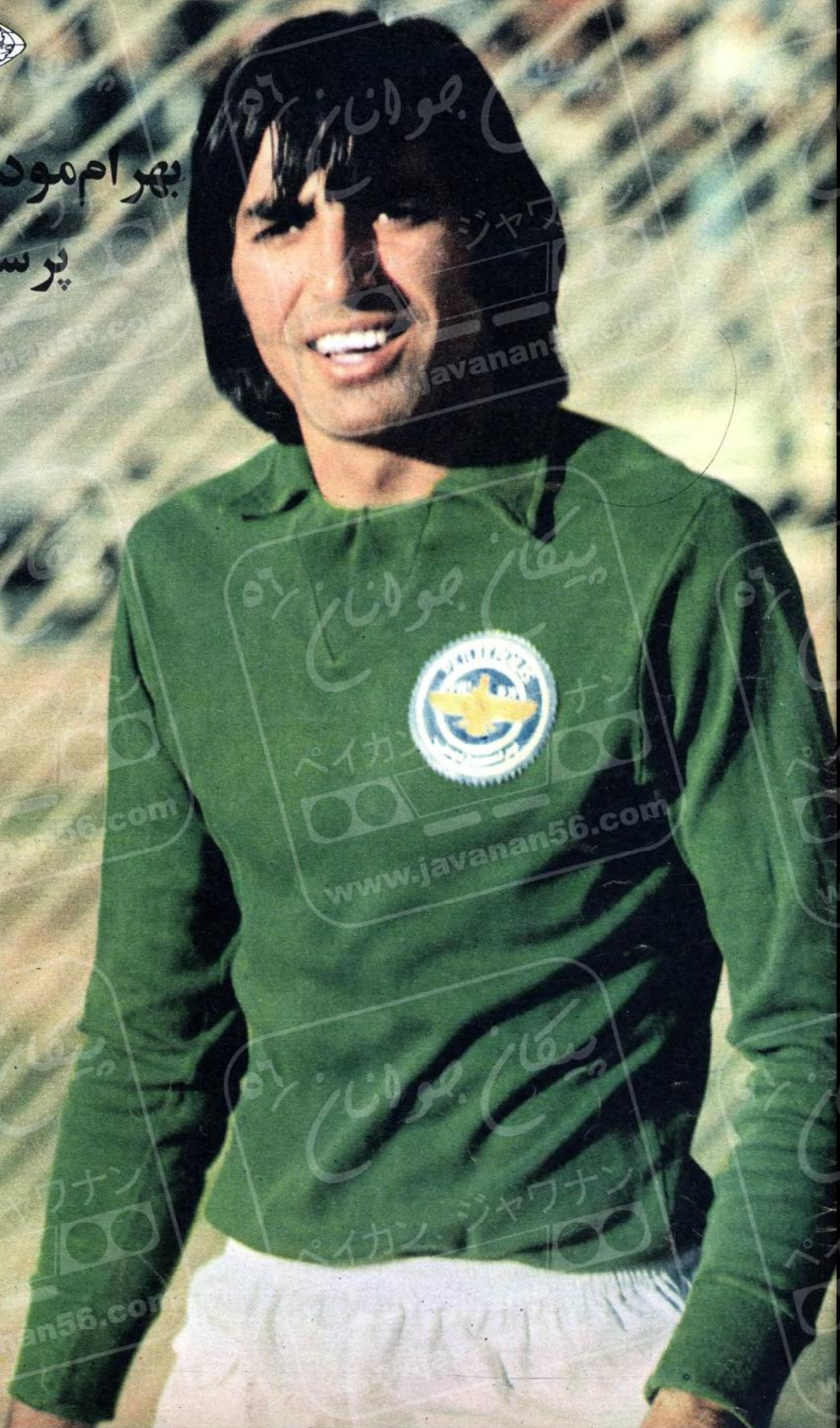
شاید اینگونه پیش بینی منفی کردن در مورد کار کسی که هنوز بدرستی آزمایش خود را نداده است کاری درست نباشد. ولی معتمد که گذشته از بررسی شرایط مشابه گذشته در مورد کسانی که ذکر شد، رایکوف، نتو و اسکینر، اصولا موقعیت و شرایط موجود فوتبال ما در کادر ملی نمی تواند با یک مربی خارجی و نا آشنا به ماهیت وجودی و روحی بازیکنان، موقعیتی داشته باشد. مگر اینکه این مربی خارجی در مقابل نفرات ملی صرفا نقش یک تمرین دهنده را داشته باشد و یک مربی ایرانی دیگر در کنار این مربی خارجی کار انتخاب و آرایش تیم در مسابقات را برعهده بگیرد و در حقیقت تصمیم گیرنده اصلی او باشد که در آنصورت نیز به جهت تضاد‌های احتمالی فکری و عقیدتی بین ایندو، در انتظار نتیجه صد درصد ایده‌آلی نمی توان بود. گرچه تاکنون در جمع دفعاتیکه که مربی خارجی برای تیم‌های ملی ما بخدمت گرفته شده است، این شیوه کار موفقترین روش بوده و مثال خویش همکاری



علی جبّاری و اصغر شرفی کاپیتان های تاج و پاس



بهرام مودت دروازه بان پر سپولیس



چهره‌های برتر فوتبال ایران

یک سنت هیجان انگیز



دکتر محمد توکل

مقیاس اندازه‌گیریها برای انسان کمتر می‌تواند خلی از تمایلات شخصی و شناختهای ذهنی و در نتیجه‌ایس و پذیرشهای عاطفی باشد. بدین‌روزی از آنجاکه همیشه پذیرفته‌ام وجود ناقص بهتر از عدم صرف است. در هر پیدایشی با مقیاسهای متفاوت مطلق بودن احساس تولدی تازه در آن پیدایش دارم.

در کار گزینش بهترینهای ورزش فوتبال بی تردید این‌بازتاب عاطفی را در وجود منسیرن بزرگ فارماری نیز می‌توان دید. آنها که برای انتخاب مرد برتر فوتبال اروپا گرد می‌آیند یا آنها که بهترین فارماری را پیدا میکنند.

در این راه فراوان شنیده‌ام که حتی نتایج مسابقات در خیلی از موارد با زوکی حقیقت مطلق

نبوده است و حوادث، ترازی و واقعیت را نا هم‌آهنگ کرده‌اند ولی حساب گنای ورقم و اعداد تیم فاتح را مشخص کرده، فاتحی که در اکثر اوقات شایستگی برتری را نداشته است.

بازارگوی این مسائل ضمن آنکه تقویت‌کننده فکر انتخاب مردسال فوتبال بوسیله‌دنیای ورزش در نخستین‌دور، شاید پیش از همه خود من بودم از آرزو دارم نه از آن‌جهت که در این راه پام‌گذارم، بلکه برای بقای یک سنت هیجان‌انگیز و امیدبخش که معیار تازه‌ای برای تلاشها می‌سازد این روش پایدار بماند.

باشناختی که از من دارید بی تردید وابستگی‌های به سمت پرسپولیس بیشتر از سایر تیم‌هاست ولی در حدلاتی ممکن برای یک‌انسان در حد خودم کوشیده‌ام برای بقای این‌هیجان و این تولدها در دیرمندی چهره‌های برتر حداقل اعتماد شخصی خود را به خود در یک‌آزمایش اجتماعی اندازه‌گیری‌کنم و آرزو دارم هر قدر بیشتر در بازگویی این واقعیت قادر باشم از مسائل عاطفی فاصله بگیرم.

بهترین دروازه‌بانان: ۱- ناصر حجازی تا ج ۲- بهرام مودت پرسپولیس ۳- رضا قفل‌ساز پاس ۴- هادی طابوسی پرسپولیس ۵- فرامرز صابری بانک ملی

حجازی و مودت را در میان دروازه بهر علت سبک‌خاص حرکت، بازتابها، خصوصیات جسمانی و بیداری بیشتر از دیگران می‌پندم ولی از این دو طول فصلی که گذشت حجازی درخشان‌تر بود.

دروچود او می‌توان یک دروازه‌بان ایده‌آل را چسبجو کرد، جنگندگی - فکر خوب - قدرت عکس‌العمل فراوان - شرایط خوب جسمانی و نیروی جوانی همه چیز را به هم دارد منتها عاریت انتخاب او بعنوان بهترین در این فصل معتمد حجازی کمتر از گذشته خود را نشان میدهد و این شاید دلیل آنست که از فوتبال سرد شده و امروز همه وجودش فوتبال نیست و اگر چنین باشد من برای فوتبال ملی متاسفم

و برای خودحجازی، بهترین مدافعین: ۱- جعفر کاشانی پرسپولیس ۲- اکبر کارگرجم تاج ۳- ابراهیم آشتیانی پرسپولیس ۴- مسیح مسیحینا پرسپولیس ۵- بهمن صالحینا ملوان

کاشانی و کارگرجم از چهره‌های روزهای دور و نزدیک با موجودیت تیمی و درخشان‌تری در جمع مدافعین بهترین هستند در حالیکه نورسیده‌ای چون مسیحینا را نیز نباید از یاد برد که در سالهای آینده می‌تواند موجودیتی تازه به فوتبال ما بدهد.

دو یادشده نخست هردو با خصوصیات خوب روحی - متانت و ادب فراوان در فوتبال مسا شکل گرفته‌اند. هردو استوار - هردو فداکار و بر تلاش و هردو متعصب و جنگنده و طول فصل شاید این‌دو از جمیع جهات بدون نزول و باداموت کافی ظاهر شدند.

ولی در این میان سماعت و تجربه کاشانی برآب بیشتر از حریف است و یادآوری این مسئله که کارگرجم در گوش حمایت بیشتری از جانب هافبک‌ها و مدافعین میانی دارد و اینکه کاشانی قلب بی آرام حملات حریفان در میانه خط دفاعی است سبب میشود کاشانی را در این خط بالاتر قرار دهیم.

هافبک‌ها: ۱- علی جباری تاج ۲- محمد صادقی پاس ۳- پرویز قلیچ‌خانی عقاب ۴- ایرج سلیمانی پرسپولیس ۵- علی پروین پرسپولیس

جباری روی ضربه‌های کاشانی از فاصله‌دور همیشه نشانه‌های استثنائی ارائه کرده است، تسلط روی توپ و برگشت آوردن گروه حمله و کمک به مهره‌های اطراف خود را با پاسهای سازنده کمتر فراموش میکند و از آن گروه است که بجای آنکه احتیاج داشته باشد با کمک دیگران به کار افتد، خودش تیم را به کار می‌اندازد.

صادقی خیلی کم با بهترینهای این زمان مادر خط میانی فاصله دارد ولی چهره‌ای دوگانه داشته است و گاهی در میدان تماشاگر فراموش

میکند او یک مهاجم است ایک مهرمیانی، بهترین مهاجمین: ۱- حاج رحیمی پرسپولیس ۲- مسعود مردهی تاج ۳- رضا عادلخانی تاج ۴- همایون بهزادی پرسپولیس ۵- غفور جهانی ملوان

در این جمع خصوصیات متفاوت است و غیر قابل اندازه‌گیری. تنها حاج رحیمی پوررامیتوان با مزدهی سنجید، عادلخانی با تکنیک و مسلط بر توپ است، بهزادی یک مهاجم سازنده و موفق در توبهای هوایی است ولی در این زمان همه هستی و دانشتهای خود را نمیتواند ۹۰ دقیقه به بازی بگیرد و طول فصل مداوم باشد.

غفور در یک تیم شهرستانی روی شناختهای عاطفی نه کار تکنیکی موفق شده خود را نشان بدهد ولی طول فصل آینده می‌توان شهادت داد که این درخشش موسمی بوده یا پایدار.

حاج رحیمی پور و مزدهی را از آن جهت که تولدی نو در خط حمله ما هستند بالاتر از دیگران قرار داده‌ام و بیشتر از آن جهت که هیچ مدافعی در کنار این دو آرامش ندارد و حداقل اگر قدرت روحی فراوان داشته باشند میتوانند به آنها چشم‌پود و مسیریاری و کمک به دیگران را باید فراموشی سیارد.

این هر دوجوان، پروان و سخت جنگنده هستند ولی حاج رحیمی پور بی‌باکتر است و چون بولندوزی میماند که توقف نمی‌شناسد، به گمان من او اگر طول دودیدار پایان بازی قادر بود خودش باشد بیشتر از این جای حرف داشت.

رمدبندی مردسال: ۱- جعفر کاشانی پرسپولیس ۲- اکبر کارگرجم تاج ۳- اسماعیل حاج رحیمی پرسپولیس ۴- علی جباری تاج ۵- ناصر حجازی تاج

درباره هر کدام از این برگزیدگان در بسنه‌ای خود گفتگو کرده‌ام دوست شما - محمد توکل

نمی‌توان خالی از اشتباه عمل کرد!

رضا عادلخانی یکی از با کلاس‌ترین بازیکنان فوتبال ایران است او از شلیکهای سنگین و کهنظری با پای چپ برخوردار است و ایس کار را بدون فشار و دورخیز انجام میدهد، تسلط علی در ژدن دریل و عبور از حریف و پاسهای دقیق در هر شرایط از خواص بازی عادلخانی مهاجم خوش اخلاق تیم تاج است.

او همیشه در گوش بازی کرده در حالی که با خواص یاد شده و تمایل خودش بهزادی در میانه میدان در هافبک چپ نیز می‌تواند بازی کند، عادلخانی به تازگی جنگندگی را نیز چاشنی بازیاش کرده و حریفان را بیش از پیش بزهت می‌شود زیرا شوت‌های او با هردو پا یکی از بازیکنان خوب تیم ملی ایران بود.

کارگرجم گهگاه که در دفاع کنار بازی میکند در حالی نفوذی بازیکنی خطرناک برای دروازه حریف میشود زیرا شوت‌های او با هردو پا بسیار سنگین است و در مسابقه با تیم ملی سوریه با همین موهبت به یاری تیم ملی ایران در آخرین لحظات مسابقه آمد و گل حیاتی را برای پیروزی به شمر رساند.

بامید موفقیت شما، فریدون شیبانی

پرسپولیس ۵- علی شجاعی از نوب‌آهن، اکبر کارگرجم مدافعین تاج ضمن برخورداری از متانت و حجب لازم برای ورزشکاری واقعی، از مدافعی است که هرگز نزول نکرده و در طول جام تخت جمشید پایه محکم دفاع تیم بوده است او از شجاعت، تحرک و روحیه عالی برخوردار است و همیشه اعتماد به نفس کامل به مقابلہ خطر می‌برد، از آنجا که در جام تخت‌جمشید اکبر کارگرجم بماند جعفر کاشانی از مهره‌های ثابت و خوب حمایت‌کننده در خط دفاع تیم بهرمنند نبوده، با اختلافی اندک در رده اول قرار دارد.

بهترین هافبک‌ها: ۱- علی پروین از پرسپولیس ۲- محمد صادقی از پاس ۳- پرویز قلیچ‌خانی از عقاب ۴- علی جباری از تاج ۵- ایرج سلیمانی از پرسپولیس

علی پروین با تکنیکی استثنائی و مهارت عالی در کنترل توپ و دریل از پدیده‌های فوتبال ایرانست، او ضف، درگیری سخت و خشن با حریف و بازی روی توبهای هوایی را با ویژگی‌های یاد شده کاملاً پوشانده و در هر تیمی کارساز است.

علی پروین در شب کوبنده بازی پرسپولیس با پاسهای دقیق و حساب شده که کم‌ابزارش ناشی میشود سازنده بسیاری از گل‌های تیمش میباشد.

بهترین مهاجمین: ۱- رضا عادلخانی از تاج ۲- اسماعیل حاج رحیمی پور از پرسپولیس ۳- غفور جهانی از ملوان ۴- اصغر شرفی از پاس ۵- محمود ساطری و ایرج دانائی فر از عقاب

انفرادی منصفانه و نزدیک به حقیقت نخواهد بود چه مثلا در همین دروازه جام تخت‌جمشید نیمی از مسابقات در شهرستانها انجام شد و نجی یا غروب بازیکنان دور از چشم مابوقوع افتاد و در این رهگذر پیش از همه شهرستانها منحل ضرر میشوند.

از سوی دیگر هر فرد در هر موقعیت، هر چند که بکوشد نمیتواند خالی از اشتباه بهترین‌ها را برگزیند، با اینکه معترفم این گزینش نیز با شرایط و ضوابط موجود پیچیده منطقی و صحیح نیست ولی نظر به احتیاطی که به گردانندگان آن‌مجه دارم برگزیدگان را بهر سزایر اعلام میکنم، امیدوارم تا حد امکان به واقعیت کلمه «بهترین» و بهترین‌ها نزدیک باشد.

بهترین دروازه‌بانان: ۱- رضا قفل‌ساز از پاس ۲- ناصر حجازی از تاج ۳- بهرام مودت از پرسپولیس ۴- فرامرز صابری از بانک ملی ۵- هادی طابوسی از پرسپولیس

دلیل انتخاب بهترین دروازه‌بانان: رضا قفل‌ساز دروازه‌بان تیم پاس یکی از مطمئن‌ترین دروازه‌بانان جام تخت جمشید بود که در کلمه مسابقات حساس حضوری موثر داشت، او از جایگیری خوب - جهش‌های سریع و بویوق و خوشسردی بهرمنند است. قفل‌ساز در رقابتی که با ناصر حجازی و بهرام مودت دو دروازه‌بان ملی‌پوش ایران داشت، بخاطر نزول نسبی ناصر حجازی با دوران آوج و همچنین غیبت در چند مسابقه بخاطر مصدومیت توانست در رای‌گیری من در جای اول بایستد.

بهترین مدافعین: ۱- اکبر کارگرجم از تاج ۲- جعفر کاشانی از پرسپولیس ۳- مسیح مسیحینا از پرسپولیس ۴- ابراهیم آشتیانی از



فریدون شیبانی

با تشکر از مجله وزین دنیای ورزش آرزو دارم در راه سازندگی بهتر فوتبال و ورزش ایران که هدف همه ماست همواره موفق باشید، تردید نیست که گزینش بهترین‌ها در هر رشته باعث تسویق و دلگرمی ورزشکاران و پرورش ساختن میدان رقابت در محدوده نام ورزش میشود.

ولی مناسفانه این انتخاب هیچگاه بطور



لیبروئی در حد عالی

مرد سال فصلی که گذشت نیز روی همین انگیزه انتخاب خواهد شد، در فصلی که گذشت بازیکنان نوحه‌ساخته و جوان و چهره‌های از راه رسیده فراوان داشتیم که مسلماً در سال‌های آینده با کسب تجربه بیشتر بیش از پیش از آنها سخن خواهد رفت.

ولی باز صحبت از مردان کار آمد و با تجربه پیش می‌آید که سنگینی و فشار تیم را متحمل شده و نیز موجب دلگرمی و پشتیبانی و تقویت روحیه جوانترهای فوتبال شده و سبیل اجتماع خوش‌محسوب میشوند.

جعفر کاشانی که در تیم پرسپولیس ولی در پست یک میانی نقش آفرین است بخاطر تجربه و پختگی و فرم عالی که سال‌های گذشته نیز در همه حال دیده‌ایم نشان داد که بهترین بازیکن لیبرو، ایران یعنی یک میانی آزاد، رهبر خط دفاعی و پشتیبان خط میانی و سازنده‌ترین پاس‌ها برای یاران خود می‌باشد.

دیده شده که این جوان سپید موی با بهت‌ناز نزدیک دروازه حریف تاخته و یاران خود را در موقعیت گل قرار داده همچنین مدبر و رهبر خط میانی و خنثی کننده تمام حملات تیم حریف است.

خصوصیات فردی این بازیکن ممتاز،



محمود یاری

انتخاب مرد یا مردان سال که در تمام کشورها از طرف مطبوعات ورزشی متداول است عاملی است برای پیاپی و بهتر شدن موجودیت‌های یا کارگروهی تیمها.

خوب و عالی خط حمله قرار می‌دهم و اگر در این فصل او نتوانست در حد ایده‌آل ظاهر شود دلیل آن بود که در کار رهبری تیم نیمی از موجودیت خود را به تیم هدیه کرده بود.

رده بندی دروازه‌بانان: ۱- رضا قفلساز پاس ۲- ناصر حجازی تاج ۳- فرامرز صباچی بانک ملی ۴- محمد برزمری سپاهان اصفهان ۵- اکبر مالکی عقاب.

مدافعین: ۱- جعفر کاشانی پرسپولیس ۲- اکبر کارگر جم تاج ۳- مسیح مسیحینا پرسپولیس ۴- علی شجاعی ذوب‌آهن ۵- مسعود تاش سپاهان.

هافبکها: ۱- پرویز قلیچ‌خانی عقاب ۲- محمد صادقی پاس ۳- علی جباری تاج ۴- علی پروین پرسپولیس ۵- محمد شیرزادی ذوب‌آهن.

فوروادرها: ۱- اصغر شرفی پاس ۲- اسماعیل حاج رحیمی پور پرسپولیس ۳- رضا عادلخانی تاج ۴- پرویز میرزا حسن پاس ۵- سیاوش حیدری ذوب‌آهن.

مرد برگزیده فوتبال سال: ۱- جعفر کاشانی پرسپولیس ۲- پرویز قلیچ‌خانی عقاب ۳- محمد صادقی پاس ۴- اکبر کارگر جم تاج ۵- اصغر شرفی پاس.

باعرض تشکر - محمود یاری

دید عالی در توپ رسانی - خونسردی در مقابله با حریفان یا به توپ، تجربه و پختگی و انضباط کامل ورزشی و از لحاظ زندگی اجتماعی، مردیست کامل و برقرار و بهین دلیل او را بعنوان بهترین بازیکن ایران انتخاب میکنم.

از دروازه‌بانان، رضا قفلساز بخاطر دفاع از دروازه پاس در حالی که خط دفاعی این تیم بخاطر از دست دادن حسن حبیبی غفلت با کم تجربه‌گی و از هم پاشیدن روبرو شد و اگر چه از لحاظ درخشش بعدی موجودیتی دلپذیر از خط دفاعی این تیم دیدیم ولی تا زمان هم آهنگی قفلساز کاری بیشتر از قدرت یک دروازه‌بان انجام داد.

در جمع مدافعین نیز همچنان کاشانی برتر از دیگران است و خصوصیات او را در گزینش مرد سال فوتبال برشمریم.

پرویز قلیچ‌خانی را بعنوان بهترین هافبک معرفی میکنم، بخاطر کامل بودن و داشتن خصوصیات یک فوتبالیست کامل با روحیه جنگندگی عالی بقدرت خوب و شوت با هر دو پا.

و در میان فوروادرها مسلماً اصغر شرفی بخاطر تجربه و قدرت رهبری عالی و قدرت جسمانی و جنگندگی همیشگی و بدین روست که هنوز او را در درجه بازیکنان

همچنان استوار بود.

علیرضا عزیزی گرچه در مسابقات سراسری نبود این بدان معنی نیست که در فوتبال نبوده - بر تحرک - پر قدرت - انعطاف پذیر و بانگینگ فردی بسیار سودمند چیزی که هافبکهای تیمهای بزرگ کمتر از آن برخوردار بودند و بهین دلیل او را بعنوان هافبک برگزیده انتخاب میکنم.

در گروه حمله رضا عادلخانی و حاج رحیمی‌پور موجودیتی تاز میرای فوتبال ما بودند، عادلخانی با کلاسی برتر از دیگران و حاج رحیمی‌پور با تحرک چشمگیر.

در گروه مرد سال همچنان به کارگر جم اشاره میکنم آمادگی و در خدمت بودن او برای تیم باشگاهی و ملی، آمادگی و خوب بودن او در تمام سال - موش بودن در تیم ملی و باشگاهی خود - با تکنیک و آمادگی خوب - با انضباط - وفادار و متعصب.

باین ترتیب ردمبندی کلی به این شکل است:

حذف تیم ملی فوتبال ما از جام جهانی در حالی که برگزیده گروه همان استرالیا بود، نشان داد که بیش از هر وقت دیگر احتیاج به دگرگونی تیم ملی داریم و جام تخت جمشید بهترین کمک برای پیدا کردن جوانان لایق و مستحق بود که از سراسر ایران در این آزمایش قرار داشتند و امیدوارم درخشش برترها در مقیاسهای متفاوت سبب شود تیم امید و والفیه و مبه ملی بیش از پیش به چشم آید ولی در جهت برگزیده بهترها در گروه دروازه‌بانان ناصر حجازی را انتخاب میکنم ولی رویهم سال قبل را سال نزول دروازه‌بانها به حساب می‌آورم که با همه رویدادهای حجازی همچنان بهتر بود.

بی‌شک کارگر جم در جمع مدافعین ما بهترین است زیرا فوتبالیستی است که ابتدا به قانون و شخصیت همگان احترام می‌گذارد و بعد به بهتر بودن.

در هر شرایطی سخت مومن است و این را با عمل نشان داده و کاشانی نیز بعد از نزول دو دوره قبل در این دوره



مجتبی کرد نوری

جام تخت جمشید و تازه‌ها

دروازه‌بانان: ۱- ناصر حجازی تاج ۲- بهرام مودت پرسپولیس ۳- رضا قفلساز پاس ۴- فرامرز صباچی بانک ملی ۵- علی صیاد ملوان.

مدافعین: ۱- اکبر کارگر جم تاج ۲- جعفر کاشانی پرسپولیس ۳- امصادی بانک ملی ۴- کریم غیاثی راه‌آهن ۵- علی شجاعی ذوب‌آهن.

هافبکها: ۱- علیرضا عزیزی هما ۲- علی جباری تاج ۳- ناصر سلیمی پاس ۴- ایرج سلیمانی پرسپولیس ۵- حسن مرادی عقاب.

مهاجمین: ۱- رضا عادلخانی تاج ۲- اسماعیل حاج رحیمی‌پور پرسپولیس ۳- ایرج دانانی فرد عقاب ۴- علی نیاکانی ملوان ۵- محمود ساطری برق.

مرد برگزیده سال: ۱- اکبر کارگر جم و رضا عادلخانی تاج ۲- جعفر کاشانی پرسپولیس ۳- اسماعیل حاج رحیمی‌پور پرسپولیس ۴- ناصر حجازی تاج ۵- باعرض تشکر - مجتبی کردنوری

رده‌بندی کلی تا پایان هفته چهارم

رده‌بندی هافبک‌ها: ۱- محمد صادقی از پاس با ۴۸ امتیاز ۲- علی پروین از پرسپولیس و پرویز قلیچ‌خانی از عقاب مشترکاً با ۴۲ امتیاز ۳- علی جباری از تاج با ۴۲ امتیاز ۴- ایرج سلیمانی از پرسپولیس با ۳۰ امتیاز ۵- ردمبندی مهاجمین: ۱- رضا عادلخانی از تاج با ۶۹ امتیاز ۲- اسماعیل حاج رحیمی‌پور از پرسپولیس با ۶۸ امتیاز ۳- غفور جهانی از ملوان و علی نیاکانی از ملوان با ۲۴ امتیاز ۴- مسعود مودهی از تاج با ۲۱ امتیاز.

ردمبندی دروازه‌بانان: ۱- ناصر حجازی از تاج ۸۶ امتیاز ۲- رضا قفلساز از پاس با ۵۲ امتیاز ۳- بهرام مودت از پرسپولیس با ۴۲ امتیاز ۴- هادی طاووسی از پرسپولیس با ۲۸ امتیاز ۵- فرامرز صباچی از بانک ملی با ۲۲ امتیاز.

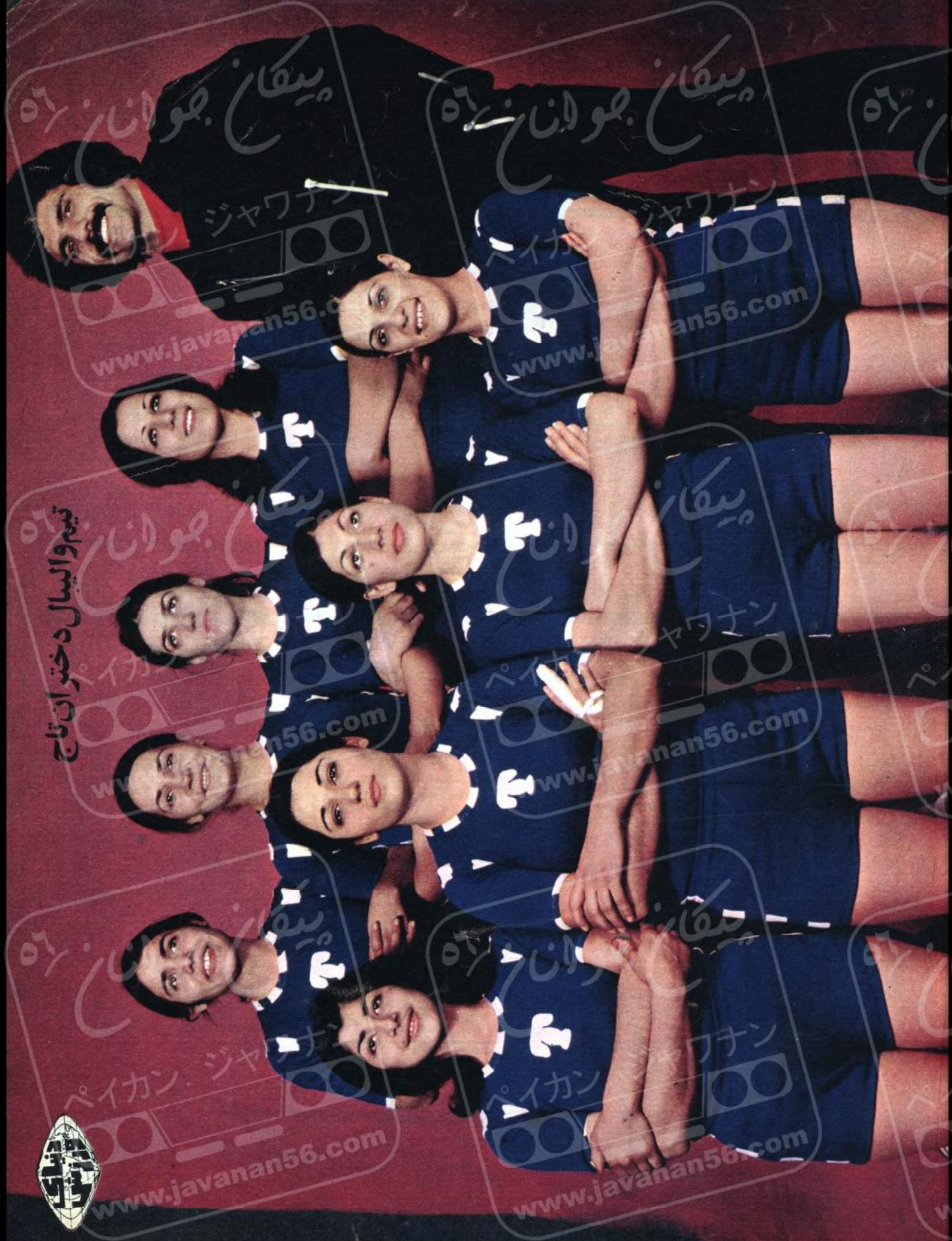
ردمبندی مدافعین: ۱- اکبر کارگر جم از تاج با ۷۷ امتیاز ۲- جعفر کاشانی از پرسپولیس با ۴۸ امتیاز ۳- ابراهیم آشتیانی از پرسپولیس با ۲۸ امتیاز ۴- مسیح مسیحینا از پرسپولیس با ۲۷ امتیاز ۵- پرویز قلیچ‌خانی از عقاب با ۲۰ امتیاز.

امتیازهای پینست آمده تا پایان هفته چهارم برای هر گروه به این ترتیب میباشد که تا مقام پنجم را چنانچه کنیم، این جدول هر هفته با احتساب امتیازهای تازه تنظیم خواهد شد.

مرد سال فوتبال ایران: ۱- اکبر کارگر جم با ۵۳ امتیاز ۲- رضا عادلخانی با ۴۶ امتیاز ۳- جعفر کاشانی از پرسپولیس و ناصر حجازی از تاج مشترکاً با ۳۲ امتیاز ۴- پرویز قلیچ‌خانی با ۲۹ امتیاز از عقاب.



تیم والیبال دختران تاج



یک دقیقه تمام ، علی زیر فشار وحشتناکی بود و طول این مدت حتی یک ضربه به حریف نزد . راند هشتم چون راند قبلی گذشت ، در راند نهم علی که بنظر میرسید اندکی استراحت کرده است و نفسی تازه کرده به حمله پرداخت

فریزر بازانوهای لرزان

دو چپ و راست او در اواخر این راند ، زانوهای فریزر را لرزان ساخت ولی در پایان یکی از داوران علی را ۶-۷ پیروز دانست و دو داور دیگر به سودفریزر رای دادند .

علی صورت حریفش را به ماسکی از خون مبدل ساخته بود که در آن تنها دو روزنه برای چشمهای دیده میشد اما فریزر موفق شد دوباره سلطه‌یاد و باچند هوک علی را عقب براند .

در دوازدهمین روند فریزر کاملاً برتری داشت و علی را زیر ضربات بی‌امان خود گرفته بود . اما او همچنان پایداری و استقامتی میکرد .

در روند سیزدهم معجزه رخ داد و رقص پای علی بازگشت و داوران در این راند و روند چهاردهم پیروزی را به او دادند !

در آخرین راند علی باتمام وجود برای «ناک‌دان» کردن فریزر تلاش میکرد ، زیرا تنها شانس پیروزی او همان بزائو در آوردن حریف بود .

حملات علی بی‌امان مینمود اما این فریزر هشیار و آماده بود که از یک فرصت مناسب سود برد و باضربه چپ علی را سرنگون ساخت !

همه حاضرین ایستاده بودند

همه حاضرین در سالن مادیسون اسکوئر گاردن نیویورک بر روی پایهای خود ایستاده بودند ، جز محمد علی که برکف ریگ افتاده بود !

لوله‌ای در میان جمعیت موج میزد ، همه شکست قهرمان مسلمان را به چشم میدیدند . علی مصدوم و گیج تنها به‌اتکاف‌نیروی درویش بی‌اخاست و اجازه نداد به‌سابقه با ناک اوت خاتمه یابد .

بالاخره پس از پایان پانزده روند داوران به‌پیروزی فریزر رای دادند . رانی که با اعتراض شدید محمد علی روبرو شد اما هیچگاه تغییر نکرد در حالیکه در این مساله تردید بود که آیا برآستی فریزر مرد پیروز این نبرد بوده باشد ؟

فریزر در بیمارستان

بلافاصله پس از اعلام رای داوران ، فریزر باصورت خون آلود و چشمهای نیمه‌باز روانه بیمارستان شد و یک هفته بستری بود .

فریزر مدتها استراحت کرد و سپس با حریفانی ناآشنا و ضعیف روبرو شد و سرانجام جورج فورمن به راحتی او را در دم شکست اما از سوی دیگر علی نیز دیگر آن مشت زنی نبود که درباره‌اش میگفتند : چون پروانه میرقص و چون زنبور نیش میزند ! چون فریزر بالهای این پروانه را کنده بود و دهان پرگویش نیز بوسیله مشت زن ناشناسی بنام کن نورتن بسته شد و علاوه بر مغلوب شدن فکش نیز شکست !

اما کلی بهر شکل در یک دیدار انتقامی باکن نورتن ، جبران آن ناکامی را کرد و این مشت زن تازه از راه رسید به مغلوب کرد و جز این در برابر هر حریف دیگری که برینگ رفت با پیروزی میدان را ترک گفت . او حالا در ۲۲ سالگی هنوز رویای قهرمانی در سر می‌پروراند و در حالیکه روز دوشنبه با فریزر روبرو خواهد شد از حالا به نبرد با فورمن فکر میکند .

همین یکی دو روز پیش ضمن اینکه مطابق معمول پیروزی‌خیزی رود خود را بر فریزر پیش‌بینی میکرد و قول داد برای آنکه ۳۰۰ میلیون بیننده تلویزیونی سابقه‌او و فریزر که برق مصرف کنند در همان یکی دو روند اول‌کار فریزر را بکسره خواهد کرد در مورد فورمن گفت : - او مشت زن خوبی است . ولی کتچ‌جربی‌اش او را در برابر من به تسلیم و اخواه داشت . در همین دیدار «فورمن» او با کن نورتن شاهد خواهید بود که فورمن آن غول بیکاره بر خاسته دنیای بوکس نیست به او بگوئید از حالا خودش را برای نبرد با سلطان همیشگی ریگ ، یعنی محمد علی آماده کند .



محمد علی رویای قهرمانی در سر دارد

۱۹۶۳ که او با درهم شکستن غول ریگ سونی لیستون برای اولین بار قهرمان جهان شد .

اما سواى شرایط کنونی دو مشتزن برای بخاطر آوردن دیدار نخست آنها که اکنون خاطره آن با نزدیکی مسابقه مجدد آیندو در اذهان زنده شده است باید به شب ۱۷ اسفند سال ۱۳۴۹ برابر با ۸ مارس سال ۱۹۷۱ بازگشت .

ساعت دومین شب ۱۷ اسفند «آرتور مکرانت» داور «مبارزه قرن» دو مشتزن را به میان ریگ خواند تا آخرین مراسم را انجام دهد و مقررات را یادآوری نماید اما گوئی آن دو حرف‌های او را نمی‌شنیدند .

محمد علی با اندام درشتش بر فریزر سایه افکنده بود و در همان حال به رجزخوانی ادامه میداد «جو» در برابر او تنها یکبار سکوت خود را شکست و باخشم گفت : تراخواهم کشت !

نبرد مرگبار

التهاب ، خشم و عطش تصاحب پیروزی در نگاه هردو موج میزد و آنگاه که با صدای زنگ دو حریف‌بجانب یکدیگر رفتند ، همان دریافتند نبردی مرگبار آغاز گرفته است .

محمد علی از گوشه خود رقصان و شوکه‌مند به وسط آمد ، یک راست و یک چپ به فریزر زد و بسادگی دور شد . سپس یک ضربه فریزر را رد کرد و دو ، سه ضربه دیگر به سر او کوفت .

بنظر میرسید با فریزر بازی میکند و او را به هیچ میگیرد ، دو راند اول بسادگی از آن علی شد و شرایط حکایت از آن میکرد «جو» قدرت مقابله با حریف نیرومند خود را ندارد .

ورق برگشت !

مشکل بتوان تعیین کرد ازچه زمان ورق برگشت و روال مسابقه دگرگون شد ، بناگاه رقص پای علی ازبین رفت و موقعیتش سخت بخطر افتاد .

هوک‌های چپ فریزر موقعیت موجود را تغییر داد . در اواخر روند چهارم یکی از همین هوک‌ها به صورت علی اصابت کرد و خون ازبینی او جاری ساخت . راند ششم با برتری فریزر گذشت و شهرت «محمد علی» را بعنوان یکی از بهترین پیشگويان نتایج مسابقات بکس خنده‌دار ساخت ، زیرا علی پیش‌بینی کرده بود فریزر را در روند ششم ازبای درخواهد آورد .

در راند هفتم فریزر از حکومت خود استفاده کرد و علی را زیر رگبار مشت‌های خود گرفت . ضربه چپ او به سر علی وارد آمد و در آن حال فریادی از جمعیت برخاست .

سه‌شنبه این هفته یکبار دیگر تاریخ برای دو مشتزن نامدار دسته سنگین‌وزن جهان محمد علی و جوفریز که هردو درگذشته مدتها تاج قهرمانی این دسته را بر سر داشته‌اند تکرار خواهد شد . چون پس از ۳ سال که از نخستین یکبار خونین آیندو در ریگ میگذرد ، کلی و فریزر برای نبردی انتقامی و دیگر در همان استادبوم مادیسون اسکوئر گاردن نیویورک روبروی هم خواهند ایستاد .

مسابقه اول آیندو در روز ۱۷ اسفند سال ۱۳۴۹ درحالی بعنوان نبرد بزرگ قرن نام گرفت که جوفریز دارنده عنوان قهرمانی جهان بود و علی بدون شکست و رها شده از دوران محرومیت برای باز ستاندن عنوان از جنگ رفته خود ، بی‌تابی عجیبی داشت . ولی فریزر که علی پیش‌بینی شکست او را در راند ششم کرده بود در نبردی طولانی و خونین باوجود همه صدماتی که خود دید بعداز یکبار ناک‌دان کردن ، به‌افسانه شکست ناپذیری او پایان داد و تجدید عنوان قهرمانی جهان را برای بت بزرگ ریگ بفراموشی سپرد .

شرط بندی‌های حیرت‌انگیز

برای آن دیدار شرط‌بندی‌ها حیرت‌انگیز بود و ۲۰ میلیون تومان دستمزد کلی برای این مبارزه میلی بود که تاریخ دنیای بوکس حرفه‌ای تاکنون هرگز بیاد ندارد . و شاید همین دلیل این نبرد نقطه‌ای محو نشدنی در تاریخ ورزش جهان بحساب می‌آید .

و حالا یکبار دیگر و پس از گذشت زمانی نزدیک به ۳ سال بار دیگر جادوی نام کلی و فریزر و مبارزه‌های بین این دو مشتزن ، جهانی را به انتظار و اضطراب کشانده است . انتظار برای نتیجه جنگ دوم . در شرایط موجود دو مشتزن ، اکنون هم برآستی هیچ‌چیز پیش‌بینی معلوم و قابل پیش‌بینی نیست .

گرچه شرایط هردو مبارز به نسبت آن دیدار گذشته فرق کرده و حالا هیچیک دارنده تاج قهرمانی نیستند و فاتح این نبرد باید در اندیشه مبارزه‌ای دیگر در رامرسیدن به عنوان جهانی باشد . چه جورج فورمن سلطان تازه ریگ دارنده عنوان قهرمانی جهان است .

پیش‌بینی پیروزی محمد علی

با این وجود صاحب نظران ضمن توجه به همه شرایط برای نبرد مجدد کلی - فریزر که سه‌شنبه این هفته انجام خواهد گرفت ، شانس محمد علی را برای پیروزی بیشتر از حریف خود میدانند و این به جهت شرایط بدنی ایده‌آل کلی در حال حاضر است . همین چند روز قبل مربی او پس از یک تمرین سخت محمد علی بمخبرنگاران اظهار داشت من در تمام طول سال‌های مشت‌زنی کلی هرگز او را تا این حد آماده ندیده بودم . حتی در سال

خبرهای کوتاه

مبارزه فورمن - نورتون

بالاخره بدنبال اخطار شدید فدراسیون بین‌المللی بکس به جورج فورمن مشت زن آمریکا مبتدی محروم نمودن او از عنوان قهرمانی دسته سنگین وزن جهان ، فورمن قراردادی برای دفاع از مقامش برابر کن نورتون امضاء نمود .

«فورمن» پس از پیروزی بر فریزر و بدست آوردن عنوان قهرمانی جهان تمایلی برای مبارزه با مدعیان نشان نداد در حالیکه طول یکسال حداقل میبایستی یک بار از عنوانش دفاع نماید .

چندی پیش فدراسیون بین‌المللی بکس به او اخطار کرد هرچه زودتر ترتیب انجام مسابقه‌ای را بدهد و در غیر اینصورت مقامش از او گرفته خواهد شد فورمن نیز قرارداد مسابقه با نورتون را امضاء نمود .

فورمن برای انجام این مبارزه ۷۰۰۰۰۰ دلار (۴۹۰۰۰۰۰ ریال) دریافت خواهد داشت و به نورتون نیز ۲۰۰۰۰۰ دلار (۱۴۰۰۰۰۰ ریال) تعلق میگیرد .

تاریخ مسابقه یکشنبه ۵ فروردین ۱۳۵۲ میباشد ولی محل آن هنوز تعیین نگردیده است .

رکورد تازه وزنه برداری جهان

«کاولی» لاورانتا ، وزنه بردار فنلاندی در جریان برگزاری تورنمنت کوئتا (شهری واقع در جنوب فنلاند) حد نصاب تازه‌ای برای حرکت یکسرب دسته فوق سنگین وزنه برداری جهان بجای گذارد .

«لاورانتا» ۱۸۵ کیلو وزنه را با موفقیت بلندکرد که این مقدار ۵۰ کیلو از رکورد گذشته جهان متعلق به «تونیو رابوتینسکی» از شوروی بهتر است .

تکرار رکورد جهانی



مسابقات قهرمانی اروپا در پنج ماده موفق به جمع‌آوری ۴۹۳۱ امتیاز گردید که حد نصاب تازه‌ای برای جهان بود. و اخیراً نیز رکورد خود را تکرار کرد ، «بولاک» تلاش دارد تا شروع بازی های المپیک ۱۹۷۶ «مونترال» رکوردش را به ۵۰۰۰۰ امتیاز برساند !

درعکس «بورگلدینا» «بولاک» هنگام انجام یکی از حرکات پنجگانه (پرش ارتفاع) دیده میشود .

محمدعلی «شکست» را پذیرفت !



جانب ترین مسئله‌ای که این روزها در آستانه مبارزه مجدد محمدعلی و جوفریر دو قهرمان سابق بکس دسته سنگین وزن جهان مورد توجه قرار گرفته ، اینست که محمدعلی علیرغم تمام ادعایش سرانجام پذیرفت در دیدار نخست مقابل فریزر «شکست» خورده است !

محمدعلی پس از آن مسابقه بازنده روندی‌اش درسه سال پیش که منجر به باخت او با امتیاز گردید ، تاکنون همواره مدعی بود و آغاز حریفش شکست نخورده بوده و داوران به اشتباه قضاوت کرده‌اند .

ولی بالاخره اخیراً بعد از آخرین باری که فیلم مسابقه مزبور را «در اردوی تدارکاتش برای انجام مبارزه جدید» تماشا کرد ، اظهار داشت : تا روند آخر همه چیز مساوی بود و فریزر با اندک اختلافی برتری در این روند به پیروزی رسید! محمد علی و فریزر سه شنبه این هفته در سالن مدیسون اسکوائر گاردن نیویورک برای انجام مبارزه ۱۲ روندی‌ها هم روبرو میشوند .

عکس ، فریزر را نشان میدهد .

مسابقات گراندپری آرژانتین



اولین تورنمنت در کادر مسابقات اتومبیلرانی گراند پری قهرمانی سال ۱۹۷۳ جهان در بوینوس آیرس پایتخت آرژانتین برگزار گردید و «دنیس هولم» راننده معروف نیوزیلندی موفق به تصاحب مقام نخست شد .

از حوادث جالب توجه این تورنمنت قرار گرفتن امرسون فیتینالدی راننده نامدار برزیلی و فاتح عنوان قهرمانی مسابقات سال گذشته ، در مکان دهم بود ضمن اینکه جکی ایکس (بلژیک) و رونی پترسون (سوئد) بیلت پنجر شدن لاستیک هایشان صحنه رقابت را ترک گفتند. «دنیس هولم» با سرعتی معادل ۱۸۷٫۴۷ کیلومتر در ساعت مسیر مسابقه را در مدت یکساعت و ۴۱ دقیقه و ۲ ثانیه پیمود ..

نتایج گراندپری بوینوس آیرس : ۱- دنیس هولم (نیوزیلند) ۲- نیکی لودا (اتریش) ۳- کلی رگازونی (سوئیس) ۴- مایک هیلوود (انگلستان) .

★ عکس صحنه‌ای است از یکی از مراحل این مسابقات که اتومبیل رونی پترسون و بدنبال آن کلی رگازونی دیده میشود .

تقویم فوتبال

برگزاری مسابقات فوتبال جام جهانی ۱۹۷۴ در آلمان غربی سبب گردیده که بسیاری از مسائل در این کشور تحت تاثیر «فوتبال» قرار گیرد و هر جناحی توجیهی به آن نشان دهد .

تا آنجا که هنرمندان و طراحان نیز در کارهایشان این موضوع را در نظر داشته‌اند ، و از آن استفاده کرده‌اند.

خانم «داگن هارت» نقاش آلمانی تقویمی برای سال ۱۹۷۴ تهیه کرده که در صفحات آن بانقاشی مسائل مربوط به فوتبال و علاقه و توجه گروه های مختلف جامعه به آن مطرح شده است .

عکس یکی از صفحات این تقویم را نشان میدهد .





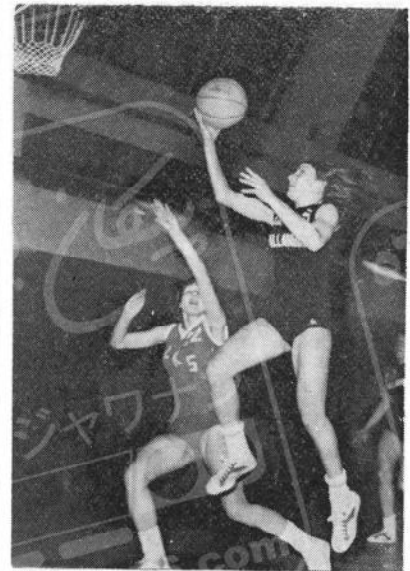
بیلی جین کینگ ورزشکار برگزیده سال

بیلی جین کینگ چهره سرشناس و بزرگ تنیس آمریکا بدنبال رای گیری که از خبرنگاران و نویسندگان ورزشی خبرگزاری آسوشیئیدپرس در نیویورک بعمل آمد بعنوان بهترین ورزشکار زن سال ۱۹۷۳ جهان انتخاب گردید. خبرگزاری آسوشیئیدپرس از سالها پیش برنامه گزینش بهترین چهره های ورزش بانوان را دنبال میکند و در انتخاب دور گذشته (۱۹۷۲) این عنوان را «اولگاکوریت» ژیمناست ۱۷ ساله شوروی که در مسابقات ژیمناستیک المپیک مونیخ صاحب سه مدال طلا شد، بدست آورد. بیلی جین کینگ پیش از این نیز یکبار دیگر در سال ۱۹۶۷ در گزینش آسوشیئیدپرس در صدر درده بندی ورزشکاران سال قرار گرفته بود. رده بندی امسال باین ترتیب میباشد: ۱- بیلی جین کینگ (تنیس - آمریکا) با ۴۸۷ رای ۲- اولگاکوریت (ژیمناستیک - شوروی) با ۱۴۶ رای ۳- کاتی وایتورت (شنا - آمریکا) با ۳۴ رای ۴- مارگرت کورت (تنیس - استرالیا) با ۲۰ رای ۵- کینارو نهامر (شنا - آمریکا) با ۱۱ رای. عکس بیلی جین کینگ را نشان میدهد.

چهره های برگزیده سال

در یکی از برنامه های انتخاب بهترین چهره های ورزش که در آلمان غربی صورت گرفت، کلاوس ولفرمان و اوتاشورن از طرف خبرنگاران ورزشی بعنوان ورزشکاران مرد و زن سال ۱۹۷۳ این کشور انتخاب شدند. ولفرمان در رشته پرتاب نیزه فعالیت می کند و در المپیک مونیخ نیز مدال طلا دست یافت، «اوتا شورن» در مسابقات ژیمناستیک قهرمانی اروپا در قسمت پرش خرک صاحب مدال برنز شد. «اوتاشورن» اولین دختر آلمانی بشمار می آید که در مسابقات ژیمناستیک اروپا موفق به تصاحب مدال گردیده است.

بسکتبال قهرمانی اروپا



در حال حاضر مسابقات بسکتبال قهرمانی باشگاه های اروپا در دو گروه مردان و زنان مرحله یکچهارم نهائی را میگذراند و تا چندی دیگر تیم های برگزیده برای دور نیمه نهائی شناخته خواهند شد. از تیم های حاضر در مرحله یکچهارم نهائی دیدار های زنان «سی.یو.سی. کلومونت» از فرانسه و «ال.کا. اس. لودز» از لهستان میباشد که دیدار ایندو در شهر «کلومونت» با پیروزی ۷۶-۴۴ تیم فرانسوی به پایان برده شد. عکس صحنه ای است از این مسابقه که «گیودوتی» بازیکن کلومونت را در تلاش به تمر رساندن توپ نشان می دهد.

کمک بزرگ ونزوئلا

دولت ونزوئلا با اعلام یک تصمیم جالب عکس العمل تحسین انگیزی نسبت بخود در محافل ورزشی جهان بوجود آورد. «ونزوئلا» که در شمار کشور های تولید کننده نفت میباشد قصد دارد نیم میلیون لیتر بنزین برای کمک به مسابقات اتومبیلرانی در اختیار فدراسیون جهانی این ورزش قرار دهد. مسئله کمبود سوخت که اخیرا بسیاری از کشور ها با آن درگیر میشوند طول چند ماه گذشته سبب تعطیل تعدادی از تورنمنت های اتومبیلرانی گردید. این هدیه گرانبهائی شادی دوستداران این ورزش را سخت برانگیخته و باین ترتیب گفته می شود امسال (۱۹۷۴) تمام مسابقات برگزار گردد.

از همه جا

★ کشور های جمهوری خلق کره (کره شمالی)، ویتنام جنوبی و ویتنامک آمادگی خود را برای شرکت در مسابقات بینگینگ قهرمانی آسیا اعلام کردند. برای حضور در مسابقات ایندوره که قرار است طول فروردین ماه ۱۳۵۲ در توکیو پایتخت ژاپن برگزار گردد، ۴۲ کشور دعوت شده اند.

● ادی مرکس دوچرخه سوار معروف بلژیکی که سال گذشته در تورنمنت بزرگ دوچرخه سواری دور فرانسه شرکت نکرد، اخیرا اظهار داشته است قصد دارد در مسابقات امسال شرکت نماید و یکبار دیگر عنوان قهرمانی آنرا بدست آورد (ادی مرکس قبلا سهبار بمقام قهرمانی مسابقات دور فرانسه رسیده است). مرکس همچنین گفت، امیدوارم در این مسابقات گیومندی و اوکانا هم حضور داشته باشند تا بازار رقابت گرمتر گردد!

★ تیم تنیس آمریکا که در مسابقات جام دبویس سال ۱۹۷۳ جهان بعنوان قهرمانی دست یافت، باشکست حیرت انگیزی مقابل تیم «کلمبیا» از دور مسابقات قهرمانی سال ۱۹۷۴ حذف شد!!

آمریکا در دیدار با کلمبیا از چهره های بزرگ خود نظیر استان اسمیت سود نبرده بود و کار دیدار ایندو با نتیجه ۱-۴ بسود کلمبیا خاتمه پذیرفت.

● فدراسیون بین المللی وزنه برداری اعلام داشت، مسابقات وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان سال آینده (۱۹۷۵) در شهر ماریسی فرانسه برگزار خواهد شد. ★ کشور سنگال برای گسترش ورزش اخیرا دست به تلاش دامنه داری زده و قصد دارد جنبشی نو در این سرزمین بوجود آورد.

و در این راه جمهوری خلق چین نیز وامی حدود ۹ میلیون تومان به سنگال داده تا صرف توسعه ورزش نماید.

ضمنا تمام مالیات هایی که تاکنون بر لوازم ورزشی تعلق می گرفته، بزودی حذف خواهد شد.

● یک اکپ از کوهنوردان زن ژاپنی با طرح برنامه ای در تدارک صعود به «قله اورست» میباشد. «قله اورست» ۸۸۸۸ متر ارتفاع دارد و تاکنون هیچ زن کوهنوردی موفق نشده است از ارتفاع ۸۰۰۰ متر بالاتر برود.

سرپرستی این گروه را خانم «تیئو سوزوکی» برعهده دارد.

★ آقای «دنيس هاول» وزیر سابق ورزش اسکانلند بعد از اینکه تیم ملی فوتبال این کشور موفق شد به مرحله نهائی مسابقات جام جهانی مونیخ راه یابد نامه جالبی برای وزیر ورزش انگلستان فرستاد و تقاضای کمک مالی کرد. مضمون نامه مزبور باین شرح است: اسکانلند کشور فقیری است، و ما ضمن اینکه افتخار می کنیم بجای شما «بمسابقات جام جهانی راه یافته ایم می خواستیم در صورت امکان مقداری «پول» برای مصرف در راه آمادگی فوتبالست ها بیا بدهید! البته هنوز پاسخ انگلیسیها به اسکانلند نرسیده است

اسپاسکی در تلاش دیدار با فیشر

بوریس اسپاسکی قهرمان سابق شطرنج جهان از شوروی که اکنون سرگرم انجام پیکارش با «رابرت بیرنه» آمریکائی است، امید دارد با موفقیت در دیدار های مقدماتی عنوانی را که در سال ۱۹۷۲ مقابل فیشر از دست داد. در فینال مسابقات جهانی که سال آینده (۱۹۷۵) برگزار خواهد شد از وی پس بگیرد.

البته اسپاسکی برای یافتن شانس دیدار با فیشر بایستی از سد حریفان بزرگی عبور نماید. در مرحله یک چهارم نهائی گذشته از اسپاسکی بازیکنانی نظیر کاریف (شوروی)، کورچنوی (شوروی)، بطروسیان (شوروی) بیرنه (آمریکا) ... حضور دارند.

مسابقه اسپاسکی - بیرنه در شهر «سن ژوان» پورتوریکو انجام میگردد و عکس «اسپاسکی» را در حال بازی تنیس در هتل محل اقامتش نشان می دهد.



سرخ پوشی که سبز می پوشد!

شناسنامه قهرمان

نام : بهرام فامیل : مودت
تولد : ۱۰ بهمن ۱۳۲۹ محل : تهران
شغل : کارمند - دانشجوی رشته روانشناسی
ورزش : فوتبال -

۱- هدف

چشم های درخشنده ای دارد. هرکس صاحب این چشم های عمیق و سیاه باشد ، نمی تواند صادق نباشد : این چشمهای گویا ، از حقیقت و از صداقت خبر میدهند . صاحب این چشمها بهرام مودت نام دارد ، که همه او را میشناسند. او حتی اگر هم بخواهد ، نمیتواند خود غیر از آنچه که هست و به غیر از آنچه خمیره وجودی اوست ، باشد، زیرا چشمهایش ، دستش را باز میکنند و حقیقت را آنطور که هست ، مثل آئینه مجسم میکنند .
او چهره آشنایی است که همه او را میشناسند و هر چیزی را در باره او میدانند .
بهرام هیچگاه تنها نیست، همیشه یک دسته کتاب همراه دارد . آنروز هم که بعدین ما آمده بود ، کتابهایش را همراه آورده بود . میگفت :
- اینها (اشاره به کتابهایش) دوستان خوبی هستند، حیف که باید ، پس از خواندن کنارشان گذاشت و فصل نوی را آغاز کرد . فصلی نو ، کتابی نو .
مودت وجودی کنجکاو و برانگیز است و حرفهایش هم همینطور .
- در کتاب هرچه را که بخواهی پیدا میکنی و من هم چیز را میخوانم . همه چیز های خوب را .

میپرسم :
- آیا اینها ، این چیز های خوب را ، بدست هم می آوری ؟ درحالی که در انتظار پاسخ هستم به چشمهایش خیره میشوم .
بهرام تردید نمی کند و دل را بدریا می زند و جواب میدهد :
- بله ، تقریباً بله . چیزی نبوده و یا کمتر چیزی وجود داشته که آنرا خواسته باشم و نتوانسته باشم بدست بیاورم .
باز هم کنجکاو . میپرسم : آخر چطور میشود ؟
میگوید :

- البته کار آسانی نیست ولی برای من اینطور بوده همیشه ! شاید باین علت اینطور است که من همیشه اول «هدف» را انتخاب میکنم، آنرا سبک و سنگین کرده، بدقت «براندازش» میکنم. بعد تصمیم میگیرم . و وقتی که مصمم شدم، دنبال هدف برام می افتم ، آنقدر دنبالش میگردم تا پیدایش کنم و جالب اینکه همیشه دیر بازود آنرا بدست می آورم. او هنوز حرفهای بسیاری دارد ولی کنجکاو ایمان نمیدهد، حرفش را قطع میکند و میپرسم :
- حتی بپراهن شماره یک تیم ملی را؟
میگوید :

- بله . شاید باور نکندی ، ولی برای من ، بدست آوردن پیراهن شماره یک تیم ملی و یانیم پرسپولیس ، چندان مشکل نبود . همینکه آنرا خواستم بدست آوردم .

میپرسم :
- آیا این برای تو یک هدف بود ؟
میگوید :
- بله . قطعاً باید اینطور باشد . من نهندها در ورزش، بلکه در زندگی خصوصی هم همینطور هستم البته ، سنگ

بزرگ و سنگین بلند نمیکنم . من هدف را سنجیده انتخاب میکنم : امکانات خودم را در نظر میگیرم و بعد شروع میکنم. برق چشمهایش نشان میدهند که او حقیقت را میگوید: شاید عجیب باشد ، ولی حقیقت دارد .

۲- جمعیت

بهرام مودت که روز دهم بهمن ماه ۱۳۲۹ در تهران متولد شده (روز تولدش نزدیک است!)، فرزند یک خانواده پرجمعیت و پر فرزند است .
این خانواده ۵ پسر و دو دختر دارند و بهرام خان، فرزند شماره پنج این خانواده است .
بهرام وقتی که میگوید پنجمی است ، پنجه دستهایش را باز میکند و نشان میدهد و اضافه میکند :
- من از این مترسم !
بعد اینطور توضیح میدهد :
- در فوتبال و تنیس و تنیس میخواند گلر هارا برترسانند و روحیه آنها را خراب کنند ، همینطور پنج انگشت رانشان میدهند : یعنی نا ، ه ناگل میزنیم . و این واقعا روحیه خراب کن است .
و بعد باز بیخ انگشتش را نشان میدهد و از ته دل قهقهه میزند .

میپرسم :
- هرگز در یک مسابقه پنج گل خورده ای ؟
میگوید :
- نه ، این را شرس ، ، به خاطر ندارم ، و جاشناک است ، جواب میدهم . نویس!...
مثل این است که انگشت برای حساسی گذاشته باشم میگویم ، قراوش کند ، بهر حال اگر هم در یک مسابقه گل خورده باشد ، این او را خراب نموده است . بهر حال از او دوباره سؤال میکنم، این بار میپرسم :
- وقتی گل میخورم چه حالی پیدا میکنی ؟
میگوید :

نمیدانم . ولی بهرحال احساس بسیار بدی است که آنرا برای هیچ کس آرزو نمیکنم . هرکس میخواهد بداند، از گل خوردن چه احساسی به آدم دست میدهد ، باید برود گلر بشود ، آتوقت خواهد فهمید .
البته آنها که اندازه دروازه فوتبال را میدانند ، می دانند که نمیشود آنرا تخته کوبی کرد و یا جلوی آن دیوار کشید، بهرحال این فرورود ها، این فرورودهای مزبله سوراخی برای عبور دادن توپ پیدا میکنند .
باین همه ، احساس گل خوردن (میخندد) بر دونوع است . یکی گل خوردن بر اثر اشتباه ، که درین حال که آموخته است ، درآورد هم هست ، و دیگر گل «اجباری» یعنی بیگانه و بدون اشتباه و به جبر زمان و لحظه گل خوردن . در این صورت آدم کمتر خودش را سرزنش میکند.

میگویم :
گاهی پیش می آید که فرورود ها گل میزنند و بلافاصله دروازه بان تیم آنها ، زحمات را بهدر میدهد و یک گل میخورد و دوباره بازی را سناری می کند . اگر چنین وضعی برای تو پیش بیاید، چه میکنی ؟
میگوید :

- خوب است که همه میدانند که توپ فوتبال گرد است. میدانید یعنی چه ؟ یعنی اینکه در فوتبال وقوع هر حادثه ای امکان دارد . باین همه ، خراب کردن نتیجه زحمات دوستان ، کاری است که از دست در دروازه بانی برمی آید! در این میان آن دروازه بان ، دروازه بان ارزنده ایست که نهندها نتیجه زحمات بچه هارا هدر ندهد ، بلکه آنها را تشویق به تلاش و زحمت بیشتری کند .

۳- دروازه دار زیباشهر !

میپرسم :

- گز بودن خوب است ؟
میگوید :

- ببین ، این کار، کاربرد مسئولیتی است که از عهده هر کسی بر نمی آید، احتیاج به یک شجاعت مخصوص و احساس شدید مسئولیت دارد. آنکاء به نفس میخواهد، یعنی یک دروازه بان باید شهادت زیادی داشته باشد.

برای من ، دروازه بان بودن ، روزی یک آرزو بود، آرزویی که به حقیقت پیوست . من زیاد فوتبال بازی کرده ام ، یعنی همه جای زمین بازی کرده ام : فورواردها ، هافبک، و بعد دروازه بان . من بهتر از خیلی های دیگر میتوانم تفاوت ها را تشخیص بدهم . تنها تفاوت بین فورواردها و دروازه بان در این است که آنها کوشش میکنند، چیزی را بدست آورند و برعکس دروازه بان کوشش میکند، چیزی را حفظ کند. آفاق فکر نمی کند که حفظ کردن مشکل تر از بدست آوردن باشد. برای من که اینطور است، برعکس فوتبال ، در زندگی خصوصی ، چیزهای زیادی بدست می آورم که نمی توانم آنها را برای خودم حفظ کنم.

بهرحال من دروازه بانی را دوست دارم ، چون خودم انتخابش کرده ام.

حالا دیگر چانه اش گرم شده و یک ریز حرف میزند.

برای اینکه آتش را بر آبی حرف زدن قندقر کرده باشم ، می پرسم :

چطور می ؟
میگوید :
- من فوتبال را از نوک حمله شروع کردم . آن زمان، وقتی که «خیلی» بچه بودم، در محله مان، خیابان هاشمی و نواب، زمین های بسیاری برای بازی کردن وجود داشت . تهران برخلاف امروز تا این حد تنگ نشده بود.

توی این زمینها ، بساط فوتبال از تمام ورزش های دیگر گسترده تر بود، همه بازی میکردند ، اوایل فقط تماشا میکردم، رفته رفته آن احساس، آن احساسی که برای فوتبالیست شدن لازم است ، در من بیدار شد. نفوذ کردن به بازی بچه ها مشکل بود، بخصوص برای من که میخواستم فورواردها را بازی کنم و گل بزنم.

همانطور که گفتیم ، از همان دوران کودکی ، هرچه را که میخواستم ، بای گیری بدست می آوردم . در آن زمان، خیلی زود موفق شدم و در یکی از تیم های محل سائرفورواردها شدم. اول رزرو بودم، بعد از دوسه بازی بار ثابت تیم شدم.

می پرسم :

- اولین مسابقه را به خاطر داری ؟
گفت :
- بله . در اطراف خیابان نواب ، چند تیم بودند که برای «گرگ» مسابقه میدادند . بعد همین از پایان مسابقه ، سر امضاء گرفتن ، کمک کاری و دتوا بود . در همین زمان بود که در زیربشر ، یک باشگاه به همین نام تأسیس شد. سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ بود . این باشگاه به وسیله آقای «کوثری» تشکیل گردید. مدت کوتاهی در این تیم بازی کردم، تا این که در سال ۱۳۴۹ با آقای دهباری آشنا شدم که در حقیقت سرنوشت آینده فوتبال مرا تعیین کرد.

۴- مرد سر نوشت ساز

من اگر در فوتبال مدیون کسی باشم ، همان کس آقای دهباری است که همیشه زیر بالو پر جوانهای مستعد را میکشید و بالا می آورد.

در این زمان آقای دهباری مربی تیم پرسپولیس بود و به من اجازه داد در یکی از تیمهای که در حقیقت پشتوانه پرسپولیس بود، بازی کنم.

میپرسم :
چطور شد گلر شدی ؟

هر کس میخواهد بداند از گل خوردن چه احساسی به آدم میدهد، باید برود گلر بشود! آنوقت خواهد فهمید

تفاوت بین فورواردها و دروازه‌بان در این است که آنها می‌کوشند چیزی را بدست آورند و این یکی سعی دارد چیزی را حفظ کند

گفت:

من در دبیرستان اسدآبادی درس می‌خواندم. هم فوتبال و هم بسکتبال بازی میکردم. تیم فوتبال دبیرستان ما تشکیل شد. گلر تیم مدرسه ما «عبدالشر» بود که گلر بسیار خوبی بودو حتی امروز هم قبولش دارم. بهر حال یک روز وقتی که با تیم یک دبیرستان دیگر مسابقه داشتیم، پای «عبدالشر» پیچ‌خوردو نتوانست بازی کندو همین «عبدالشر» بود که به من گفت:

«نمی‌خواهد گل بزنی، پروگل بگیر».

البته در تمرین، به علت آشنایی که با بسکتبال داشتم، نه بطور جدی، بلکه به هدف تمرین گلری کرده بودم. من در این مسابقه، و قتیکه برای اولین بار مسئولیت گلری را به من دادند، حال عجیبی داشتم.

یک گل‌خوردم و مسابقه ما ۱-۱ مساوی شد. وضع خوب بود، ولی از شما چه پنهان، خیلی ترسیده بودم. بهر حال از آن روز، بخاطر آن احساس مخصوص، دیگر همه چیز را رها کردم و فقط به دروازه‌بانی پرداختم. البته بسکتبال مرا در این کار یاری فراوانی داد. خیلی زود احساس کردم که کار دروازه‌بانی فوتبال می‌تواند مرا اذیت نکند.

همین آقای دهداری، اسم مرا برای شرکت در تیم جوانان پرسپولیس رد کرد، ولی آسیب دیدم و نتوانستم بازی کنم.

اصلا میدانید؟ شاید من آدم بلند پروازی باشم، بدتم از لحاظ قدرت با هدف‌بای من جور در نمی‌آید، یعنی ضعیف‌تر از آن هست که من برای کارهای ورزشی‌ام به آن احتیاج دارم.

میدانید علت این که مجبور شدم دروازه‌بان شوم چه بود؟

علت آن این بود که فورواردها بازی کردن احتیاج به بدن نیرومندی دارند، بدن من نیروی کافی برای این کار را نداشت. به همین علت بطرف عقب آمدم. اول هافبک، بعد باک و بالاخره دروازه‌بان شدم! با این همه همانطور که می‌بینید، ضعف بدنی هم نتوانست بطور کلی مرا از فوتبال، و ورزشی که دوست میدارم، جدا کند.

۵- سفر عجیب

برای این که یک گلر بتواند یک جای محکم در یک تیم خوب پیدا کند، باید زحمات زیادی را متحمل شود.

راستی چون من هدف مشخصی داشتم، برای رسیدن به آن بهر کاری تن در میدادم.

در همین زمان آقای دهداری تیم جوان گارد را تشکیل داد.

بنا بدعوت یک باشگاه شهر رشت، قرار بود تیم گارد به رشت برود، اول عسگرخانی را برای گلری این تیم تعیین کرده بودند. من تا آن شب نه تیم گارد را دیده بودم و نه با آنها بازی کرده بودم.

یک روز ناگهان آقای دهداری مرا احضار کرد و گفت:

«حاضر شو بریم رشت. منم حاضر شدم. سر میز شام و در راه سفر به رشت با بچه‌های تیم گارد آشنا شدم. ۸۰ دقیقه از مسابقه اول را عسگرخانی بازی کرد. چون او آسیب دید، ۱۰ دقیقه آخر مرا گذاشتند که از دروازه دفاع کنم. من میدانستم که این بهترین فرصت برای یار ثابت شدن و شناساندن خود است. دست بکار شدم، موفق بودم. در بازی بعدی، بچه‌ها، بهرام مودت را شناختند و دیگر ترقی آغاز شد. سال بعد با تمام بچه‌های گارد رفتم بانک ملی.

برای اولین بار در سال ۱۳۴۹ با تیم بانک ملی در



دسته اول باشگاه‌های تهران بازی کردم. در این مسابقات زیاد شانس نیابوردم در ۶ یا ۷ بازی گل خوردم.

در همین سال رایکوف تیم ملی جوانان ایران را برای مسابقات جوانان آسیا که در فیلیپین انجام میشد، تشکیل داد.

این درست همان سالی بود که کلاس ۱۲ بودم و می‌بایست دیپلم بگیرم. من درس را ترجیح دادم. قفل‌ساز و حجازی را به فیلیپین بردند.

بعد به تیم پیکان پیوستم و با این تیم به سفر اروپا رفتم. عسگرخانی گلر اصلی این تیم بود، ولی در بازی با تیم «گریستال پالاس» مرا گذاشتند. ۸ گل خوردم، مست کردم!!

بعد پیکان بهم خورد، رفتم تیم قصریخ. این یک سال پرحادثه بود.

سال بعد، به عضویت تیم جوانان ایران در آمدمو به ژاپن سفر کردم. در این سفر با رشیدی «یکدرومیان» دروازه‌بان تیم جوانان ایران بودم که در یک هشتم اوت شد.

مودت از سال ۱۳۵۰، در فرصت مسابقات جام کوروش کبیر که در تهران انجام شد به عنوان دروازه‌بان ذخیره عضو تیم ملی ایران شد و تاکنون ۴ بار از دروازه ملی ایران دفاع کرده است.

۶- این پرسپولیسی قرمز نمی‌پوشد

بهرام مودت، به علت اینکه عضو تیم قصر یخ بود و به پرسپولیس رفته بود، در سال ۱۳۵۱ نتوانست در مسابقات شرکت کند. قصر یخ با رفتن او به پرسپولیس موافقت نداشت و باین علت او تمام مدت را بفوتبال خودش «پشت خط» ماند.

با منحل شدن قصر یخ، از اول فصل ۱۳۵۲، مسابقات جام تخت جمشید، رسماً در پرسپولیس بازی کرد و امسال با این تیم - همانطور که میدانید - قهرمان ایران شد.

با اینکه مودت در تیم پرسپولیس است و رنگپیراهن تیم پرسپولیس قرمز است، او مجبور است، پیراهنی به رنگ دیگر بپوشد: سبز.

او تنها سرخ پوشی است که سبز می‌پوشد! مودت، در عین دوستی مبارزه بسیار نزدیکی با حجازی، بر سر پیراهن شماره یک تیم ملی دارد. او در این باره میگوید:

«من، حجازی را دوست نزدیک و خوب خودم میدانم. در مسافرت‌ها باهم «هم اتاق» هستیم و باهم زندگی میکنیم. هفته‌ای نمیگذرد که با حجازی ملاقات نکنم.

با این احوال، در ورزش این رقابت وجود دارد و این یک رقابت خوب و منصفانه است.

بهرام مودت در حال حاضر هم فوتبال بازی میکند، هم درس میخواند و همکار میکند. این کار بسیار مشکلی است که از عهده کسی برنمی‌آید. از او خواستیم که در این باره توضیح بدهد.

او گفت:

من کارهای مشکل را دوست دارم. تازه اگر هر کدام از این کارها را که من انجام میدهم، خوب بررسی کنید می‌بینید که هر سه در حد خود مشکل هستند، آیا دروازه‌بان پرسپولیس، تیم قهرمان ایران بودن، آسان است؟ من در رشته روانشناسی تحصیل میکنم و می‌خواهم این کار را تا حد دکتر روانشناس ادامه بدهم. این هم آسان نیست. در حال حاضر در یک شرکت ساختمانی، کارهای کارگزینی را انجام می‌دهم که وقت زیادی میگیرد. این کار هم چندان بی‌دردسر نیست. اسلحه خوبی ندارم. دروازه‌بانی که روانشناس میشود، اسلحه خوبی است، آیا در فوتبال هم از آن استفاده میکند؟

او میگوید:

«خوب، من از روانشناسی در فوتبال، به عنوان یک اسلحه استفاده میکنم.

میدانید کار دروازه‌بانی، یعنی همیشه چند قدم از زمان جلو بودن و پیش بینی کردن حوادث آینده! درسهایی که میخوانم در این کار به من کمک میکنند - من در روش و حالت فوریاری که حمله کرده است، می‌توانم تقریباً حدس بزنم که به کجا می‌خواهد شوت کند و توپ را به کجا می‌خواهد بفرستد. خوب اگر کسی بتواند خوب پیش‌بینی کند، میتواند خوب هم عمل کند. بهر حال دروازه‌بان کسی است که به زمان «جراحی» میدهد!

می‌پرسم:

«اینکه بتو مرتب گل میزنند و نمی‌توانی آنرا تلافی کنی، تو را آزار نمی‌دهد؟

با خنده میگوید:

«فکرش را نکنید. من گل‌های خورده را تلافی می‌کنم، ولی کسی آنرا نمی‌بیند. من در تمرین گل میزنم هرچند تا که بخواهم. بنابراین تعادل برقرار است!

مودت عقیده دارد که تحصیل با فوتبال و یا بطور کلی با ورزش هیچ مغایرتی ندارد و اضافه میکند:

«برعکس و قتیکه از تمرین برمیگردم، خیلی بهتر درس میخوانم و خیلی بهتر یاد میگیرم. ورزش آدم را برای تحصیل آماده میکند. بهر حال من به ورزش اجازه ندادم که بکار تحصیلی من لطمه وارد کند.

بهرام مودت امروز در آستانه ۲۳ سالگی است و هنوز به فکر ازدواج نیافتاده و میگوید:

«هنوز «هدف» مشخص نشده است. و قتیکه تعیین شد، یعنی وقتش رسید، هر کاری ممکن است، حتی ازدواج. فعلاً نه!

و کلمه «نه» را خیلی محکم ادا کرد!

خوب و بد های جام و پیشنهادات صاحب نظران

اندرکاران فوتبال را بطور اجمال و مختصر در باره نخستین دوره مسابقات جام تخت جمشید درج میکنیم تا شاید توجه به این عقاید و اظهار نظر های گوناگون صاحب نظران نیز گامی دیگر و کمکی تازه برای پیشرفت و هرچه بهتر برگزاری این مسابقات بزرگ باشد.

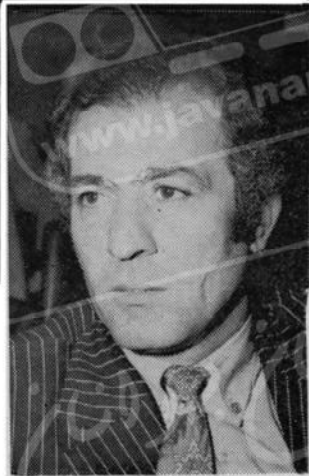
بجهت اینکه تمامی صاحب نظران در یک رده مشخص و معین نظرات خود را در باره این جام ارائه دهند ، "سؤال مشترک در برابر مزایا آنها قرار دارد که نظرات خود را بپاسخ گفتن به این سؤالات ابراز خواهند کرد .

سؤال اول : نقاط ضعف جام تخت جمشید .
سؤال دوم : نقاط مثبت جام تخت جمشید .
سؤال سوم : پیشنهادات شما برای بهتر شدن جام .

طی سلسله مطالبی تحت عنوان سایه و روشن های جام تخت جمشید ، در چند شماره نظرات خود را در باره این مسابقات که بهر حال سرفصلی تازه در فوتبال باشگاهی ایران بشمار میرود ، بیان کردیم . البته در آن سلسله اشارات قصه ما آن بود که بی تفاوت و بی توجه از رویداد های کوچک و بزرگ جام نگذریم و بدین خاطر و با توجه به تجربه هایی که در این نخستین فصل جام بدست آوردیم ، نکاتی را برشمردیم و انتقادگونه در معرض قضاوت و تمیز قرار دادیم .

ولی حق اینست که در پی این سلسله مطالب عقاید صاحب نظران را نیز در مورد خوب و بد جام و همچنین پیشنهادات احتمالی این دسته خواستار شویم و بدین رو از این شماره و در این دو صفحه هر بار نظرات دست

نامدار: باید برای تیم های گروه دوم باشگاهها نیز مسابقات لیگ داشت



جعفر نامدار داور بین المللی فوتبال

بطور کلی مسابقات جام تخت جمشید که برای اولین بار بطور رفت و برگشت در سطح باشگاههای ایران انجام شد بسیار جالب و درخور توجه بود .

از طرفی تیم های شهرستانی نیز تجربیات گرانبهائی بدست آوردند و مهمتر اینکه آن عذبه حقارت که همواره کم و بیش بین تهرانی و شهرستانی بود ، تا اندازه ای از بین رفت و شهرستانیها متوجه شدند که آنقدر ها هم از پایتخت نشین ها بدور نیستند . آنها اعتماد به نفس پیدا کرده و همانطور که دیدیم در نیمه دوم فصل گذشته ، شهرستانیها درخشش خوبی داشتند .

من فکر میکنم اگر این مسابقات ادامه داشته باشد در سالیهای آینده تیم های قدرتمند ، بیشتری خواهیم داشت و روزی خواهد رسید که تیم های تهرانی حتی با کسب نتیجه مساوی در شهرستانیها ، خوشحال بخانه بازگردند ! البته جلب توجه هرچه بیشتر تماشاگر در نقاط مختلف کشور به سرمایه و بنیاد باشگاه ها کمک موثری مینماید و ما برای داشتن یک فوتبال مدرن و در سطح بین المللی نیاز به چنین مسابقاتی داشتیم که بی شک اگر بطور صحیح و با برنامه های تنظیم شده دنبال شود ، خیلی زود فوتبال ما را دگرگون خواهد کرد .

تألیفا از محسنان جام تخت جمشید گفتیم . ولی باید دانست که در کنار این نقاط مثبت ، معایب نیز کم نیستند .

۱- اجمالا به باره ای از آنها اشاره میکنم . عدم تجهیز استادیوم ها که نه در تهران و نه در شهرستانیها ، هیچ شکلی استادیوم ها برای برگزاری چنین مسابقاتی آمادگی نداشتند . بطوریکه در این فصل در هیچ یک از شهر ها یک زمین چمن صاف و خوب ندیدیم همین عیب بظاهر کوچک زبانهای فراوانی به کیفیت بازیها وارد ساخته بود .

۲- مشکل نبودن جا و مکان و سردرگم بودن تیم های میهمان در خانه حریفان .

۳- مشکل گرفتن مرخصی برای بازیکنان تیم ها و مهمتر از این مساله در مورد بازیکنان ، عدم تأمین سلامتی آنها است . بطوریکه در همین فصل گذشته در چند مورد شاهد بودیم که بهیچ شکل اقدامات ایمنی انجام نگرفته .

۴- ضعف عمده جام تخت جمشید در امر داوری بود که متأسفانه با تمام تلاشهای صورت گرفته در این راه ، درموردی چند داوران حق پاره ای از تیم ها را

بجز موردی که رفت من نقطه ضعف دیگری نمی بینم ، البته در اصول کار . چون در شکل برگزاری مسابقات میتوان مطالبی را بعنوان نقاط ضعف عنوان کرد به خود جام ارتباط ندارد .

۲- نقاط مثبت جام : نقاط مثبت جام را به اختصار و در چند مورد جداگانه اینطور میتوان بیان کرد .

یک - ایجاد مسابقاتی سراسری منکی بر اصولی که اینک در تمام دنیا مورد استفاده است .

دو - ساختن و عرضه نیرو های تازه اعم از تیمی و انفرادی .

سه - بردن فوتبال و تب فوتبال به دیگر شهر های ایران .

چهار - ایجاد امید برای شهرستانیها اعم از رهبران ورزش و بازیکنان به این ترتیب که بابودن در شهر خود نیز میتوان از تمام آنچه که بعنوان مزایا برای فوتبال گذاشته می شود در هر زمینه ای (کاری و تفریحی) برخوردار شد .

پنج - ایجاد رقابت جدی تر و بهتر از گذشته در مسابقات .

خاصه اینکه مسابقات باشگاهی تهران را ولی یکنواخت و تدریجاً بدون هیجان یافته بود ، بخصوص بازی های خارج از کادر ۴ تیم بزرگ پایتخت که دیگران بدون تحرک و تلاش سالها در رده ۵ تا ۱۴ جای داشتند !

خلق همین رقابت بیشتر و تازه تر منجر به این مساله شد که رقم فروش بلیط در تهران باوجودیکه مسابقات در فصل معین برگزار نشد به ۳۵۰ میلیون تومان برسد .

شش - اجباری بودن مساله داشتن زمین در مقررات باعث شد که تیم های هما ، برق ، بانک ملی ، ایرانا و پوتان در تهران ، ماشین سازی ، ذوب آهن و ملوان در شهرستان ها زمین فوتبال اختصاصی بسازند که این خود برای فوتبال ما مساله ای حیاتی است .

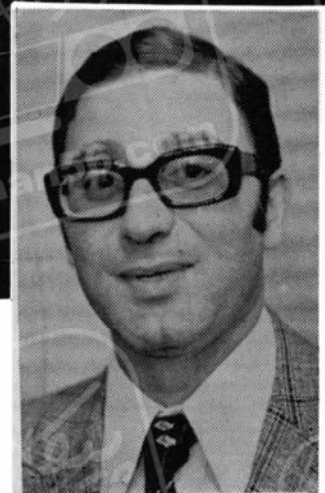
هفت - ایجاد سازمان های فوتبال ، چون این امر تجربه شده است که دیگر با یک نفر نمیتوان کار های مربوط بیک تیم را به انجام رساند .

۳- برای بهتر شدن جام : مادر اینمورد بنا به وظیفه خود ، بسیار اندیشیده و بسیار بررسی کرده ایم ، مسلماً هر قدر که بتوانیم برای انجام کار خواهیم کوشید ، تلاش برای پیدایش تیم های قویتر و حضور آنها در جام و پافشاری برای تشکیل کمیته های فوتبال باشگاه ها و همچنین داشتن زمین های تمرین و در حصد مطلوب استادیوم های مستقل از مواردی است که برای نتیجه گیری مطلوب تر از جام ، انجام داده ایم .

همچنین افزایش تعداد تیم ها تا ۱۶ تیم در سالهایی که امکانات به ما اجازه این کار را بدهد . از جمله فراخواندن تیم هایی از شهر های مشهد ، شیراز و تبریز به این مسابقات که با عرضه نیرو های جدید مالی و انسانی همراه خواهد بود .

همچنین مساوی نمودن تعداد تیم های تهران و شهرستانی که موجب رونق بیشتر مسابقات و بهتر شدن جدول بازیها خواهد گردید . مورد دیگر ، آماد نمودن و تجهیز بهتر استادیوم های شهرستانیها و ترغیب نمودن تماشاچی شهرستانی برای دیدن مسابقات و بالاخره تجربیات رهبران ورزش و مسئولین امر در فراسیون از عوامل دیگر و موثر در بهبود هر چه بیشتر جام خواهد بود .

دیده بان: جام تخت جمشید فوتبال را بسر اسر ایران برد

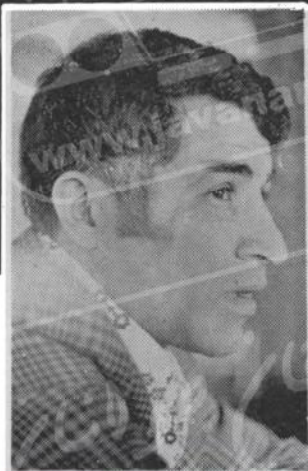


هوشنگ دیدهبان دبیر فدراسیون فوتبال

خوشبختانه این ۳ سؤال شامل تمام مطالبی می شود که میتوان در باره مسابقات جام تخت جمشید بیان کرد :

۱- نقاط ضعف جام : نقطه ضعف جام وجود چند تیم ضعیف بود که اختلاف سطح کیفی آنها با دیگران باعث شد در مواردی مسابقات همچنان کامل را نداشته باشد . مسلماً در سال جاری با آمدن تیم هایی که ظاهراً قویتر هستند و ترمیم دیگری که با رفتن "ورده" شده است ، رقابتها شدید خواهد بود و همچنان بالاتر ، گرچه در هر حال در هر مسابقه ای یک تیم قهرمان و یک تیم رده آخر خواهد بود . اما ما امیدواریم که در سال های آینده از امتیازات تیم قهرمان کاسته شود و امتیازات تیم رده آخر افزایش یابد ، بنحوی که این امر حاکی از رقابتهای بیشتر در طول فصل و در مسابقات باشد .

یاوری: شادی بزرگ شکسته شدن دیوار انحصار تهرانها بود



محمود یاوری - مربی پیشین تیم ذوب آهن

بنظر من قبل از هرجیز و بعنوان یک حسن بزرگ مسابقات جام تخت جمشید باید از این مساله یاد کرد که بالاخره فوتبال از انحصار پایتخت نشین ها بدر آمد و با همین شکسته شدن دیوار انحصار تهرانی ها ، ثابت شد که در شهرستان ها نیز استعداد بسیار هست و حتی تیم های شهرستانی قدرت برتری به تیم های تهرانی را هم دارند .

در همین اولین فصل جام بزرگانی چون پرسپولیس ، پاس ، تاج و عقاب به تفاوت در دیدار با شهرستانی ها ، با اشکالات بسیاری روبرو شدند . مسلما با ادامه این جام باید شاهد انقلابی بزرگ در فوتبال این سرزمین بود . معایب جام : یکی از معایب کلی جام نخستین ، ناآشنائی تیم های شهرستانی با نحوه انجام کار در زمینه های مختلف بود . مثلا نداشتن راه و روش درست میزبانی در مقابل تیم های مهمان .

نکته دیگر عدم آمادگی استادیوم های شهرستان ها برای انجام مسابقات بود . چه از نظر گنجایش برای پذیرفتن تماشاگر و چه از نظر آمادگی زمین . گرچه از جهت دوم زمین های تهران نیز وضعی اسفناک داشتند ! مسلما این اصل که هر تیم باید یک استادیوم اختصاصی داشته باشد ، کمکی بزرگ در آزرین بردن این مشکل خواهد بود .

پیشنهادهای بهتر شدن جام :

- چه خوب می بود که بنابر ضوابطی از قبل تعیین شده ، به تیم های حاضر در جام تخصیص بیش از یکسال فرصت داده می شد . مسلما تیم هایی نظیر برق و ماشین سازی که بدست دوم سقوط کردند با تجربه اندوخته شده در فصل اول در فصل دوم خیلی بهتر قادر به حضور در جام بودند . درحالی که بحکم اجبار حالا از جام بیرون رفته اند .

برای فضاوت مسابقات جام تخت جمشید باید به تعداد زیاد داوران شهرستانی را نیز بکار گرفت . من در شهرستان ها داورانی را می ششم که خیلی خیلی ورزیده و مورد اعتماد هستند . مسلما با یکی دویار میدان بدین موجودیت خوب کار خود را زود نمایان خواهند ساخت .

پیشنهادهای دیگر در مورد ترتیب انجام بازی نزدیک بهم تیم های شهرستانی در تهران است . با این کار ناخودآیی از مشکلات و هزینه رفت و آمد میتوان کاست . مریت عدم دیگر این کار راحتی بازیکنان و مسئولان تیم های شهرستانی در گرفتن مرخصی از اداره و محل کار خود در شهرستان میباشد .

لیگ سراسری ، تا جایی که مقداری از امور این مسابقات را هیئت تهران انجام میداد . نبودن وسائل اولیه در اغلب شهرستان ها از قبیل اتاق مشخص برای داوران ، نبودن لباس کتی برای بازیکنان ، نبودن دوش آب برای استحمام ، نداشتن تور دروازه ، توپ و حتی برچم اطراف زمین و برچم خط نگهداران و غیره .

پیشنهادهای برای بهتر شدن کار :

در این مورد نیز نظرات خود را بشرح زیر تقسیم بندی میکنم .
۱- ازدیاد بیشتر تیم های شرکت کننده بطوری که به اکثر نقاط کشور داشتن حداقل یک تیم شایسته داده شود .

۲- برای اجرای پیشنهاد بالا می توان به انجام لیگ سراسری در دسته دوم باشگاه های ایران نیز اقدام کرد .

۳- تزیم استادیوم ها و زمین های محل برگزاری مسابقات و تهیه وسائل لازم در یکیک آنها .

۴- تشکیل کمیته ای بنام کمیته تشریفات که مرکز آن در تهران باشد . وظیفه این کمیته انجام امور لازم و فراهم آوردن تسهیلات برای همه است .

۵- تنظیم درست برنامه مسابقات با توجه به شرایط خاص افراد عضو و مسئول یکیک تیم ها . برای مثال یک بازیکن صنعت نفت مجبور نباشد در عرض ۱۵ روز ۲ بار شهر و محل کار خود را ترک و به تهران یا شهر دیگری برود .

۶- ترتیب دادن یک کلاس آموزشی ۲ هفته ای در زمان پیش از شروع مسابقات برای مربیان ، داوران و حتی کاپیتان های تیم ها ، با تدریس مقررات و اصول مربوط به بازی ها در این کلاس ، پیشاپیش هماهنگی فکری جالبی در بین این ۳ دسته میتوان ایجاد کرد .

۷- ناظران کار داوران مسابقات کسانی باشند که خود سوانحی در این کار داشتند و بدروستی قادر به اظهار نظر باشند .

۸- فدراسیون فوتبال تربیتی برای تخفیف بیلت مسافرت با هواپیما بدهد تا بموضع مسافرت با قطار برای تسریع در امر سفر تیم ها و مسئولین یا هواپیما به دیگر شهر ها بروند .

نقاط مثبت جام : ابتکار خوب فدراسیون فوتبال در ابداع لیگ سراسری ایران ، گامی مثبت و ارزنده در راه پیشبرد امر ورزش فوتبال در سطح کشور بود . این برنامه مفید و باورزش امکانات فراوانی را برای نیروهای دست نموده شهرستانی که مدت ها قراموش شده بودند فراهم نمود و به آنان فرصت داد تا با نیرو های نوخاسته و آزاد شده بسوی مکان حقه خود دریک برنامه نیمه و ملی و بصورت مستقل ، نوع خود را آشکار نمایند . این مسابقات موجب شد تا رهبران فوتبال ایران در مرکز ، حقانیت و موجودیت آنها را بیشتر بشناسند . همچنین بمرور ثابت شد که جوانان شهرستانی نیز حرفهائی برای گفتن دارند .

بطور کلی مسابقات لیگ سراسری ایران برای مردم عادی و ورزش دوست نیز که تشنه مبارزات شرافتمندانه فوتبال بودند ، برنامه ای درخور توجه بود . اجتماع بیش از ۳۰ تا ۳۰ هزار تماشاگر در اقصی نقاط کشور و برای هر مسابقه خود بهترین دلیل حاکی از این رضایت عمومی بود .

نقاط ضعف جام : مسلما اجرای هر برنامه تازه ای ، بخصوص در سال اول مشکلاتی را دربر خواهد داشت و خوشبختانه فدراسیون فوتبال بتدریج به نقاط ضعف کار پی برده و در حال حاضر سرگرم آزرین بردن این نواقص میباشد . به عقیده من نقاط ضعفی که در جام اول در برابر ما قرار داشت از این قرار بود .

۱- عدم آمادگی شهرستان ها از جهت ناآشنائی بنحوه انجام مسابقات .

۲- عدم حضور کلیه نمایندگان استان ها و فرمانداری های کشور در جام ، از جمله شیراز ، آذربایجان غربی ، کرمان ، زاهدان ، خراسان و غیره در مسابقات لیگ .

۳- عدم تشکیل کلاس آموزشی برای داوران و مربیان در زمان قبلا از آغاز جام و نتیجه نبود این کلاس آموزشی ، نا هماهنگی نظرات مربیان و تصمیمات داوران در زمان انجام مسابقات است .

۴- عدم احساس مسئولیت از جانب بعضی از روسای تربیت بدنی و روسای هیئت های فوتبال شهرستان ها .

۵- مشخص نبودن مسئولان مستقیم و اداره کنندگان

زیرباگذاردند !

۵- مساله دیگری که بی نهایت اهمیت دارد واگر رامچاره ای برای آن اندیشیده نشود ، موجودیت تیم های شهرستانی را بطور جدی تهدید خواهد کرد . از بین رفتن رقابت و هیجان مسابقه ای در فوتبال شهر ها است !

برای مثال وقتی درآبادان ، بدون هیچگونه ضابطه ای سهمیه این شهر را به تیم صنعت نفت میدهند و یا در تبریز به ماشین سازی و در اهواز به نورد و غیره ... تصدیق کنید به این ترتیب دیگر مربیان و سرپرستان و بازیکنان تیم های دیگر ، رقابت و علاقه ای برای تشکیل تیم و شرکت در مسابقات نخواهند داشت . حتما بخاطر دارید که در گذشته فوتبال آبادان بخاطر رقابت تیم هائی نظیر جم ، کارگر ، ایران گاز ، تاج و سپه چه حرارت و رونقی داشت . ولی حالاچه ؟ کیفیت مسابقات باشگاهی آبادان از دیدار های آموزشی هم سطحی پائین تر پیدا کرده ، در سایر شهر ها نیز وضع از این بهتر نیست .

من اعتقاد دارم که به تمام باشگاههای ایران ، این امیدواری بطور اصولی داده شود که در صورت پیروزیهای قابل توجه و داشتن شایستگی میتوانند به لیگ سراسری راه بیابند . درغیر این صورت باید خیلی زود شاهد از بین رفتن فوتبال پایه و پشوانه های خوب این رشته در شهر های ایران باشیم .

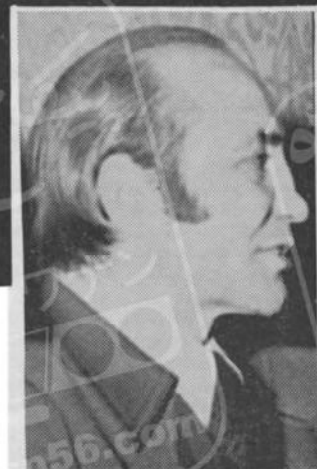
طرحهای پیشنهادی :

باید در سطح شهرستانها ، چون گذشته رقابت باشگاهی رازنده کرد و به آن رونق داد ، کلیه تیم ها باید ایمان داشته باشند که در صورت تلاش و احراز شایستگی راه و رود به جمع تیم های لیگ برایشان باز است . برای اینکه حتی از سایر شهرستانها ضایع نشود ، میتوانیم به خراسان یک سهمیه ، کرمان یک سهمیه ، آبادان ۲ سهمیه ، اهواز ۲ سهمیه ، تهران ۴ سهمیه و مناطق دیگر باتوجه به کیفیت فوتبال که دارند سهمیه هائی برایشان در نظر گرفته شود .

در تهران نیز باید کاری کرد که مسابقات باشگاههای دسته اول این چنین سرد و کم تماشاگر نباشد . باید کلیه تیم هائیکه درلیگ هستند همه ساله با قهرمان باشگاههای شهر خود بطور رفت و برگشت مسابقه بدهند و در صورتی که پیروز شدند درلیگ باقی بمانند .

کوزه کنانی:

باوضع موجود، فوتبال شهرها را به نابودی است!



بروین کوزمکنانی سرپرست تیم تاج

نقش پندار نیک

آنچه‌ای که تعیین شده است ، سود ببرد باید که در قالب این ضوابط ، اگرچه سنگین بنظر می‌رسد تداوم اما برای کاری که هنوز در آغازش هستیم، فرصتی مناسب باید تا باشگاه‌ها قادر به ایجاد امکانات کافی باشند و فدراسیون فوتبال هم با توجه به همین نیاز بوده است که سالی پیش ، به تیمهای دسته اول جام تا پایان دور نخست مهلت داد.

اما این مهلت اولیه را نباید ملاک جواز ورودی برای تیمهای تازه‌واردی که در هر فصل به جام پای می‌گذارند ، قرارداد. زیرا در این صورت باید نوعی تحمیل بر تیمهای دانشکده در مسابقات دلسوز و آگاهانه باشد و در صورتی که تیمها در مسابقات باشند که هزینه‌های هنگفت اولیه را در یکی دو سال بعدی جبران سازند.

در فصل آینده دو تیم سیاهان اصفهان و های تهران، دو تیم باشگاهی تازه‌واردی هستند که بجای ماشین‌سازی تبریز و برق تهران، لیابت جانشینی خود را ثابت کرده‌اند. هردو تیم درنزد شهر خود محبوبانند ، هردو تیم صاحب مربیان و بازیکنان دلسوز و آگاهانه ، و هردو تیم فاقد امکانات کافی ، بر حسب ضوابطی که تعیین شده است ، اما بر طبق یک احتیاط به بخشنامه، به سیاهان اصفهان فرصت کافی داده شده تا برای تأسیس و ایجاد امکانات خود بکوشند و برای همین فرصت حذف سه دو بازیکن از مسابقات، یعنی که «های» باید پیش از این دارای امکانات می‌بوده‌است و حالا که دوازده بازیکنی بزرگ در اهواز انداخت و این را باید یک نوع تبعیض بی‌جرمانه دانست که باید به جایی منطقی جور در نیاید .

جای هیچگونه تردید نیست که اگر بازی فوتبال آرمانی بیندیشیم باید که خواهان تشکلات ، تأسیسات و سازمان خوب برای تیم‌های خارج از جام تخت جمشید هم باشیم. اما اگر فوتبال ما کاملاً حرفه‌ای بود و باشگاه‌های گروه نخست جام به صاحب زمین و امکانات کافی بودند قدرت مالی آنها حداقل همانند تاج و پرسپولیس بود. آنگاه می‌توانستیم انتظار داشته باشیم که با هر حرکتی در راه برای گسترش ورزش و امکانات جدیدتر به جستجو برویم و این انتظار بود معقول که یکی از آن راهها، موظف ساختن باشگاه‌های دسته دوم برای داشتن آن ضوابط باید باشد. می‌رسیم مگر نورد اهواز ، بانک ملی تهران ، برق تهران ، ماشین سازی تبریز صاحب زمین بوده و هستند و با کدامیک از تیمهای دسته یکم تهران بجز آرات و افسر صاحب این امکانات جابه‌جا هستند و با کدام درآمد و نتایج گری باید چنین بودجه هنگفتی را صرف چنین هزینه‌هایی بنمایند ؟

یک روزی بود که از عدم امکانات و کمبود زمین برای تعیین ورزشکاران حرفه‌ای و آماتور ، حالا می‌گویم که هنگامی این گسترش‌های تأسیساتی ، در پی بالا بردن ارزش کیفی مهره‌های زنده این ورزش نبوده‌ام و جابجایی نیست که مقدار زیادی از وقت و همت خود را صرف این کمبود بنمایم و به تیمهای تازه وارد، بجای شتاب در ایجاد تأسیسات ، امکان فراهم آوردن تیمی خوب و نیرومند بدهیم و فرصتی معقول همین است که تادر طول این زمان، که حداقل یکسال و متناسب با زمانی است که وضع خود را در جام می‌توانست استقامت ببخشند، در پی تهیه آن ضوابط برآیند و اگر یارانی آنرا ندارند که در جام بمانند ، بجای افزودن یک ورزشگاه به ورزشگاه‌های خالی ، در پی سازندگی مجدد واحد های جاندار خود باشند.

بر سر آرات چه آمد

بیش از شروع فصل پیش بود که از تیمهای آرات و آرات و راه‌های صحبت کردیم و گفتیم که این دو تیم دارای سازمان و تأسیساتی هستند و میتوانست در اولین دوره که بیشتر تیمها اختصاصی بودند ، عضو جام تخت جمشید باشند و اشاره کردیم که آرات ، بویژه ، تیمی است مربوط به اقلیت مذهبی ارامنه ایران . تیمی که بی‌گمان پس از پرسپولیس و تاج و حتی پیش از پاس و وعاب و تیمهای دیگر طرفداران انبوه و پرتره‌مند دارد و تیمی است که باشگاهش در حال حاضر تکوین مییابد و صاحب ورزشگاهی مدرن و نمونه خواهد شد .

نوشتم که این تیم در جام تخت جمشید امتیاز خوبی برای جلب تماشاگر خواهد بود و حالا که فدراسیون به ایجاد تیمهایی نو و تازه تأسیس همت گمارده ، آرات نیز در این استثنا میتوان بهره‌میکرد. اما در تهران ضوابط رده‌بندی منظور شد و آرات را با همه امکانات و استعداد ، غزده و دل‌لگشسته بیرون از جام باقی نهاد ، بعدی که حتی در مسابقات قهرمانی باشگاه‌های تهران نیز کاری از پیش نبردند ، تمریناتشان نامتواکن و نامنظم شد.

آشفته عمر کوتاه خود را در هم پیچید ، زیرا که دیگر نه آن هیاهو ها چاره ساز بودند و نه آنچه شوق و ذوقی که از آنها یاد میشد گرگشان میشدند و شاید هم آنطور که بار ها اشاره کرده‌ام ، آن زنجیرهای دست و پاگیر اداری بود که فوتبال نورد را از رفتن باز نگاهداشتند .

آب و برق « اهواز هم بقیه چیزی بیشتر از آن دو سازمان دیگر ندارد ، حتی اگر صاحب تجربه‌ای» دبیرین فوتبال اهواز هم بدین سازمان پیوسته باشند باز در نیمه راه برای این گروه همان رود که بر صنعت نفت آبادان ، ماشین سازی تبریز و نورد اهواز گذشت . در اینجا باید از یک نوع بی عدالتی هم سخن گفت، آن بی عدالتی که تمرکز اهواز را بحکم قوانینی نوظهور مغلوب کرد و دور از قول این واقعیت که تمرکز اهواز را که پس از تاج و پاس این شهر ، بهترین تیم ویرسابقه ترین است ، نادیده می‌انگاریم تا بجای آن تیمی با کم تجربگی و نا پختگی‌اش بجای تمرکز اهواز به جام آوریم .

مگر تمرکز اهواز وابسته به سازمان و تشکلاتی دولتی و بر درآمد نیست که بتواند کره فوتبال این شهر را بکشد ؟ و مگر « آب و برق » اهواز هم از جهت اداری یک سازمان دولتی بحساب نمی آید ، پس در این انتصاب ، حق با کدام سازمان و تشکلات است ؟ با آنکه میدانیم تمرکز ها به حکم تجربه چندین ساله و صعود تا مرحله نهایی مسابقات دسته دوم ، شایسته تر می نماید . و « آب و برق » تیمی انتصابی و آزمایش پس نداده میباشد .؟

در آغاز گفتیم که این حکایتی تلخ و شیرین دارد ، حکایتی که تلخی‌اش در سرنگونی و لگدمال شدن فوتبال اهواز بود و شیرینی‌اش آنکه هنوز هم عشق و علاقه ها تجربه ها و صمیمی بودن ها بیش از بول معجزه می‌کند و این معجزه را در صعود مجدد تیمی بنام سیاهان دیدیم، تیمی که سال پیش در جام تخت نهاده شد و حتی هشدار های ما در این پس‌زدگی بی منطق یک نتیجه خوب نتیجه‌ای نه مثبت ، بلکه تأثیری منفی داشت تا تیمی بنام ذوب‌آهن جای سیاهان را بگیرد . سیاهان پارسال درم شکست و یارانش را نمی‌ذوب‌آهن با خواهش و تمنا گرفت تا اگر سیاهان به‌جام باگذارد ، آنها را که فرض گرفته بود پس بدهد و شنیدیم که این قول‌وقرار ها نادیده مانده است :

دو تیم با قدرتی کمتر !

کاری به این نداریم که از این پس، این چنین قول و قرارهایی ، بویژه آنها که گشتاوه می‌باشند پیش از این نداشتند و چرا سیاهانها و محریر» می‌باشند و فهمیده‌سیاهان، این چنین گول خورده‌اند ، اما دیدیم که سیاهان حاکمیت خود را ثابت کرد و با آنقدر قدرت و موجودیتش در فصل پیش نادیده ماند ، باز هم بدسته اول جام تخت جمشید بالا آمد تا اشتباهی را که سال پیش صورت گرفته بود، باز هم ثابت کند.

حالا، سیاهان خیلی از سیاهان سال پیش ضعیف‌تر است، ذوب‌آهن هم همینطور و این دو هیچکدام به‌متهائی، همینرو و مانند سیاهان سال پیش نیستند . درحالی‌که در دومین دور جام تخت جمشید ، دومین از اصفهان داریم، با قدرتی کمتر از قدرت فوتبال واقعی اصفهان .

ما امسال همچون سال پیش و در آستانه دومین دور جام تخت جمشید اصرار داریم و معتقد هستیم که تمرکز اهواز، بهتر از آب و برق، در جام دیدار خواهد شد و اگر نیاز اینست که برخلاف مقررات تعیین‌شده و بابی‌اعتباری برآیند، تیمی توبنیاد و انتصابی بوجود آوریم، چرا تمرکز ، تیمی را که موجود است یا تاج اهواز را که شنیدیم بتایر مقررات سازمان تربیت بدنی خود را از مخرجی سازمان تاج جدا کرده است و در خوزستان نامدار است و شیفانگی و سازمانی و تشکلاتی با قدرت داشته است و گردانندگان آن صاحب تجربه چندین ساله‌اند و از دو تیم دیگر لایق‌تر ، به این جام فرانمیخوانیم؟

تبعیض برای تازه واردها

خشنودی ما از اینست که به‌رحال در جام تخت جمشید تیمهایی جان خواهند گرفت و به‌فوتبال ایران قدرت خواهند بخشید که ضابطه‌های تعیین‌شده را دارا باشند. صاحب زمین تعیین اختصاصی بوده و بتوانند با قدرت مالی نسبتاً خوب و امضای قرارداد با بازیکنان خود و پرداخت هزینه‌های لازم برای رفت‌وآمد آنان ، خود را سرپا نگه‌دارند. تردید نیست که اگر قرار باشد تیمی در جام باقی بماند و درآمد مسابقات

بحث هفته‌ای پیش بدانجا کشید که حضور دو تیم از اصفهان ، در حالیکه اهواز بی نماینده می‌ماند ، بسود جام تخت جمشید و فوتبال آرمانی ما نیست و در این هفته نیز از بحث نیمه تمام را تعقیب می‌کنیم تا از آن نتیجه‌ای حاصل گردد .

چرا تمرکز نه ، آب و برق بله ؟

شکست تمرکز اهواز از سیاهان اصفهان ، حکایتی تلخ و شیرین به‌همراه داشت . حکایتی که تجربه های آتی و کم زمان را محکوم می‌کند و تجربه های دیرین و منطق های پذیرفته شده را اصیل تر می‌نماید .

هنگامیکه نماینده سر زمین فوتبال خیز اهواز ازیس پالتی های جادویی اصفهانها برنیامد و بر خلاف رسم و آیین فوتبال زمان ما طی دو دیدار رفت و برگشت بایک توافق بی‌منطق، کار به پالتی کشید و اصفهانها به حکم ضربه های پالتی موثرتر ، پیروز شدند ، مشکلی جدید بر سر راه جام تخت جمشید بوجود آمد ، مشکلی که با کناره گیری نورد اهواز ، نماینده دیگر این شهر در فصل پیش ، به معنایی تقریباً ناگشودنی تبدیل شد ، آخر چطور ممکن بود که شهری با آن فوتبال بریار و بر ارج و آنهمه اعتبار گذشته دور و نزدیک ، فوتبالش به نیستی کشیده شود ؟ و اصفهان با آن کشش متوسط و فوتبالی که دارد دوباره در تارنجا جان می‌گیرد ، با دو نماینده در جام تخت جمشید حضور یابد ؟

این بود که فدراسیون فوتبال عجلانده دست بکار شد و بجای نورد ، که در آزمایش انتصابی قبلی مردود بود ، نیشکر تخت تپه و آب و برق اهواز را نامزد کرد و باز بدینگونه به انتصابی دیگر دست زد ، انتصابی که می‌تواند فقط نوعی مسکن بی دوام بر زخم ناسور فوتبال اهواز باشد ، نه مرهمی و دارویی که علاج پذیری کند . می‌رسیم اگر قرار است فوتبال اهواز ، بهر شکل و بهر تقدیر ، جایی در جام تخت جمشید داشته باشد ، چرا تمرکز اهواز که حتی استیغاش (بر حسب نظر بینندگان مسابقات اخیر این تیم در دیدار های دسته دوم ایران) بیشتر از سیاهان است نباید در جام حضور یابد و نماینده‌ای اهواز باشد ؟

اما « آب و برق » را که نامی ، هنوز ناآشنا و تازه تولد یافته چون نورد اهواز دارد به این جام فـسـرا خوانده‌ایم ؟

هنوز یکی دو سالی نمی‌گذرد ، از آن زمان که آوازه طبل میان تیمی فوتبال « نیشکر هفت تپه » را در اهواز شنیدیم و هر چه ماندم تا این قدرت جدید در فوتبال اهواز بالا بیاید و دوام بگیرد ، چیزی حاصل نشد . مگر « نیشکر هفت تپه » که سازمانی مورد قبول در صنعت و اقتصاد دارد ، در طول این دو سال نمی‌توانست آنقدر نیرومند باشد که بجای تمرکز اهواز بدورنهائی مسابقات دسته دوم بیاید و آنقدر محکم که بدسته یکم جام تخت جمشید قدم بگذارد ؟ آیا آنقدر آدم مشتاق و آنقدر تشکلات دلسوز و آنقدر قدرت مادی که این نهال را باور سازد ، موجود نبود که تیمی در حد سیاهان اصفهان (که با دست خالی دوباره پرورده شد) ، بسازد ؟

تجربه‌ای تلخ

اگر چنین است ، پس نامی از این سازمان بعنوان یکی از بازی کنندگان فوتبال ایران و اهواز نباید ببریم که این بی کششی هیچ سودی به فوتبال ما نمی‌بخشد، چنانکه نورد اهواز هم نتخشد و شاید « آب و برق » این شهر هم که فدراسیون فوتبال بعنوان نجات دهنده فوتبال اهواز دل بدان بسته است ! سودی نداشته باشد و همچنان تجربه‌ای تلخ باشد ، چون تجربه‌ی نورد به دوری نخستین این جام .

هنوز یکسالی از هیاهو های بسیار برای هیچ ، که از فوتبال نورد بر می‌خاست نمی‌گذرد . در آن هنگام شنیدیم و بسیار هم شنیدیم (اگر چه آرزو ها آنها را باور نکردیم) که در این موسسه صنعتی بسیاری هستند که فوتبال و ورزش را می‌پرستند ، همانطور که مردمیان بدوی زمان های دور ، خورشید و بت را می‌پرستیدند و قربانی به پایش می‌دادند ، و علاوه بر این شوق و ذوق و قول های گردانندگان این واحد صنعتی بشوئونه خوبی برای فوتبال اهواز بحساب آورده شد و از بول های کلانی که در راه فوتبال اهواز خرج خواهد شد ، سخن ها رفت ، اما دیدیم و چه زود هم دیدیم که نورد طومار

خود را باید در کردارهایمان ببینیم

خود را به کمیته قضائی بسپارند و حق اینست که کمیته نقل و انتقالات، این شکایت نامه ها یا درخواست ها را علاوه بر پرش نامه های متداول بپذیرد. زیرا در این مورد شنیدیم و دیدیم، بازیگانی بودند که سرگردان راه بجایی نمی بردند و هیچ مرجعی را نمی شناختند که داد خواهی کنند.

رسیدگی قرار گیرد و برای فوتبال ما، حاوی نکاتی که باشگاه و بازیکن را حامی بتواند باشد. و باز اشاره می کنیم که باید باشگاه ها و بازیکنان آگاهانه قرارداد خود را امضاء کنند و اگر در حال حاضر هم راه گشایی نمی بینند و قصد انتقال به تیم دیگر دارند و مشکلات مانع این جابجایی آنهاست، شکایت

مربیان را از دست داد و حتی در سال جاری بهترین بازیکن مدافع خود، یعنی اسکندریان را توانست نگاهدارد. نظیر آزارات، نهمین پایه سزاوار و شایسته، با خصوصیاتی دیگر و امتیازاتی متفاوت میتوانیم در شهرستانها جستجو کنیم و یکی دو تیم دیگر را که از عهده مسابقات رفت و برگشت برمی آیند بشناسیم و با افزودن این تیمها، تعداد اعضای جام تخت جمشید را به ۱۶ تیم و یا حداقل برای کام دوم و فصل جدید به ۱۴ تیم برسانیم. یک قدم دیگر بسوی فوتبال سراسری ایران برداریم.

در این جستجو میتوان مناطق چون، مسجدسلیمان، خرمشهر، تهریز (مجدد) و مشهد مورد نظر قرار بگیرند. برای تحقق بخشیدن به هدفی نیکو که منظورمان است، باید هر چه زودتر به تشکیل تیمهای دسته دوم جام تخت جمشید همت بگذاریم و حتی برای بقای آنها لازم است که در آغاز راه تسهیلاتی از نظر رفت و آمد (بلیت مسافرت) و هزینه اقامت (یا اختصاص دادن ساختمان داوودیه و نظیر آن برای کم خرج بودن) برای آنها در نظر گرفت.

آیا مشرب نمیتواند؟

آیا مشرب که در مسابقات جوانان ولیعهد آتپور از مسابقه نهائی استقبال کرد، نمی تواند یک نماینده در جام (دسته یکم یا دوم) داشته باشد؟ و یا تبریز که بهر حال استحقاق اعزام یک تیم خوب دارد و در آنها تراکتور سازی پرباشفتر است نمی تواند ایالت حضور در یکی از این دو دسته را پیدا کند؟ و یاب مسجد سلیمان که در گذشته و در مسابقات قهرمانی ایران یکی از تیم های سر بلند خوزستان بود نمی توان باز سهمی از این جام داد و نظیر اینان، گمرک اهواز، آزارات، بوتان تهران، برق سقوط کرده، شهزاد تهران، تهران جوان و دارایی دوباره تاسیس شده هستند که اگر جایی در دسته دوم داشته باشند، ثابت قدم تر، گام برخواهند داشت. به یقین حالا که برای بارور شدن نهال جام تخت جمشید، بهر گونه آزمایشی می پردازیم. صحیح این است که نقش پندار نیک خود را در کردارهایمان به بینیم.

فصل نقل و انتقالات بزودی سیری می شود و هنوز بدرستی و حقیقت از رفتن ها و آمدن های بازیکنان و دگرگونیهای تیمها خبری نیست و شاید هم اولین سالی باشد که تیمها بی تغییر یا با کمترین تغییری به فصل نو پا می گذارند. این ثبات را باید نتیجه یکی از مواد مقررات نقل و انتقال بازیکنان دانست که هر بازیکن باید حداقل دو سال در تیم خود باقی بماند و علاوه بر آن رضایت باشگاه قبلی، تقاضا یا موافقت نامه باشگاه جدید و درخواست بازیکن که همه در یک پرش نامه تنظیم می شود، به کمیته نقل و انتقالات ارائه شود و این دشوار ترین مانع را بر سر راه بازیکنی قرار میدهد که باید در تهیه این پرش نامه بدنبال این و آن بدود و به شکست های اخلاقی و شخصیتی خود تن دردهد. درست است که کمیته جام تخت جمشید و فدراسیون فوتبال برای قدرت بخشیدن به این جام، ملزم به رعایت مقررات تهیه شده میباشد.

اما در این راه دور از تعصب و هرگونه سهل انگاری باید بگونه ای اقدام کرد و مقرراتی داشت که بازیکنان را از این شکل خاص که برده و زر خرید باشگاه ها و در بوغ اربابان خود هستند، بدرآورد و هرگاه که باشگاه ها چوب خشم و عتاب بر سر بازیکنان فرود می آورند و آنها را محکوم به کنار نهادن، گمنامی و نابودی می سازند، به حمایت آنان برود.

در حقیقت باید به باشگاه و بازیکن، هر دو جانب حق داد که دارای حقوقی قانونی و متعارف باشند و کمیته قضایی با توجه به شکایتی که هر گروه دارند، تصمیم نهایی خود را بگیرد.

بوند و هستند بازیگانی که در باشگاه های خود، قرارداد هایی سفید را ندانسته امضاء کرده اند و حالا همان بی احتیاطی و اشتباه گریبان آنها را گرفته است. و یا هستند آتهایی که از جانب باشگاه خود طرد شده اند و بطریق اولی رضایت نامه ای هم بدست ندارند و یا بازیکنانی که نا فرمانی کرده، تیم خود را در نیمه راه رها کرده و « زبان بار» بوده اند و اینها همه قابل رسیدگی است بشرط آنکه از پیش به تهیه مقرراتی جامع و کافی پرداخته باشیم. مقرراتی که برای کمیته قضایی مرجع

مؤسسه صنایع غذایی و شیمیائی «دوره شبانه»

در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ اولین دارندگان قبولی سوم متوسطه یا فارغ التحصیل آموزشگاه های حرفه ای برای رشته شیمی و صنایع غذایی عده ای هنرجو دختر و پسر از طریق مسابقه ورودی برائی نوبت دوم عصرها میبایرد.

شرایط:

- ۱- داشتن کارنامه سوم متوسطه یا فارغ التحصیل آموزشگاه های حرفه ای.
- ۲- نداشتن پیشینه بد.
- ۳- داوطلب باید درخواست ثبت نام را طبق نمونه چاپی تنظیم و همراه مدارک لازم ارسال دارند.
- ۴- عکس ۶×۴ شش قطعه.
- ۵- نسخه اول فیش بانکی به مبلغ پانصد ریال که به حساب جاری شماره ۱۰۴۰۸ بانک پارسی شعبه اتوبانک یا شعب آن در شهرستانها.
- مدت تحصیل سه سال است مدت کارآموزی حین تحصیل است.
- فارغ التحصیلان این موسسه میتوانند بعنوان تکنیسین ارشد در کارخانجات صنایع غذایی و شیمیائی از قبیل کمیوت سازی - قند سازی - روغن نباتی - نوشابه الکلی و غیر الکلی و همچنین صنایع پتروشیمی - سیمان - چاپ - سرامیک - شیشه - پلاستیک و رزین و موسسات تولیدی - صنایع آرایشی و مواد آشامیدنی اشتغال ورزند.
- کسانی که معلومات کافی هوش و استعداد لازم و علاقمندی کامل به کارهای عملی در آزمایشگاهها و کارخانجات صنایع غذایی و شیمیائی دارند میتوانند دوره های عالی را در همین موسسه با توجه به آئین نامه و اساس نامه مربوطه به پایان برسانند.
- گارت شرکت در مسابقه ورودی از ساعت ۸ صبح الی ۵ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه سال جاری در محل موسسه توزیع خواهد شد.
- امتحانات مسابقه ورودی روز جمعه ۲۶ بهمن ماه ساعت ۸ صبح در محل موسسه برگزار میگردد.
- توضیح: رشته صنایع غذایی ساعت ۸ صبح، رشته صنایع شیمیائی ۲ بعد از ظهر به عمل خواهد آمد.
- فولشندگان میبایستی مبلغ بیست و پنج هزار ریال بابت شهریه یک سال تحصیلی بپردازند.
- چون بیشتر برنامه های این موسسه عملی و آزمایشگاهی است کسانی که واقعا علاقه و وقت کافی ندارند بیجهت پست نام نمایند.
- به هنرجویان پس از سه سال توفیق در امتحانات عملی و نظری گواهی نامه ششم متوسطه که ارزش دیپلم کامل متوسطه است داده خواهد شد.
- ضمنا افرادی که در کارخانجات صنایع غذایی و شیمیائی و موسسات تولیدی مشغول کار آزمایشگاهی هستند با معرفی موسسات مربوط بدون کنکور پذیرفته میشوند.
- داوطلبان کنکور میتوانند یک یا هر دو رشته با توجه به پرداخت وجه کنکور به مبلغ پانصد ریال برای هر یک از رشته ها بپردازند.
- توجه: نسبتاً منحصراً بوسیله پست انجام میشود.

داوودیه - خیابان پرتو کوچه هتجن دبیرخانه موسسه صنایع غذایی و شیمیائی
تلفن ۷۷۱۲۵۵
برک درخواست شرکت در مسابقه ورودی موسسه صنایع غذایی و شیمیائی:

نام	نام خانوادگی	از شهرستان
دبیرستان	یامترقه	با معدل
رشته		صنایع غذایی صنایع شیمیائی
تقاضای شرکت در مسابقه ورودی موسسه صنایع غذایی و شیمیائی را دارم.		
نشانی اینجانب بشرح زیر است:		
نشانی کامل:		
شماره تلفن:		
تاریخ امضاء داوطلب		



جام در تهران و مسابقه در کراچی

در حالیکه برای تصاحب جام عمران منطقه‌ای، تیم های ملی پاکستان، امید ترکیه و ملوان ازبایران، در کراچی یکی از شهرهای پاکستان مبارزه میکردند، این جام در تهران بود و هیچکس هم خبر نداشت. فدراسیون فوتبال و همچنین مسئولین تیم ملوان فراموش کرده بودند این جام را که در چهارمین دوره نصیب تیم ملی ایران شده بود بمحل انجام پنجمین دوره مسابقات بپردازد خوشبختانه قبل از دیدار آخرین مسابقه (ملوان ترکیه)، هوشنگ دیدمان دبیر فدراسیون منوجه این موضوع گردیده و با تلاش چشمگیر وسیله یک هواپیمای روسی آنرا در روز پایان مسابقات بکراچی فرستادند. خلاصه چیزی نمانده بود که تیم ترکیه فاتح پنجمین دوره مسابقات عمران منطقه‌ای بدون جام بماند!

گفتگوی با هوشنگ دیدمان، دبیر فدراسیون فوتبال

بازیکنان تیم ملی جوانان حق تعویض باشگاه ندارند!

های سابق گارد پیشنهاد کردم، مابه حرف هیچکس گوش نمیدهم و اینرا بداند که فدراسیون فوتبال هیچگاه بمنوان پلنگه تسویه حسابها مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

هیچ مشکلی درراه عضویت تیم فوتبال همما درجام تخت جمشید نیست و در فصل بعد حتما شاهد مبارزات این تیم خواهید بود.

شنیدیم که در نظر دارید پرویزه‌داری را در آینده برای رهبری تیم ملی ایران انتخاب نمائید این شایعه تاجه اندازه صحتداره؟

من باید هرچه زودتر از دست شما روزنامه نگارهام که شده این جام تخت-جمشید را روبراه کنم، چون خیلی بیگوار شده‌اید و مرتبه سرسبز این و آن گذاشته و شایعه سازی میکنید، برادر من مگر باهر کس که رفتم ناهار و یا شامی خوردم قرار است او را مری تیم ملی بنمائیم؟ بخدا باید از این پس همه جا مراقب باشم چون شماها ازهر چیز کوچیکی یک شایعه بزرگ مینازید. فقط میخوانم اینرا بگویم که اگر قرار باشد باهرکس که من ناهار خوردم طرف مری تیم ملی باشد داشته باشم. شما مسئولین تیم ملی هم که رسماً تعیین شده‌اند.

هجوم شهرستانها

آیا بازیکنان تیم ملی جوانان تغییر خواهند کرد و با همین تیم برای شرکت در مسابقات جوانان آسیا تدارک می‌شود؟
- دراینمورد باید حشمت مهاجرانی جوابگو باشد ولی ما توصیه کرده‌ایم که بدون در نظر گرفتن رنگ پیراهن و تهرانی یا شهرستانی جوانان آسیا تدارک ببینند، در یکی از روزنامه‌ها خواندم که نوشته بود تیم ملی جوانان در انحصار تهرانی‌هاست، این واقعا بی‌انصافی است در چند سال گذشته و بخصوص ده سال پیش شما یک شهرستانی در تیم ملی جوانان نمیدیدید، ولی امسال، پرویزمظلومی، نگارش، دستجردی، باغوردانی، شجاعی، خلیلیان، یزدخواستی، شریفی و... درتیم ملی جوانان بازی کرده‌اند آیا تاکنون آمر شهرستانها در تیم جوانان اینچنین بوده است؟

هنوز نماینده اهواز تعیین نشده

چرا بدون هیچ ضابطه‌ای می‌خواهید تیم آب و برق جانشین نورد اهواز کنید؟ چرا به گمرک تیم دوم مسابقات گروه دوم باشگاههای ایران توجه ندارید و تاج اهواز را که می‌گویند سازمانی جدا دارد فراموش کرده‌اید.

باید بگویم که در اینمورد خیلی‌ها اشتباه میکنند ما هنوز تیمی را جانشین نورد نکرده‌ایم به مسئولین گمرک و طرح نیشکر هفت تپه اعلام کرده‌ایم که هر کدام امکانات بهتری را با اعضاء مدیران کل خود بفدراسیون بفرستند پس از بررسی های لازم بمنوان نماینده اهواز در لیگ قهرمانی قرار داده خواهند شد، البته برای ما گمرک تا اندازه‌ای بخاطر بدست آوردن مقام دوم مسابقات قهرمانی دسه دوم باشگاه های ایران بر دیگران ارجحیت دارد ولی آنچه که هدف فدراسیون فوتبال است دارا بودن امکانات و قدرت نگهداری و تدارک تیمی مطرح است، بدون شک اگر گمرک بتواند با هدف های ما منطبق گردد این تیم نماینده اهواز خواهد بود، دراینمورد فدراسیون جسادی دارد که ملی آن نماینده اهواز و جانشین نورد تعیین خواهد شد.

«هما» را خیلی هم دوست داریم!

شنیدیم که گروهی در فدراسیون فوتبال، بجهت درگیری هائی که با مری تیم هما دارند، تلاش میکنند تا مانع حضور این تیم به لیگ قهرمانی شوند، ضمن اطلاعیه جندی پیش فدراسیون نیز در مورد هما زیاد منفصانه نبوده در اینمورد چاسبگوئید.
- اول این را بگویم که خارج از مسئولیت هائی که در فدراسیون دارم بمنوان یک علاقمند بمنوتال تیم هما را خیلی هم دوست دارم، چه تیمی بهتر از هما که هم بهترین امکانات را دارد و هم از نظر کاروفوتبال در سطحی لائی است، سازمان هواپیمائی ملی تاکنون چندین بار با فدراسیون فوتبال همکاری داشته و همکاری بین فدراسیون و هما موجود نمیشد وقتی که گارد بهم خورد، من پیش قدم شدم و هما را برای فوتبالیست



هوشنگ دیدمان در حال گفتگو با ابوالفضل جلالی خبرنگار دیپای ورزش

فدراسیون فوتبال، پایگاه تسویه حسابها نیست!



آیا هر کس با ما ناهار خورد مربی تیم ملی میشود؟



هفته گذشته در دفتر فدراسیون فوتبال گفتگویی داشتم با هوشنگ دیدمان دبیر و در حقیقت گرداننده اصلی فوتبال، دراین گفتگو پاره‌ای از مسائل مختلف که اینروزها، بمشکلهای مختلف در مطبوعات و دیگر محافل فوتبال مطرح است مورد بحث قرار گرفته که بدون شک توضیحات دبیر فدراسیون در پاسخ سئوالات خبرنگار مجله روشنگر حقایق خواهد بود.
* مدتی است که شایعه شده مسئولین تیم ملی جوانان بسود برخی از باشگاه ها بازیکنان را بقره می‌زنند آیا در اینمورد

محمود ساطری وجهانگیر فتاحی «چنج»!

شده، مسئولین تیم برق پیشنهاد کردند که بر سورتی به ساطری رضایتنامه میدهند کمیته فتاحی نیز از طرف عقاب رضایتنامه داده شود. به این پیشنهاد ابتدا عقابیه جواب منفی دادند ولی دوشنبه هفته گذشته بالاخره راضی شدند تا با موافقت درمورد خروج فتاحی، محمود ساطری را تحویل گیرند، ضمن اینست بداند که محمود ساطری (سمت راست) بازیکنی بود که با داشتن رضایتنامه به فدراسیون مراجعه و رسماً تغییر باشگاه داد!



هفته گذشته باشگاه های برق و عقاب معامله جامه باهم داشتند، مدتی بود که محمود ساطری مهاجم پرفروغ این تیم تلاش میکرد کمالاخذ رضایتنامه برق را بسوی یک از تیمهای بزرگ ترک گوید
ازسوی دیگر جهانگیر فتاحی مهاجم عقاب، با تلاش مسئولین قسمت ورزشی برق دراین سازمان استخدام گردیده بود. ولی متقابلاً ماو رضایت نامه نمیدادند.
تا اینکه وقتی عقاب خواستار محمود ساطری مهاجم برق

حاج رحیمی پورا اولین فوٹوبالیست صادراتی!

ملاقات با کرامر



حاج رحیمی پور در مورد عزیمت خود به آلمان با ابو الفضل جلالی خبرنگار دنیای ورزش (سمت راست) گفتگو می کند

و فدراسیون فوتبال را جلب نمایم بزودی عازم این کشور خواهم شد ، دوست دارم پس از چند سال بازی در باشگاه های آلمان با قدرت و مهارت بیشتری به ایران باز گشته و در خدمت تیم ملی و باشگاه محبوبم پرسپولیس باشم .

که حتما به سراغش بروم ، باور کنید! آتروز گوئی چیزی را کم کرده‌ام و فکر و ذکرم رفتن به آلمان و بازی در باشگاه های این کشور شده؛ می‌خواهم اولین فوتبالیست صادراتی به اروپا باشم -!

آرتوز با یکی از دوستانم به استادیوم
داویده رسه بودم پس از احوالپرسی با
چند تن از مربیان دلس فوتبال « میا »
چرا که کرامر معرفی کردند و منی
دور و بر کرامر حاشی شد، او چیزهایی
به انگلیسی گفت من منظورش را نفهمیدم
دوستم را که به انگلیسی تسلط کاملی دارد
صدا زد و از او خواستم تا حرف های
کرامر را ترجمه کند، و مربی بیانی
فوتبال این چنین گفت، من دیوار بازی ترا
دیدهام، در کار تو خصوصیتی است که
اگر خوبی از آن استفاده کنی به راحتی
میوانی در تیم های بزرگ بازی کنی تو باید
به یک نیم ارشایی بروی

به کمک دوستم پرسیدم چه وقت می شود در تیم های بزرگ عضویت پیدا نمود، کرامر گفت هر وقت که به آلمان بپوانی بیایی؟ من گفتم اتفاقاً مدتی است که می خواهند مرا به این کشور ببرند تا بهلوی اقوام ضمن تحصیل فوتبال هم بازی کنم. کرامر گفت پس هر وقت که بایت را در آلمان گذشتنی سری هم بمن بیا ترتیب عضویت ترا در یکی از تیمهای باشگاهی بدهم، من به کرامر قول دادهام

از مدت ها پیش خبر داشتیم که حاج رحیمی پور مهاجم تند و تیز سرخپوش ها در تلاش عزیمت به آلمان میباشد ، در این مورد همواره مهاجم پرسپولیس می کوشید تا موضوع را مخفی نگهدارد و بهیچ شکل حرفی نمی زد .

هفته گذشته که برای انجام کاری حاج رحیمی‌پور بدینتر مجله آمده بود خبرنگار ما او را برای صرف ناهار به سلف سرویس اطلاعات دعوت نمود و سر میز غذا بود که با مطرح نمودن این سؤال بازیکن پرسپولیس گفت :

گروهی از اقوام نزدیک مادر چند شهر آلمان غربی سکونت دارند . چند سال پیش قرار بود بروی پهلوی آنها ولی مادرم مخالفت کرد ، و ولی وقتی که آنها فهمیدند من در فوتبال پیشرفت کرده‌ام و در تیم ملی هم انتخاب شده‌ام طی نامه‌ای از پدرم خواستند که مرا به آلمان فرستد تا در آنجا ضمن تحصیل فوتبال را نیز در یکی از باشگاه‌های آلمانی ادامه دهم .

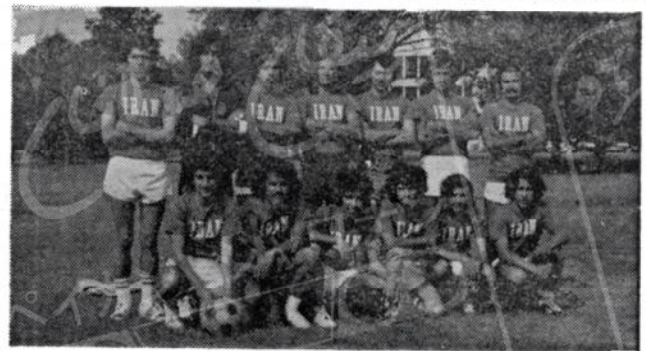
در این مورد تردید داشتم و می -
ترسیدم که نتوانم در باشگاه های آلمانی
موفق باشم تا اینکه یک روز همه این تردید
ها از بین رفت و مصمم شدم که هر طور
شده به سوی آلمان پرواز کنم .



پیراھن امضا شدہ

ابراهیم آشتیانی مدافع صاحبنام تیم ملی و پرسپولیس که همیشه محبوبت و صمیمیت فراوان نسبت به پدیده‌های ورزش ایران کرده است و ما در هر شرایطی از هفت آسانیت او سواستکاریم هفت گذشته پیراهن امضاء شده خود و توپ آخرین بازی پرسپولیس را به ندای ورزش نه کرده را به بیدار کردن خوانندگان خود تقدیم کنیم. این هفت پیراهن آشتیانی را به قرعه می‌گذاریم و هفت آینده توپ آخرین بازی پرسپولیس را.

کلیه علاقمندان و خوانندگان
مجله میتوانند با نوشتن نامه‌در
این قریه‌گشی برای تصاحب
پیراهن امضاء شده آستینانی
شرکت کنند. روی‌نامه بنویسید
مخصوص پیراهن آستینانی .



ایرانیان قهرمان شدند

عرفی گردیدند. عکس تیم فوتبال ایران را در زمین فوتبال دانشگاه توسای نشان میدهد نفرت حاضر در عکس عبارتند از ایستاده از راست به چپ : شهیار مرعوی، علی اربابی، فرهاد مشحون، علیرضا مشیری، یونس واسعی، منوچهر نیاززاده، شهیارفرنگلو، ششسته از چپ : حسین نورالدینی رحمان صوفیان، رضا ترابزاده، سعید ایوسعدی (کاپیتان) و علی معصاری

تیم فوتبال ایرانیان دانشگاه تولسا و کلاهما
واقع در ایالات متحده آمریکا، در مسابقات
فوتبال داخلی این دانشگاه به مقام قهرمانی
رسید.

در مسابقات داخلی دانشگاه تولسا ۱۲ تیم
شرکت داشتند که تیم فوتبال دانشجویان ایرانی
پانکست تیمهای ونزولا، آمریکا، اروگوئه،
برزیل و کویت به جام قهرمانی این دانشگاه
دست یافتند. هسما بازیکنان ایرانی از نظر
خلاقیت، مهارت، سرعت، انعطاف، قدرت، شستشوی

کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ... کوتاہ...

میتراشد ولی مری کیان میگوید که بابام قبول دارم حمیدموش شده و ماسوم !!

● چندی پیش در منزل امیراصفی رئیس سابق هیئت تهران بچه ام سابق تیم کیان نورم جمع شده بودند . گویا چون بزودی امیراصفی باریک‌دوره مربریگری اعزام انگلستان می‌باشد این یک گزیده‌باری بوده ولی چرا فقط بچه های کیان و پاران سابق امیراصفی بودند معلوم نیست !

★ بهمن صالح‌نیا و یکی دوتن از سرپرستان و مسئولین تیم ملوان باحالتی عصبانی سبزه‌دشت به دفتر مجله آمدند و ضمن اسفوس از موقعیتی که برای فتح پنجمین جام عمران منطقه‌ای از دست داده بودند ، از مکلان‌گری اعزامی قذرانسیون هراه اولوان سخت و شکایت داشتند اما معتقد بودند که این مربی انگلیسی وجودش کوچکترین خیروبرکتی برای تیم ملوان نداشت ، ظریف میگفت خدا عاقبت تیم مل را اخیر کند .

حال حاضر عضو تیم نادی الکویت میباشد سه بار روزانه، الرومک حریف نادی الکویت را شکست داده، درحال حاضر شنیده‌ام که پس از سفر خانگی در روزهای ایرانی می‌تواند به تیم الکویت بازگردد و به عضویت خاصی برخوردار می‌باشد.

ورزشگاه اهواز که سالهاست از داشتن نور کافی در شب رنج می‌برد بزودی با نورافکن‌های قوی و مجهزی که برای آن تهیه شده تجهیز خواهد شد.

فصحا چون اواین دوره مسابقات بین‌المللی فوتبالی جوانان جام ولیدیه با شرکت تیمهای جوانان، عربستان، کویت، عراق، بحرین و سه تیم ایرانی در شهرستان اهواز برزودی آغاز خواهد شد یک تعمیر اساسی نیز در این ورزشگاه صورت میگیرد که برای آن ۶۰۰ هزار تومان بودجه منظور گردیده.

*** تعمیر اوست که در فرادسیون فوتبال**

اختلاف تیمهای حمید و کیان کینهنیضانی

شکل جدید مدهد و برای تیم جدید به شکل

● شنیدیم که تیم فوتبال راه‌آهن ۱۷۵ هزار تومان از درآمد خود در جام تخت‌جمشید را اختصاص به بازیکنان داده، راه‌آهن جمعا ۲۲۰ هزار تومان از بازیهای جام تخت‌جمشید درآمد داشته.

★ همایون بهزادی کاپیتان پرسپولیس که گفته میشد در پایان مسابقات جام تخت جمشید کفشها را به میخ آویزان خواهد نمود به خبرنگار ما گفت حداقل تا یکسال دیگر در پرسپولیس بازی خواهم کرد!

● هیئت فوتبال تهران اعلام داشت که مسابقات قهرمانی باشگاههای دسته اول تهران همزمان با شروع باشگاههای فصل دوم جام تخت جمشید آغاز خواهد شد. در حال حاضر هیئت تهران برای شروع این مسابقات با مشکلاتی از جمله حضور دارائی در جمع تیمهای حشر و همچنین وضعیت مشکوک مسابقات حمید و کیان روبروست.

★ در آخرین روز مسابقات باشگاههای کویت، کاظم حسینی، مهاجم سابق، صنعت نفت که در

● اینروزها باشگاه بانک ملی در محاصره بازیکنان تیم فوتبالیست فرار گرفته و حدود هازیکین فوتبال این باشگاه با اصرار تمام در پی اخذ رضایتنامه تلاش دارند، این گروه عبارتند از: حسن ابراهیمی، محمود اعتمادی، عباس رحیمیفر، فرامرز صباچی و حمید ناجی، تاکنون کمیته فوتبال این باشگاه در مقابل فشار بازیکنان مقاومت ننموده و به کسی رضایتنامه نداده است.

نوینالان از جمع نیمیهای حاضر در کجکهرانی
باشگاههای ایران خارج شد، اینروزها با
لش و حرارت قابل توجهی در صدد است تا
بافراه نمودن سهولات لازم ضمن حفظ
بازیکدستی باردیگر باکسب عنوان فرمانی
باشگاهی دسته اول تهران به «لیگ» راه
یابد. گویا روزه همین اهل بوده که ناصر
ابراهیمی مربی تیم برقی به خواست خودش
پلی دوره مربیگری را از طرف باشگاه برقی در
محاسنات بند نهفته

مسابقات فوتبال جام عمران منطقه‌ای

غفور با پای گچ گرفته به تهران بازگشت!

بهوا برخاسته بود وقتی در گرفتن آن ناکام ماند در پائین آمدن، بطور عمدی روی زانوئی غفور فرو آمد در حالیکه گلزن خوب ملوان که توپ را با ضربه عالی سرش باکترین فاصله‌ای از کنار تیر دروازه به بیرون کوبیده بود، قبلا بزمن افتاده بود!

همین مصدومیت نابهنگام در حقیقت غفور و خط حمله ملوان را در وقت اول از کار انداخت، اما گلزن جسور ملوان با همه دردی که در زانو داشت در دقیقه ۳۶ زوئی توپی از نقطه کرنر و با ضربه سرگل تلافی را پاکستان زد و این گل آخرین رمق او را هم گرفت و پنجاه مری ملوان بایرون فرستادن او نصرت ایران دوست را بیدان فراخواند. قادر عزت‌اللهی بجای خالی نیاکانی که در قیاب غفور به سانتر رفت در گوش راست قرار گرفت و ایران دوست هافبک خوب بازگشته ملوان در میدان بازی و جای همیشگی خود شروع به بازی کرد.

درخشش در نیمه دوم

با وجود خروج غفور، ملوان در نیمه دوم شکوهی دلنشین و ستودنی از فوتبال تهاجمی دیدنی خود عرضه کرد و پاکستانیها ضمن همه آمیدی که برای کسب پیروزی یا حداقل حفظ همان نتیجه مساوی داشتند در دقیقه ۶۳ مغلوب شلیک زیبای اسبندار شدند. پاس‌عالی نیاکانی سازنده این موقعیت طلایی گل برای اسبندار بود. ملوان در این نیمه آنطور قدرتمند و حاکم در میدان ظاهر شد که جز یک گل بدست آمده حداقل شایسته کسب ۲ گل دیگر و رسیدن به نتیجه ۴-۱ بود، بخصوص که ۲ موقعیت پناستی ملوانان با زرنگی خاص

بسیار به استقبال تیم نماینده ایران بودند.

روز پنجشنبه ۲۷ دی در ساعت ۳:۲۰ بعد از ظهر در حالیکه ملوانان بیش از ۲ جلسه تمرین در هوای ۲۵ درجه حرارت کراچی انجام نداده بودند، دیدار افتتاحیه پنجمین دوره مسابقات فوتبال جام عمران منطقه‌ای بادیوار ملوان و تیم ملی پاکستان آغاز شد.

ملوان با همان ترکیب همیشگی و آشنای خود قدم به میدان دیدار با پاکستان گذاشت. علی صیاد- فرهاد صیاد مصالح، منوچهر ناوران، بهمن صالح‌نیا، رضا ویشگاهی، قاسم سلطان زادی، قادر عزت‌اللهی، جاویدجهانگیری- علی نیاکانی، غفورجهانی و عزیز اسبندار.

ضیاء ترکان داور اعزامی فدراسیون فوتبال ترکیه داور مسابقه بود و محسن زمانی از ایران و نبی‌بخش از پاکستان کمک داور بودند. استادیوم ۲۵ هزار نفری و قدیمی کراچی با وجود کنجاش قابل توجهش بیش از ۱۰ هزار تماشاگر برای این دیدار نداشت.

تیم پاکستان علیرغم تصوراتی که پس از جدائی بنگلادش (پاکستان شرقی) در مورد تضعیف قدرت تیمی آنها بجهت تمرکز بیشتر فوتبال درداکا که اکنون مرکز بنگلادش می‌باشد، میرفت به نسبت آنچه که در سال های گذشته نزدیک ما از آنها بیاد داریم، تیمی جوان، تونده و امیدوار شده است. حتی در حال حاضر در این تیم ستاره نیز می‌توان جستجو کرد. بطوریکه ترکیه که همیشه در بیرون مرزهای خود به دنبال بازیکنان خوب و مستعد ولی ارزان قیمت هستند در پایان مسابقات این جام مصرانه در تلاش خرید ۲ بازیکن خط حمله پاکستان شماره‌های ۹ و ۱۰ بودند و حتی در این



لحظه‌ای قبل از دیدار ایران - پاکستان صالح‌نیا کاپیتان ملوان حلقه گلی به ضیاء ترکان داور ترک هدیه می‌کند.

عجیب بودند. و شاید بجهت همین دلهره پیشاپیش بود که تیم ترکیه با وجود برتری محسوس خود طول وقت اول از یکدیگر شاسی که برای گل در این نیمه بدست آورد سودی نبرد. در عوض در نیمه دوم بازی، ملوان نیز تاحدودی ترس از ترکیه را از یاد برد و کم‌هراس‌تر از وقت اول بازی کرد. بهمن جهت نیمه دوم بازی ملوان- ترکیه را بخاطر احتیاط کنار مانده هر ۲ حریف، نیمه بهتر این مسابقه می‌توان دانست. در این نیمه ملوان بتلافی خطراتی که ترک‌ها

ترک‌ها برای سومین بار طول پنج دوره برگزاری مسابقات فوتبال جام عمران منطقه‌ای فاتح این جام شدند و بدین ترتیب مقام- زیبای مسابقات فوتبال عمران منطقه‌ای برای همیشه از آن ترکیه شد و باید برای مسابقات سال بعد یک جام تازه و دیگری تهیه شود.

بعد از ظهر یکشنبه پیش تیم ترکیه در خالی قهرمان پنجمین دوره این مسابقات شد که ملوان تیم نماینده ایران بیش از ۴ دقیقه تا فتح جام و حفظ عنوان قهرمانی برای ایران فاصله نداشت، اما توپچیهای

ملوان در ۴ دقیقه آخر جام را از دست داد!

داور ترک نادیده گرفته شد. روز بعد از دیدار ایران و پاکستان، ترکیه که اسیر غرور خود حریف راست کم گرفته و برای حفظ نیمی بیشتر از برای اصلی خوشی، تیمی متشکل از اربابان ذخیره را به میدان فرستاده بودند، غیر منتظره اسیر جسارت، تلاش و بازی تماشایی پاکستانیها شدند و بجز تحمل اجباری مساوی ۲-۲ تا آستانه یک شکست کهنه حقیقت یک فاجعه برای فوتبال ترکیه بیار می‌آمد پیش رفتند. چون گل سوم را نیز پاکستانیها بدون دروازه ترکیه انداختند و محسن زمانی داور ایرانی مسابقه این گل را در آغاز پذیرفت. ولی کمک داور ترک با بافشاری عجیبی و عنوان کردن اقساید توپ قبل از ورود بدروازه در سردود شمردن این گل توفیق پیدا کرد و ترکیه با همان مساوی ۲-۲ در انتظار دیدار سرنوشت‌ساز روز دوشنبه مقابل ملوان ماندند.

دیدار حساس جام پنجم

مسابقه ملوان و تیم ترکیه براستی از هیجان و اهمیت خاصی برخوردار بود. ترکیه که مساوی با پاکستان در حقیقت یک شکست برایشان محسوب می‌شد، با ناکامی احتمالی برابر ملوان، بیرون دمنار یکی

مورد با مقامات فدراسیون فوتبال پاکستان نیو وارد مذاکره شدند.

اردوی ۲۵ روزه

ملوان که از هوای نامتعادل و بارانی خرمشهر به گرمای ۲۵ درجه کراچی آمده بود در نیمه اول دیدار با این تیم خوب و درست تدارک شده پاکستان که بدست ۲۵ روز در اردو بسر برده بود، تقریباً خیلی بدو کمتر از چهره معمولی خود نیز ظاهر شد. نتیجه این ضعف که بیشتر ناشی از فریبگی بازیکنان خوب ملوان برای یک میدان خارجی بود، گلی بود که میزبانان دقیقه ۱۶ بوسله آدریس، سنتر فوروارد خود، همان بازیکنی که فوق‌العاده مورد توجه ترکیه واقع شده، وارد دروازه ملوان نمودند.

اما پیش از گل، ملوانان دلاوریتی بزرگتری پیدا کرده بودند و آن مصدومیت شدید غفور جهانی سترفوروارد و گلزن بزرگ این تیم بود، او دقیقه ششم مسابقه روی حمله خطرناکی که تنها در سایه جسارت تحسین برانگیز خود روی یک توپ هوایی روی دروازه پاکستان نمود، در نهایت کم محبتی بوسله دروازه‌بان پاکستانی سستی آسبیدید، چون دروازه‌بان پاکستانی که همای غفور برای چهار توپ

در وقت اول روی دروازه این تیم خلق کردند، ۲ بار با ۲ ضده حمله موفق به خلق ۲ موقعیت خوب برای گل شد که هر ۲ بار سویی ببار نیامد.

در این دیدار آنچه که بیش از همه غیرعادی مینمود خشونت بی‌دلیل ترکیه بود و باید اعتراف کرد همین عمل ترکیه تاحدی باعث ترس ملوانان و بدنبال کمتجربگی آنان در ۱۰ دقیقه آخر در حالیکه تیم نماینده شمال فقط ۴ دقیقه تا فتح جام فاصله داشت، منجر به گل پیروزی تیم ترکیه گردید. با اینحال از قضاوت ضعیف صدیقی داور پاکستانی نیز نباید چشم پوشید و ترکیه در سایه همین ضعف قضاوت و تکیه بر خشونت غیر منتظره خود بود که موفق به کسب برتری مقابل ملوان در ۱۰ دقیقه آخر شدند.

اما جالب این بود که روز بعد از دیدار ایران و ترکیه، روزنامه‌های کراچی ضمن درج خبر پیروزی ترکیه، اینطور عنوان کردند که ترکیه با جنگ و خشونت جام پنجم را تصاحب نمودند!

ملوان بعد از اردوی تدارکاتی و یک هفته‌ای که در خرمشهر داشت، با امید و اطمینان به پیروزی، راهی کراچی شد، خاصه اینکه ایرانیان مقیم پاکستان نظیر دیدار سوم ایران- کره شمالی در مسابقات مقدماتی المپیک مونخ در سال پیش یادارک

ترک در دیدار حساس و آخر بازی با مقابل ملوان، با وجود برتری اندکی که برابر ملوانان داشتند تنها بلف یک گل دیر هنگام، رویای قهرمانی ملوان را بر هم زدند و خود فاتح جام شدند.

پیروزی ملوان با نتیجه ۲-۱ و مساوی ۲-۲ ترکیه در دیدار با پاکستان حریف دیگر جام، پیشاپیش و قبل از دیدار با ترکیه این شانس را نصیب ملوانان کرده بود که حتی بایک نتیجه مساوی، قهرمان مسابقات و فاتح جام باشند. اما بهمن دلیل ترکیه خلاف چهره برانندگی که از دیدار نخستین مقابل پاکستان داشتند، بخوبی پیی به حساسیت این دیدار خود با ملوان برده و شاید بجهت درک اهمیت این مسابقه بود که تیم ترکیه مقابل پاکستان شش مهره اصلی خود را بخدمت نگرفت و ترکیه با فراخواندن بازیکنان در دیدار با ملوان، دگرگونی چشمگیری در کیفیت کلی کار تیم خود طی این ۲ دیدار بوجود آوردند.

تضعیف روحیه ترکیه

بااین وجود مساوی ۲-۲ با پاکستان به شکل عجیبی در تضعیف روحیه تیم امیدوار ترکیه تاثیر گذاشته بود، چون علیرغم همه تواناییهای تیمی، ترکیه از لحظه آغاز مسابقه با ملوان دچار ترس و دلهره‌ای

ترکها دویینگ کرده بودند!

بهرحال حضور در جام عمران منطقه‌ای با وجود عدم موفقیت در فتح جام، تجربه‌ای خوب و برارزش برای ملوان تیمس نوپای بندر بحساب می‌آید. خاصه اینکه مسابقات کراچی سرآغاز تجربی خوبی برای بسیاری از یاران این تیم که اکنون در جمع امید های خوب و مستعد فوتبال ما درآمده‌اند می‌باشد.

البته در پایان این گزارش کوتاه از کارنامه ملوان در کراچی یادآوری این نکته نیز ضروری است که غفور جهانی بهترین گلزن این تیم پس از مصدومیت شدید زانو در دیدار با پاکستان با تشخیص پزشک مجبور به قرار دادن پای خود در گچ شد و یابای گچ گرفته به تهران بازگشت.

گفتگو با کاپیتان و مربی

در حاشیه این مطلب بد نیست به گفت و شنود کوتاهی هم که در باره این مسابقات و کیفیت کار ملوان با بهمن صالح‌نیکاپیتان و مربی تیم ملوان انجام داده‌ایم توجه کنید.

★ از کار تیم خود در کراچی راضی هستید؟

با توجه به شرایط باید بگویم ما در مسابقات کراچی خوب بازی کردیم گرچه من اینجا به نمایندگی همه بازیکنان ملوان از همه مردم ایران، خاصه همشهری های مهربانان در ناکامی تیم برای فتح جام عمران پوزش می‌خواهم. چون ما بواقع به قصد اینکار به کراچی رفته بودیم. اما متأسفانه کمی تجربه و تاحدی شرایط نامساعد مانع از توفیق ما در این راه شد. بطوری که می‌توانم بگویم ملوان نتوانست در این دو دیدار آن چهره روزهای خوب و آواخ خود را در طول فصل گذشته ارائه کند.

در این دوره مسابقات نصیبشان می‌شد، درحالی‌که ملوان به‌صرف همان امتیاز برتری که بلطف تساوی نیز خود را قهرمان می‌دید، عملاً و بدون ترس از هر حادثه‌ای در دیدار با ترکها - فقط به فتح جام می‌اندیشید.

غافل از اینکه این یک نبرد حیاتی به حساب می‌آمد. برای مسابقه روز یکشنبه که در همان استادیوم ۲۵ هزار نفری کراچی انجام شد، ملوان همان تیم فاتح دیدار با پاکستان را به میدان فرستاد. ولی ترکها با ۶ تغییر در تیم دیدار روز نخست قدم به میدان این دیدار گذاشت.

فوتبال تهجی و قدرت نفوذی خوب ملوانان در این دیدار طوری از لحظه آغاز ترکها را به دفاع از دروازه مشغول کرد که دفاع ملوان خیلی کمتر از آنچه انتظار می‌رفت در این دیدار برزخمت افتاد، گرچه مهاجمان ترک با حمله‌گرهای خاص خود و شوتهای خطرناکی که از راه دور نزدیک روانه دروازه ملوان می‌نمودند بهر حال چهره واقعی خود را با هر موقعیتی نمایش می‌گذاشتند.

با این وجود ملوانان بلطف چهره تیمی خود پیش از ۷۰ دقیقه در زمین ترکها پاپتوپ و در تلاش نفوذ به دروازه بودند و حتی ۲ بار نایکانی تویچی خطرناک خط آتش ملوان پاپتوپ موفق به شکستن حصار دفاعی حریف شد.

زمانیکه ملوان ۸۰ دقیقه مسابقه را علیه رعب هم حملات خود مساوی پشتسر گذازد، بی‌تردید در برابر دفاع سفت و سخت حریف می‌بایست محتاطتر عمل می‌کرد و این وظیفه یاران مایه میدان ملوان بود که بیش از هر زمان دیگر طول این دقائق پایان بعضی تلاش برای گشودن دروازه حریف در اندیشه حفظ توپ و کاستن از سرعت بازی

باشند.

کم تجربگی ملوانان

ولی کم تجربگی ملوانان در این مورد سرانجام آن شانس طلائی را که ترکها دیگر کمترین آمیدی برای دست‌یابی بدان نداشتند نصیبشان کرد. روی یک ضد حمله ترکها فرهاد صیاد مصلح مدافع راست ملوانان با جبار تن بخاطر روی یار حریف به متوقف نمودن او داد. و با ضربه آزادی که به حریفه همین خطا ترکها بدست آوردند، «مستان» ستر فوراً در خط تیم ترکها موفق به زدن گل پیروزی تیم خود شد. شادی ترکها پس از این گل برآستی و صف‌ناپذیر و عجیب بود. چون آنها در اوج ناامیدی توانسته بودند با این گلدور از انتظار ضمن کسب پیروزی مقابل ملوان فاتح جام نیز باشند. و چه شادی از این بالاتر که این فتح شانس صاحب همیشگی جام عمران منطقه‌ای را نیز به ترکها بخشید.

در ۴ دوره گذشته این مسابقات که بر تپت در سالهای ۱۳۴۴ در تهران، ۱۳۴۶ در آدرا، ۱۳۴۸ در آتکارا و ۱۳۴۹ در تهران برگزار شد، ترکها توانسته بودند در داکا و آتکارا فاتح دوره‌های دوم و سوم این جام باشند. درحالی‌که در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۹ ایران قهرمان مسابقات شده بود.



یاسین کاپیتان و دروازه‌بان تیم ترکها و صالح‌نیکاپیتان ملوان پرچم یادبود مبادله می‌کنند محسن زمانی نیز در عکس دیده می‌شود.

دور اعزامی فدراسیون می‌توانید سؤال کنید که بجز پتانسیل‌های نادیده گرفته شده‌ما، تا چه حد بضرر ما سوت زده شد. من پیشنهاد می‌کنم کمیته برگزاری این مسابقات برای سالهای آینده در تلاش بخدمت‌گرفتن داوران بی‌طرف برای این مسابقات باشد.

مربی خوشگذران!

★ دنی‌مکلان مربی اسکاتلندی تیم ملی نیز در این سفر همراه تیم شما بود. ناچه

در روز پایان ملوان فوتبال کرد و ترکها جنگ!

حد از وجود این مربی در تدارک کوکک تیم خود سود بردید؟

با تصدیق دیگر همراهان تیم‌ها، متأسفم بگویم که آقای مکلان در این سفر فقط یک توریست خوشگذران بود که با ما به پاکستان آمده بود! چون او نه تنها هرگز در تمرین تیم یا در زمان مسابقه بیاری ما نیامد بلکه بزرگترین بی‌احترامی را نیز به گروه ما و بنظر من بنام ایران نیز کرد. چون حاضر به پوشیدن لباس فرم ما که آرم و کلمه ایران بر روی سینه آن بودند و در روز افتتاحیه مسابقات نیز با ما رژه‌رفت! من از بابت استخدام یک چنین مربی برای تیم ملی فوتبال واقعا متأسفم و شاید حبل بر خودخواهی من باشد، ولی با تجربه‌ای که طی ۱۷ سال فوتبال کسب کرده‌ام امروز صریحا می‌گویم که این مربی هرگز بکار تیم ملی ما نمی‌خورد و چه بهتر که قبل از هرگونه تجربه تلخی فکری دیگر بحال او شود.

در مورد او این نکته را هم اضافه می‌کنم که مکلان بعضی کار و کمک به ما در طی اقامت‌مان در کراچی یکی دو باری برای تمرین و کمک سرفوت تیم پاکستان برای گویا در تلاش جلب‌نظر مقامات پاکستانی برای رفتن به آنجا پس از ایران بود!

مصدومیت جهانی لطمه‌ای سنگین بر پیکر تیم ما بود و بهمین علت در نیمه اول تیم ما تا آن حد بدوقابل انتقاد بازی کرد. اما در عوض در وقت دوم با دیگرگونی از هر لحاظ، چهره‌ای متفاوت و موفق داشتیم. بطوریکه پیروزی با نتیجه ۴-۱ گل اختلاف کاملاً حق ما بود، سلطانزادی و ناوران بهترین چهره‌های تیم مادر این دیدار بودند.

★ موجودیت کلی ۲ حریف تیم شما در این مسابقات چگونه بود
با برخلاف باره‌ای نوشته‌ها در مطبوعات تهران، باید بگویم ترکها تیم خیلی خوب و تدارک شده‌ای را به کراچی فرستاده بودند. بنابراین کشته سرپرست تیم ترکها اکثر نفرات این تیم عضو تیم ملی ترکها بودند، به‌اضافه بهترین نفرات تیم ملی امید این کشور. پاکستان نیز با راستی فوتبال تازه و امیدبخشی را با تدارک یک تیم ملی خوب آغاز کرده است.

★ کیفیت قضاوت داوران چگونه بود؟
از این بابت متأسفم، چون گویا درد داورى هم‌چاگیر است و افسوس بزرگ من اینست که نظیر همین مسابقات باشگاهی خودمان، آنجا هم هر ۲ داور ترک و پاکستانی عمدتاً غیرعمد به‌رحال با اشتباهات‌شان بی‌محتبی‌های بسیار در مورد ما روا داشتند، در مورد هر ۲ مسابقه از

★ عقیده شما راجع به بازی با ترکها چیست. بخصوص که در ۴ دقیقه آخر با تنها گل ترکها جام را از دست دادید؟
باید بگویم ترکها واقعا دور از روح ورزشکاری در این دیدار با ما فوتبال کردند و آنچه را که آنها انجام دادند به جنگ و خصومت بیشتر نزدیک بود تا یک مسابقه فوتبال. در فیلم گرفته شده از این مسابقه ببینید آنها چطور بیرحمانه چهره‌های ما را زیرخشونت قرار داده و از این بدترین فحاشی در طول بازی بروی ما آب دهان انداختند! افسوس که داور پاکستانی نیز آنقدر ضعیف بود که نه تنها در برابر این شکل عمل ترکها کمترین عکس‌العملی نداشت بلکه ۲ بار از خطای عمد ترکها در محوطه پناالتی چشم‌پوشی کرد.

با اینحال در مورد نتیجه کار، شخصاً بعنوان رهبر تیم باید از خط میانی تیم و مهاجمان خود بخاطر کمک‌کاری آنها در طول ۱۰ دقیقه آخر مسابقه انتقاد کنم. چون کمی فداکاری و دوراندیشی بیشتر آنها در حفظ توپ هرگز مارا از جام دور نمی‌کرد.

ترکها دویینگ کرده بودند

در مورد ترکها بیک مساله نیز باید اشاره کنم و آن دویینگ کردن آنها بود. این عمل را مسئول پاکستانی رختکن تیم

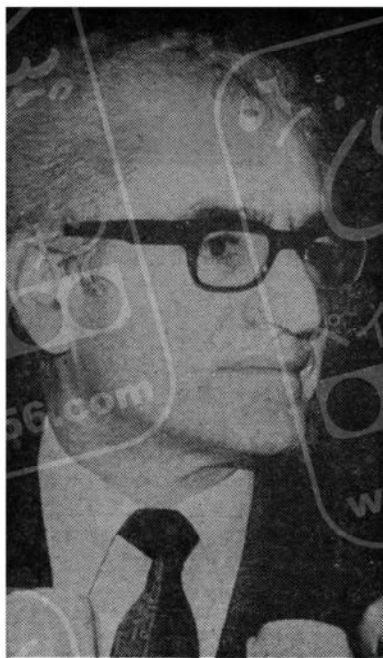
رستاخیز ششم بهمن

نهال یازدهساله رستاخیز ملی این سرزمین که بیاری آفریدگار توانا و از برکت رهبریهای حکیمانه شاهنشاه آریامهر در چشمانداز تمدن مین میهن عزیز ما افق درخشان و خیرمکننده گشوده است قیام دلیرانه شاهنشاهی است که با تصمیم قطع ملت ایران طرح شکوفان تجدید حیات جامعه ما را از عالم امید و اندیشه بر مرحله عمل و امکان درآورد.

انقلابسپید ایران که درروز ششم بهمن بنیاد نهاده شد، با اجرای ۱۲ اصل سازنده و تریبخش خود، برای دگرگونی و تحولات خیرمکننده بنیادهای اجتماعی و معجزه آسا، مینا پیدایش شیوه رهبری بیسابقه و نوظهوری است که حتی در جهت اخلاق و عواطف و ملاحظاتی انسانی بر همه رویدادهای سیاسی و انقلابی تاریخ بشریت چنان برتری دارد که قابل سنجش نیست.

و امروز چشم مردم جهان به آنچه طول یازده سال با رستاخیز دلیرانه ای که شاهنشاه آریامهر در سایه رهبریهای خردمندانه خویش در این سرزمین بوجود آورده اند خیره گشته است.

در این روزهای پرشکوه و تاریخی که نور امید و غرور این پیروزی بزرگ و ارزشمند سرزمین ما را دربر گرفته است بعنوان کوچکترین شکل سیاس پیشگاه شاهنشاهی بزرگ و رهبری خردمند و دلیر صادقانه ترین مراسم سیاس و حق شناسی جامعه ورزش را بمناسبت رستاخیز ملی و پرخروش شنبهین پیشگاه پدر تاجدار و بنیانگذار ایران نوین تقدیم میداریم.



گزارش حسین حصاری فرستاده مؤسسه اطلاعات

ایران فاتح جام روزه کولن فرح و شوی مدال طلا و پر ویزی نقره گرفتند



پرویزی مدال نقره

از رومانی ۲- آرامازیک از لهستان .
۸۲ کیلو : ۱- لیبرمان از شوروی ۲- ولتانا
از رومانی ۳- بوجول از فرانسه .
دربندی تیمی : ۱- ایران ۲۹ امتیاز ۲-
شوروی ۲۸ امتیاز ۳- رومانی ۲۶ امتیاز .

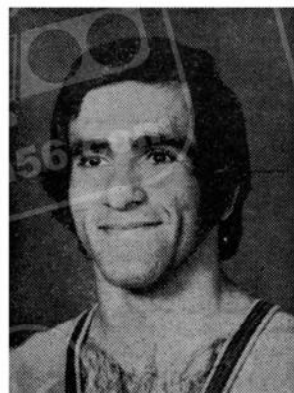
صاحب امتیاز

مصطفی فرزانه

زیر نظر :

بیژن رفیعی

نشریه ورزشی اطلاعات ۴۸ صفحه ۱۵ ریال-
سال چهارم - شماره ۱۷۵ - شنبه ۶ بهمن ماه
۱۳۵۲ - نشانی دفتر مجله : تهران خیابان
خیام موسسه اطلاعات تلفن ۳۲۱۰۸۱۳۲۴۱۲



فرحوشی مدال طلا

یکشنبه شب هفته گذشته سومین دوره مسابقات کشتی جام روزمکون با پیروزی تیم کشتی ایران پایان گرفت . تیم ایران با یک مدال طلا ، یک مدال نقره و مجموع ۳۹ امتیاز فرمان شد . درحالیکه تیم ایدوار شوروی تنها با یک امتیاز اختلاف نسبت به تیم ایران در مقام دوم جای گرفت شورویا در کشتی فرنگی ۲ مدال طلا گرفتند .

نحوه مسابقات این جام به شکل خاصی بود و بخاطر همین روش خاص ایران از دسترس بیگ مدال طلای دیگر محروم شد . چرا که ابراهیم پرویزی کشتی گیر ۶۲ کیلوی ایران در مسابقات آزاد در طول ۶ دوره مبارزه ، پنج پیروزی و یک مساوی داشت . بدین ترتیب طبق قوانین جهانی کشتی او صاحب مدال طلا بود ولی فرانسویها بنابر همان قوانین خاص خود مدال طلای او را به یانکوف بلغاری که ۴ پیروزی و یک شکست داشت دادند !
تنها مدال طلای ایران را محسن فرموشی قهرمان جهان در وزن ۵۷ کیلوی کشتی آزاد

کشتی آزاد
۵۷ کیلو : ۱- محسن فرموشی از ایران ۲-
ولادیمیر یومین از شوروی ۳- نجکوف از بلغارستان .
۶۲ کیلو : ۱- یانکوف از بلغارستان ۲-
ابراهیم پرویزی از ایران ۳- پیتروکوما از رومانی .
۹۰ کیلو : ۱- واسیلی بورگا از رومانی ۲-
انتوسف از شوروی ۳- قزائف از بلغارستان .
کشتی فرنگی
۶۲ کیلو : ۱- قزائف از شوروی ۲- آرکادی

صفحه ۲۲ دنیای ورزش

آغاز دیدارهای والیبال قهرمانی پسران تهران

از دیدار ظهر دیروز مرحله مقدماتی مسابقات والیبال قهرمانی پسران باشگاه های تهران : در سان شماره ۴ فرح آغاز گردید .

برای شرکت در بازیهای امسال جمعا ۲۱ تیم نامتوسی گردانند که مسابقات مقدماتی بدون حضور تیمهای اول تا ششم دیدار های سال گذشته ، در سه گروه پنج تیمی برگزار خواهد گردید .

بازیهای مقدماتی بصورت دوره ای انجام می شود و بعد از آن تیمهای اول و دوم هر گروه بهمره ۶ تیم دیگر مرحله بعد را آغاز خواهند کرد . تیمهایی که عنوان های اول تا ششم مسابقات سال گذشته را بدست آورده اند ، تاج ، پاس ، عقاب و پرسپولیس ، برق ، ایران امروز میباشند گروه بندی برای انجام بازیهای مقدماتی باین صورت است :

گروه اول : تهران جوان ، شباه
آریا ، اسیرت ، شهپاد .
گروه دوم : دخانیات ، صنعت نفت
افسر ، سیان ، ایرانما .
گروه سوم : دبیم ، دژبان ، آزارات
صنایع نظامی ، هما .

نتایج بازیهای انجام شده

تهران جوان ۴- شهپاد ۱
دخانیات ۴- سیان صفر
شباه ۴- اسیرت صفر
(اسیرت حاضر نشد)
صنعت ۴- افسر ۱
صنایع نظامی ۴- هما صفر
(هما حاضر نشد)

دیدارهای تیم ملی جوانان

بعد از ظهر دیروز تیم ملی جوانان دومین دیدار خود را در برابر تیم ملی قطر در دوحه انجام داد . مسابقه نخست ۳ تیم بعد از ظهر چهارشنبه گذشته انجام گرفت که پس از ۹۰ دقیقه مبارزه نتیجه مساوی ۱-۱ بدست آمد.

حسن روشن گوش چپ تیم ملی جوانان در دقیقه ۷ حل نخست مسابقه را بسودنیم ایران به نمر رسانید و با تکیه بر این کل جوانان ایران تا فاصله ۵ دقیقه به پایان پیروز بودند . لیکن در دقیقه ۸۵ محمد صدیق نوروارد تیم ملی قطر با استفاده از یک فرصت استثنائی موفق به زدن گل مساوی و رها کردن تیم خود از شکست گردید .

این نتیجه دومین نتیجه مساوی برای جوانان ایران در دیدار برگزار شد آنها در سفر به بحرین و قطر بود .

تیم ملی جوانان نخستین مسابقه خود را روز جمعه دو هفته پیش در بحرین با تیم ملی بحرین انجام داد که ۵-۰ به تیم ملی بحرین باخت . حسن روشن (۲ گل) ، هادی نراقی و محمد دستجردی ۲ گل دیگر جوانان را در این دیدار به نمر رساندند . مسابقه دوم جوانان ایران بعد از ظهر دوشنبه هفته گذشته مقابل تیم جوانان بحرین بود که پس از ۹۰ دقیقه مبارزه ۲ تیم با نتیجه مساوی ۱-۱ میدان را ترک گفتند . در این دیدار آرایش تیم جوانان ایران بدین شکل بود :

حافظطاحونی - محمد نیما ، کریم غیانی ، علی شجاعی ، حمید دارکان - محمد دستجردی ، محسن یزدخواستی - غلام صف شکن - هادی نراقی . حبیب شریفی ، حسن روشن . در نیمه دوم کمال خلیلیان و نوری خدایاری نیز میدان آمدند . بعد از این دیدار امیر بحرین در کاخ اختصاصی خود یک میهمانی شبانه افتخار اعضاء ملی جوانان ایران برپا کرد .

چینی ها قصد در صد در بازیهای آسیائی خواهند بود

های بین المللی بوده است . و حالا ایران پشتیبان این مساله است که نماینده اصلی سرزمین چین ، جمهوری خلق چین است نه تایوان ، چون همانطوری هم که مقامات جمهوری خلق چین اعلام کرده اند سرزمین تایوان یکی از استان های این کشور است و هرگز نمیتواند نماینده واقعی ۸۰۰ میلیون چینی باشد .

بنابراین تصدیق میکنید که صحبتی از عضویت ۲ چین نیست و این مساله را که پارهای از فدراسیونهای بین المللی عنوان میکنند کاملا فکری اشتباه میباشد .

بهمین جهت تصمیم در این باره مربوط به رئیس یادیر این فدراسیونهایست و باید شورای عالی هر یک از فدراسیونهای بین المللی جداگانه در این مورد تصمیم بگیرند . برای مثال شورای عالی فدراسیون بین المللی فوتبال بهار آینده در فرانکفورت و یا شورای عالی فدراسیون جهانی شمشیر بازی درخرداد در مونترالو تشکیل جلسه داده و در این مورد که کدام چین بعنوان نماینده اصلی سرزمین چین خواهد بوداری خواهند داد .

بعد از مساله چین ، دکتر رسولی به عضویت چند کشور جدید در فدراسیون بازیهای آسیائی اشاره کرد و گفت : « کره شمالی ، عربستان سعودی ، عراق و موزلسان نیز تقاضای عضویت کرده اند و هیات رئیسه فدراسیون بازیهای آسیائی ظرف چند روز آینده در این مورد تصمیم خواهد گرفت .

برگزیده کشتی اعزامی ایران به تفلیس ، از راست بچپ ، ردیف پشت : محمد رضا طالقانی ، داود ایوب ، حسینعلی نوروزیان ، رضا سوخته سرائی ، ردیف وسط : خجسته پور (مربی) ، سبحان روحی ، ماشاءاله کاشف ، رمضان خدر ، ردیف جلو : روح الله کوردی ، قدرت پورگریمی ، محمد خرمی .

تسلیمیت

جناب آقای اکبر نامدار

بانهایت و تاتر مصیبت وارده را تسلیمیت عرض می کنم مصطفی همیز

جناب آقای جعفر نامدار

مصیبت وارده را به آنجناب از صمیم قلب تسلیمیت عرض می نماید

مصطفی همیز

جناب آقای یونس علیشیری از صمیم قلب مصیبت مرگ خواهر عزیزت را تسلیمیت گفته ، بقای عمر شما و خانواده گرامیان را از درگاه خداوند بزرگ مسئلت مینمایم .

مرتضی دادرسی فر

هفته گذشته هسکار خوب و پرنشاط ما یونس علیشیری در سوک مرگ جانگداز خواهر از دست رفتنش غدار بود ، ضمن تاسف فراوان ، کارکنان دنیای ورزش به هسکار صمیمی خود و خانواده های مرحوم وابسته تسلیت گفته ، خود را در این مصیبت شریک میدانند .

دوست عزیز آقای کیومرث برکهر ، با تاتر فراوان از مصیبت درگذشت برادر گرامین به این وسیله باتاسف و اندوه فراوان از جانب خود و کارکنان دنیای ورزش به خانواده های محترم وابسته تسلیت می گویم

بیژن رفیعی

دوست عزیز آقای کیومرث برکهر ، با تاتر فراوان از مصیبت درگذشت برادر گرامین به این وسیله باتاسف و اندوه فراوان از جانب خود و کارکنان دنیای ورزش به خانواده های محترم وابسته تسلیت می گویم

بیژن رفیعی



نویسندگان و نمایندگان مطبوعات و رادیو تلویزیون در جلسه هفته گذشته . عضویت در فدراسیون بین المللی ورزشکاران چینی را در بازیهای آسیائی تهران ببینیم . رسولی در ادامه این مطلب گفت : « چینی ها خود تلاش وسیعی را برای عضویت در اکثر فدراسیون های بین المللی شروع کرده اند و با جلب نظر ارد کیلان در سفر اخیر من به لندن و ملاقات با او ، از جانب کمیته بین المللی المپیک نیز دیگر مشکلی در راه عضویت چینی ها نخواهد

با این حال این مساله بار دیگر قابل ذکر است که برخلاف ادعای پارهای از فدراسیون های بین المللی ، اصولا موضوع عضویت ۲ چین در بین نیست ، چرا که تا حال چین ملی با نام تایوان عضو فدراسیون های بین المللی نبوده بل چین ملی بعنوان نماینده سرزمین چین و با نام «چین» اشغال کننده سندی نمایندگی چینی هادر فدراسیون

و اسفهان تیم دوم گروه ب با هم روبرو شدند و تبریز با نتیجه ۴ بر صفر اسفهان را شکست داد .

بعد از آن خوزستان سرگروه ب و شیراز تیم دوم گروه الف مقابل هم قرار گرفتند و خوزستان با نتیجه ۹ بر ۲ شیراز را شکست داد .

خوزستان - تبریز برای کسب مقامهای اول و دوم و تیمهای شیراز و اسفهان برای کسب مقامهای سوم و چهارم باهم مبارزه خواهند کرد .

شرح عکس های روی جلد

وصفحات داخل

شرح عکس رنگی صفحه ۸ : تیم بالا سمت راست ، صحنه ای از دیدار سرنوشت والیبالی باشگاهی بانوان (هما - تاج) . مهوش نوربخش پیراهن سفید بازیکن تاج توپ را از دفاع اشتیاق و ماری تت بازیکنان هما عبور میدهد .

سمت چپ : حسن نورشن مهاجم تیم ملی جوانان طی ۲ دیدار مقابل تیم ملی بحرین و قطر سه گل بثمر رساند . پایین سمت راست : غفور «جهانی گلزن صاحب نام ملوان» در نخستین دیدار مقابل تیم ملی پاکستان ضمن گشودن دروازه حریف ، ممدوم و از میدان خارج شد که غیبت او در مقابل ترکیه محسوس بود .

سمت چپ : ماری تت ، (شماره ۸) و مینو اشتیاق دو چهره درخشان والیبالی باشگاهی دختران بودند . والیبالی دختران تاج صاحب عنوان دوم مسابقات قهرمانی تهران ایستاده از راست : حسین بهرام صفت (مربی) ، معصومه رفیعی ، سوادبه مرادی ، ایران سبحانی ، نیره رجایی . نشسته : ناهید حسینی ، مهوش نوربخش ، حبیبه پاشائی ، بنول حسین پور . شرح عکس رنگی صفحه ۴۱ : تیم

گام گذاشت و در دیدار خود به پیروزی رسید و نماینده اسفهان در مسابقات قهرمانی جام باشگاههای ایران تعیین شد . ذوب آهن در دیدار نهایی با نتیجه ۹۹-۶۶ تیم بوستان را شکست داد ، تیم اول این مسابقه ۴۵-۴۲ بسود ذوب آهن اسفهان بود و برای کسب مقامهای سوم و چهارم تیمهای شیرخورشید سرخ و کاخ جوانان باهم روبرو شدند که تیم شیرخورشید سرخ به مقام سوم رسید .

افراد تیم ذوب آهن عبارت بودند از : طباطبائی ، بنژاد ، امید ، صمدانی ، نکویی ، جهان قربانی ، رجالی زاده ، محقق ، حکمتفر ، کلباسی ، عباس زاده و امجد (مربی) .

پله در جام جهانی مونیخ !

هفته گذشته خبرگزاریا خبری مخابره کردند مبنی بر اینکه «پله» فوتبال لیست نامدار برزیلی موافقت کرده است تیم ملی برزیل را در بازیهای جام جهانی ۱۹۷۴ مونیخ همراهی نماید . درحالیکه تا چندی پیش پله علیرغم پیشنهاد های فراوان حاضر به اعزاز آمادگی جهت شرکت در مسابقات جام جهانی نشده بود و معلوم نیست به چه دلیلی ناگهان تغییر عقیده داده است .

فینال مسابقات فوتبال

قهرمانی کارگران ایران

اهواز : تیمهای فوتبال تبریز - شیراز - خوزستان و اسفهان که در مسابقات قهرمانی کارگران ایران از گروه الف و ب برای بازی های نیمه نهائی انتخاب شده بودند بعد از سه روز بارندگی مداوم صبح و عصر دیروز بازی های ضربدری خود را انجام دادند . در اولین دیدار تبریز قهرمان گروه الف

در صورت سد شدن راه شرکت ورزشکاران جمهوری خلق چین در بازیهای آسیائی به تهران ، ایران از برگزاری این ازبها خودداری خواهد کرد !

سپهبد حجت کاشانی معاون نخست وزیر سرپرست سازمان تربیت بدنی ضمن اظهار بین تهدید در مصاحبه مطبوعاتی صبح سه شنبه خود و حسن رسولی دبیر کل کمیته تشکلاتی بازیهای آسیائی ، همچنین تاکید کرد که در جلسه شورای عالی فدراسیون بازیهای آسیائی که ماه گذشته در تهران تشکیل شد ، ایران تصمیم داشت در صورت پذیرفته شدن چینی ها به عضویت این فدراسیون ، همانجا ضمن ترک جلسه این تصمیم خود را اعلام کند !

در پی اعلام این مطلب ، رسولی دبیر کل کمیته تشکلاتی بازیهای آسیائی تهران نیز افزود :

« البته در حال حاضر مساله عدم شرکت ورزشکاران جمهوری خلق چین در بازیهای آسیائی تهران کاملا منتهی است و مطمئن باشید آنها نیز هم چون دیگر کشور های عضو فدراسیون بازیهای آسیائی ، شهریور ماه آینده در این بازیها شرکت خواهند کرد . منتهی باین تفاوت که چینیها تنها در رشته هایی قدم به بازیها خواهند گذاشت که عضو فدراسیون های بین المللی آن رشته ها هستند . البته این امکان نیز هست در رشته هایی هم که فدراسیون های بین المللی تاس با ورزشکاران جمهوری خلق چین را تحریم نکرده اند ، علیرغم عدم

مسابقات انتخابی تیمهای

ملی ژیمناستیک جهت

سفر به شوروی

بعد از ظهر هشتبه هفته گذشته مسابقات ژیمناستیک انتخابی تیمهای ملی ایران و دختران ایران جهت اعزاز بشوروی در سالن ژیمناستیک فرحناز پهلوی برگزار شد .

در قسمت پسران محمد آذری ، پرویز یوسفی ، مجید نائینی ، حسین محمد قلی ، بیژن افشارزاده و علی اکبر گنجیور عضویت تیم ملی درآمدند و در گروه دختران نیز زویا دولو قاجار ، هوروشی خلیلی ، آت نایقران ، فرزانه مفید ، مری صحرانورد و آذر صفریور با تصاحب مقام های اول تا ششم شانس عضویت در تیم ملی را بدست آوردند .

تیمهای دختران و پسران روز چهارشنبه ۱۷ بهمن راهی ارمنستان شوروی می گردند .

چند ماه پیش تیمهای دختران و پسران ارمنستان شوروی به تهران آمدند و مسفر ژیمناست های ایران بنادبوت مقابل صورت می گیرد .

اصفهان قهرمان خود را

در بسکتبال شناخت

اصفهان : مسابقات بسکتبال انتخابی باشگاههای اصفهان که با شرکت ۹ تیم بصورت ۴ حلقه برگزار شد ، پنجشنبه گذشته با پیروزی تیم ذوب آهن آریامهر اصفهان خاتمه یافت . ذوب آهن آریامهر که قبلا تدارک برای بدالها دیدم بود با خاطر جمعی به این مسابقات

شب پایان، شب شکو

هما، والیبال بانو

دو آس بزرگ والیبال

فرامرز

راه ورزشی خود قرار دادند .
کنار رفتن ایندو مهره با ارزش در چنین شرایط
میتواند « ضربه‌ای سنگین » بحساب آید ، زیرا برای
بازی های آسیائی تهران با انکا بر همین نفرت مشخ
تدارک و تلاش برای آماده ساختن تیمی مدعی صور
می گیرد و غیبت آنها از موجودیتی که قادریم داش
باشیم ، بدون شک میگاهد .
ایندو شاید دریافته‌اند از این طریق در زندگ
موفق تر خواهند بود و ضمن اینکه اگر چنین باش
تصمیمی است قابل احترام و با ارزش ، ولی بایستی بام
امر نیز توجه شود که در حال حاضر والیبال بیش ا



ماری نت ، کاپیتان خوش فکر و باارزش تیم
شد ، عکس او را در تلاش

دو تیم لحظه‌ای آرامش به این محیط کوچک نمی داد .
هما قبلاً در دیدار های مقدماتی یکبار با حساب ۳-۱
تاج را مغلوب کرده بود و اگرچه پیروزی گذشته دلگرمی
و اطمینان بیشتری برای مقابله با حریف به «هما» نیا
می داد ولی بهر حال با توجه به کیفیت موفق تاجیها در
دیدار برابر دیپیم ، برای پیش بینی عاقبت کار تمیق بیشتری
لازم بود .

جامی دیگر برای هما

در مورد این بازیها مسئله‌ای را بایستی بعنوان نکته‌ای
جالب توجه پذیرفت و آن اینست که طول سال های
اخیر مسابقات والیبال دختران باشگاه های تهران فینالی
این چنین نداشته است .
زیرا گذشته از استقبال در خورتوجه و با ارزش
تماشاگر ، رقابت و کیفیت که در دیدار دو حریف وجود
داشت بردرخشان جلوه گر شدن این فینال میافزود .
از سالها پیش «این گروه یاران» که از زمان
مشکل شدن زیرنامهای انجمن ، تحت وحالاهماهواره در
کنار یکدیگر بوده‌اند ، همیشه اوقات آرامشی تهدیدناپذیر
برای تصاحب عنوانها داشته‌اند و البته چنین چیزی درحالی
که حکایت از قدرت آنان می نماید سبب می گردد بازیها
آن رونق دلپذیر و جلب کننده را که زائیده رقابت است
نداشته باشد .

وامسال برخلاف گذشته دو فینالست در شرایطی
برای انجام دیدار سر نوشت قدم پمیدان گذاردند که پیش
آمدن هر حادثه‌ای دور از انتظار نمی توانست باشد .
در هر صورت مسابقات باکسب جامی دیگر برای
هما پایان برده شد و تیم تاج در مکان دوم قرار گرفت
ولی آیا این آخرین پیروزی این گروه بود و فصل تازه‌ای در والیبال
بانوان بوجود آمده ؟ مسئله‌ایست که باید بررسی کرد !

سطح بالاتر بازیها

بازیهای امسال قهرمانی دختران باشگاه های تهران
را در مقایسه با سال گذشته بطور کلی می توان در سطحی
بالائی بحساب آورد ، در مورد کمیت ، سال پیش جمعا
۸ تیم بازیها را برگزار کردند در صورتی که تعداد تیمهای
شرکت کننده در مسابقات ایندوره ۱۴ تیم بودند .
از نقطه نظر کیفیت کار نیز بدون تردید باید پذیرفت
شرایط برارقب بهتری بر بازیها حکمفرما بود و اگرچه
دیدار های مرحله مقدماتی بخاطر اختلافی قدرتها در حدی
پائین وبدون رقابتی قابل بحث انجام گردید ولی بهرور
بازیها شکلی بهتر بخود گرفت و سیر و صعودی رایموند .
درسه دیدار تاج - هما (بازی اول) ، تاج - دیپیم ،
هما - تاج (فینال) اوج موجودیت تیمها بنمایش گذارده
شد .

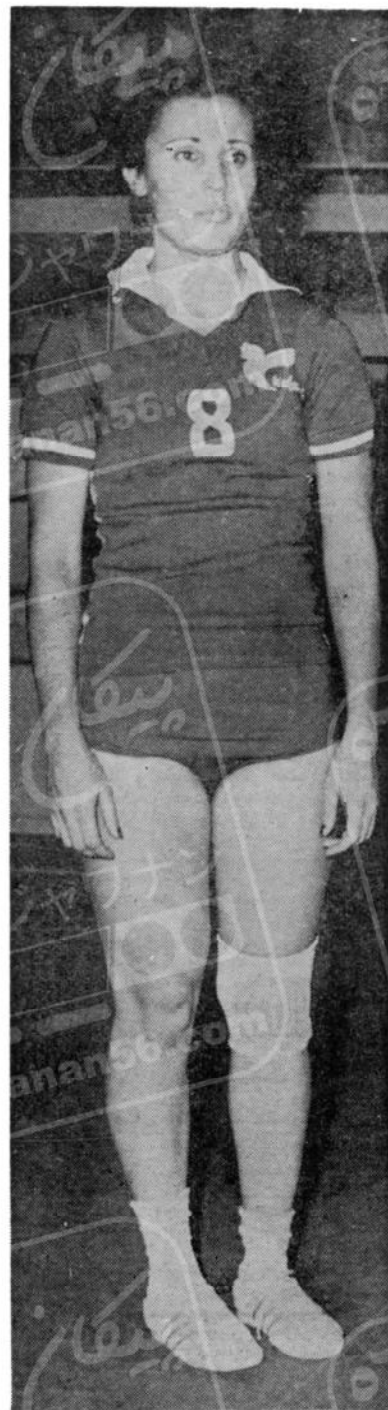
از حوادث جالب مسابقات قرار گرفتن تیم امیدوار
و مدعی دیپیم باتمام بازیکنان صاحب نامش در مکان
سوم بود .

این تیم که با بخدیت داشتن مهره‌هایی چون
فردی ، مینجی ، سیدهادیزاده ، کریمی وحسامفرانتظار
می رفت سرسخت ترین حریف برای هما در رسیدن
بمقام قهرمانی باشد ، در مرحله نیمه نهائی مقابل حریفی
جوان ولی موفق به شکست تن درداد ، شکستی که قبولش
برای دیپیمها قابل پذیرش نبود ! ولی بهر حال تاجیهای
جوان آنها بر حریف تحمیل کردند .

گذشته از بازی تاج - دیپیم ، دیدار دیگر مرحله
نیمه نهائی نیز با حادثه توأم بود .
زیرا پاس در برابر هما با ۲ گیم پیروزی پیاپی
حریف بر توانش را تا آستانه يك شکست عجیب پیش برد
ولی هما بهر صورت موفق شد ۳-۲ پیروز زمین راقرف
گوید .

خدا حافظی دو آس بزرگ !

مسئله قابل توجه‌ای که در پایان این مسابقات مطرح
گردید ، موضوع «خدا حافظی» دو چهره با ارزش والیبال
ایران ماری نت و فرخنده صالح میباشد که قصد دارند
از این پس کار بازیگری را کنار بگذارند .
البته ایندو از مدت ها قبل بر چنین تصمیمی بوده‌اند
و حتی «نت» تا نزدیکی مسابقات اخیر در تمرینات نیز
حاضر نمی شد و بالاخره بعد از کش و قوس بسیار ،
پایان دیدار های قهرمانی باشگاه ها را آخر خط برای



«ماری نت» آس بزرگ و با ارزش والیبال ایران پس
از سال هاجکومت در جمع ستارگان خدا حافظی می‌کند.

بعد از ظهر سه شنبه هفته گذشته دختران تیمهای هما
تاج بابر گزاری جدالی ۲٫۵ ساعته نقطه‌ای دلپذیر برپایان
مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه های تهران گذارند .
ضمن این که در این شب پر تب و تاب بازیگران بهر
توان هما بلطف پیروزی ۳-۱ مقابل حریف تازه نفس و
سخت کوش خود یکبار دیگر جام قهرمانی تهران را به
نشانه برتری فتح کردند .

در شب پایان سکو های سالن شماره ۲ فرج (محل
برگزاری بازیها) تا حد امکان بیش از دو هزار تماشاگر
رافشرد در خود جای داده بود ، ضمن آنکه گروه انبوهی
نیز در پیرون استاد یوم تلاش می کردند از پشت درهای
پسته راهی بداخل بیایند .

سالن یکپارچه شور و هیجان بود و هیاهوی دوستداران

هوالیبال دختران بود

میتوان ۱۰ ماه دیگر ادامه داد .

شب پر شکوه والیبال دختران

با این احوال مسابقات خاتمه پذیرفت و پرونده دیدار های قهرمانی دختران باشگاه ها بدین صورت بسته شد . از میر باز شکل کار باین منوال بوده که بدنبال برگزاری یک دوره مسابقات تا سال دیگر خاموشی و سکوت بر باشگاه ها حکومت داشته است .

این وضعیتی بوده که هیچگاه بما آنچه می - خواسته ایم نداده است . و اگر برآستی بخواهیم به بالاتر برسیم باید دنبال کار و جنبش را به صورت لازم گرفت و از قالب برنامه ای منجمد بیرون آمد .

طبیعی است یک چرخ ، تا وقتی می چرخد که آنرا بچرخانند و اگر نیروئی آنرا نگرداند مدتی بعد می ایستد ، والیبال و اصولا تمام ورزش ها شکل همین چرخ را دارند و برای رسیدن به نتیجه باید کاری کرد که چرخ نایستد !

ضمن اینکه در حال حاضر شرایط برای بهرمگیری نیز مساعد است و باید با داغ نگاهداشتن بازار والیبال توجهی را که به این ورزش دوستداشتنی معطوف شده ، حفظ کرد .

و آنچه در شب پایان بازی ها مشاهده شد دلیلی براین مسئله است که حالا میتوان تماشاگر بیشتری را به سالن ها کشاند .

شب پایان مسابقات برآستی شب باشکوه والیبال دختران بود ، زیرا خلق چنین شرایطی چیزی بود که سال ها در حسرت داشتن آن بی نصیب جستجوگر بوده ایم .

یک بازی پر تب و تاب و سالنی انباشته از تماشاگرانی مشتاق و بی آرام ، و اگر قادر باشیم چنین موقعیتی را حفظ نمایم خیلی زود خورشید برفراز بام این خانه درخشیدن خواهد گرفت .

برای اینکه «چرخ» نایستد !

امسال در مجموع استقبال تماشاگران از مسابقات باشگاهی دختران در حدی بالا تر از گذشته بود و اگر توجه کنیم طول سال جاری بیشتر از هر زمانی دیدارهای خارجی در تهران داشتیم ، میتوان رابطهای بین افزایش تماشاگر و مسابقات پیدا کرد و ایندو را بهم ربط داد .

بهر تقدیر امید است والیبال دختران بار دیگر در سکوت چند ماهه فرو نرود . برگزاری دیدار های دوستانه در روز های معین هفته کار دشواری نیست ، مسابقه دو تیم باشگاهی یا تیم های منتخب از جمع بازیکنان ملی ، دیدار با تیمهای شهرستانی علاوه بر کمک به آمادگی نرات ملی ، میدان دادن به چهره های امید و تازه و راضی نگاهداشتن تماشاگر ، والیبال راهمچنان سرپا نگاهمیدارد و سبب می گردد « چرخ » نایستد !

بازی ها

ابتدا بازیها را ۱۴ تیم در چهار گروه آغاز کردند که از هر گروه ۲ تیم شانس رابیافتن بمرحله بعدی را بدست آوردند و سپس با قرارگرفتن ۸ تیم برگزیده در دو گروه و انجام یک سری دیدارهای دورهای تیمهای اول و دوم هر گروه برای مرحله نیمه نهایی انتخاب شدند که بصورت ضربدر با یکدیگر روبرو گردیدند . (تیم اول گروه الف با تیم دوم گروه ب - تیم اول گروه ب با تیم دوم گروه الف)

نیمه نهایی

تاج - دیهیم : برای برگزاری اولین دیدار مرحله نیمه نهایی دو تیم هم خانواده تاج و دیهیم مقابل هم قرار گرفتند . دیهیم : پری فردی ، فاطمه سینجی ، پری کریمی ، فرشته خسروانی ، ژاله سیدهادیزاده ، میترا دانائی را بخدمت داشت که از جمع یاران همیشگی محمدیان و حسامفر غایب بودند و تیم تاج را نیز مهوش نوربخش ، ایران سبحانی ، حبیبیه پاشائی ، بتول حسین پور ، ناهید حسینی ومعضومه رفیعی تشکیل میدادند .

بازی را دیهیمها علیرغم انتظاری که از نام و تجربه آنها میرفت شتابزده و ناهماهنگ آغاز کردند و تاجیهایی جوان نیز با سودبردن از همین موقعیت خیلی زود ۱۱-۴ برحریف پیشی گرفتند .

بدنبال سه سرویس کریمی امتیازها بصورت ۱۱-۷ درآمد

ن تهران را فتح کرد

وران خداحافظی کردند

انی رفیع

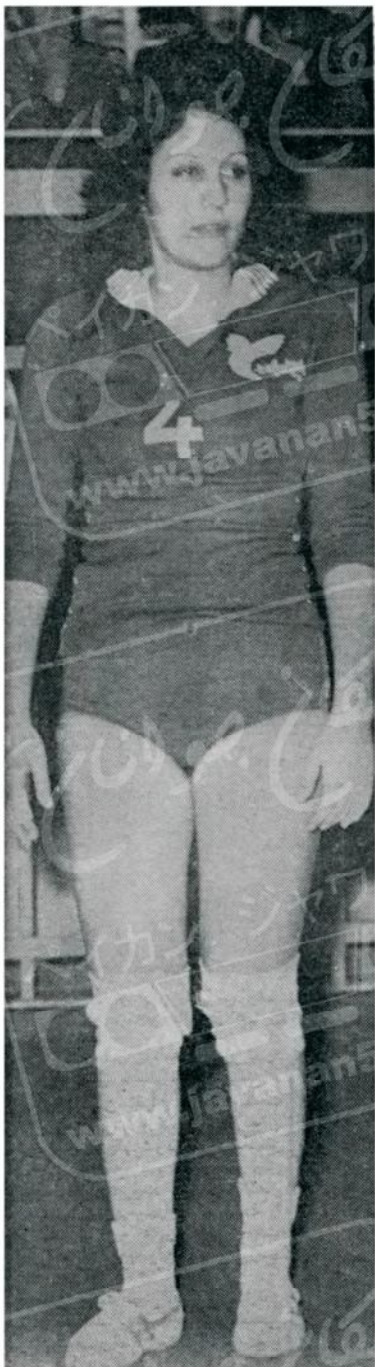
هر زمانی با در نظر گرفتن در پیش بودن بازی های آسیائی ، به مهره های شناخته شده و موفقی نیازدارد و از دست دادن هر یک از آنها میتواند سخت زیان بخش باشد ، بخصوص صالح و نت که هر یک در حد خود «آسی» بزرگ برای والیبال دختران ایران بشمار می آیند .

هنوز هشت ماه تا شروع مسابقات آسیائی باقی است و فرصت تجدید نظر برای ایندو بازیکن ارزنده وجود دارد !

و اعتقاد ما این است در حالیکه بخاطر یک باشگاه ۵ ماه یا یک سال دیگر بازی کردند بخاطر یک ملت هم



۱۰ ماه ، بازی های برگزاری در حدی پرتوان و موفق ظاهر یک توپ نشان میدهد .



فرخنده صالح آس دیگری است که در روز های قدرت و اوج آهنگ خداحافظی از والیبال را کرده است

ولی تاج دیگر فرصتی باقی نگذارد و ۲-۱۵ این گیم را از آن خود کرد .

با شروع گیم دوم دیهیم با دو سرویس بیایی سیدهادیزاده دو امتیاز گرفت ولی تلاش تاجیها پس از مساوی ۴-۴ مدتی بعد سبب برتری ۴-۵ آنان گردید .

بازیکنان دیهیم طول این گیم نیز شتابزده عمل می - کردند و اگرچه در امتیاز ۱۱ برحریف رسیدند ولی باز کاری از پیش نبردند و اسپک حسین پور ، سرویس سبحانی ، سرویس نوربخش امتیازها را ۱۱-۱۴ کرد و بالاخره با سرویس حسین پور که بدنبال آن اسپک حریف در تور نشست ، گیم دوم را هم تاج ۱۱-۱۵ برد !

تابه حال بدون

چون هما ، هنوز و قتیکه وارد میدان می- شود ، مثل این است که تیم ملی ایران وارد میدان شده . تازه روی نیمت‌ترورو ها هم یک یار دیگر تیم ملی آماده ورود به زمین است . تیم های پرسپولیس و هما یک بار در دور نیمه نهایی با هم دیدار کردند، ولی این دیدار تعیین کننده سرنوشت نبود ، بلکه در اوایل این هفته، وقتی که این دو تیم در دوره نهایی در مقابل هم قرار گیرند ، سرنوشت معین خواهد شد . در حال حاضر سؤال این است : پرسپولیس یا هما ، کدام یک ؟

نکاتی درباره داوری

اصولا وضع داوری در مسابقات بسکتبال چهره روشنی ندارد و در سراسر جهان ، هر جا که صحبت از داوری بسکتبال است، هیچ کس از نحوه این کار راضی نیست . بهترین نمونه این عدم رضایت ، در مسابقه فینال المپیک بین تیم های شوروی و آمریکا اتفاق افتاد ، که جنجال بسیار برپا کرد . بهرحال کار داوری مسابقه بسکتبال کار آسانی نیست و نمیتواند طوری باشد که هر دو دسته راضی باشند . مثلا در مسابقه پاس و آزمایش و یا هما و ایران امروز ، در حین مسابقه ، بحث های زیادی درباره نحوه داوری مسابقه ، بین بازیکنان دو تیم و داور بی طرف در گرفت و در پایان هم مربیان هر دو تیم از نحوه داوری رضایت زیادی نداشتند .

بطور کلی درباره نحوه داوری بسکتبال در ایران میتوانیم به جرات بگوییم که کار داوری هم ، بسکتی نزدیک به پیشرفت خود بسکتبال دارد . باین معنی هر قدر که بسکتبال پیش برود ، همانقدر هم سطح کار داوری مسابقه بالا می‌رود . این دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند و نمیتوان توقع داشت که یکی از دیگری بهتر باشد ، به عبارت دیگر سطح داوری بسکتبال در نزد ما همانقدر بالا است که سطح بسکتبال ما !

پدیده‌ای بنام بسکتبال دختران

این هفته مسابقات بسکتبال جام اتحادیه در قسمت دختران ، در سالن شماره یک فرح آغاز گردید . در این دوره از مسابقات ، همانطور که هفته پیش خبر دادیم ۱۱ تیم شرکت کرده‌اند که در سه گروه مسابقه میدهند . بسکتبال دختران ، از لحاظ سطح و پیشرفت آن ، با بسکتبال پسران تفاوت زیادی دارد . برای رسیدن سطح بسکتبال دختران به سطح بسکتبال پسران ، زمان بیشتری لازم است . باید کوشش کرد که گرایش دختران باین ورزش بیشتر شود ، با وضع موجود نمیتوان امید زیادی به بسکتبال دختران داشت . در این مسابقات هم رقابت اصلی ، مثل سال پیش بین دختران آزارات و آزمایش است که با تیم های دیگر اختلاف سطح بسیار زیادی دارند

بیشتر فقر بسکتبال دختران مربوط به فقر تکنیکی و بدنی می‌شود . کوتاهی قد و تمرین کم عدم آشنائی کامل بازیکنان به رموز

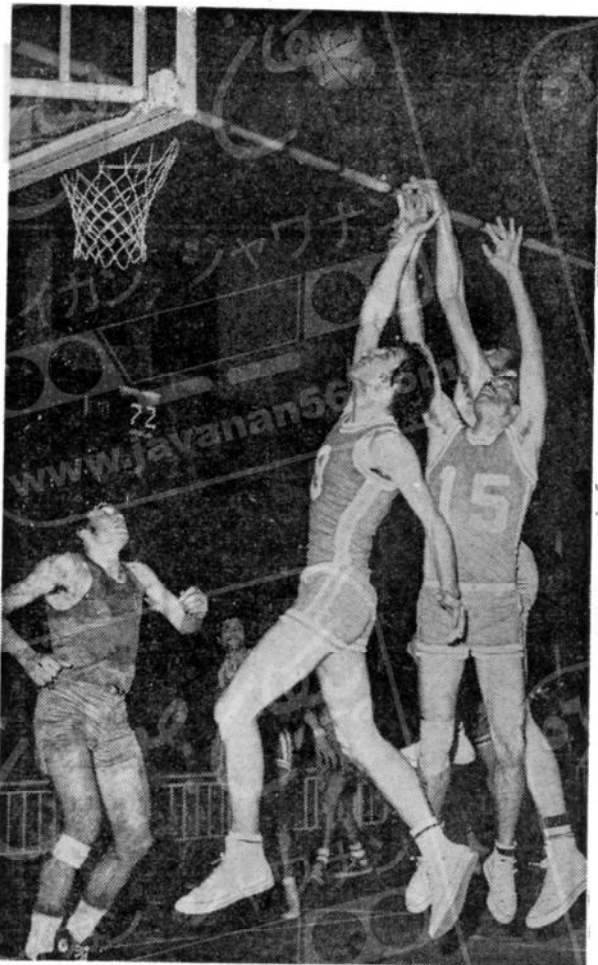
در پیش نبود ، یک باشگاه از باشگاه دیگر ، برای یک دیدار دوستانه دعوت میکرد . البته این کار آسانی نیست ، احتیاج به تمرین و آمادگی و کنار هم نگاه داشتن بچه‌ها دارد و کمتر کسی است که بخواد ، در سرترا به جان بخرد . امیدواریم که دیگر از این پس اینطور نباشد ، که چند روزی در سال مسابقات «شهری» باشد و بعد چند روزی هم مسابقات «قهرمانی» کشور و با این دو چند روز، مثل سابق انجام وظیفه شده باشد و همه چیز بدست فراموشی سپرده شود . با علائق که رئیس فدراسیون از خود نشان میدهد و هر روز در سالن بسکتبال از نزدیک ناظر مسابقات است ، امید می‌رود که دیگر آن وضع سابق در بسکتبال پیش نیاید .

اختلاف بر سر چیست ؟

در محافل بسکتبال تهران شایع است که رئیس فدراسیون ، از نحوه کار جورجو شیرالو ، مربی تیم ملی بسکتبال که در حال حاضر بیشتر از یک سال است در تهران بسر می‌برد ، راضی نیست . گویا بین این دو از لحاظ نحوه تکنیکی و تاکتیکی تیم ملی اختلاف سلیقه‌ای بروز کرده‌اند البته چندان عمیق نیست . بهرحال مسایلی وجود دارد . که مسایل تکنیکی و شیرالو عقیده دارد که مسایل تکنیکی و تاکتیکی تیم ، مربوط به مربی است و این کارها با کارهای اداری تفاوت دارد . در اینجا قصد نداریم وارد جزئیات اختلاف سلیقه شویم ولی ناگزیر هستیم که مطلبی را یادآوری کنیم ، و آن این است که دیگر برای هر کاری تقریبا دیر شده‌است . دیگر برای آماده شدن برای مسابقات آسیایی تهران ، وقت زیادی در پیش نداریم . باید بهر شکل از امکانات موجود استفاده کنیم و مسایل را قبل از اینکه بزرگ و موجب نگرانی شوند ، بین خود حل کنیم ، باید از فرصت موجود استفاده کرد و بعد از مسابقات آسیایی در کارها تجدید نظر کنیم .

تماشاچیان قهرمان دیگری میخواهند !

بنظر می‌رسد این محدود تماشاچی که هر روز از مسابقات بسکتبال دیدن میکنند و از طرفداران راستین این ورزش هستند و جالب آنکه اغلب آنها کم و بیش خودشان از دست اندر کاران بسکتبال هستند ، دیگر از اینکه همیشه و باز هم همیشه و این بار هم تیم هما رابرسوی قهرمانی بایستند ، خسته شده‌اند . بعضی از آنها عقیده دارند که هما زیاد از حد بلندپروازی میکند و حالا دیگر وقت آن رسیده است که به حکومت چندین ساله این تیم به این ورزش ، خاتمه داده شود . از این جهت این تماشاچیان ، این بار پرسپولیس را کاندیدای قهرمانی کرده‌اند و عقیده دارند که پرسپولیس «به لطف تماشاچی» این بار باید پیروز شود . بدون تردید این کار برای پرسپولیس با اینکه یک تیم صاحب نام ، یک دست و دوست داشتنی است ، کار آسانی نیست ،



صحنه‌ای از دیدار پرسپولیس و هما، منصوریان و وکیل به حلقه‌ها حمله برده‌اند و فرقه‌خانی از هما تگران سرنوشت توپ است.

آنها انجام همین مسابقات جام اتحادیه باشگاه‌های ایران است که زیرنام «جام» در قسمت پسران و دختران انجام می‌شود .

پایانیکه نحوه انجام این مسابقات ، به شکل سراسری هنوز معلوم نشده و در اطلاعیه فدراسیون بسکتبال آمده است که مثلا تیم اول تهران روز ۲۴ بهمن ماه شیراز و اصفهان اعزام خواهد شد ، و یا تیم دوم روز ۸ اسفند به تبریز و رضایت خواهد رفت ، هنوز شکل نهایی این مسابقات معلوم و مشخص نیست چگونه و چطور یکی از این تیم ها صاحب جام اتحادیه خواهد شد . بهر حال اینها مسایلی هستند که باید روشن شوند .

یکی از عللی که میتوان آنرا موجب اصلی حقیقت را کد ماندن بسکتبال دانست، کم‌علاقگی بعضی از باشگاه ها که متأسفانه در اکثریت هم هستند ، می‌باشد .

شاید علت کمبود مسابقه باشد ، اما به جرات میتوان گفت و قتیکه مسابقاتی برپا میشود ، تیم های بسکتبال بعضی از باشگاه ها بصورت سرهمبندی ، درست میشوند و روانه میدان می‌گردند . شاید این بصورت یک انجام وظیفه درآمده باشد که باشگاهی در مسابقات نماینده‌ای داشته باشد ، حالا به چه شکل و کیفیت ، مهم نیست .

گذشته از این در این میان چیزی که جایش خالی است ، ابتکار است . در قدیم رسم بود ، و قتیکه مسابقات مهمی

در اصل ، طبق برنامه ، قرار بود مسابقات نیمه نهایی جام اتحادیه باشگاه های ایران (استان تهران) در قسمت محمد رضاشاه انجام شود . اما ناگهان مسابقات وزنه برداری جام ششم بهمن پیش آمد و وزنه برداران نیرومند ، سالن را اشغال کردند ، چاره‌ای نبود جز اینکه مسابقات را به تعویق اندازند و به همین علت مسابقات نیمه نهایی بسکتبال پسران ، از روز سه شنبه آغاز شد .

در میان هشت تیمی که این مسابقات را برگزار میکنند ، تیم هنوز در سطحی بالاتر از تیم های دیگر هستند . این پنج تیم عبارتند از هما ، پرسپولیس ، ایران امروز ، آزارات و پاس که در دوره گذشته مسابقات بسکتبال قهرمانی تهران مقام های اول تا پنجم را بدست آورده بودند .

این مقایسه نشان میدهد که با گذشت تقریبا یک سال در بسکتبال حادثه مهمی اتفاق نیفتاده و همه چیز به همان سطح سابق باقی مانده است .

علت چیست ؟ بدون تردید پاسخ های زیادی میتوان برای این سوال پیدا کرد ، ولی در این فاصله در فدراسیون بسکتبال که در حقیقت باید قلب این ورزش باشد، تغییر مهمی اتفاق افتاده است . با عوض شدن رئیس فدراسیون و انتصاب سرنگ صادقی رئیس باشگاه پاس باین سمت ، انتظار تغییراتی در کار بسکتبال میرفت و می‌رود ، که یکی از

شگفتی!

بسکتبال، علت اساسی عقب ماندگی این ورزش دختران است.

دیدارهای مقدماتی پسران

روزشنبه در ادامه دیدارهای مقدماتی تیم های پاس و آزمایش با هم دیدار کردند. آنچه که در این مسابقه حائز اهمیت بود انتخاب شدن یکی از دو تیم برای دوره نیمه نهایی بود. پاس که در دوره مقدماتی در چندبازی مجبور شده بود به علت آسیب دیدگی از نادر کاشانی، کاپیتان تیم ملی بسکتبال چشمپوشی کند، برای این مسابقه مهم سرش نکبان و رضا مشحون را نیز وارد میدان کرد. با اینکه انتظار می رفت آزمایش به رهبری محمود عدل برای رسیدن بدور نیمه نهایی کوشا باشد، برتری پاسها مانع از این شد که این تیم بتواند خطری برای پاس ایجاد کند، بهر حال آزمایش که به شیوه داوری اعتراض داشت مجبور شد شکست را قبول کند. پاس در این مسابقه با نتیجه ۸۷-۷۱ پیروز گردید و باین ترتیب بدور بعدی راه یافت.

تیم های دخانیات و اسپرت هم در این شب باهم دیدار کردند. با اینکه این مسابقه در سرنوشت تیم دخانیات تاثیری نداشت، دخانیات سخت کوبده بود و توانست با نتیجه ۱۱۸-۳۱ پیروز شود. بازی رضا اسماعیلی در تیم دخانیات چشمگیر بود.

دیدارهای نیمه نهایی

بعد از ظهر روز شنبه ششم گذشته، مسابقات دوره نیمه نهایی با شرکت تیم های پاس، پرسپولیس، ایران امروز، آپادانا، ورزشنده، پاس، آرات و دخانیات آغاز گردید. اولین دیدار دوره نیمه نهایی را تیم های پاس و ایران امروز انجام دادند. هما با پنج یار ملی پوش خود: ایلیاوی، خلخال، بنی هاشمی، قرمخانی و لارودی وارد میدان شد که همگی عضو تیم ملی هستند و کامیاب قاضیان هم که یار دیگر تیم ملی است این ه نفر را باری داد. از طرف دیگر ایران امروز با جمشید قاسمی و مجید غمگسارنیا و جلال گازرونی (هرسه عضو تیم ملی هستند) حسین سلیمی و صالحی، وارد میدان شد.

با اینکه هما از آغاز برتر می نمود، درگیری در این مسابقه بسیار زیاد بود و هت ناز یاران دو تیم به علت اینکه ه خطا مرتکب شده بودند، مجبور شدند میدان را ترک کنند. نیمه اول این مسابقه ۶۳-۳۱ به نفع هما بود.

هما که روی شوت های خلخال و ایلیاوی تکه میکرد توانست برتری خود را در نیمه دوم هم حفظ کند و در پایان با نتیجه ۸۹-۷۰ پیروز شود. ایلیاوی و خلخال برای هما و غمگسارنیا قاسمی و گازرونی برای ایران امروز، بیشترین امتیاز را کسب کردند.

پرسپولیس و پیروزی آسان

پرسپولیس در مسابقه با آپادانا، رقیب آسانی را در پیش داشت و از آغاز مسابقه معلوم بود که پرسپولیس پیروز می شود.

پرسپولیس با یارانی چون بهروز یزدانی، مایک کالینز، حمید منصوریان، محمدرضا وکیلی، و ناصر خلیلی آغاز کرد و آپادانا با منظمی، شریفی، پناهی، دارا منظمی و کسائی، آغاز کرد.

پرسپولیس بلافاصله بعد از شروع از حریف پیشی گرفت و در مدت کوتاهی توانست ۱۹-۸ بر حریف پیشی بگیرد. پرسپولیس با تکیه بر کالینز و وکیلی توانست نیمه اول را ۳۵-۲۸ به نفع خود پایان دهد. برتری پرسپولیس در نیمه دوم چشمگیرتر بود و امتیازات بیشتری بدست آورد. نتیجه کلی این مسابقه ۸۲-۶۲ به نفع پرسپولیس بود.

دومین روز

بعد از ظهر روز چهارشنبه در دومین روز مسابقات نیمه نهایی تیم های پاس و ورزشنده، دیدار کردند. پاس بازگشت کاشانی را بعد از آسیب دیدگی مختصر، جشن گرفته بود. پاس در کنار کاشانی از مشحون، شیرازی، عباس حیدری، خلخال، سود می برد و ورزشنده با شکرانی، رضاعلی، مرادی، شریفنیا و طباطبایی وارد میدان شد.

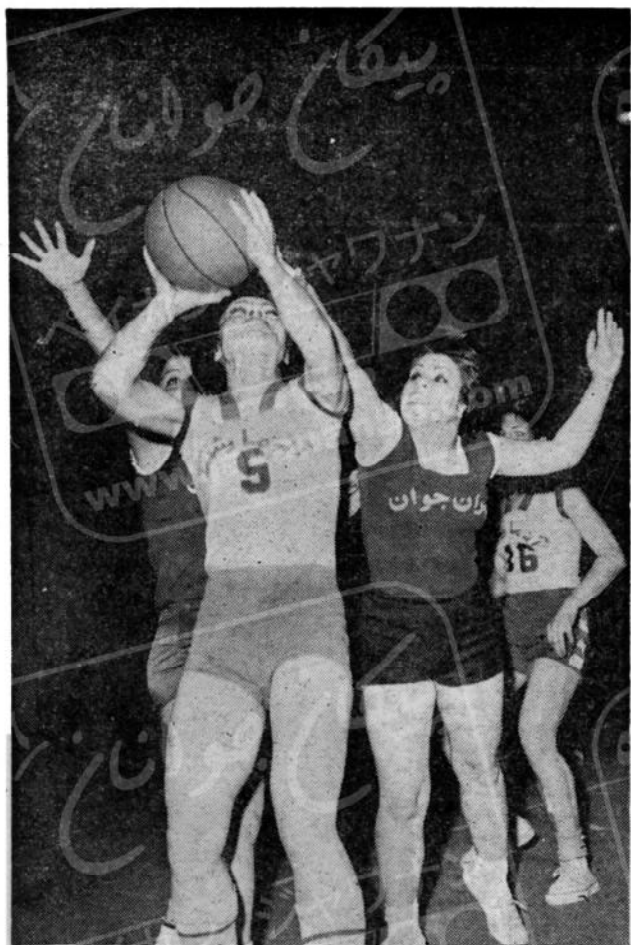
پاس در نیمه اول، در مقابل ورزشنده در بنگنا قرار داشت و این نیمه را ۲۶-۲۲ به نفع خود پایان داد. در نیمه دوم پاس، با تکیه به رضا مشحون که بیشترین امتیاز را برای تیم خود بدست آورد، تا اندازه ای برتر می نمود و در پایان توانست با نتیجه ۸۶-۵۶ پیروز شود. یاران تیم ورزشنده با شجاعت با پاس مبارزه کردند و این رقابت موجب شد تا بازی پرهیجان باشد.

دخانیات و آرات، دیدار کنندگان بعدی این شب بودند دخانیات با یارانی چون اسماعیلی، بیگلری، علی آبادی، قریزی و ستوده وارد میدان شد و از طرف دیگر آرات آساتوریان، سرکیسیان، گلوستانی، یاطرسیان و ساکینیان، به میدان آمد. آرات در نیمه اول کمی سر دراز بود و به واسطه یارگیری شدید دخانیات، توانست پنجمی از عهده بازی سنگین برآید. دخانیات باین ترتیب توانست برتری خود را حفظ کند. دخانیات نیمه اول این مسابقه را ۲۹-۱۹ به نفع خود پایان داد و در نیمه دوم تیم دوم سریع تر و بهتر عمل کرد. در این نیمه چند نفر از بازیکنان آرات به علت اینکه مرتکب ه خطا شده بودند، مجبور شدند زمین را ترک کنند و آرات مجبور آخر نیمه دوم را با یاران ذخیره برگزار کرد. نتیجه کلی این مسابقه ۷۷-۳۹ به نفع دخانیات بود.

دیدار بزرگ

روز پنجشنبه مسابقات، با دیدار تیم های ایران امروز و آپادانا، آغاز گردید. ایران امروز موفق شد این مسابقه را با نتیجه ۶۵-۳۵ به نفع خود پایان دهد. ایران امروز در نیمه اول هم ۲۹-۲۱ از حریف جلو برد.

دخانیات و پاس در این شب یک دیدار تماشایی انجام دادند که در پایان دخانیات ۹۶-۷۲ پیروز گردید، در این مسابقه که نیمه اول آن ۳۶-۵۰ به نفع



صحنه ای از دیدار تیم های بسکتبال آزمایش و تهران جوان که آزمایش با نتیجه ۱۲-۶۴ پیروز گردید. در عکس نیاززگر صالح بازیکن خوب آزمایش هنگام شوت به حلقه دید می شود.

در دید این دو تیم هفته آینده، در مسابقات سپاهی دوباره در مقابل یکدیگر قرار خواهند گرفت.

آخرین دیدار شب راتیم های ورزشنده و آرات برگزار کردند. ورزشنده توانست نیمه اول را ۲۲-۲۴ به نفع خود پایان دهد. آرات از آغاز نیمه دوم برتری محسوس یافت و در پایان ۴۲-۵۳ پیروز گردید.

روز جمعه در آخرین روز دوره نیمه نهایی تیم های دخانیات و ورزشنده دیدار کردند در این مسابقه دخانیات با نتیجه ۳۷-۷۰ ورزشنده را شکست داد.

پرسپولیس ۵۵ - ایران امروز ۵۳
آرات ۴۴ - پاس ۷۱

مقدماتی دختران

آرات ۴۷ - شاه عزیز ۱۲
صفا ۵۵ - پاس ۶۵
آزمایش ۶۴ - تهران جوان ۱۲
شاه عزیز - صفا - صفا حاضر نشد برنده شاه عزیز

دخانیات ۵۴ - صنعت نفت ۲۵
ایران امروز ۳۲ - شهرپانی ۱۸
تهران جوان ۲۵ - ایران امروز ۳۵
آرات ۶۰ - پاس ۴۴
آزمایش ۵۲ - شهرپانی ۱۷
تاج ۴۵ - دخانیات ۳۳
پاس ۴۸ - شاه عزیز ۲۰
آزمایش ۵۱ - ایران امروز ۱۸

آشتیانی، بالاتر از همه جوانها، در کمین تیم ملی انتظار میکشند



اکبر اروجملی زاده

واردانی هم بودند که سربلند کرده بودند ، باز فاصله ی خود را حفظ کردند .

بزرگترین نام در این گروه و در جمع مدافعان راست، آشتیانی یار پرسپولیس است که در اواسط فصل فصل کمی نزول میکرد و حتی میل به خشونت و خطا پیدا کرده بود تا جبران کمبود های توانی خود را بنماید . این جوانه تاخ ، در کنار تجربه و آزمودگی هایش ، که کم غنچه می داد که بخود آمد و بدیدم که بقیه روز ها راهم چنانکه درخور شهرت و نامش بود ، توانا تر پایان داد .

آشتیانی به حق باز هم بهترین مدافع راست فوتبال ما است ، که علاوه بر تجربه های بین المللی که دارد ، هنوز بر قدرت و پرفس بازیهای خود را به پایان میرساند و میل نفوذی در او از جمله ویژگیهایی است که بیشتر تیم ها و حریفان باشگاهی او ، در بی خنثی کردنش ، گوش های چپ خود را مامور میکنند تا این مدافع ، هاجم را ، راحت نگذارند . آنها حق دارند زیرا بیشتر اوقات نفوذهای آشتیانی و پاس های مساعد او ، پایه گذار گل های پرسپولیس بوده است .

آشتیانی با این صفات ممتاز که دارد ، یکی از پایه های محکم استوار ترین خط دفاعی جام تخت جمشید بود ، او بجز دو دیدار که در آنها غیبت داشت ، در تمامی دیدار های دیگر پرسپولیس حضور پیدا کرد و در نیمه دوم فصل ، بیشتر از هر مدافع دیگری در تیم منتخب هفته « دنیای ورزش » جا پیدا کرد و این نشان دیگری است حاکی از بازیهای خوب او در طول مسابقات جام بویژه در روزهای پایان فصل .

با اینحال باید معتقد باشیم که آشتیانی نتوانست فروغ سال های اوج خود را داشته باشد و اگر رقیبان او در این جبهه جوان ، که نام و کجتر بهتر نبودند ، یا از جمع پخته ها توان ویرایی کافی داشتند ، بخت آشتیانی برای بهترین بودن بسیار کم میشد .

نقطه هایی بر ارزش

پس از آشتیانی ، نگاهمان به پیکر کشیده ، بلند و استخوانی گازرانی می افتد و در کنار او متوجه اروجملی زاده مدافع عقاب ، پورحیدری از تاج ، نوربخش از پاس و شهریار شفیعی از ذوب آهن ، میشویم که هر کدام

انتخاب فصلی از بین برد .

تفاوتی محسوس

از دیرباز تاکنون ، یک چیز در فوتبال ما مشخص و مسلم بوده است ، آنکه ، در تیم های ملی یا باشگاهی خود و در دیدار های رسمی و دوستانه ، خارجی یا داخلی ، همیشه مدافعانی استوار ، محکم و تحصیلشده داشته ایم ، با وفوری که در انتخاب معدودی از آنها به اشکال و تردید برخورد داریم و این تصور دور از ذهن تماشاگران و دست اندرکاران فوتبال ما نیست که بیشتر پیروزی های ما در صحنه های بین المللی ، اول به سبب استحکام خطوط دفاعی بوده است تا به زهرناکی و هزل و گل سازی مهاجمان .

این تفاوتی است محسوس که باید آنرا به مهارت های فردی بازیکنان و خود ساختگی آنها مربوط بدانیم که در برابرهای تن بتن ، وقتی پای دفع توپ و خنثی کردن حریف پیش می آید ، از ذکاوت ، قلدری ، سرعت ، جرات و چنگه قوی ، هر کدام را که صاحب بودند ، سود برده اند . اما برای یک مهاجم ، این خصوصیات را به همراه تاکتیک تیمی و کارگروهی باید ساخت و از مجموعه این وابستگی ها است که یک مهاجم موفق میشود و هنر انفرادی او (گرچه بی تاثیر نیست) نقش صد درصد یقینی ندارد و شرط اینست که برای تمام کنندگی او ، دیگران هم سازنده و پردازنده موقعیت هاو حادثه ها باشند .

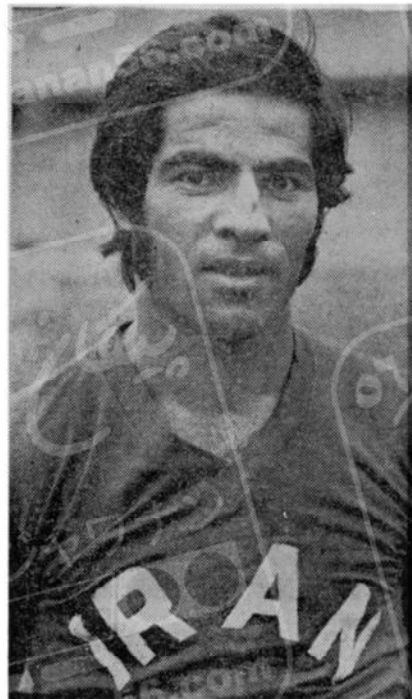
با این اندک توضیح است که این هفته به سراغ مدافعان میرویم و ابتدا از مدافعان کناری (چپ و راست) شروع میکنیم که خصوصیات تقریباً یگانه دارند و نقش اساسی آنها را در یک تیم ، اول باید در خنثی کردن گوش ها که معماران حقیقی گل ها و پیروزیها هستند ، جستجو کنیم و بعد شرکت آنها را در حملات و هجوم های تیم خود ، به عنوان امتیازاتی بیشتر به حساب آوریم .

نامهای آشنا

در جمع مدافعان جناح راست ، به نام هایی بزرگ و آشنا بر میخوریم که در فصل پیش اگر هم با اندکی نزول همراه بودند و گنگاه در برابر حریفان خود ناپدید می شدند ، باز مکانی رفیع داشتند و با آنکه جوانان و تازه



حسین گازرانی



ابراهیم آشتیانی

اشاره : یکبار دیگر توضیح میدهم که در این نوع ارزشیابی ، بازیکنان فوتبال خود را با توجه به دیدار های جام تخت جمشید و موجودیتی که در این جام عرضه نموده اند ، در طبقه بندی ویژه قرار می دهیم و آنها را که در هنر فوتبال و مهارت های فردی و نیز خصوصیات جمعی مورد توجه بودند ، با توجه به استاندارد های جهانی ، بین المللی (اروپایی و آسیایی) ، ملی و باشگاهی دررده خاص خود قرار می دهیم .

ناسف ما اینست که در این طبقه بندی دررده های جهانی و هم ارز اروپایی جایی محکم نداریم ، که دلیل واقعی آنرا ، یکی دور بودن از تماس های همیشگی جهانی و بین المللی و خارج ماندن از این سنجش ، باید بدانیم و دیگر اینکه هنوز فوتبال ماو بازیکنان ما با شیوه هاو تاکتیک های مدرن امروز آشنائی کامل ندارند و به همین سبب از چند امتیاز مهم برای فرار گرفتن دراین طبقه بندی های بالا ، محروم میمانند . اما در سطح بین المللی ، آسیا را که بازیکنان ما بیشتر در این فارم مورد تمرین ، مورد نظر قرار داده ایم و در طبقات پائین تر ملی و باشگاهی را .

تردید نیست که بعضی از بازیکنان جوان یا کهنام چنان در فصل گذشته خود نشان داده اند که اگر چشمانی متوجه آنان بود ، بی نظر و بی دریغ بر آنها انگشت می نهاد و آنانرا شایسته پراجرتین مقام آسیایی میدانست و ما نیز با توجه به چنین چشمنی و با ملاحظه دیدار های جام تخت جمشید که در آن خوش درخشیده اند ، دست به این گزینش و طبقه بندی زده ایم . شاید در این طبقه بندی باشند بازیکنان نامی و شهره که نزول داشته اند و جایی در اوج ندارند ، اما در روز های آینده و بوقت نیاز های ملی کاملاً آماده باشند و نباید ارج آنها را با این

قسمت دوم ، مدافعین راست

بهم او مانع از آنست که ساق های آهوش و بدن نازک او را چون حاج رحیمی پور صاحب سرعت خیره کننده سازد .

شفیعی در سماجت و یاریگری زبانزد است و در تیم او ، هر گاه که نیاز به خنثی کردن مهاجمان یا کوش های سریع و موثر باشد . در دو جناح بکار گرفته می شود و بر حسب وظیفه ، در کنار راست بیشتر در خدمت تیم خود بوده است ، حضور او نقطه اطمینانی بود که اگر در ذوب آهن و در جناح دیگر نیز مدافعی بماند او وجود داشت ، مقام ذوب آهن ، باز هم در رده بندی جام بالا تر بود ، به نتیجه دیدار های ذوب آهن که نگاه می کنیم فروغ چهره دفاعی آن ، بویژه شفعی و شجاعی را در آن بر رنگ تر می بینیم .

راه مسدود

اروجعلی زاده ، مدافع پر توان عقاب و یار پیشین راه آهن را نیز باید در این زمره آورد که برتری اش نسبت به شفعی پایداری و توان عضلانی او بود . اروجعلی زاده در خط دفاع عقاب ، در آنجا که بود ، راهی مسدود برای حریفان بوجود می آورد ، حضور او گاهی که برای مهاجمان غیرقابل عبور میشد ، در اندیشه شکستن دیوار دفاعی عقاب به جناح دیگر رو می کردند که گمان رسوخ بیشتر می بود

و سرانجام میرسیم به نعیم ، جوانی که اکنون در تیم ملی جوانان جای نوربخش سال پیش را میگیرد ، نعیم باریک و بلند اما لاغر اندام و شکستی است و همین از بروز خصوصیات واقعی او می گاهد . او بموقع خود را به بازی خط حمله رساند بی آنکه غیبتش خط دفاع را متزلزل سازد . بار ها هوشیاری و زیرکی او تیم راه آهن را نجات داده و توپ های فراوانی را از روی خط دروازه بیرون کشیده است ، او زیرک ، اما هنوز کم تجربه است .

حالا که از مدافعان کناری سخن می رود باید از محمد مراد بربره که چثای همانند اعتمادی ، یار هم شهری خود دارد ، با جراتی خوب و بدنی پر و تکنیکی که از فوتبال آبادان مایه می گیرد ، اما ارزش جمعی صفات او را در خط دفاع باید متوسط شناخت . از او که بگذریم باید از سنگرگر مدافع صنعت نفت ، افشارپور از برق ، توحیدی از پاس را هم یاد کرد . سنگرگر گرچه جایی درخورد خود و فوتبال سرزمین خود نمی گیرد ، و شاید که آشنایی با او هم یکی از دلایل این جاگیری نامناسب او در طبقه بندی باشد ، اما بطور خلاصه میتوان گفت که درخششی بالا تر از کشامی او در جام ندیدیم و همین او را از نظر جوینده ما پنهان میدارد .

افشارپور ، از برق نیز نمی تواند جایی پر اعتبار بیاید ، عضو نیمه بود که سقوط کرد و گل های خورده برق را هم شاهده میتوان گرفت براین نزول کیفی او و دیگر پارانش در این چهره

اما توحیدی که خیلی کم در تیم پاس بود و بحکم آزمایش او را جایگزین گازیانی ساخته بودند ، با همین آزمایش کوتاه که سه بار در دیدار های رفت و دو بار در دیدار های برگشت بود سر بلند بیرون آمد . بویژه در روز های پایان جام که توانست کاملاً موفق باشد . کوتاهی این آزمایش و ضعف او در دیدار های رفت ، او را نیز به رده های پایین می آورد ، در حالیکه حضور مداوم او میتواند مدافعی بهتر از این در فوتبال ما بیافریند .

طبقه بندی مدافعان جناح راست

کلاس بین المللی (آسیائی) : ابراهیم آشتیانی (برسویلیس)
کلاس ملی : حسین گازیانی (پاس) ، اکبر اروجعلی زاده (عقاب)
کلاس های بعدی : شهریار شفعی (ذوب آهن) منصور پورحیدری (تاج)
اسماعیل نوربخش (پاس)
محمد نعیم (راه آهن)
فرهاد صیادمصلح (ملوان)
کریم سنگرگر (صنعت نفت)
محمد مراد بربره (بانک ملی)
ناصر توحیدی (پاس)
منوچهر افشارپور (برق)
هوشنگ پورقاند (نورد)
علی عابدی (بانک ملی)



مسور پور حیدری

مدافعان قدیمی که یکم سیرنژولی ملی میکنند بغلیان یک دیگ پر جوش از جوان های پراشتها برمیخوریم که سخت وجدی خواهان ورود به تیم ملی هستند .

جلوتر از همگان باید نوربخش از پاس ، شهریار شفعی از ذوب آهن - نعیم از راه آهن و اروجعلی زاده از عقاب ، فرهاد صیاد مصلح از ملوان را نام برد که نوربخش پرتوان تر ، شفعی را جسورتر و نعیم را زیرکتر بدانیم که با این ویژگی های فردی نامی بلند آوازه تر از بقی ماندگان دارند .

شاید لازم است از فرهاد صیاد مصلح گوش راست یا هافبک سابق ملوان هم نام برد که در غیبت ناوران مجبور به عقب نشینی شد و در صف مدافعان تیم خود جای گرفت ، اما حضور او در آغاز که نا آشنا به وظیفه اصلی خود بود ، او را مغلوب مهاجمان میساخت ، اما او که تکنیکی خوب و بدنی مستند داشت ، بزودی وضع خود را یافت و به فراست مزاحم و خنثی کننده هر مهاجم تیز پایی بود ، با این وجود نباید بی اعتنا گذشت که ورزشدگی او ، بعد مدافعان برجسته فصل نبود و گرچه یکبار ، در تیم منتخب هفته جا گرفت ولی این فروغ همیشه تکرار نشد .

نوربخش از پاس میتوانست یکی از هم زمان بالا ترین مقام با آشتیانی ، در رده بندی ما باشد . اما به حکم حضور در هفت بازی و غیبت در ۱۵ دیدار دیگر نمی توان او را در عداد بزرگان واقعی قرار داد . زیرا که بهبود پذیری سریع یک بازیکن و بازگشت بموقع او را نیز باید از امتیازات بدنی هر فوتبالیستی بحساب آورد . نوربخش بیقین روز های آفتابی در پیش دارد . روز هایی که اگر خود بخواهد ، میتواند خیلی زود طلوع کند و بسیار روشن و پر حرارت باشد . صاحب تکنیک است ، قدرت عضلانی نیکو دارد . جسارت و خشونت لازم ، او را یکی از متفاوت ترین مدافعان مایسازد .

اما طالع اروجعلی زاده و شهریار شفعی در این فصل روشن بود ، نه به تابناکی آشتیانی ، اما در حدی که باید نگاهمان را با توققی بیشتر روی آنها بچرخانیم . شفعی در نیمه فصل دوم ، دوبار در تیم انتخابی ما جای گرفت . جوانی است که با آن پا های باریک و ران های کم عضله ، از پی هیچ مهاجمی ، نه آنها که سریع بودند و نه آنها که با تکنیک ، باز نمی ماند . حرکات او روز های ظهور حاج رحیمی پور را در تیم ملی جوانان بیاد می آورد ، با این تفاوت که زانو های نزدیک

نقطه هایی پرارزش در تیم خود بودند و در جام چون سایه بدنبال آشتیانی و کسب اعتبار میدویدند . گازیانی که در این فصل در مکان های متفاوتی از دفاع تیم خود ظاهر شد ، بیشتر در جناح راست و جایگزین نوربخش بود که در هفته ششم جام آسیب دید . بهین دلیل او را در این مکان در محک سنجش قرار می دهیم گازیانی بسبب همین حضور بموقع و پایداریش در مقابل مهاجمان حریف یکی از بهترین مدافعان جام بود ، بویژه آنکه در جناح چپ نیز بهترین مدافع چپ نیمه فصل شناخته شد .

شانه ها و پاهای کم عضله اش او را سرعتی کم و قدرتی ناپایدار تراز کیفیت او برای ۹۰ دقیقه میدهد و بهین دلیل کمی پائین تر از حد آسیایی قرار میگیرد . بازی خوب هوایی ، خوشسردی و یژه ، پاهای بلند برای متکله های بموقع و تکنیک خوب برای حفظ توپ با مقایسه دیگر مدافعان ، ارزش او را بالا میبرد .

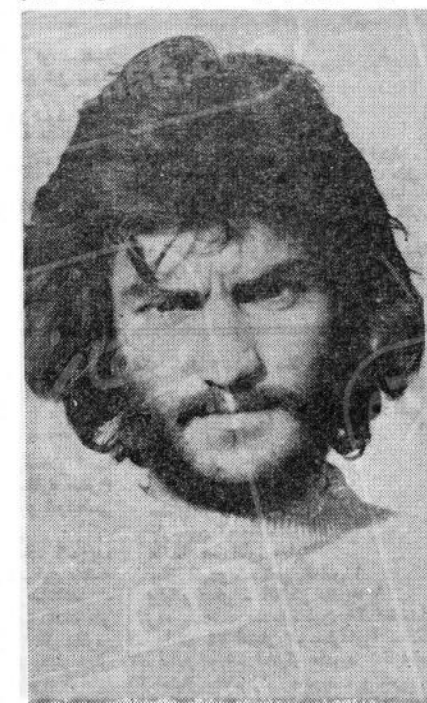
نظیر گازیانی باید از پورحیدری نام برد که ذکاوت ، تکنیک ، تجربیو سماجت در یاریگری و تمصب باشگاهی او پائزترین صفاتی است که دارد ، اما هیکل استخوانی و پاهای کم نیرویش نمی گذارد که در برابر همه حریفانش او راموقع ببینیم . بویژه آنکه مهاجمان بلندپرواز ، همه توپ های هوایی را از چنگ او درمی آورند . پورحیدری اگر در نیمه نخستین فصل ، حضور مداومی داشت و بماند دیدار های نیمه دوم بود . میتوانستیم علی رغم وداع بانبروی جوانی او را یکی از بهترین مدافعان راست بشناسیم ، او تا آنجا که حضورش پیوسته شد ، چهره بی بدون فراز و نشیبهای محسوس داشت و این ارزشمندی او را دوچندان میکند که یک مربی ، محکمتر و مطمئن تر روی او حساب کند .

از آشناتر ها و قدیمی تر ها مسعود معینی در سه دیدار رفت ظاهر شد کمتر هر سه دیدار قابل انتقاد و ضعیف بودو حیف که او به روال طبیعی رشد نکرد .

شاید بتوان از گروه قدیمی ها در تیم های شهرستانی ، به پورقاند ، کاپتن نورد هم اشاره کرد که اگر اندامی کوتاه ولی پر جند و جوش داشت ، اماند تیمی چون نورد که گل های خورده فراوان داشت ، سهمی بزرگ نمیتواند داشته باشد . و یا مضرابی ، مدافع پیشین عقاب ، که با ورود هاروجعلی زاده به این تیم ، کمتر ظاهر شد و گهگاه در نقش های دفاعی ، میانی و پیشتر تیم خود دیده شد .

سایه ستارگان

باید امیدوار باشیم که در سایه آشتیانی و دیگر



شهریار شفعی

انگلستان: روز مساوی!



رسانگی (راست راست) بازیکن آرسنال گل مساوی تیمش برابر منچستر یونایتد را بنمر عکس اورا دریکی از بازیهای گذشته در تلاش تصاحب توپ نشان میدهد .

بجز بدون گل خانه پذیرفت . منچستریونایتد تیم محبوب فوتبال انگلستان که هفته گذشته بدنبال شکست از وستهام، بیکان بیست و یکم جدول سقوط کرد . از دیدار برابر آرسنال یک امتیاز بدست آورد ولی این تغییر در موقعیت این تیم نداد و همچنان در گرداب خطرناک انتهای جدول باقی ماند . اولین گل را منچستر یونایتد با طلف و استیو جیمز ، درنور دروازه حریف نشان داد ولی فریکنده بازیکن صاحبنام این شانس را به سرخپوشها نداد که برتری خویش را تا به آخر حفظ کنند و با برنمرساندن گل مساوی نتیجه را ۱-۱ کرد .

منچستریونایتد از دوازده هفته پیش تاکنون پیروزی در دیدار هایش نداشته است .

توتنهام - کاوتتری

مارتین پیترز کاپیتان توتنهام با برنمرساندن ۲ گل فاصله ۹ دقیقه پیروزی را برای تیمش مقابل کاوتتری ، خاتم کرد .

شایک دقیق پیترز در دقیقه ۲۹ اولین توپ را به داخل دروازه کاوتتری فرستاد و ۹ دقیقه بعد یگار دیگر سنگر حریف را به سقوط کشاند . وقت اول بهمین ترتیب با برتری توتنهام پشتسر گذارده شد و در نیمه دوم نیز تادقیقه ۷۲ بازی باحساب ۲-۰ دنبال میشد و در این زمان باکشوده شدن دروازه توتنهام بوسیله «کولین ادروسن» بازیکن کاوتتری نتیجه ۳-۰ تغییر یافت و این نتیجه تا پایان ثابت ماند .

بیرمنگام - منچستر سیتی

بیرمنگام خیلی زود برحرفش پیشی گرفت ولی این برتری زود هنگام را نتوانست تا به آخر حفظ کند و عاقبت دو تیم با مساوی ۱-۱ میدان را ترک کردند .

با باجهنورد، در دقیقه ۴ گل بیرمنگام را بنمر رساند و گل مساوی برای منچسترسیتی در وقت دوم با ضربه و دنسلاو ، توچی

بدون تردید برای بیست و ششمین روز بازیهای جام فرمانی باشگاههای انگلستان نمیتوان نامی بهتر از « روز مساوی » یافت . چه در جمع ۱۱ دیدار انجام شده ، ۸ بازی با نتیجه مساوی خاتمه پذیرفت و تنها تیمهای پیروز هفته توتنهام ، شفیادیونایتد و استرسیتی بودند .

بیزونایتد پیشاهنگ معجزه گر و تحسین انگیز بازیها با طلف قدرت و سرسختی دفاع استوارش موفق شد همچنان موقعیت خود را با بدست آوردن نتیجه مساوی مقابل اورتون ، حفظ نماید .

بازیکنان اورتون که در زمین خودی (گودیسون پارک) بمصاف توجیههای لیدز رفتند، با اشتیاق فراوان به تصاحب پیروزی کار را آغاز کردند و بی امان بر دروازه حریف ناخستد ولی دفاعی مستحکم و دروازه بانی بر فروغ بنام « دیوید هاروی» اجازه ندادند لیدز طعم شکست را بچشد و بازی سرانجام با مساوی صفر - صفر پایان برده شد .

لیورپول تا به پیشاهنگ بازیها نیز مانند لیدز در خانه حریف به نتیجه مساوی دست یافت و پابین ترتیب ۸ امتیاز برتری لیدز بر نزدیکترین تعقیبکننده اش ، بدون تغییر ماند .

لیورپول در شرایطی با نتیجه مساوی میدان دیدار با استوکسیتی را ترک گفت که در دقیقه ۶۹ روی شلیک جف هورست توجی صاحب نام حریف دروازه اش سقوط کرد .

ولی حملات ناگهانی و خرد کننده لیورپولیا سبب گردید دفاعی بعد دفاع استوکسکارا به تسلیم شود و بازی با گل تمامی اسیت ، کاپیتان لیورپول در شرایط مساوی ۱-۱ دنبال گردید و عاقبت دو تیم بهمین کیفیت از میدان خارج شدند .

۲۶ بار سقوط دروازه ها حاصل کار بازیکنان تیمها طول مسابقات برگزار می بود که استرسیتی با پیروزی ۵-۰ برابر ایسویج بهترین نتیجه را بدست آورد و دیگر اینکه تنها دیدار اورتون-

۱۴ روز از مسابقات جام باشگاههای ایتالیا میگذرد . پایلته هنوز یک روز دیگر به پایان دوره رفت مسابقات باقی مانده است . ازهم اکنون میتوان « لازیو » تیم خوب شهر رم را که پلا می بازیکنان شده است ، قهرمان نیمه فصل دانست .

در چهاردهمین روز، تیم های بزرگ ایتالیا مثل جیوونوس ، میلان و انترمیلان، نهایی می که سرداران ساحل لاجوردی (اعضای تیم ملی ایتالیا) را در اختیار دارند ، سقوط نکردند و این سقوط ها ، بسیار مدتها بود .

تسلیت تسلیت!

این هفته آنها که توانسته بودند نتیجه مسابقات موبایل را کاملاً صحیح حدس بزنند در شرط بندی روی موبایل (نوبو) شرکت کنند . پول جالب توجهی بدست آوردند . این هفته کسی که توانسته بود نتایج ۱۲ مسابقه دسته اول و دسته دوم وادرسد حدس بزند . ۲۰ میلیون لیر جایزه گرفت . علت این امر نتایج غیر منتظرهای بود که در این روز بدست آمد . یکی از این شکست ها و یا بهر پیگی می خالق شکستی تیم لازیو بود که شیطان لقب دارد و باشگاهی هایش ، هر روز تغییری دیگر در جدول بوجود می آورد .

این هفته لازیو به طور غیر منتظرهای در فوج، بریم این شهر پیروز گردید و این حادثه ای بود که کسی نمیتوانست وقوع آن را پیش بینی کند ، چون فوجا از آغاز فصل تا این روز در خانه خود بدون شکست باقی مانده بود و گذشته از این صاحب یک خط دفاعی مستحکم و نیرومندی هم هست .

لازیو در طول این مسابقه رنج بسیار کشید و چندین بار تا استانه سقوط پیش رفت . به جرات میتوان گفت که در این مسابقه شانس فوجا را تنها گذاشته بود . بهرحال شانس در دقیقه ۸۵ مسابقه ، جانب لازیو را گرفت و « کینالیا » تنها گل مسابقه را بنمر رسانید .

این گل برای لازیو بسیار بارزوش بود چون نه تنها با این یک پیروزی به تفریحی بر صدر جدول قرار گرفت ، بلکه بدون تردید قهرمان نیمه فصل هم خواهد شد . در چند

اسکاندیدی اصل و معروف این تیم بدست آمد .

نتایج روز بیست و هشتم

- بیرمنگام ۱- منچسترسیتی ۱
- چلسی ۱- دربی ۱
- اورتون صفر - لیدز صفر
- منچستریونایتد ۱- آرسنال ۱
- نیوکاسل ۱- وستهام ۱
- نورویچ ۱- وولوز ۱
- سوتهمپتون ۲- کوئینزپارک ۲
- استوک ۱- لیورپول ۱
- توتنهام ۲- کاوتتری ۱
- بورنلی ۱- شفیادیونایتد ۲
- لستر سیتی ۵- ایسویج صفر
- رهمندی : ۱- ایزیزونایتد ۴۲ امتیاز ۲- لیورپول ۳۵ امتیاز ۳- بورنلی ۳۰ امتیاز ۴- دربیکنش ۲۹ امتیاز ۵- ایسویج ، اورتون ۲۸ امتیاز ۶- نیوکاسل ۲۷ امتیاز ۷- سوتهمپتون ، آرسنال ۲۶ امتیاز ۸- شفیادیونایتد ، منچسترسیتی ، کاوتتری ۲۵ امتیاز ۹- وولوز ، توتنهام ۲۴ امتیاز ۱۰- استوکسیتی ، چلسی ۲۲ امتیاز ۱۱- وستهام ، بیرمنگام ۱۸ امتیاز ۱۲- منچستر یونایتد ۱۷ امتیاز ۱۳- نورویچ ۱۶ امتیاز

ایتالیا: بزرگان سقوط کردند!

- جنوا ۱- ورونا صفر
- انترمیلان صفر - کالیاری ۱
- سیترا صفر - سمپدوریا صفر
- رم ۱- جنوا صفر
- تورینو ۱- ایتالیا ۱
- جودول ردمندی : ۱- لازیو ۲۱ امتیاز ۲- چوونتوس ۱۹ امتیاز ۳- فلورانس ۱۸ امتیاز ۴- میلان ۱۶ امتیاز ۵- بلوینا ، انتر میلان ، فوجا ۱۵ امتیاز ۶- تورینو ، کالیاری ۱۴ امتیاز ۷- جنوا ۱۳ امتیاز ۸- ورونا ۱۱ امتیاز ۹- آتنو ۱۰ امتیاز ۱۰- ورونا ۸ امتیاز ۱۱- سمپدوریا ۷ امتیاز

توپخانه خاموشی دارد و نمی تواند گلزار باشد . این « وواسوری » مدافع نابل بود که در دقیقه ۲۸ یک گل به تیم خود زد و موجب شد که نتیجه مسابقه ۱-۱ مساوی شود . نابل به هرحال از این مسابقه مشکل یک امتیاز با ارزش بدست آورد که میتواند در سرنوشتش موثر باشد .

نتایج کلی چهاردهمین روز

- بولوینا ۳- میلان ۲
- فلورانس ۲- چوونتوس صفر
- فوجا صفر - لازیو ۱

سال اخیر ، این برای اولین بار است که یک تیم از جنوب ایتالیا ، قهرمان نیمه فصل ایتالیا می شود .

تیم آ.ث.ر.م.ه. این هفته در استادیوم المپیک رم به یک پیروزی سبک دست یافت . رم در دقیقه ۷۹ صاحب یک پانتهی گردید که بوسیله بازیکن مشهور « دومینگینی » به ثمر رسید . نیمه دوم به این هفته با همین یک پانتهی مغلوب بهر گذشت ، اسامی برای اولین بار به مسابقات دسته اول ، راه یافته است .

نابل در چهاردهمین روز یک فرصت بسیار خوب را از دست داد . نابل که تیم بی ستاره نام گرفته و در صدر جدول حرفهای زیادی برای گفتن دارد ، در شهر تورینو ، میهمان تیم تورینو بود . بلافاصله بعد از شروع مسابقه ، نابل در دقیقه ۲ بوسیله « کانه » صاحب گل برتری گردید . خط حمله تورینو این روز ها

اسپانیا: بارسلون تکنوازی میکند

از بدست گرفتن میلجایوک یوگسلاو است ولی در شرایط فعلی مربی ستاره سرخ بلغراد در اختیار تیم ملی است و شرایطی مهیم دارد .

بارسلون طبق معمول به لطف کرویوف روی نوار پیروزی گام بر میدارد این هفته قهرمانان ۳-۱ در خانه حریف سانتاندر ، تیم نوظهور این فصل را شکست دادند و در حالیکه کرویوف خود حالا با ۱۱ گل بهریم گلزن اسپانیاست ، رتال مادرید یکبار دیگر با شکست خو گرفت و ۱-۰ در برابر گراناادا از پای درآمد با این شکست رتال مادرید به رده هفتم سقوط کرد و سلتاویگو ۲-۰ ساراگوزا را از پای درآورد و مالاگا در

استفای میلگوموز ، رهبر تیم رتال مادرید که بدنبال ناگهانی اخیر قهرمان فصل قبل ترجیح داد که با کناره گیری خود از این پست به جنگالها خاتمه دهد . حاش روز مطبوعات است - لازم به توضیح است که موز در شرایطی رتال را ترک کرده که قهرمانان در موقعیتی سخت بحرانی بسر می بردند و شکستهای پیاپی و سنگینی را تحمل می نمودند .

وساطت « پرزدیت برنابو » تهرای نداشت و در شنبه گذشته موزن - ساری همیشه با رتال وداع کرد و نیمه که طول ۱۲ سال از تجربیات او سود برده ، در سال ۲۰۰۰ در صدد کسب مربی تازه ای است صحبت

خانه خود ۱-۰ از سد «الش» گذشت .

دنباله نتایج روز نوزدهم

- گیزون ۴- کاسون صفر
- گرانادا ۱- رتال مادرید صفر
- رتال سوسیداد ۲- مورسی ۱
- سلتاویگو ۲- ساراگوزا صفر
- بارسلون ۳- سانتاندر ۱
- مالاگا ۱- الش صفر
- رتال ادیدو ۲- لاس پالماس ۱
- بیلیانو صفر - آلتیکو مادرید ۱
- رده بندی : ۱- بارسلون ۲۸ امتیاز ۲- بیلانو ۲۴ امتیاز ۳- ساراگوزا ، مالاگا ۲۳ امتیاز ۴- آلتیکو مادرید ، گرانادا ۲۱ امتیاز ۵- رتال مادرید ، والنس ، سلتاویگو ، رتال سوسیداد ۱۷ امتیاز ۶- گیزونا : ۱- کرویوف (بارسلون) ۱۱ گل ۲- مارسال (بارسلون) ۱۱ گل

بلژیک: شادترین هفته برای اندرلشت

شاید علاقه رهبری پیش‌تازان را به‌بعد گرفته است! هنر بزرگ برامس اینست که او یک روانشناس و واقعی است و خلوص خوی شاگردانش را خوب درک میکند.

او پس از شکست عجیبی که اندرلشت در گذر جام حذفی مقابل بیرشوت و با نتیجه حیرت انگیز ۱-۴ تحمل کرد توانست در عرض ۴۸ ساعت روحیه از دست رفته را به شاگردانش باز گرداند و چنان شد که قهرمانان یکبار دیگر با پیروزی انس گرفتند و طول دو هفته صاحب دو پیروزی

بدنبال پیروزی خوب و تحسین انگیز اندرلشت، پیش‌تاز بازیها در هفته قبل مقابل وارگم (۲-۴ در خاک حریف)، یاران لادینسکی این هفته در برابر سرگل بروکسل ۲-۱ پیروزی دیگری داشتند. کاپیتان بلوان همیشه در مورد شرایط و کیفیت تیم میگوید: ما گرچه گرفتاریهایی داریم و مانند هر باشگاهی یک‌دوره مسیاه را طی کردیم ولی نگران نیستیم و اعتقاد ما بر اینست که اگر به‌همین شکل ادامه دهیم مقام قهرمانی را نه چندان مشکل و فتح خواهیم کرد.

نکته جالبی که در تیم اندرلشت چشم می‌خورد اینکه اوربان برامس مربی تیم محرفه‌ای نیست و توضیح اینکه او یک معلم مدرسه است کعبه‌نوا «تفریح» و

پیاپی شدند. شکست سنگین مولنیک در این هفته مقابل برجم (۲-۱) یکی از شگفتی‌های بزرگ بود. در حالیکه بهترین نتیجه را آنتورپ تیم، رده سوم جدول بدست آورد که رتبه خود ۲-۴ وارگم را در برامس کوبید. این دومین شکست سنگین وارگم علیه برجم و حضور مردی برزیلی الاصل «ژنیا» می‌باشد.

نتایج روز شانزدهم
آنتورپ ۵-۰ وارگم ۲

استاندارد ۲- بیرشوت ۱
لیژ ۳- سنت‌فراند ۳
دبست ۳- مالینز ۳
لیژ ۳- آفت ۲
بورن صفر - برینگن صفر
برجم ۳- مولنیک ۱
اندرلشت ۳- سرگل ۱
ردمبندی: ۱- اندرلشت ۲۵ امتیاز، ۲۰- مولنیک ۲۱ امتیاز، ۳- آنتورپ ۲۰ امتیاز، ۴- وارگم، استاندارد ۱۹ امتیاز، ۶- بورن ۱۸ امتیاز، ۷- مالینز ۱۷ امتیاز، ۸- لیژ ۱۶ امتیاز، ۹- لیژ ۱۵ امتیاز، ۱۰- سرگل بروکسل ۱۴ امتیاز.
گلزنها: لادینسکی (اندرلشت) ۱۴ گل، ۲- نیکولائز (بیرشوت) ۱۱ گل، ۳- کونز (مولنیک) ۱۰ گل.

هلند: نگرانی برای تیم ملی

رینوس میشل، مربی تیم بارسلون و رهبر سابق آژاکس، هفته قبل و بدنبال یک‌دوره مذاکرات طولانی با رهبران فوتبال هلند اعلام داشت که حاضر است با فدراسیون فوتبال همکاری نماید. البته ناگفته نماند که در این راه و برای جلب رضایت باشگاه بارسلون فدراسیون فوتبال هلند و میشل،

کوشش بسیار مبذول داشتند تا موفق‌جلب رضایت اسپانیولا گردیدند. حدس زده می‌شود که میشل در نقش «کارگردان» تیم ملی درخواهد آمد ولی نکته جالب و شاید اسف انگیز اینجاست که به‌رحال میشل بخاطر گرفتاریهایی که با بارسلون دارد قادر به‌راهی ملی پوشهای هلند در آلمان نخواهد بود.

باین جهت است که مفسران از خود می‌پرسند در شرایطی که «میشل» دربارسلون و صد ها کیلومتر دور از «مونچ» است چگونه می‌خواهد و یا می‌تواند هلندیها را در جام رهبری کند؟! به‌رحال جواب این پرسشها و مجهولات را آینده نشان خواهد داد. در این هفته دیدار های دوره سوم سابق آژاکس، هفته قبل و بدنبال یک‌دوره مذاکرات طولانی با رهبران فوتبال هلند اعلام داشت که حاضر است با فدراسیون فوتبال همکاری نماید. البته ناگفته نماند که در این راه و برای جلب رضایت باشگاه بارسلون فدراسیون فوتبال هلند و میشل، کوشش بسیار مبذول داشتند تا موفق‌جلب رضایت اسپانیولا گردیدند. حدس زده می‌شود که میشل در نقش «کارگردان» تیم ملی درخواهد آمد ولی نکته جالب و شاید اسف انگیز اینجاست که به‌رحال میشل بخاطر گرفتاریهایی که با بارسلون دارد قادر به‌راهی ملی پوشهای هلند در آلمان نخواهد بود.

اسکاتلند: طرح تازه و مشکلات فراوان

نتایج روز بیست و یکم

آبردین ۱- کلاید ۱
آبروت ۲- مورتون ۱
ایر ۱- هیرن ۱
سلتیک ۳- سنت جانستون صفر
دندی یونایتد صفر - مادرول ۱
فالكيرک صفر - دنفرلین ۱
هرتس ۲- رنجرز ۴
پارتیک صفر - دمپتون صفر
ردمبندی: ۱- سلتیک ۳۴ امتیاز، ۲- هیرن ۲۸ امتیاز، ۳- رنجرز ۲۶ امتیاز، ۴- ایر ۲۵ امتیاز، ۵- آبردین، هرتس ۲۳ امتیاز، ۷- دندی یونایتد ۲۱ امتیاز و غیره.

گلزنها: دنیر (سلتیک) ۱۶ گل، نوردهرتس ۱۶ گل، ۲- سیلورز (آبروت) ۱۴ گل.

شایعات فراوانی در اسکاتلند پیرسزبان هاست که به‌وجب آن از فصل آینده بازی های باشگاهی اسکاتلند با حضور شرکت کننده کمتری دنبال شود.

به‌وجب این طرح بازیهای دسته یکم و دوم با حضور ده تیم و دسته سوم ۱۸ تیم دنبال خواهد شد.

برای بحث و تبادل نظر در این مورد فدراسیون اجلاسهای خود را در ادینبورگ ایر، فالكيرک تشکیل خواهد داد و باین موضوع رسیدگی نماید، لازمیه‌ای آورده است که کسب دو سوم آرای موافق برای تصویب پروژه مزبور کافیت و در این شرایط که رهبران تیم های بزرگ موافقت خود را با این طرح اعلام داشته‌اند، تیم های کوچکتر هم به‌همین اندازه سخت مخالف می‌باشند.

مسابقات فوتبال جام باشگاههای کشورهای اروپا

آلمان: روز نامه‌ساوی‌ها!

بازی را به ۱-۴ اعرایش دادند «هوره» در دقیقه ۵۴ و «هیر» در دقیقه ۶۰ دو گل برای هرتا زدند و نتیجه را به ۳-۴ افزایش دادند اگرچه موشن گلابداخ به‌همین نتیجه پیروز گردید، ولی باید دانست که در ۳۰ دقیقه آخر، هرتابرلین واقعا کوشید و شانس های زیادی هم برای زدن گل های بیشتری بدست آورد، اما شانس یار گلابداخ بود و اجازه نداد تا تیریری در نتیجه مسابقه بوجود آید.

بازگشت «لیبودا»

لیبودا، بازیکن سابق تیم ملی آلمان غربی، پس از اینکه مدتی را در فرانسه گذراند و در تیم های فرانسوی بازی کرد، اینک به تیم سابق خود شالکه بازگشته و این هفته اولین بازی دوران جدید را برای شالکه انجام داد.

پرتغال: بادمخالف بسوی فدراسیون

احدیمکا ۲- بواو ۱
باریرس ۲- بیرامار صفر
گیمارز ۴- اوربانتال ۱
مونتیو صفر - سیو ۱، صفر
الهانس-صفر - سوبال صفر
پورو ۱- فارنس صفر
رده بندی: ۱- اسپورینگ ۳۰ امتیاز، ۲- پورو ۲۸ امتیاز، ۳- سببال، بنفشکا ۲۷ امتیاز، ۵- بلنس ۲۰ امتیاز و غیره.

گلزنها: یازالده (اسپورینگ) ۲۸ گل، ۲- دوداوستوبال ۱۷ گل، ۳- ارنالدو (سیو) ۱۶ گل.

حوادث عجیبی در فدراسیون موسیال پرتغال روی می‌دهد. اختلافات و دوستی ها با بالا گرفته. مطبوعات لب به انتقادات تند و تیز گشوده‌اند. تیمها دچار سرد می‌شده‌اند و در این میان بزرگان باناکامی های کم و بیش شگفت انگیز، زندگی می‌کنند.

نتایج روز هجدهم

بنفشکا ۴- بلنس ۱
اسپورینگ ۳- لکسوز صفر

بزرگان خواب بودند!

در مسابقات وزنه برداری جام ششم بهمن

نصیری ، دهنوی ، والی و کارگر نژاد از صحنه رقابتها حذف گردیدند

سبک وزن : ۱ - مهدی عطار اشرفی ۲۷۲ (۱۵۰-۱۵۷) ، ۲ - امیر درمنی ۲۵۷ (۱۴۵-۱۴۵) ، ۳ - حبیب الله پاشانی ۲۴۲ (۱۱۲-۱۳۰) ، میان وزن : ۱ - غلامرضا مدانلو ۲۷۰ (۱۱۰-۱۵۰) ، ۲ - عبداله ملاحتی نژاد ۲۵۲ (۱۰۵-۱۴۷) ، ۳ - حمید جوانمردی ۲۵۰ (۱۰۵-۱۴۵) ، نیم سنگین : ۱ - ابراهیم پوردم ۲۹۵ (۱۷۰-۱۷۰) ، ۲ - شیخی ۱۱۰ (۱۳۵-۱۳۵) ، ۳ - رضا رحمانی ۱۵۵ ، فقط در دو ضرب حاضر شده بود ، میان سنگین : ۱ - سید تقی روحانی ۲۸۲ (۱۲۰-۱۶۲) ، ۲ - خلیل ضمیریان ۲۵۷ (۱۰۵-۱۴۵) ، ۳ - امیر برخوا ۲۵۵ کیلو (۱۱۰-۱۴۰) ، سنگین وزن : ۱ - کرزاده ۲۹۵ کیلو (۱۲۷-۱۲۷) ، ۲ - حسینی ۲۹۰ (۱۲۷-۱۲۷) ، ۳ - خلیل مهدیزاده ۲۴۵ (۱۰۵-۱۴۰) ، فوق سنگین : ۱ - اکبر شکرالهی ۲۹۷ (۱۴۵-۱۶۲) ، ۲ - بدالسماعتی ۲۴۵ (۱۰۵-۱۴۰) ، ۳ - ثابت راسخ ۲۷۲ (۱۰۲-۱۲۵) ،

مسابقات جام ششم بهمن طی دوشب و با حضور قهرمانان تیم ملی ایران و نغرات اول تا سوم کشور در سالن سرویشده محمد رضا شاه برگزار شد در شبپایان حضور سرپرست سازمان تربیت بدنی و حدود یک هزار تماشاگر در سالن هیجان فوق العادهای به رقابت ها بخشیده بود ، بهر حال نتایج بدست آمده در هر وزن بدین شرح میباشد .

رده بندی

مگس وزن : ارحسن حکیمیان ۱۸۵ کیلو (۸۰-۱۰۵) ، ۲ - لطفاله ناصری ۱۸۰ کیلو (۸۰-۱۰۰) ، ۳ - محمدعلی نیسی ۱۷۷ کیلو (۷۷-۱۰۰) ، خروس وزن : ۱ - محمد زمانصاحی ۲۱۲ کیلو (۹۲-۱۲۰) ، ۲ - فیضاله ناصری ۱۹۵ کیلو (۸۲-۱۱۲) ، ۳ - علی قاسمی ۱۹۰ (۸۰-۱۱۰) ، پر وزن : ۱ - داود ملکی ۲۴۷ کیلو (۱۰۷-۱۲۵) ، ۲ - فیضاله دهخدا ۲۲۰ (۱۰۰-۱۳۰) ، ۳ - رمضان شیرخانی ۲۲۲ (۹۷-۱۲۵) ،

و در این وزن مدال طلای جهانی را تصاحب کرده بود ! بدون شک شرکت او در دسته پروزن نشان دهنده بالا رفتن کوهی های بدنش میباشد ، که همین کم توجهی نصیری در بالا و پائین رفتن وزن بدن در آستانه مسابقات بزرگ خالی از درد سر نخواهد بود و بدیهی است که این چنین نوسانات غیر متعادل بخصوص در قهرمانان سبک وزن زیان بخش بوده و بمقدار فراوانی از کیفیت قدرتی و ورزشکار را می کاهد ، بجز نصیری ، دهنوی دیگر وزنبردار صاحب نام نیز آمادگی لازم را نداشت این دو در جمع سبک وزن ها و همچنین علی والی و کارگر نژاد در وزن های بالا با عدم موفقیت در وزنه های انتخاب شده پس از سه خطای بی دریی از صحنه رقابت ها محروم ماندند و از دور مسابقات حذف شدند ، این وظیفه فدراسیون است که هرچه زودتر با تنظیم و انجام برنامه های مختلف وزنه برداران را به آمادگی لازم برساند و این بدن های خواب را بیدار و در فرم بیاورد .

هفته گذشته در مسابقات وزنه برداری ششم بهمن بررکان و نغرات زبده این ورزش به رقابت پرداختند ، فدراسیون وزنه - برداری برای سنجش هر چه بهتر وزنه - برداران گروهی از ورزشکاران زبده این رشته را از شهرستان ها به تهران دعوت نموده و در کورس رقابت قرار داده بود .

توقف بزرگان

عدم آمادگی و در فرم نبودن وزنه - برداران صاحب نام و ملی پوش در این مسابقات بخوبی واضح و چشم گیر بود ، هیچ کدام از بزرگان در حد همیشگی نبودند و این امر با توجه به اینکه مدتی است وزنه برداران در اردوی آمادگی بسر می برند ، غیر منتظره بود چرا که حالت وزنه برداران صاحب نام طوری بود که گویی مدت هاست در استراحت بسر می برده اند ! محمد نصیری ، که همه امید های ما در صحنه های بین المللی برای عنوان قهرمانی به پیکر او دوخته میشود ، حضورش در دسته پر وزن غیر منتظره و تعجب آور بود چرا که این چندین پیش با منتقبت فراوان خود را به رده مگس وزن ها رسانده بود

مصومه رفیعی فتیجه ۱۴-۱۳ بسود تاج چرخید ، بعد از تمویض سرویس ، اسبک مینو اشتیاق شرایط را مساوی کرد و بالاخره دو سرویس اشتیاق که دومی با اسبک صالح نتیجه بخش گردید گیم دوم نیز ۱۶-۱۴ بسود هما خاتمه یافت .

درخشش فرخنده صالح

گیم سوم برای همانها برآستی غیر منتظره بود ، زیرا پس از اینکه در آغاز ۲ امتیاز گرفتند ، ناگهان در یکساعتی خاص ۱۰ امتیاز از کف دادند و در موقعیت برتری ۱۰-۲ حریف کمی بخود آمدند که چارسانز بود و فقط توانستند ۴ امتیاز دیگر بدست آورند ، در شرایط ۱۳-۱ دو سرویس بیایی حسین پور که خطای هما را بدنبال داشت این گیم را ۱۶-۱۴ بپیروزی تاج پایان داد ، در چهارمین گیم بعد از مساوی ۴-۴ هما غیر قابل مهان از جنگ تاج گرفت و بالاخره با سرویس عالی متنه ، آخرین امتیاز را صاحب شد و با شکست ۱۵-۱ حریف و پیروزی ۳-۱ در مجموع جام قهرمانی تهران را نتج کرد ، فرخنده صالح بازیکن پرتوان هما در این دیدار با موجودیتی تحسین انگیز ظاهر شد ، و در پای تور بعنوان اسبکر ، کیفیت موف و کوپنده بنمایش گذارد که جز در مواردی معدود تمام شلیکهایش شریکش و امتیاز آور بود ، ماری تنو مینو اشتیاق دیگر چهارمیان خوب تیم هما بودند و در حدی قابل توجه کارشان را ارائه کردند ، در جمع تاجیها مهوش نوربخش ، حبیبه پاشانی و بتول حسین پور با وجودیکه در حد قابل انتظار ظاهر نشدند همدا بهترین نغرات تیم خود بودند ، تجربه شکل نگرته تاجیهای جوان سبب میگردید در برابر حریف بزرگ خود آن بی پروایی و اعتدال بنفش لازم رانداشته باشند و بخصوص حساسیت دیدار سرنوشت برحایت این مسئله میافزود ، ضمن اینکه بایستی توجه داشت هما در برابر تاج یکی از بهترین بازیهای دوران اخیر خود را ارائه داد ،

دیدارهای رده بندی

★ دیدار دیدار وپاس دوم مغلوب مرحله نیمه نهایی ، برای تعیین چگونگی عنوانهای سوم و چهارم بپیروزی ۳-۰ دیپهم خاتمه یافت ، ★ عقاب (تیم چهارم گروه اول مسابقات ماقبل نهائی) با افسر (تیم سوم گروه دوم) ۳-۰ بسود عقاب ، ★ آزمایش (تیم سوم گروه اول) با صانعای نظامی (تیم چهارم گروه دوم) ۳-۰ بسود آزمایش ، ★ آزمایش و عقاب برای مکانهای پنجم و ششم با یکدیگر دیدار کردند که آزمایش ۳-۰ با پیروزی دست یافت ، رده بندی : ۱ - (قهرمان تهران) ۲ - تاج ۳ - دیپهم ۴ - پاس ۵ - آزمایش ۶ - عقاب ،

پیروزی کرد ، باین ترتیب هما گیم سوم را با عقبنماندگی ۲-۰ آغاز نمود و عجیب اینکه پاسها در چنین شرایطی به آن حد بی تفاوت و آرام بازی را دنبال کردند که گوئی پیروزی را حق خود نمیدانند !

گیم سوم با اسبک صالح که امتیاز آخر را آورد ۲-۱۵ هما خاتمه پذیرفت ، گیم چهارم با پیروزی ۲-۱۵ هما پایان گرفت و گیم پنجم که نتیجه دیدار را روشن میکرد با شکست ۱۵-۴ پاس به آخر برده شد و باین ترتیب هما با پیروزی ۳-۲ از پاس بقیال رسید ،

جدال سر نوشت

★ سمنه دوم بهمن ۱۳۵۲ - سالن شماره ۲ فرح - دیدار تیمهای هما و تاج در فینال مسابقات والیبال قهرمانی بانوان باشگاههای تهران - سرداور کاظم نفر - داوگره و سرحدی - تماشاگر بیش از دو هزار تن - نتیجه ۳-۱ بسود هما ، بازیکنان دو تیم : هما : ماری تن (کاپیتان ۸) ، مینافتنی (۵) ، فرخنده صالح (۴) ، مینو اشتیاق (۷) ، زیاده روی (۱۰) ، فیمینفرمان (۱۱) ، روزا آوانسیان (۹) ، زری علی (۶) ، مهشید مهاجر (۲) ، مهرداد بنی هاشمی (۱۱) ، فرشته گروبی (۱۲) ، مربی : مجتبی مرتضوی ، تاج : ناهید حسینی (کاپیتان ۳) ، ایران حسینی (۱۱) ، حبیبه پاشانی (۵) ، بتول حسین پور (۸) ، مهوش نوربخش (۱) ، سودابه مرادی (۹) ، مصومه رفیعی (۷) ، منیره رحیمی (۶) ، مربی : حسین بهرام صفت ، ★ هیاهوی آرام ناظرین تماشاگران حاضر در سالن و قدرت متعادل بازیگران دو طرف شکوهی خاص برای این دیدار سرنوشت ساز خلق کرده بود که مدت ها بعد نشانی از آن در والیبال دختران یافت نمیشد ، و میبخت بپروشی و خروش حکایت از شکل گرفتن امیدی برای درپیش بودن روزهای بهتری در این ورزش میکرد ،

دو تیم بازی را با این ترکیبها آغاز کردند ، هما : فرمان آرا ، صالح ، هروی ، فتی ، اشتیاق و تن ، تاج : نوربخش ، حسینی ، پاشانی ، حسین پور ، سبحانی و رفیعی ،

بدنبال ردوبدل شدن امتیازاتی مساوی دو حریف در امتیاز ۴ در یک ردیف قرار گرفتند و با وجودیکه تاج موفق شد ۷-۵ نیز هما را پیشتر گذارد ولی پیشرفت تیم هما تنها سبب گردید تاج در میز ۹-۸ جا بماند و آخرین امتیاز که با اسبک صالح بدست آمد پیروزی ۹-۱۵ را از آن هما نمود ، در یکم دوم رقابت برای امتیازگیری فشرده گی بیشتری داشت و تاج تا امتیاز ۱۱ با برتری پیش می آمد و هما بهنگاه اختلاف کمی سایه به سایه حریف را تعقیب میکرد تا اینکه امتیازها ۱۱-۱۳ شد ، ابتدا هما ۱۱-۱۳ پیش افتاد ولی بدنبال سه سرویس

هما ، والیبال بانوان

بقیه از صفحه ۲۵ از گیم سوم شرایط ناگهان دگرگون شد ، دیپهمها با روحیه آرام و مسلط و بر قدرت بازی را دنبال کردند و در عوض نزول عجیبی در نزد تاجیها پدید آمد که البته تاثیر درخشش حریف را نباید در آن نادیده گرفت ، تاج تا امتیاز ۳-۲ نیز بر میدان حکومت میکرد ولی فردی ، سنجی ، کریمی سه بازیکن صاحب نام دیپهم با تلاش و کیفیت موفقتان شانس پیروزی را با کسب امتیازات بیابسی از حریف گرفتند و این گیم ۱۱-۱۵ بسود دیپهم خاتمه پذیرفت ، سرویس پیروزی برای دیپهم را پرتوی نواخت ، در گیم چهارم ، دیپهم از آغاز برتری یافت و با حفظ آن طول بازی بالاخره ۹-۱۱ موفق به شکست تاج شد و جالب اینکه سرویس آخر بازهم از پرتوی بود ، از آغاز گیم سرنوشت ، دو تیم سرسخت و پرتلاش شان به نشاندهیش می آمدند ، ۶-۸ ، ۸-۸ ، ۹-۹ و بالاخره ۱۳-۱۴ در این شرایط تاج صاحب سرویس بود ، با اشتباه یکی از یاران عقب زمین دیپهم که از پای تور اسبک زد و سپس سرویس امتیاز آور حسین پور حساب به ۱۵-۱۳ و پیروزی نهائی ۳-۲ تاج رسید ، پرتوی فردی ، پری کریمی و فاطمه سنجی از دیپهم بتول حسین پور ، مهوش نوربخش و حبیبه پاشانی از تاج بهترین بازیکنان میدان بودند ،

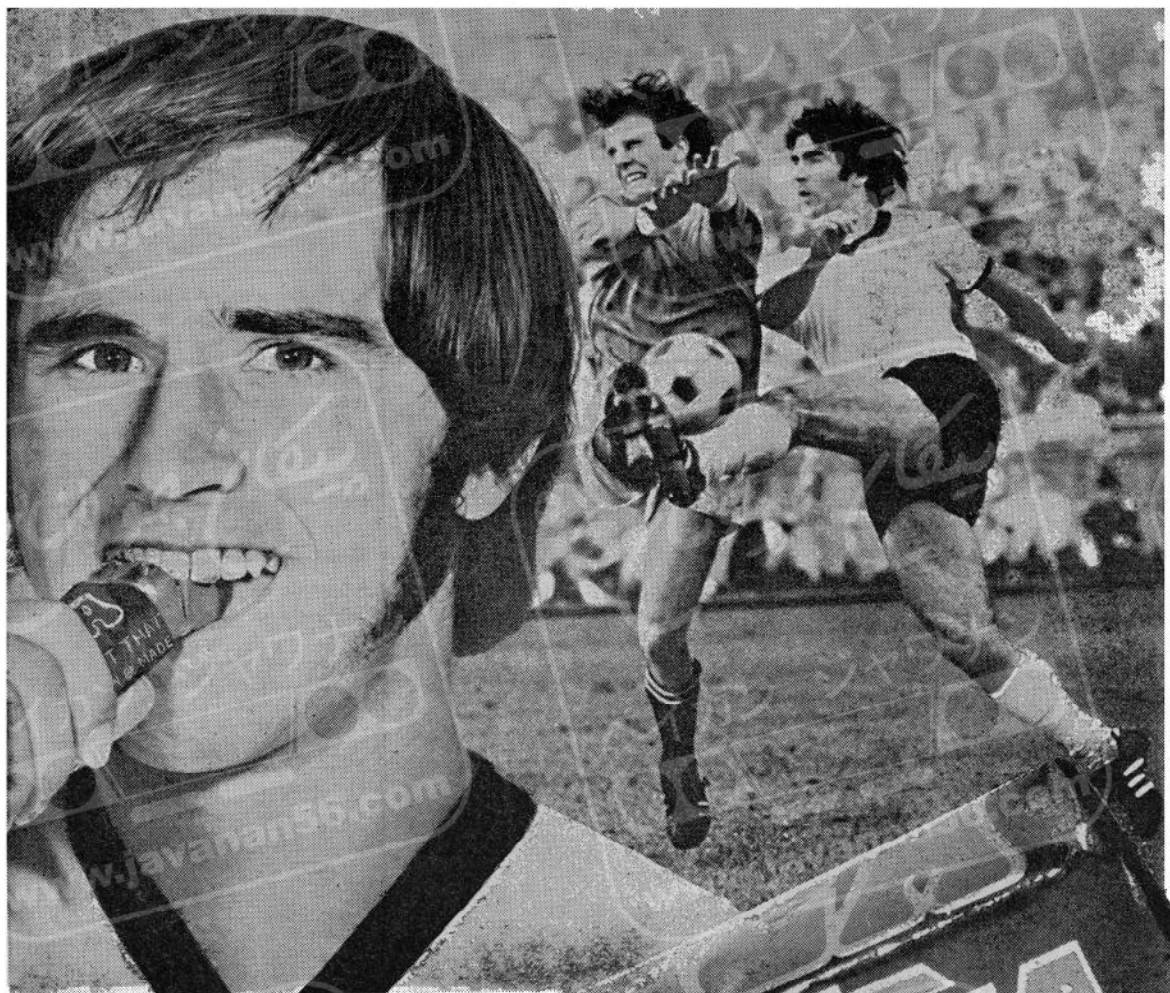
● بعد از خاتمه بازی فاطمه سنجی بازیکن دیپهم درباره شکست تمیز اظهار میکرد : دوتن از بازیکنان ثابت تیم حاسمفر و محمدیان برای بازی نیامده بودند و اگرچه تیم نباید باین خاطر از هم بشاید ولی این مسئله باعث اضطراب در زمین حال مصیبت ما شده بود و وقتی حاسمفر از سویمین گیم بمباری آمد شکل کار تغییر کرد : تیم ما اگر از آغاز کامل و مثل همیشه بمیدان میرفت ، بازیرا نمی باختیم ،

هما در وحشت !

هما - پاس : قبل از شروع مسابقه پیشبینی اینکه پاس برای ما بکنگراد خطرناک باشد ، اندکی مشکلی نظر میرسد و همه چیز در بدست آمدن یک پیروزی مطلق برای قهرمان سال گذشته خلاصه میشد ، اما هنگامیکه هما در گیم اول ۱۳-۱۵ مقابل حریف شکست خورد ، مسئله بصورت تازه ای درآمد و زمانیکه گیم دوم نیز ۱۱-۱۵ با پیروزی پاسها پایان برده شد ، یکشگفتی در آستانه خلق شدن قرار گرفت ! پاس در موقعیت ۱۱-۱۳ تا امتیاز آخر را بیایی بدست آورد ، سه سرویس مفهوپور که اولی را اسبک مهوش کمالی ، دومی را خطای حریف و سومی را دفاع پاس «مقابل اسبک حریف» ، امتیاز آور ساختند ، پاس را در این گیم صاحب

MICA میکا شکلات مقوی

برای نوجوانان و ورزشکاران



میکا را بچه‌ها
و بزرگسالان
دوست دارند

میکا خوشمزه و دلچسب
میکا محصول جدید شو کومارس

لبخند پیروزی در هنگ کنگ

جاسوس رازیک به شیلی می‌رود!

روز ۱۳ نوامبر سال ۱۹۷۳،
استرالیا نقطه عطف فوتبال خود را
در هنگ کنگ جشن گرفت!

بی‌شک باید یادش خوبی برای شجاعت، جسارت، قدرت
و یشتکار توپچی‌های این سرزمین خاصه مربی یوگوسلاو
آنها ریل‌راژیک دانست.

اندکی مرور در تاریخ ورزش استرالیا بخوبی نشان
میدهد که سال‌های نزدیک گذشته ورزش‌های چون رگبی،

بدست آوردند همانطور که رازیک خود اعتراف کرده است
انگلیسی، اسکاتلندی، آلمانی، مجاری، یوگوسلاو و
مجموعاً اروپائی هستند و اکنون با رسیدن استرالیا به جمع
فینالیستهای جام جهانی باردیگر نظیر سال ۱۳۵۰ که تیم
آمریکا یک تیم غیربومی حاضر در جام به حساب می‌آمد،
مفسران برای استرالیا نیز موقعیت و عنوانی بهتر از این
قائل شده‌اند و پیشاپیش استرالیا درکنار هائیتی و ژائیر،
ضعیف‌ترین تیم‌های حاضر در جام دهم پیش‌بینی شده‌اند.

پاداش خوب

باین وجود رسیدن استرالیا رابه جام جهانی ۱۹۷۴،

یوگوسلاوها، مجارها و انگلیسی‌ها
پایه‌گذاران فوتبال در استرالیا
هستند!

درواز قرقه کشی مسابقات جام جهانی در فرانکفورت
و قتیکه نام استرالیا بعنوان تیم چهارم گروه اول در کنار
دو آلمان و شیلی قرار گرفت و حشمتی عجیب‌چهره سرآرتور
جورج و بریان لوفور رئیس و دبیر فدراسیون فوتبال استرالیا
سایه افکند؛ اما رازیک مربی یوگوسلاو و ۲۷ ساله استرالیائی
ها در این لحظه هم خوش‌بینی همیشگی و لبخند چهره‌اش را
تغییر نداد. در پاسخ نخستین خبرنگاری که نظر رازیک را
درباره موقعیت تیمش در گروه اول خواستار شد او با همان
خوشحالی‌اش گفت:

دیدار با قهرمان جام!

«چه افتخاری از این بالاتر و بهتر که ما با قهرمانان
آینده جام جهانی بازی کنیم و یابوسيله تیم قهرمان جهان
مغلوب شویم.»

بدین ترتیب ریل‌راژیک مربی تیم ملی استرالیا و اقیانوس
فکر خود را در مورد دیدار با آلمان غربی به‌بین سادگی
بیان کرد، ولی درباره آلمان شرقی و شیلی او نظر و عقیده
دیگری دارد:

«مالته من آرزو میکردم بعضی هائیتی در گروه چهارم
و یا ایتالیا، آرژانتین و لهستان هم‌گروه می‌شدیم. با اینحال
این ضرب‌المثل راهمه شما میدانید که در فوتبال توپ گرد
است، در مقابل شیلی باید بگویم ما شانس خوبی خواهیم
داشت چون در تیم من فقط اروپائیهایی بازی میکنند و نوع
بازی و استایل ما کاملاً استیل انگلیسی است، سخت‌اما
تمیز، ازحالا می‌گویم مادر جام جهانی آلمان چیزی برای باختن
نداریم، اما چیزی هبه کسی هدیه نخواهیم کرد و درباره
آلمان شرقی زیاد اطمینان به‌برتری این تیم مقابل ما یاحتی
شیلی نداشته باشید.»

و نکیه بر همین گفته است که رازیک از هم اکنون
«عملیات مونیخ» را هم برای تدارک تیش جهت دیدار با دو
آلمان و تیم ملی شیلی در هامبورگ و برلین آغاز کرده و
نخستین قدم او در این راه سفر جاسوس مآبانه‌اش به سانتیاگو
پایتخت شیلی است. درست بهمان‌گونه که در بازیهای
مقاماتی جام جهانی در منطقه آسیا و اقیانوسیه او در
مورد تیم‌های ایران و کره جنوبی انجام داد!

لبخند پیروزی در هنگ کنگ

بطور کلی برای فوتبال استرالیا باید گفت سرانجام پس از
هشت سال و ۲ بار ناکامی در مسابقات مقاماتی جام جهانی،
همه چیز در روز ۱۳ نوامبر سال ۱۹۷۳ در هنگ کنگ آغاز شد.
چون در این روز بالاخره‌های پیروزی در استادیوم دولتی
هنگ کنگ بروی «ساکروها» لبخند زد و استرالیا با پیروزی
۱-۰ در دیدار سوم مقابل کره جنوبی توانست برای اولین
بار شانس حضور در جمع فینالیست‌های جام جهانی فوتبال
را بدست آورد

روزی که این پیروزی با گل جادوئی جیبی مک‌کای
هانبک ۳۰ ساله استرالیا در دقیقه ۷۰ بدست آمد، بی‌تردید
فصلی تازه در دنیای توپ‌گرد سرزمین کانگوروها، گشوده
شد. در حالیکه یازده استرالیائی که روز ۱۳ نوامبر با
پیروزی ۱-۰ برگرد، جواز حضور خود را در جام جهانی



پیروزی ۱-۰ استرالیایدار خانه خود مقابل ایران، در حقیقت بل پیروزی این تیم برای رسیدن به جام جهانی ۷۴ مونیخ بود
عکس صحنه‌ایست از دیدار دو تیم در استرالیا که آشتیانی، خلیج‌خانی و دو بازیکن استرالیایی برای استفاده از توپ تلاش میکنند.

ترس از ناکامی مجدد

استرالیاییها بازم این دلهره و ترس راداشتند یکبار دیگر در یکدلی جام باناکامی روبرو شوند. اما رازیکمربی معجزهگر استراليا درست پیش با سابقه یکبار دیگر در لحظه خروج بازیکنانش از رختکن باهمان خنده همیشگی اش به آنوه خبرنگاران اطمینان داد که در این سومین دیدار استراليا بالاخره پروانه حضور در جمع فینالیست ها را بدست خواهد آورد.

ولی علیرغم این خوشبینی رازیک، ظواهر امر پیشاپیش این دیدار سرنوشت سازهه چیز را به نفع کرامی ها نشان می داد. بخصوص امتیاز تماشاگر که یک صدا به نفع کراهیا شمار میدادند و این بجهت همیستی نژادی میزبانان و تماشاگران هنگکنگی بازیکنان کرامی بود.

اما رازیک معتقد بود شاگردان او که توانستند از جهنم تهران و از جهنم ستول بهر شکل جان سالم بدر برند، اینجا نیز از نظر تماشاگر باشکلی روبرو نخواهند بود. چون در آن دیدار فقط یک هدف بیش روی استرالیاییهای حاضر در میدان قرار داشت و آنهم پیروزی و راهیابی به مونیخ بود. حتی بالاتر از رویای شیرین دستیابی به جوایز نقدی بیشمار که بجهت این پیروزی نصیبشان می شد.

آغاز دیدار سر نوشت

مسابقه با حادی و سرعت عجیبی آغاز شد. ولی کراهی ها که پیش بینی می شد تکیه بر پشتیبانی تماشاگران نظیر بازی ستول با قدرت تهاجمی غیرقابل مقاومتی برادری استراليا بیاورد، بشکل عجیبی بازی را با فرمی بدو کاملاً ضعیف آغاز کردند و همین امر موجب شد استراليا کمتر از ۱۰ دقیقه بر میدان حاکم شود.

اما نیز با فاصله خود را یافت و از دقیقه ۲۰ به بعد طوری این تیم عرصه را بر تیم استراليا تنگ کرد که در دقیقه ۳۲ طلائیتین شانس ممکن برای گل رابیدست آورد. ولی چابوم کتون ستر فروراد کراهیا بشکل عجیبی این شانس را بهر دست داد.

نیمه دوم قدرت و نفس بیشتر استرالیاییها لحظه به لحظه برتری محسوستری به این تیم می بخشید و پیش بینی می شد که اگر مسابقه به وقت اضافی کشیده شود، استراليا تکیه بر همین برتری قدرت جسمانی بالاخره کرد، را از پای درآورد.

ولی جیمی مککای هافبک ۳۰ ساله تیم که در کنار ریچاردز و جانی واردن برآستی در این روز کیفیت فوق العاده ارائه کرده بود در فاصله ۲۰ دقیقه به پایان وقت باشوتی ناپهنگام از فاصله ۳۵ متری زد به همه پیش بینی ها پایان داد. چون شلیک سهمگین او بقدری کاری بود که دروازیان کراهی قادر به هیچ عکس العملی نشد و با این گل تاریخ فوتبال استراليا به نقطه عطف خود رسید. چون همین گل منجر به پیروزی ۱-۰ استراليا و سرانجام راهیابی این تیم به مسابقات جام جهانی گردید.

پایه گذاران فوتبال

جدا از این مساله که اکنون در جمع ۲۲ بازیکن تیم ملی بیش از یکی دوتن استرالیایی الاصل وجود ندارند، باید اذعان داشت که بطور کلی پاگذار پیشرفتهای اخیر فوتبال استراليا، یوگوسلاوا، مجار ها و انگلیسیها بودند و فدراسیون فوتبال استراليا در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد.

اما با وجود اشاعه خوب و سریع فوتبال در این سرزمین و تأسیس فدراسیون فوتبال در سال ۱۹۰۷، فوتبال حرفه ای در حقیقت از اوایل سال ۱۹۱۲ در استراليا وولز جدید جنوبی جان گرفت. گرچه باتولد این فوتبال حرفه ای که از نخستین سالها همواره با مشکل کمی بودجه همراه بوده است، ۲ بار ناکامی استراليا در راهیابی به مرحله نهایی بازیهای، جام جهانی ضربهای مهلک برسر آن وارد آورد! بطوریکه باشگاههای فوتبال هر بار به سالهای بعد از ناکامی تیم ملی در مسابقات جام جهانی ضرر های هنگفتی را متحمل شدند؛ از خوشبختانه صبر و تحمل بالاخره ثمرات خود را به بار آورد و با همین فتح اخیر، بحوبی جبران ناکامیهای گذشته گردید.

البته دستنماهای ارتباط جمعی در پیشرفت فوتبال و اشاعه آن نقش بسزائی داشته اند و مثلاً یادآور می شویم که در سال ۱۹۷۲ کانال مفت تلویزیون ملیورن بیش از ۲۰۰ هزار تومان سرمایه گذاری کرد تا فینال جام حذفی باشگاه های انگلستان میان تیم های لیگور آرستال مستقیماً در تماشای استراليا بخش شود. طبق یک برآورد کوچک بیش از ۱ میلیون نفر استرالیایی از راه تلویزیون شاهد این فینال بودند.

۷ میلیون تماشاگر

وبازهم بنابر آمار اعلام شده، بیش از ۷ میلیون استرالیایی بطور زنده و از طریق تلویزیون دیدار سرنوشت ساز استراليا - کره جنوبی را که در هنگکنگ برگزار شد مشاهده کردند.

استراليا اسامال در مسابقات مقدماتی جام جهانی در گروه آسیا و اقیانوسیه گرچه موفق شد پس از عبور از سد پنج حریف و در مرحله منقولات و سرانجام جواز حضور در جمع ۱۶ فینالیست را بعنوان تیم قهرمان منطقه آسیا و اقیانوسیه بدست آورد، ولی باید گفت سرنوشت حقیقی این تیم در راه کسب این پیروزی بزرگ در همان روز تاریخی ۱۳ نوامبر در هنگکنگ تعیین شد. روزیکه استادیوم دولتی هنگکنگ بعنوان میادگاه سوم استراليا و کره میزبان مسابقه سرنوشت ۲ تیم بود.

استراليا بار دیگر نظیر ۲ جام جهانی گذشته (۱۹۶۶ لندن و ۱۹۷۰ مکزیکو) در یکدلی پیروزی قرار داشت، ولی ۲ نتیجه مساوی بدون گل ۲-۲ این تیم با حریفان کراهی، ابهامی بزرگ بر سرنوشت ۲ تیم انداخته بود.

شنا و دوومیدانی در این سرزمین بی چون و چرا رشته های محبوب مردم بودند و بعدهم تنیس که در همین حال حاضر وصف شهرت تنیس بازان استرالیایی در سراسر گیتی امری بیپوده است.

آغاز فعل و انفعالات ورزشی استراليا از سال های پس از جنگ جهانی دوم و مهاجرت انگلیسیها و ایرلندیها به این خطه برمیگردد. بخصوص طول سال های ۱۹۴۵-۱۹۴۰ که بیش از ۲ میلیون نفر خارجی به این سرزمین مهاجرت کردند. علت این هجوم واضح است. چون کار و شغل درآمد در این سرزمین بهناور از هر نقطه دیگر بیشتر است و دست نخورده و زمین های سرسبز این مناطق حاصلخیز نهفته است.

با توجه به مهاجرت همین خارجیان اکنون باید گفت اگر فوتبال در استراليا خلق شد و اشاعه یافت، این امر صرفاً بطف حضور همین اجنبی هائی بود که از یوگوسلاو و کره تا انگلیسی و از آلمانی تا لهستانی که جز فوتبال هیچ ورزش دیگری را نمی شناختند و شاید هم دوست نداشتند. و بدین ترتیب ارمغان بزرگ این مهاجرین برای مردمان یوم، استراليا توپ گرد بود.

بازیکنان اروپائی

دردناله ای اشاره باید بحث را به تیم «شگفتی آفرین» بازی های مقدماتی جام جهانی منطقه آسیا و اقیانوسیه کشاند. در حال حاضر در جمع ۲۲ نفری که رازیک بعنوان نامزدان تیم ملی استراليا برای حضور در جام جهانی انتخاب کرده اند بازیکنان ملیتی اروپائی دارند.

پیترویسون کاپیتن ۲۴ ساله تیم ملی که اصلاً انگلیسی است و در سن ۱۹ سالگی به استراليا مهاجرت کرده و تبعه این کشور شده است. او در حقیقت فوتبال را در زادگاهش انگلیس شروع کرده و تایش از آمدن به استراليا عضو تیم میدلسبورگ بوده است.

آدریان آلستون و ریچاردز ۲۴ ساله اصلی و دیگر کیم ملی استراليا نظیر کاپیتن تیم انگلیسی الاصل بوده و بعد از ۱۰ سالگی به این سرزمین آمده اند.

مانفرد شافر مدافع پرتوچره تیم که متاهل و صاحب ۲ بچه است منولد شهر گونیکرگ در آلمان شرقی است و سال ۱۹۵۴ به استراليا مهاجرت کرده عین همین وضعیت برای آتیلا بونی گوش راست سریع و چکنده تیم وجود دارد که مجاری الاصل است و در ۷ سالگی با پدر و مادرش به این سرزمین مهاجرت کرد. داگ اوتجسونک مدافع راست تیم نیز در ۱۱ سالگی از یوگوسلاوی آمده و جیمی مککای زننده گل پیروزی استراليا در هنگکنگ اسکاتلندی الاصل است و در ۱۴ سالگی مهاجرت کرده است.

نتایج استراليا

در جامهای گذشته

۱۹۶۶ لندن : پنومین : کره شمالی - استراليا ۱-۶
پنومین : کره شمالی - استراليا ۱-۲
۱۹۷۰ مکزیکو : استراليا : ستول : ژاپن ۱-۳
ستول : استراليا - کره جنوبی ۱-۲
ستول : استراليا - کره جنوبی ۱-۱
ستول : استراليا - ژاپن ۱-۱
لورنسون مارکز : استراليا - رودزیا ۱-۱
لورنسون مارکز : استراليا - رودزیا ۰-۰
لورنسون مارکز : استراليا - رودزیا ۱-۳
تل آویو : اسرائیل - استراليا ۱-۰
سیدنی : استراليا - اسرائیل ۱-۱

نتایج استراليا در راه جام جهانی مونخ

اوکلند : نیوزیلند - استراليا ۱-۱
سیدنی : استراليا - عراق ۱-۳
سیدنی : استراليا - اندونزی ۱-۲
سیدنی : استراليا - نیوزیلند ۳-۳
سیدنی : استراليا - اندونزی ۶-۰
ملبورن : استراليا - عراق ۰-۰
سیدنی : استراليا - ایران ۳-۰
تهران : ایران - استراليا ۲-۰
سیدنی : استراليا - کره جنوبی ۰-۰

ستول : کره جنوبی - استراليا ۲-۲
هنگکنگ : استراليا - کره جنوبی ۰-۱

رکورددیدارهای تیم ملی استراليا

بلغارستان (۲ دیدار) - ۱ مساوی، ۲ باخت
کامبوج (۱ دیدار) - مساوی
کانادا (۶ دیدار) - ۳ برد، ۱ مساوی، ۲ باخت
انگلستان (آتماتور - ۲ دیدار) - ۲ برد، ۱ باخت
یونان (۴ دیدار) - ۲ برد، ۱ مساوی، ۱ باخت
هنگکنگ (۱ دیدار) - ۱ باخت
هند (۷ دیدار) - ۳ برد، ۱ مساوی، ۳ باخت
اندونزی (۵ دیدار) - ۵ برد
ایران (۲ دیدار) - ۱ برد، ۱ باخت
عراق (۲ دیدار) - ۱ برد، ۱ مساوی
اسرائیل (۶ دیدار) - ۲ برد، ۲ مساوی، ۲ باخت
زاین (۶ دیدار) - ۳ برد، ۲ مساوی، ۱ باخت
مالزی (۴ دیدار) - ۴ برد
مکزیکو (۱ دیدار) - ۱ باخت
چین ملی (۱ دیدار) - ۱ برد
نیوزیلند (۲۵ دیدار) - ۱۶ برد، ۴ مساوی، ۵ باخت

کره شمالی (۲ دیدار) - ۲ باخت
رودزیا (۵ دیدار) - ۲ برد، ۳ مساوی
اسکاتلند (۲ دیدار) - ۳ باخت
سنگاپور (۲ دیدار) - ۲ برد
آفریقای جنوبی (۱۴ دیدار) - ۳ برد، ۱ مساوی، ۱۰ باخت
کره جنوبی (۸ دیدار) - ۴ برد، ۴ مساوی
ویتنام جنوبی (۲ دیدار) - ۲ برد
۱۱۵ دیدار ملی، ۵۸ برد، ۲۱ مساوی، ۳۶ باخت، ۲۶۴ گل زده، ۱۹۴ گل خورده.

بازیکنان تیم ملی استراليا

★ اعداد داخل براکت تعداد بازی های ملی هر بازیکن است.
ریچاردز (۴۶) - مانفرد شافر (۴۴) - جان وارن (۴۴) - آتیلا بونی (۳۷) - بلی وینیک (۳۲) - آدریان آلستون (۲۹) - پیترویسون (۲۷) - ریچاردز (۲۳) - جان واتکینس (۲۵) - جیم مککای (۲۳) - ماکس تولسون (۱۶) - برانکو بولجویک (۱۴) - جیم رونی (۱۳) - داگ اوتجسونک (۱۶) - ارنی کامپیل (۷) - جورج هاريس (۷) - کولکوران (۹) - جیم فراز (۸) - جان مک دونالد (۱) - آلن ماهر - جیمی میلی - سالولجیک - هاری ویلیامز.
ترکیب اصلی تیم : جیم فراز - مانفرد شافر، کولکوران، پیترویسون (کاپیتن)، داگ اوتجسونک، ریچاردز، جیمی مک کای، جانی وارن - آتیلا بونی، آدریان آلستون، ریچاردز، پیترویسون، ریچاردز، ریچاردز، جیمی مک کای.

تنسر نازک نازنجی!

آنگاه هربرگر دومثال می آورد:
- بازیکنانی مثل «اووه زبلر» در مسابقات جهانی مکزیک و یا «آلن بال» از تیم «اورتون» که این آمادگی را دارند که از خطمائی و میان زمین جلو بیایند، و خطمائه را نه تنها بازی دهند، بلکه بصورت یک مهاجم خطرناک عمل کنند. یک چنین بازیکنانی برای خط میانی لازم است. روش گوئتر تنسر در نیم گلابداخ، نمی تواند برای تیم ملی، یک راه حل قابل قبول باشد.

تنسر، امروز درباره این اظهار نظر مربی سابق تیم ملی می گوید:
- اگر کسی به من تهمت «آهسته بودن و یا کسی که موجب آهسته شدن بازی میشود» را بزند، سخت دلگیر میشوم و این راه حساب یک اظهار نظر خصمانه میگذارم. گذشته از این، من در مسابقات باشگاهی، بیشتر از ۱۰۰ گل زده ام و این نشان میدهد که منم جلو میروم و حمله میکنم.

این پاسخ تنسر، تنها برای جواب دادن به حرف های هربرگر نیست، بلکه روی سخن او بیشتر با «هنس - وایسوالر» مربی تیم مونشن گلابداخ است و پیران اختلاف سلیقه بین مربی و شاگرد هم از همین جا ناشی میشود.

برخلاف هربرگر، هنس وایسوالر، آن نوع از بازی فوتبال را دوست دارد که در استادیوهای مختلف باشگاه های انگلستان، پیاده میشود. این روش چیزی جز یک مبارزه بدون قیدو شرط از دقیقه اول تا دقیقه آخر، نیست، سرعت و باز هم سرعت در این نوع بازی یک نقش اساسی تعیین کننده دارد. با این همه این وایسوالر بود که فکر میکرد، درست در تنسر، مردی ریاخته است که خستگی ناپذیر است و میداند چگونه به خط حمله شلاخ بزند که به پیش بتازد و میتواند با پاسپاشی، خدایان حریف را بریزد. می تواند رنگ عوض کند، در عین حال که یک هافبک است، گوش چپ یا گوش راست هم هست و در عین حال خط دفاع را هم یاری میدهد. خلاصه یعنی اینکه تنسر یک نفره یک تیم است.

تنسر می گوید:
- ما با هم روی تمام این نقاط توافق داشتیم. ولی وقتی که تمام اختیار یک بازی بدست یک نفر است، باید این اجازه را هم داشته باشد، که بازیادوم کردن سرعت، فرصتی برای نفس کشیدن و استراحت برای دیگران بوجود آورد. و با متلا در مرحله که حریف وضع بهتری دارد و می رود عنوان بازی را در دست بگیرد، باید به گرداننده و اداره کننده بازی این اجازه را داد تا با یکم زیاد کردن سرعت، کوشش کند که تعادل دومرتبه برقرار گردد. من در اینجا با مربی گلابداخ اختلاف سلیقه داشتم. زیرا که عقیده دارم، نشود با همان سلاحی که حریف در دست دارد به جنگش رفت. بلکه باید با اسلحه صد آن کار کرد. یعنی وقتی حریف سریع است، باید آهسته بود و برعکس. من میخواهم که توپ را در خط نیم خود نگه دارم، تا باین وسیله اطمینان و آرامش ایجاد کنم. یکی دیگر از علت های مخالفت من با این روش این است که باید در زمین فوتبال قدرت بدنی و نیروی افراد را در نظر گرفت و آراطوری تقسیم کرد که تا آخر بازی یک نواخت و بدون تغییر باقی بماند. من مربی در همین نکته با هم توافق نداشتم، به همین علت، حتی پس از پایان مسابقه ای که در آن پیروز هم شده بودیم، باز جروبحث و انتقاد از یک دیگر ادامه داشت.

ملاقات فراموش نشدنی

ببینیم مربی تیم گلابداخ، وایسوالر در این باره چه میگوید:
- با آهسته کردن یک بازی فوتبال، عملا این خطر بوجود میآید که حریف روی زمین محکمتر سوار شود و شیرازه بازی از دست برود. من مخالف تغییر حرکت و سرعت در فوتبال نیستم ولی تیم ما در حال حاضر آمادگی

قبول تغییر ریتم را ندارد. چون بازیکنانی مثل هاینکر و ویمر و یا بونوف، نفراتی هستند که میخواهند تمام ۹۰ دقیقه را بدوند.

تنسر بلافاصله جواب میدهد.
- با این همه من میدانم که حق صد درصد به جانب من است و کسی نمی تواند این طرز فکر را تغییر دهد. ولی تنسر میدانم، حداقل یک نفر وجود دارد که دلایل او را قبول دارد و افکار او دفاع میکند و این کسی جز هربرگر مربی سابق تیم ملی نیست، منتها با شرط و شروط.

تنسر از ملاقات خود با این مرد و روش و طرز تفکر و افکار او خاطره هایی دارد که مخصوص بخودش است و میگوید:

- اوایل هربرگر را دوست نداشتم. او نمی توانست مرا تحت تاثیر خود قرار دهد. این که او خود را بعنوان «متر» و وسیله اندازه گیری هر فوتبالی و هر نوع بازی میشناسد، اوایل مرا رنج میداد بنظر من می آمد که او تا اندازه ای در کار فوتبال شناسی، غلو میکند. شاید این احساس در من باین علت بوجود آمده بود که من خودم فکر میکردم مردی نیستم که او مرا بعنوان بازیکن تیم ملی انتخاب کند.

بدون تردید این رابطه بین مربی سابق تیم ملی و گوئتر تنسر، علتی جز ناشایبی پایک دیگر نداشت. ولی علت دیگری هم وجود داشت و آن این که تا وقتی که هربرگر مربی تیم ملی بود، به بازیکنانی مانند تنسر توجه زیادی نداشت.

هربرگر مردان دیگری را می شناخت، مثل «فریتس والترز» و «ملموت رانه» که زمانی جام جهانی را برای آلمان بهارمغان آورده بودند بنظر مربی تیم ملی هیچکس نمی توانست بهتر از این دو باشد، حتی گوئتر تنسر. با این همه، هیچگاه راماین دونفر از هم جدا نبوده است و همیشه و کاهکام در مقابل هم قرار گرفتند. وقتی که آنها یکدیگر را شناختند، یکی خیلی پیرو یکی خیلی جوان بود. اما تنسر این آشنایی رایک ملاقات فراموش نشدنی و دوست داشتنی میداند.

آشنایی در شبی انجام گرفت که بعد از ظهر روز بعد، قرار بود مسابقه باشگاهی بین هراترلین و مونشن - گلابداخ، انجام شود. گلابداخ به هیچ شکل نمی توانست این مسابقه را بازیارد، چون هر امتیازی که از دست میداد، موجب میشد که این شانس خود را برای این که برای دومین بار قهرمان باشگاه های آلمان شود، از دست بدهد. گلابداخ در این مسابقه ۵-۰ پیروز شد و تنسر درباره آن روز میگوید:

- بهتر از این روز، هرگز هیچ کسی نمی تواند بازی کند. هر کسی این مسابقه را امتحان کرده بود، تحت تاثیر آن قرار گرفته بود، حتی زب هربرگر، مربی سابق تیم ملی.

تنسر میگوید:
- هربرگر از من خواست که در یک بار با او ملاقات کنم. این دعوت برای من کاملا غیر منتظره بود، اما فکر می کنم او هنوز میخواهد بازیکنان تیم ملی را به خوبی بشناسد و بداند زندگی خصوصی آنها چگونه است. من از او خواستم به «لارولاین» همان باری که متعلق به خودم است بیایم.

و زب هربرگر آمد. به همان بار که دختر ها و پسران جوان میروند و ویسکی می نوشند و راجع به همه چیز حرف می زنند و بحث میکنند، بحث فوتبال. تنسر، ماجرا را اینطور تعریف میکند:

- سوتی که او وارد شد، همه حاضرین برایش دست زدند و ابراز احساسات کردند. بنظم آمد که از این استقبال بسیار مشغول و خوشحال شد. ما با هم جلوی بار نشستیم. مقصدی بار برای مایک کوکیتل درست کرد. دوستان من، عده ای از جوانان را که هر یک کاغذی بدست گرفته و اعضاء میخواستند، رد کردند تا مارا تا باشیم و بعد نزدیک به نیم ساعت با هم گفتگو کردیم، من از این که دیدم او چگونه فوتبال و فوتبالیست هارا می شناسد و چگونه راجع به آنها

تفاوت میکند، حیرت کردم. من آهسته آهسته گفتگو را به آن سمت که مورد نظر خودم بود، سوق دادم. کوشش کردم نظریات خود را درباره تاکنیک فوتبال برایش تشریح کنم. از اختلاف نظر خود با وایسوالر، مربی گلابداخ، حرف زدم.

من احساس کردم که او بلافاصله منظور مرا درک کرد و بعد به من گفت: گوئتر من هم درست مثل شما فکر میکنم.

تنسر لحظه ای درنگ میکند و می گوید:
- نمیدانید چه احساسی به انسان دست میدهد. وقتی که یک استاد فوتبال، یک پرفسور فوتبال نظریات تاکنیکی آدم را قبول میکند، نزدیک است که آدم از خوشحالی بترسد!

فریادهای تشویق

تنسر افشحات زیادی بدوش می کشد: دوبار قهرمان آلمان و یکبار هم «مرد سال فوتبال». دو سال پیش در نیمه فصل، بعنوان بهترین فوتبالیست نیمه فصل، جام مخصوص را دریافت داشت.

با این همه، هنوز آنچه را که شایسته اوست، دریافت نداشته است: در حقیقت او یک هنریشه مشهور و پولساز است که با پاس های کوتاه و بلند تماشایی جمع میکند، نه چند نفر، بلکه هزاران نفر. و در عین حال اگر برای فوتبال هم مثل ورزش یکس یک رنگ در نظر گرفته میشد که فوتبالیست های «ناکدان» شده و یا «ناکاو» شده را در آن قرار میدادند، بدون تردید، تنسر اولین کسی بود که در این رنگ دست و پا شکستگان و مصدومین، قرار میگرفت. هزاران نفر در تریبون های استادیوم نشسته بودند، تا بازی مونشن گلابداخ و اشتونگارت را تماشا کنند. ناگهان، شادی حاضرین، به اوج رسید، همه به توتلی که به لباس کنی ختم میشد، خیره شدند. تنسر در حالی که دست هایش را تا آرنج در جیب لباس گرمکن آبی رنگ خود فرو کرده و سرش را بی تفاوت به بیا هو باین انداخته بود، از توتل خارج شد و کنار زمین آمد. او روی چمن خم شد، با دست زمین و چمن را لمس کرد و با اصطلاح زمین را آزمایش کرد و سرش را بعلامت نارضایتی تکان داد.

این آزمایش چند لحظه ای بیش طول نکشید و تنسر همانطور که آمده بود، رفت. ولی فریاد ها پایان نگرفت. عده ای فریاد می زدند «گوئتر، گوئتر» و عده ای دیگر «تنسر، تنسر». بنظر می رسید که تنسر این صدا ها را نمی شنود. او باین فریاد های تشویق، مثل نان روزانه، عادت کرده است.

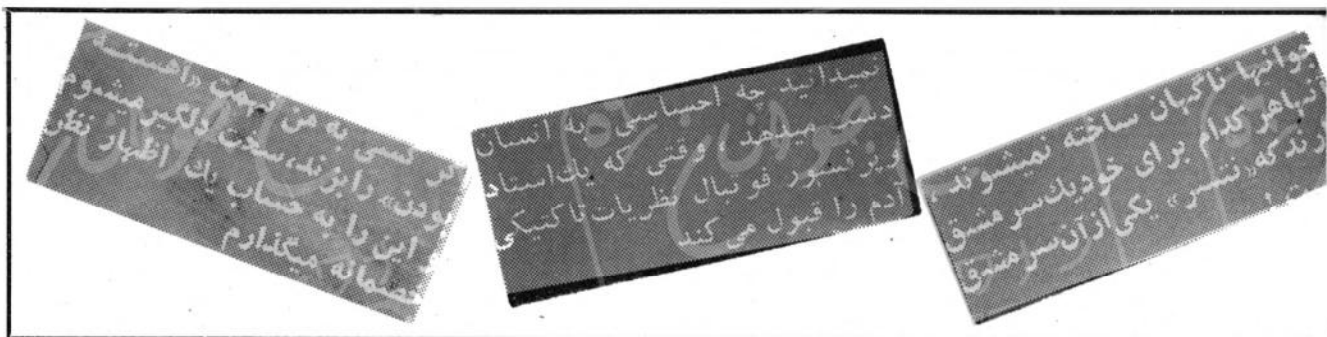
با این همه وقتی که کسی از نزدیک با او روبرو شود و اعضاء بخواهد، او آنقدر جنتلن هست که این تقاضا را اجابت کند. رستار تنسر همیشه موقتی بنظر می رسد، ولی او بارها و بارها این رفتار را تکرار کرده است که جز وجودش نشود.

جوان ها ناگهان ساخته نمی شوند، آنها، هر کدام برای خود یک سرمشق دارند که «گوئتر تنسر» یکی از آن سرمشق ها است که طرفداران زیادی هم دارد.

بین مرگ و زندگی

تنسر وقتی که فوتبال بازی میکند، تصنعی بازی نمی کند، او نقشی را که در بازی بهمه او گذاشته شده است، انجام میدهد، اما رست های او بر روی تماشاگران تاثیر میگذارد.

«تنسر» یک خصوصیت دیگر هم دارد که در نزد فوتبالیست ها کمتر یافت میشود: وقتی که در زمین آسیب می بیند، مثل خیلی از فوتبالیست ها خود را به مردن نمی زند و وانمود نمی کند که بین مرگ و زندگی قرار گرفته است.



تسیر، علیرغم شرایط نامتعادل جسمانی و اینکه پزشکان به آدمهایی چون او می‌گویند نازک نارنجی، در میدان ضمن تمام ضربه‌های سنگینی که تحمل می‌کند و سرنگون می‌شود، دوست ندارد تماشاگران حالت ترجم انگیزی نسبت به او داشته باشند.

بروز نمی‌دهد.
دکتر «آلفرد گرهاردز» پزشک اختصاصی باشگاه موشن کلاب‌های می‌گوید:
- تسیر نقش بازی نمی‌کند. او بشدت نازک‌نارنجی است و هنگام مایه‌ن، باندازه یک خواننده ایرا، فریاد می‌زند. مایزشکان بایگونه افراد می‌گوئیم، کسیکه قدرت تحمل درد را ندارد.
این پزشک دردنباله سخنانش راجعه به تسیر می‌گوید:
- گوئتر تسیر از لحاظ ساختمان بدنی، از آن دسته نیست که برای ورزشهای سخت و مبارزه‌ای، ساخته شده باشد. میتوان او را مردی خواند که از لحاظ ساختمان بدنی، ضعیف است، اگر او ورزش نمیکرد، بدنش از این هم شکنده‌تر و آسیب‌پذیرتر بود. بهرحال تسیر دارای این خصوصیت بدنی پر استحکام نیست که در فوتبال به آن احتیاج فراوان است. این ساختمان‌پاها و تناسب طول ران و طول ساق پایش است که او را در فوتبال سرپا نگاه میدارد!
ادامه دارد

در صورت گوئتر تسیر آثار رنج و درد فراوانی ظاهر شد و او را از استادیوم، بیرون بردند.
با این همه، او بعد از ۲۰ دقیقه، دوباره به میدان بازگشت و تماشاگران طرفدار، دوباره از اینکه میدیدند تسیر در میدان حاضر است و میتواند کار خود را انجام دهد، خوشحال بودند.
مثل این است که هیچ حادثه‌ای اتفاق نیافتاده، او باز بهترین نفر حاضر در میدان است، آیا او در این‌باره زیاده‌روی میکند؟
یکی از تماشاگران درحالی که حرکات تسیر را در میدان تماشا میکند، به نفر کناری خود می‌گوید:
- بدون تردید نقشه سینه‌اش را باندیچی کرده‌اند. این تماشاگر، درست حدس زده است. یکی از دنده‌های تسیر ضرب دیده است، ولی او ترجیح میدهد بازی کند و انجام وظیفه.
در آلمان هیچکس باور نمی‌کند که تسیر تظاهر به دردورنج نماید چون او هیچگاه این تظاهر را از خود

روی تسیر، بیشتر از هرکس دیگری، هنگام مسابقه، نول میشود، و در این هنگام تماشاگران را وحشت فرا می‌گیرد و از خود می‌پرسند، آیا بلند خواهد شد؟ ولی هنوز تماشاگران فرصت پیدا کردن جواب را نیافته‌اند که دوزانویش را به‌کمک می‌گیرد، دستش را روی آن می‌گذارد و بلند میشود. و باین ترتیب یک‌بار دیگر حریف را به مبارزه دعوت میکند.
او پس از اینکه از زمین بلند میشود، موهایش را مرتب میکند، با دست هایش نرمش میکند و خود را آماده بازی نشان میدهد.
ولی در این مسابقه، با تیم اشتوتگارت، تسیر با پای خود به میدان آمد، اما هنوز بازی تمام نشده بود که او را روی برانکار گذاشتند و از میدان خارج کردند. یکی از بازیکنان خط دفاعی تیم اشتوتگارت طوری روی او خطا کرد که او دیگر نتوانست از جای خود بلند شود. آن روز تسیر خیلی سخت زمین خورد، بطوری که همه صدای سقوط او را شنیدند

تفسیرهای کوتاه فوتبال

از تفسیرین بزرگ دنیا

بحث دیدار برگشت شبیلی - شوروی و امتناع روسها از بازی در خاک حریف به خاطر مسائل سیاسی و این که استادیوم سانتیاگو، اسارتگاه آزادخواهان شبیلی بوده و لاجرم در چنین آتشفشان غیر انسانی انجام یک بازی فوتبال که در حقیقت قبل از هر چیز باستانی نشانه‌ای از روح همبستگی و ورزشکاری داشته باشد امکان پذیر نیست، بحثی است قدیمی که سرانجام روز ۵ ژانویه در فرانکفورت وطن مراسم قرعه کشی جام جهانی مونپتیایان پذیرفت.

طبق دستور فیفا و بدنبال رای گیری، شوروی با ۵ رای موافق در برابر ۱۳ رای مخالف حذف شد و شبیلی خودبخود و بدون انجام دیدار برگشت و درحالی که در دیدار رفت صفر-صفر با حریف مساوی کرده بود بجام راه یافت.

میدانید که کمیسیون که از طرف فیفا مأمور بررسی شرایط سانتیاگو شده بود با اتکاء به ضمانت های مقامات دولتی و ورزشی شبیلی تشخیص داده بود که انجام این بازی در شبیلی میسر است و روسها بی جهت بهانه تراشی می کنند.

اما آنچه مسلم است اینکه از دیدار ورزش و سیاست جزء لاینفک یکدیگر شده اند و جایی که پای مسائل سیاسی در میان است بدون هیچ تردید مشکلات ورزشی نیز بوجود می آید و درحقیقت ورزش بازتابی است از

باین ترتیب اگر بخواهیم تابع «تئوری» شورویها باشیم، بایستی فاتحهای پرورزش خوانده و بقول معروف تابوت ورزش را بدست خود بسازیم.

شاید استانی راس یا بانکا باین فرضیه بود که علیرغم تمام عکس العمل های احتمالی که حذف شوروی بدنبال می آورد با قاطعیت رای به حذف آنها داد گویا که رای گیری برای خود و ... و تنها نتیجه نهایی (تعداد) مخالفان و موافق های حذف شوروی مشخص

چرا شوروی حذف شد؟

نوشته : ژاک آنتین

سیاست . مثال در این مورد بسیار است و احتیاج به توضیح واضح نیست اما حالت اخیر و امتناع شوروی از انجام بازی برگشت در شبیلی موجی از احساسات را در سراسر دنیا بوجود آورد و چنین است که می بینیم علاوه بر کشور های «برادر» یعنی بلوک شرق و کشور های کمونیستی، حتی دولت هایی که رژیم «بی طرفی» را پیشه کرده اند، از قبیل سوئیس، نیز با شوروی احساس همدردی نموده اند.

صحبت از سوئیس شد بدینست بدانید که این کشور در شرایطی مشابه و چندی قبل، از حضور دریونان و دیدار مقابل تیم ملی این کشور سرپای زد چرا که سوئیس بیایا نیز «آتشفشان» استادیوم آتن را مسموم کننده

تخصیص داده بودند و با این ژست عملار رژیم «سرنهک» های آتن را محکوم می کردند. البته نه نمی توانم با قاطعیت عکس العمل شوروی و یا سوئیس را که بعد از اطمینان سیاست رابارزش عین کرده اند و شاید بیش از حد به جنبه های انسانی مساله فکر کرده اند بشیبه دهند، تا بد کیم .

چرا که اگر بخواهیم این نتیجه گیری را کرده و «حالت شوروی» را تعمیم دهیم باین نتیجه می رسیم که نازمانی که حکومت فعلی در شبیلی بر سر کار است ورزش این

که نتیجه آن قطع رابطه میان فدراسیون و مطبوعات بود .

میدانید که مطبوعات یکی از ارکان اصلی حکومت میباشد، خواه این حکومت فاشیستی باشد یا دموکراسی، کمونیستی یا دیکتاتوری، بدینسان قطع رابطه مطبوعات و انتقاد های تند و تیزی که روزنامه ها، چاشنی و ملی پوش ها، و کنفدراسیون کردند، کار را به وخامت کشانید.

و حالا به آنهایی که هر روز از کانال مطبوعات با حوادث توپ گرد آشنا می-شوند نوعی احساس بدبینی دست داده اینها از خود می پرسند :

«سرنوشت تیم ملی چه خواهد بود؟ اگر قهرمانان، خاطرات افتخار آمیز گذشته را در مونپتی تکرار خواهند کرد یا خیر؟»

کار که بالا گرفت پوزیدنت جوها و لائز در صدد چاره و رفع مشکل برآمد، اولین تصمیم او انتخاب مردی چون آنتونیو دیاسو، به عنوان مدیر پارتان-سی.بی. دی-کنفدراسیون فوتبال برزیل بود. اما این، آلام را تسکین نخبشید، مطبوعات «ریو» یکصد طالب بازگشت «سلطان» بودند و او را تنها «ناجی» ملی پوش ها

سیاست و ورزش

نوشته : ژاک فران

روی دادهای اخیر دنیای توپ گرد و جنجال ها و کشمکش هایی که تیم ملی شوروی بخاطر امتناع از حضور در شبیلی بوجود آورد ابعاد وسیع و جهانی بخود گرفته است. بدنبال این جنجالها که نتیجتاً حذف تیم ملی شوروی را بدنبال داشت حالا میتوان این سؤال را از خود کرد که اگر بجای شوروی کشور دیگری، در مقابل چنین «نهیست» قرار می گرفت چگونه عمل میکرد و بطور کلی هر مفسر آگاه می تواند در ذهن خود این سؤال را مطرح نماید که اگر نمایندگان کشورش بجای روسها و در برابر این «مدار بسته قرار گرفته بودند چه نقشی ایفا کرده و چه عکس العملی از خود بروز میدادند؟

لا بد میتوان فرض کرد که پای مثلا دولت. حکومت، پارلمان، اتحادیه ها و سندیکا های مختلف میان می آمد و این «قشر های» اجتماع آگاهانه و باناخود آگاه در مقابل تعهدات و مسئولیت هایی واقع می شدند.

جهان سوم چه خواهد کرد

نوشته : ژاک تیبه

استرالیا و پاهائیتی، این نبرد های حیثیتی سرفصلی نوین خواهد بود و آغاز شاهراهی طاس ها ریخته شد، گروه ها تعیین شدند، جدید در دنیای توپ گرد. حریفان مشخص گردید و حالا دنیای توپ بسیار مفسرانی که برای نمایندگان جهان گرد در آتش انتظار می سوزد: کمتر از ۲۰ سوم، کمترین شانسی در بازی های مونپتی هفته دیگر، سربزین ژرمنها، قلب فوتبال قاتل نیستند و بخصوص از نقطه نظر اروپایی دنیا خواهد بود. هوشاید بخاطر عدم آشنایی کامل با سیرو در میان حاضرین دومین دوره جام جهانی، تحول فوتبال در خارج از محدوده قاره کشور های جهان سوم با اهمیت بیشتر و قدیم، آنها حرف چندی برای گفتن نخواهد فراوانتر از سایرین به جام چشم دوخته اند و داشت.

این حقیقتی است که برای «ژنیر» همچون لیکن برای دست اندر کارانی چون «دتمار»

نوشته : آلن فونتن

برزیل و شبح جام جهانی

را می پذیرفت که خدمت گرفتن چهره‌های جدید نه تنها دردی را دوا نخواهد کرد بلکه بر نفاق و دودستگی بیشتری نیز آتش خواهد زد و بدین سان جنگ سرد در «سی.بی.دی» ادامه دارد. عاقبت سرنوشت ملی پوش هامپهل استو و بسیاری دیگر که به این اصل معتقدند که «اگر قرار بود «تصفیه» ای در کادر کمیسیون تکنیکی صورت می‌گرفت بایستی «قاطع» و کامل بود و اگر قرار بود چهره های نوینی برای هدایت تیم ملی در جام جهانی به خدمت گرفته میشدحتما می‌بایست «قدیمی» ها را کاملا کنار گذاشت نه اینکه از قدرت و مسئولیت آنها کاست، چرا که واضح است کمتر «برزیلی» حاضر به اطاعت و کمتر فرماندهی حاضر به «زیردست» قرار گرفتن میباشد ... اشتباه «تکنیکی» رهبران کمیسیون تکنیکی روز های تاریکی را برای برزیل بدنبال خواهد آورد .

«کوال ریپو» (این مرد افسر نیروی هوایی ارتش برزیل است !) در مورد «ریپو» بداند که او یکی از رهبران بزرگ واسکودوگاماست، کارش را از فوتبال شروع کرده و زمانی دروازه‌بان تیم ملی کشورش بوده است . به اعتقاد من او میتواند کار ساز باشد بشرطی که «آتمسفر» و شرایط به او اجازه دهند ، درست مانند «کارلسو» . ولی آیا «آتمسفر» مساعد خواهد بود ؟ معلوم نیست ، چرا که خوب میدانیم که در برزیل «قدیمی‌ها» به سختی حاضر به قبول «کناره گیری» هستند . حضور مردان جدید در کنار رهبران قدیمی دو دستگی عجیبی را در فراسایون برزیل بوجود آورده و طبیعی است که در این شرایط « منحنی گرفتاریا» قوس صعودی می‌پیماید . آیا آتای «پاسو» بنظر من اشتباه کرده .. او بایستی این واقعیت

و بعید است که او در حالی که «همکارانش» روی چمن های سبز دولتی میکنند تنها به تفسیری کوتاه اکتفا کند . باین ترتیب به اعتقاد من «پله» بهیچ شکل به آلمان نخواهد رفت ، نه بعنوان بازیگر و نه مفسر ... در این میان فراسایون میکوشد راه حلی برای مشکلات بیابد . «تصفیه» گذار رهبری ، اولین قدم در این راه بود . «کوال ریپو» نقش «هدایت کننده و ناظر» تیم ملی را به عهده گرفته است و «کارلسو» مأمور آمادگی «فیزیکی» بازیکنان شده است . برزیلی ها می‌گویند این تغییر و تبدیلات چندان دردی را دوا نمی‌کند . اصل یافتن جانشین هایی برای «بزرگان» گذشته است و در غیر اینصورت «برنده برزیل» بلند پرواز نخواهد بود حتی اگر رهبری آن به عهده خلبانی باشد چون

در جام آینده می دانستند ، مطبوعات حق داشتند چرا که «سلطان» جندی قبل در دیدار بزرگداشت «گارنیشا» طول یک نیمه ، چنان چهره درخشانی از خود پهنایش گذارد که خاطرات سال‌های اوچ را یکبار دیگر در ذهن مفسران مطبوعات زنده کرد . فردای آرتور، روزنامه ها نوشتند : «برزیل بدون «پله» چون ترن بدون لکوموتیو است !»

روزهای تاریک برزیل

ولی میدانید که پاسخ «پله» علیرغم تمام پیشنهادات مالی «محیر العقول» که باو شده و صحبت از رقم هایی چون ۲-۴ میلیون تومان است منفی بود . او میگوید این من «تیم ملی» جز خاطراتی شیرین بیش نیست . ممکن است به عنوان یک مفسر در آلمان حاضر شوم ولی هرگز «سبز و طلایی» پوش ها را همراهی نخواهم کرد . می‌گویند پله برای این «سفر» حدود ۱۰ میلیون تومان دستمزد خواهد گرفت ولی این مسئله نیز محرز نیست چرا که آنها می‌بایست با خصوصیات روحی پله آشنایی دارند بخوبی میدانند که او مردی نیست که «کنار گود» بنشیند

اما آنچه که واقعا تحسین مرا برانگیخت «رست «دوستان» نمایندگان شوروی بود که باکمال ممانعت مقابل تصمیمات فیفا سر فرود آوردند. گویی این شوروی آن شوروی نبود که چند روز قبل مشت های گرا گرفته خود را بعنوان مخالف بازیهای شیلی بهوا بلند کرده بود و تکان میداد ! شوروی در فرانکفورت تهدید کرد و نه ارباب . نمایندگان این کشور حتی «برادران» خود را از اینکه بازی های جام را تحریم نکرده بودند تحسین کردند، چرا که آنها خوب می‌دانستند این بابکوت جز زبان نتیجه‌ای نمی‌توانست داشته باشد .

یعنی بازیهای جام جهانی ، بایستی اعتراف کرد و ولایت همگان نیز باین هم عقیده‌اند که این بزرگترین رویداد ورزشی در عالم توپ گرد می‌باشد و شک نیست که با از بین رفتن و تخطئه کردن این بازیها ، قلب میلیونها تماشاگر و پینده از تمام نژاد ها ، تمام طبقات ، تمام ایدئولوژی ها و تمام مذاهب شکسته خواهد شد ... چرا که همانطوری که در یکی از مقالاتم نوشتم جام جهانی می‌تواند بزرگترین فرصت برای کشورهای و بخصوص ملل جهان سوم است که راه روشنائی را بیابند و این سرفصلی است برای پیروزی ها و پیشرفت های بعدی آنها .

کم اینست که آیا زمانی که «ورزش» با «مانعی» برخورد می‌کند و رویاروی مشکلی و تهدیدی قرار میگردد ، بایستی خود بخود «اعتنا» پذیر» باشد ؟ بیارت دیگر آیا در حالت فعلی یعنی جام جهانی ، این «تورنمنت» براعتیاد هر قدم و بمجرد مواجه شدن با کوچکترین مشکل بایستی «قربانی» دهد و یا اینکه واقعا ورزش «نگاهداری» و «حمایت» را دارد ؟

بزرگترین رویداد ورزشی

بایستی پذیرفت که از دیرباز «ورزش» ، مهم شماره یک حادثه بوده است ! ظهور «پرفیسونالیزم» نشان داد که همه چیز برای بهره‌برداری مادی و معنوی از این «مهم» آماده شده است . و حالا زمانی رسیده که شما اگر بخواهید به نفع «ورزش» بنویسید و یا مثلا از ارزش و اعتبار جام جهانی و پایازی های المپیک سخن برانید ، خود بخود احساس می‌کنید که در ردیف «منهان» قرار گرفته‌اید ! و نتیجتا سؤال بر سر اینست که آیا امروزه بنام چه «برنسیب» هایی بطور شرافتمندانه میتوان از ورزش دفاع کرد ؟ و اینکه واقعا ارزش آنرا دارد که حتی در راه دفاع از ورزش قربانی هایی نیز داد ؟

اعصابی» که میان دو گروه برای می‌آفادیپروزی هایی نصیب کدام گروه می‌گردد ؟ برای ما ظاهرا دلخوشی می‌یواند این باشد که فلا این گرفتاری نصیب ما نشده است ولی بهرحال پیشگیری و مطالعه در این باره لازم است . می‌خشید اگر بی‌بروا اظهار عقیده می‌کنم ولی من جز موافقان ادغام سیاست در ورزش هستم. چرا ؟ بخاطر اینکه امروز هیچکس از «سیاست» یعنی «زندگی مردم» جدا نیست. ما نمی‌توانیم هرگز «ورزش» را بعنوان «تافت‌های جدا یافته» معرفی کنیم . ورزش از میان طبقات برمی‌خیزد و لاجرم نمیتواند در تار و پود زندگی سینه فرا گیرد . ورزش متعلق به انسانها است و از آنها جدا نیست همانطوری که سیاست نیز چنین سرنوشتی را دارد .

ورزشکاران قبل از هر چیز انسانهایی هستند که چون بقیه صاحبان روحیه و خلق و خوی انسانی هستند و مطمئنا هیچ چیز حل نمی‌شود، اگر قرار باشد به آنها تلقین کنیم که تنها و فقط به «ورزش» فکر کنند . اگر اینطور شود ورزشکار چون «جماد» خواهد شد و فرقی با «منز های الکترونیکی» که از اینطرف به آن «خوراک» تغذیه میکنند از آنسو راندها خود را ارائه می‌دهند نخواهد داشت . اما آنچه که در اینجا من میخواهم سؤال

بنظر من ، شوروی اگر علیرغم حذف شدن، در فرانکفورت ملاحت کرد بخاطر این بود که می‌ترسید مبادا برای همیشه «زنجیر های همبستگی ورزشی» این کشور از هم گسیخته شود. ولی راستی چرا «ورزش» و ورزشکاران رهبر کادراترط مخالفان «گویده» می‌شوند قادر به عرض اندام ، نیستند و چرا چنین وانمود میکنند که واقعا «مهم» هستند ؟ این سؤال ایست که منتهاست ذهن مرا بخود مشغول داشته . آیا فکر نمی‌کنید که حالا زمانی رسیده باشد که نقش واقعی «ورزش» در جامعه تبیین شود ؟ و آیا امکان نمی‌کنید که حالا وقت آن باشد که «معماریا» واقعی ارزش و سنجش ورزش مشخص شود ؟

پس اگر جام جهانی نابود شود ، فوتبال تا اتمام و ریشه هایش فنا خواهد شد . آیا باتمام این مباحث می‌توان «جام» را تخطئه کرد . مسلما خیر ! و آیا آنهایی که درصدد «تحریم» و تخطئه این بازیها هستند و قادری درک حقایق نیستند ، می‌توانند بطور کلی وجود آنرا منقذ کنند ؟

آنگاه که بنظر میرسد ، عده‌ای از «مفسدین قلبی» آرزو مند این بودند که بعنوان «همردی» با شوروی ، نمایندگان بلوک شرق (لهستان ، آلمان شرقی و آلمان یوگسلاوی) بازی های جام جهانی موخ را تحریم و بابکوت کنند که اگر چنین میشد هم ضربه‌ای مهلک بر پیکر جام و ارد می‌آموه هم بر یکشان فوتبال جهان و کشور های «تحریم کننده».

کرامه» مردی که بعنوان نماینده و یاهترتگویم سیر «محسن» فیفا «هزاره گیتی راند» نور دیده و بخصوص با فوتبال آسیا آشنایی کامل دارد مسئله بدین راحتی نیست و چنین است که می‌بینیم مربی صاحب نام آلمانی در جایی می‌گوید : «از کشور های جهان سوم بهره‌برید، آنها می‌توانند در هر لحظه شکستی های بزرگی خلق کنند.» و کارشناس فراسایون بین المللی فوتبال که حقیقتا نقش ارزنده در شوکان شدن ، «نچه های فوتبال» در سرزمین های دوردست آسیا و استرالیا داشته اضافه میکند: بنظر و اعتقاد من ، استرالیا بمراتب قویتر از اسرائیل سال های ۷۰ است . اسرائیلی که بنوبخود موفق بتوقف بزرگانی چون سوئد و ایتالیا در جام مکزیکو گردید . «زئیر» به مراتب قویتر از مراکش است ، مراکش که در برابر آلمان غربی چهره‌ای فوق انتظار

باشگاه سنت جرج (یو دایست) قبول کردند که بازیهای دسته اول باشگاهی دریغاب ملی پوشها و منتخبین جام همچنان دنبال شود . البته باشگاه هایی که بیش از ۲ بازیکن ملی پوش داشته باشند می‌توانند دیدار های خود را به تعویق بیندازند . استرالیا ، همچون هائیتی و یائیزر ، میداند که به احتمال فراوان شانس چندانی برای موفقیت نخواهد داشت ، ولی علیرغم تمام این تفصیلات ، اروپایی ها بایستی از «جام سوم» بترسند .

بایستی پیروزی نهائی را از آن «آزوری» ها بدانیم ، ولی آنچه که خارج از مسئله «کمی و کیفی» فوتبال ایتالیا توجه مرا بخود جلب کرده و حس تحسین را برانگیخته ، احترامی است که آنها برای تمام حرفان خود قائلند، خواه این حرف سیاه آفریقایی باشد یا دورگه های هائیتی و یائیزر که در یکی از تفسیر های قبلی بر اینان نوشتم که روزهای طلایی استرالیایی ها ، از زمان راه یافتن «گولگروها» بجام مونخ آغاز شده، روز پس از قرعه کشی یکی از رهبران استرالیایی می‌گفت: « برای ما مهمترین مسئله ، حضور در بازیها بود، وگرنه چه فرقی می‌کند که در چه گروهی باشیم ؟» حالا استرالیا خود را آماده جام جهانی می‌کند . باشگاه های سیدنی با اکثریت قریب به اتفاق آراء (منهای یک رای منفی و آتم

به «زئیر» توجه کنید ! من برای فوتبال ایتالیا احترام فراوان قائم واگر بخواهیم متصفانه قضاوت کنیم



انجمن ، برای دوره جدید این
کلاس هانامنویسی میکند :

خیاطی-آشپزی

-آرایش و زیبایی-

ماشین نویسی فارسی

گل آرائی-کاراته

در پایان دوره، دو نفر از

هنرجویان کلاسهای خیاطی

و آرایش با همکاری آژانس

مسافرتی مهاجری به اروپا

اعزام میشوند

برای نامنویسی بدیرخانه انجمن
دوشیزگان و بانوان (خیابان بهار شمالی
- بالاتر از نامجو-تلفن ۸۲۴۸۳۱ و
۸۲۳۷۳۷) مراجعه فرمائید.

نخون کاراته و کشتی آزاد
با کمترین بودجه توسط مربیان مجرب
باشگاه آریا
تعلیم داده میشود
تلفن ۷۸۰۲۲۰



انجمن دوشیزگان و بانوان کام تازه‌ای بر میدارد

کلاس‌های زبان انگلیسی

باهمکاری خانم الهه انشاعوبرجسته‌ترین دبیران زبان

ابتدائی، متوسطه و لویر کمبریج

در این کلاسها مقدمات زبان انگلیسی، دوره‌های متوسطه و عالی تدریس میگردد و
با بهترین روش و زیر نظر برجسته‌ترین مربی زبان ترتیب شرکت داوطلبان در امتحانات
دریافت دیپلم «لویر کمبریج» داده میشود.

برای نامنویسی بدیرخانه انجمن دوشیزگان و بانوان (خیابان بهار شمالی - بالاتر
از نامجو - تلفن ۸۲۴۸۳۱ و ۸۲۳۷۳۷) مراجعه فرمائید.

عروسی
تشریفات بی نظیر استقبال
فلمبرداری رنگی
سالن‌های مجلل
دیسکоте استریوفونیک
وهنگی مجانی
۱۴۹۰ ریال
تلفن ۶۶۳۶۳۵

کاروان اسکی انجمن

هر جمعه به آبدلی و شمشک میرود

برای رزروجا بدیرخانه انجمن دوشیزگان و بانوان «خیابان
بهار شمالی تلفن ۸۲۳۷۳۷ و ۸۲۴۸۳۱» مراجعه فرمائید.



قیمت بر گرفته کشتی اعزامی به تفلیس



پیکان جوانان ۵۶

پایکان. جیوانان

www.javanan56.com

www.javanan56.com

www.javanan56.com

در پایان فصل بعد، ۴ یار بدیوار خواهند



بعقیده راجرز مربی پرسپولیس، کاشانی، پروین و آشتیانی ۳ آس تیم در فصل گذشته بودند.

بر موجودیت فوتبال باشگاهی ایران

برای مهاجمین خودی يك مدافع همیشه موفق بود. در برابر بازیکنان خارجی، نظیر نامداری چون پیترا اسکود و جف هورست نیز او درخشش داشت. پشتسر کاشانی، آشتیانی با آن بازی نفوذی عالی که دارد بهترین چهره فوتبال ایران در فصل گذشته برای کسب مقام دوم می باشد. البته بگویم فاصله کیفی آیندو واقعا کم و ناچیز است. بدنیال این دو باید از مهره دیگری که فصل گذشته در پرسپولیس تولدی شیرین و پر شکوه داشت صحبت کنم. او مسیحیا مدافع جوان تیم ما است که در آغاز فصل پس از فتح جام جوانان آسیا به پرسپولیس آمد. البته باید اعتراف کرد رفتن عزت وطن خواه به کلاس دتمار کرام و مسیحیا در تیم بود. و خوشبختانه او صد درصد از شناسی که به این قریب به او روی کرده بود استفاده کرد. در مورد خصوصیات تکنیکی این بازیکن باید بگویم که بازی هوایی و دفع توش روی زمین عالی است و در جاگیر نیز استادی خاصی پیدا کرده. اگر در تمامی بازیهای فصل دقت کرده باشید، دیده اید که او با همه جوانی هرگز در میان ۲ آس برزنتیم یعنی کاشانی و آشتیانی هرگز کوچکترین ضعیفی از خود نشان نداد.

بنظر من او کاپیتان آینده تیم پرسپولیس و تیم ملی ایران است. البته بشرطی که به همین شکل در بالا بردن سطح کیفی فوتبالش بکوشد.

● **نقاط ضعف پرسپولیس طول این فصل چه بود؟**
- هرگز ما ضعیفی در تیم خود نداشته ایم. همانطور که گفتیم بزرگترین مشکل همیشه ما انتخاب بازیکنان برای فرستادن به میدان بود. البته طول این فصل مصدومین ما کم نبودند، صفر ایرانپاک، بهزادی، مروت مصدوم شدند، تشرمی، خورددین و مدقی هم کلانی در خدمت مقدس سربازی بودند ولی خوشبختانه جانشینان اینها در تیم نیز بخوبی انجام وظیفه کردند.

بهترین چهره های فصل

● از دید خود شما، بهترین چهره های پرسپولیس طول فصل گذشته چه کسانی بودند؟
- کاشانی، آشتیانی و پروین. البته صفر در همان مدت کمی هم که قبل از مصدومیت و بعد از مصدومیت در خدمت تیم بود يك ستاره بود. در مورد بهزادی هم که قبلا گفتیم، او در دیدار رفت با تاج بهترین بازی سال را ارائه کرد. البته در همان بازی او مصدوم شد و تا مدت ها از تمرینات بدور ماند.
● اگر این شناس را بشما بدهند که برای تقویت تیم خود هر بازیکن دلخواه را از هر تیمی بخواهند بگیرند چه کسانی را فرا خواهند خواند؟
- پست به پست بازیکنان من از بازیکنان هر تیم دیگری بهتر هستند. به همین دلیل صریحا میگویم دم ایران هیچ بازیکنی نیست که ما آرزوی خدمت گرفتن او را داشته باشیم.
● پس چرا در تیم پرسپولیس بازیکنان کمتر مکان ثابتی در تیم دارند. خاصه در خط میانی و در خط حمله؟
- همانطور که گفتیم من در این فصل ۱۷ بازیکن فعال داشتم و همگی در هر روز آماده حضور در تیم بودند. ولی قرار گرفتن یکی در نیم و بیرون ماندن دیگری صد در صد بستگی به کمترین تفاوت های بین کیفیت کار و آمادگی آنها داشته و دارد.

مهره های شناخته شده

البته تیمهای بزرگی چون پرسپولیس و تاج همیشه مهره های اصلی آن شناخته شده و معلوم هستند و مسلما برای دیدار های بزرگ نه من و نه مربی تاج یادیده تیمهای بزرگ این ریسک را نخواهد کرد که مهره کاره

خوش شناسیها و بد شناسیها

● **طول فصلی که گذشت تیم شما با خوش شناسیها و بد شناسیهای بسیاری روبرو شد. بعنوان مربی تیم آیامی توانید از این بدو خوب شناسیها نتان صحبت کنید؟**
- مسلما بزرگترین خوش شناسی پرسپولیس طول فصل در دیدار دوم تاج بود. چون در راه کسب نتیجه مساوی ما خوش شناسیهای بسیار آوردیم. اما در دیگر دیدار هائی که پاره ای به خوش شناسی پرسپولیس معتقدند، اینجا باید بگویم اینطور نیست. مثلا در دیدار با بانک ملی که در دقایق آخر بازی مهاجم حریف يك گل صد درصد را نزد. این قول که ما با خوش شناسی از گل مساوی فرار کردیم، ولی توجه کنید قبل از آن حادثه ما باید گل های دیگری نیز میداشتیم که شمر نرسیدن آنها را هم باید بحساب بد شناسی پرسپولیس گذاشت.

از شناسیهای تیم نیز باید زیاد صحبت کرد. مثلا در همین بازی برگشت بانورد در اهواز که ما حداقل باید ۳ گل میزدیم. حتی در آخرین لحظات کلانی در جلوی دروازه خالی توپ را به بیرون زد. یابازی اول با صنعت نفت که در آخرین دقیقه گل مساوی را از دست دادیم. در حالیکه پیش از آن خورددین ۲ گل صد درصد رانزده بود.

سخت ترین بازی پرسپولیس طول فصل را باید کدام دیدار دانست؟

- مسابقه اول با عقاب، آن دیدار واقعا نبرد سختی بود، بخصوص که ما نیمه دوم راده نرفته پشت سر گذارديم. در جمع دیدارهای خارجی نیز مسابقه با تیم برزیلی ساوپولو سخت ترین نبرد ما طول فصل گذشته بود اگر پیاد داشته باشید در همین دیدار بود که مهاجم خوب و امید ما صفر ایرانپاک از ناحیه استخوان گونه سخت آسیب دید و مدت ها بیرون از میدان بود.

تاج، سخت ترین حریف

● صحبت از سخت ترین بازی کردید. ولی سخت ترین حریف پرسپولیس در این فصل چه تیمی بود. مثلا اگر پرسپولیس در راه فتح جام نا کام میماند بنظر شما چه تیمی نزدیکترین مدعی بعدی بود؟
- بی چون و چرا تاج را باید سخت ترین حریف پرسپولیس قلمداد کرد. چهره این تیم را در بازی دوم با پرسپولیس بیاد بیاورید، براستی يك فوتبال تحسین انگیز ارائه کردند. در رده بعد از پرسپولیس، تاج شایسته ترین تیم برای فتح عنوان بود.

● **نقطه ضعف و نقطه مثبت بازیکنان پرسپولیس طول فصل گذشته را بازگو کنید.**

- من هرگز از بازیکنان در جمع و جانی عمومی انتقاد نمیکم. بنا بر این از این موضوع صرف نظر کنید. ولی در عوض از بیان نقاط مثبت آنها بسیار خوشحالم. البته قبلا بگویم از لیست ۲۴ نفری بازیکنان پرسپولیس در این فصل من عملا ۱۷ نفر را در خدمت داشتم و خوشحالم بگویم که این ۱۷ نفر همگی و در همه حال آماده خدمت در تیم بودند و به تدریج بزرگترین مشکل همیشه من انتخاب ۱۱ نفر از جمع آنها برای فرستادن به میدان بود. با این وجود از کار استثنائی بعضی از بچه ها باید در اینجا جدا گانه صحبت کنم.

کاشانی چهره برتر سال

در صدر همه آنها جعفر کاشانی که در تمامی بازیهای پرسپولیس با چهره های خوب حاضر بود گذشته از پرسپولیس او در تمامی بازیهای تیم ملی پایتیمهای منتخب نیز پاره همیشه حاضر در میدان بود و باید گفت که او براستی بهترین چهره فوتبال ایران در این فصل بود. چون تنها در

فصل دوم بازیهای جام تخت جمشید، آخرین فصل فوتبال چهار یار بزرگ پرسپولیس، همایون بهزادی، مهراب شاهریز، هادی طاروسی و عزت وطن خواه خواهد بود. به همین دلیل پرسپولیس از هم اکنون در تلاش به خدمت گرفتن مهره هائی امیدو مستند برای برگردن جای خالی این بزرگان چود در پایان فصل بعد است.

آلن راجرز مربی انگلیسی پرسپولیس در ادامه گفتگوی هفته پیش خود ضمن اعلام این خبر، در این مورد گفت:
سردید نیست که برای حفظ عنوان قهرمانی پرسپولیس در فصل بعد مازاهی سخت تر و دشوار تر خواهیم داشت و در این راه پیش از گذشته باید به نیروی جوانان خود تکیه کنیم. به همین دلیل چهارتن از یاران قدیمی و کنونی پرسپولیس یعنی بهزادی، مهراب، عزت وطن خواه و طاروسی کسانی هستند که باید توجه داشته باشند، فصل بعد آخرین فصلی است که میتوانند همچنان انتظار بتن داشتن پیراهن تیم قهرمان ایران را داشته باشند. چون جوانگرایی تیم در شرایط کنونی دیگر امری اجتناب ناپذیر و ضروری است.

البته در مورد هر ۴ نفر باید عنوان کنم که همگی هنوز از بهترین یاران پرسپولیس هستند. بهزادی در دیدار رفت پرسپولیس با تاج ضمن شمر نرساندن ۳ گل بهترین بازی فصل را در یک بازی ارائه کرد، طاروسی بهترین نفر تیم در تمرینات از نظر نظم و قریب در کار است و عزت وطن خواه و مهراب ۲ عنصری بزرگ از موفقترین خط دفاعی فصل. با اینحال تمویجیکم آنها خودنیز باین همه عقیده باشند که پایان فصل بعد، پایان راه فوتبال آنها بعنوان بازیکن خواهد بود و در آن زمان این چهار نفر باید کفشها را بدیوار بیاویزند.

بازی خدا حافظی

البته اینجا این نکته را هم اضافه میکنم که هر ۴ نفر با وجود خدا حافظی از میدان فوتبال هم چنان با تیم پرسپولیس باقی خواهند ماند. بهزادی و عزت وطن خواه که کمک مربیان تیم خواهند بود و مهراب و طاروسی نیز بطور حتم در زمینه ای دیگر تیم را یاری خواهند داد. اما امر مسلم در مورد هر ۴ نفر اینست که با موافقت روسای باشگاه، پرسپولیس ۴ دیدار به نفع این ۴ نفر، بر گزار خواهد کرد که در آن زمان بازیهای یاداتی یکی از آنها برای سالها خدمت در تیم خواهد بود. این کاری متداول و پسندیده در همه جای دنیاست.

● **به جام تخت جمشید باز کردیم در فصلی که گذشت بهترین بازی تیم شما و بهترین نتیجه ای را که در طول ۲۲ مسابقه بدست آوردید مربوط به کدام دیدار است؟**

- مسافتمان بهترین بازی ما طول فصل، دیدار اول با تاج بود که ۳-۱ برنده شدیم. تصور میکنم این بهترین نتیجه مانیز باشد. حتی به این نکته نیز اشاره میکنم دیدار اول ما با تاج مسابقه ای بود که طول سالها شاید نظیرش را دیگر نبینیم! چون در دیدار ۴-۲یم فردرمل پرسپولیس و تاج ما هر چه کردیم با موفقیت توأم بود در حالیکه تاج با هر چه کردند با نا کامی مواجه شد. به همین دلیل ما اگر کمی بیشتر دقت عمل میداشتیم شاید که نتیجه آن دیدار به ۱۰-۰ هم میرسید!

● **بهر حال ما خورددین هرگز موفق به تکرار چنین نتیجه ای را برابر تاج نخواهیم شد.**

در کنار این سوال بهرود از بهترین مسابقه تیم ما با حریفان خارجی نیز می رسیدید. چون دیدار پرسپولیس- جلیسی نیز یکی از درخشانترین بازیهای تیم قهرمان ایران طول فصل گذشته بود.
در این دیدار و فتا و اول جلسی خیلی خوب بازی کرد شاید متوانست ۴-۰ هم پیش بیافتد، ولی در وقت دوم خاصه طول ۴۰ دقیقه پرسپولیس فوتبال فوق العاده ای ارائه کرد و دیدید که آن گل استثنائی سلیمانی بطور یثربوتی



۶

مسیح‌نیا مدافع جوان تیم ما است که در آغاز فصل
پس از فتح جام جوانان آسیا به پرسپولیس آمد. البته باید
اعتراف کرد زمین عزت وطن خواه به کلاس و مهارت کرام و
غیبت او در تیم کمک فوق‌العاده‌ای برای آغاز موفقیت‌بار
مسیح‌نیا در تیم بود



پرسپولیس کفش‌ها را آویخت

مری تیم قهرمان ایران ، مسیح مسیح‌نیا
مدافع جوان خود را کاپیتان سالهای آینده
پرسپولیس و تیم ملی ایران میداند

و بزرگ خود را با یک یار جوان و تازه‌وارد عوض کند.
برای مثال هر وقت تاج دیداری سنگین دارد مزدی
مظلومی و عادلخانی نفرت حتم خط حمله تیم هستند،
آیا اینطور نیست ؟

اما در پرسپولیس شما همیشه بازیکنی را بیشتر
در میدان خواهید دید که بیشتر سرحال و قویتر از
رقبای بستی‌اش باشد .

★ در مورد یاران تازه پرسپولیس چه می‌گویند .
چون صحبت از این است که ۲-۳ تن به جمع مهره‌های
تیم قهرمان ایران بعنوان نفرت تازه خواهند پیوست .

● همانطوری که در آغاز این مطلب گفتم ، در پایان
فصل بعد ۴ مهره بزرگ تیم بازبسته خواهند شد ،
بنابراین ما از همین امروز باید بفرماندهان کردن مهره
هائی دیگر در تیم باشیم . اما امر مسلم اینست که هدف
ما در این راه بازیکنان جوان و امید خواهند بود نظیر
مسیح‌نیا ، حاجی رحیمی‌پور یا دستجردی که دیدیداول
یک فصل گذشته چگونه همای تجربه و قدرت بزرگان‌تیم
تدریجا خودی نشان دادند . در این فصل نیز هدف ما
چنین کسانی هستند .

بازیکنان خارجی

● صحبت از بازیکنان خارجی برای پرسپولیس
هست ، این موضوع تاجه حد صحت دارد ؟

– بخدمت گرفتن بازیکنان خارجی برای تیم هائی
نظیر پرسپولیس و تاج یک گام برای کسب موفقیت‌های
بیشتر است . ولی باوجودیکه مادر تیم پرسپولیس بدفعات
به این موضوع فکر کرده‌ایم ، مسلماً تا روزی که استادیوم
اختصاصی ما آماده بهره‌برداری نشود . به این فکر جامه
عمل نخواهیم پوشاند .

● بسیاری معتقدند که شما برخلاف دیگر تیم‌ها
در بی تربیت بازیکنان جوان برای تیم خود نیستید و
همیشه یاران دیگر تیم‌ها را بعنوان نفر تازه به خدمت
می‌گیرید ، علت این کار چیست ؟

– اتفاقاً سؤال خوبی کردید . چون بدفعات در
داخل استادیوم تماشاگران و طرفداران پرسپولیس نیز
همین سؤال را از من کرده‌اند . اینجا در این مورد
می‌گویم من چگونه بازیکنان جوان را بدون مسابقه میتوانم
تربیت کنم . چون قدم اول برای پیشرفت مسابقه است
و خودشاهد هستید که جوانان ما اینجا در تمام طول سال
بجز یکماه مسابقات جوانان هیچگونه فعالیت مسابقه‌ای
دیگر ندارند و ۱۱ ماه تمام بیکار و بدون مسابقه هستند،
بنابراین قبول کنید که باشگاهی مثل پرسپولیس نمیتواند
بخاطر هیچ و بوج ۱۱ ماه گروهی بازیکن جوان را هر
روز بشدت در تمرین نگهدارد .

بنظر من باید در مسابقات لیگ هر تیم را مجبور
به داشتن یک تیم جوانان نیز بکنند و همای مسابقات
باشگاه‌ها ، تیم‌های جوانان نیز بهمین شیوه هر هفته
مسابقه داشته باشند . در آنصورت ولی در مورد دیگر تیم‌ها باید
تهیه پشتوانه خودی با تقویت و تشکیل یک تیم جوانان
در هر باشگاه داشت .

عقاب تیم بعد از پرسپولیس

★ اگر مری پرسپولیس نبودید ، دوست داشتید
که مری چه تیمی می‌بودید ؟

– تیم عقاب ، بنظر من این تیم از نظر بازیکن یک
تیم ثروتمند و بزرگ است .

★ بجز پرسپولیس با کدام یک از دیگر تیم‌های
حاضر در لیگ ایران قادر به فتح جام قهرمانی هستید ؟
– تاج ، عقاب و پاس ، این هر ۳ تیم از هر نظر
قدرت فتح جام را دارند ولی در مورد دیگر تیم‌ها باید
بگویم که هر یک به نسبت ، احتیاج به بازیکنان خوب‌برای
تقویت قدرت تیمی خود دارند .

ادامه دارد

کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه... کوتاه...

خانمه پذیرفت «دان ریوی» مربی لیدز اظهار داشت: فکر نمی‌کردم حریف تا این حد سمج باشد. و حداقل اختلاف برای پیروزی لیدز را سه گل پیش‌بینی کرده بودم. لیدز تا ۴ دقیقه بخاتمه وقت ۱-۰ مغلوب بیرمنگام بود!

ده سال حضور در بازی‌های باشگاهی بدست آورد.
● بعد از مسابقه لیدز-بیرمنگام (مسابقات ۱-۱ خانمه پذیرفت «دان ریوی»
● بعد از مسابقه لیدز-بیرمنگام (مسابقات باشگاههای انگلستان) که با نتیجه ۱-۱

★ «جی جی ریوا» گوش چپ ملی‌پوش تیم کالیاری ایتالیا در دیدار تیمش برابر جیوونتوس در کادر مسابقات جام‌قهرمانی باشگاههای ایتالیا با بنتر رساندن یک گل سبب پیروزی ۲-۱ کالیاری گردید. این سیزدهمین گلی بود که «ریوا» طول

★ جان کرایف تویچی نامدار هلندی و عضو تیم باشگاه بارسلون اسپانیا بدینال رای‌گیری که از دوستاناران فوتبال در انگلستان بوسیله مجله «شوت» بعمل آمد، بعنوان بهترین چهره فوتبال اروپا در سال ۱۹۷۳ معرفی شد.

این اولین باری است که یک مجله انگلیسی یک بازیکن هلندی را بعنوان مرد سال فوتبال انتخاب میکند.

● از روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۲ (۲۹ شهریور ۱۳۵۰) که دیدار ایتالیا و یوگسلاوی برگزار گردید تاکنون طول تمام بازی‌های برگزاری «دینوزوف» دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایتالیا حتی یک گل نخورده است! در دقیقه ۷۳ آن دیدار «ویو کویتیک» بازیکن یوگسلاوی رویضربه پنالتی دروازه ایتالیا را گشود و از آن پس تاکنون ایتالیا ده مسابقه با تیمهای سوئیس (۲ بار)، ترکیه (۲ بار)، لوکزامبورگ (۲ بار)، برزیل، انگلستان، سوئد برگزار کرده که طی آن گلی از دست نداده، باین ترتیب دروازه «دینوزوف» ۹۱۷ دقیقه گشوده نشده است (۱۷ دقیقه بازی با قیامنده ایتالیا - یوگسلاوی بعد از گل دقیقه ۷۳ یوگسلاوی و ده مسابقه ۹۰ دقیقه‌ای)

★ «هلموت شون» مربی معروف تیم ملی فوتبال آلمان غربی با دشواری خاصی روبرو شده که دو راه پیش پایش وجود دارد و برای انتخاب یکی از آن دو برآستی احتیاج به یک تصمیم بزرگ دارد! مسئله بر سر انتخاب گونتر نترس و وولفگانگ اورات برای پست هافبک میانی تیم است، ایندو که در یک مکان بازی می‌کنند هر دو آماده و قابل استفاده می‌باشند

اورات سال‌ها یک مهره بزرگ در تیم ملی بوده و با غروب موفق او نترس جایش را پر کرده و حالا با بازگشت بر فروغ این بازیکن «هلموت شون» دچار دردسر شده است!

- البته هرگاه اورات در خط میانی بازی کرده تیم آلمان غربی نتیجه بهتری از جهت کیفیت کار داشته و باتوجه اینکه «نترس» حالا دور از فوتبال آلمان در باشگاه رئال مادرید اسپانیا عضویت دارد. گفته می‌شود شانس بیشتری متوجه اورات باشد، البته این یک پیش‌بینی است و تصمیم مربی تیم ملی سرنوشت را روشن می‌کند.
● چندی پیش «آمانسیو» چهره سرشناس تیم رئال مادرید و «کاپون» از تیم اتلتیکو مادرید بخاطر مشاجره و زدوخورد در میدان از حضور در ۲ بازی محروم شدند.

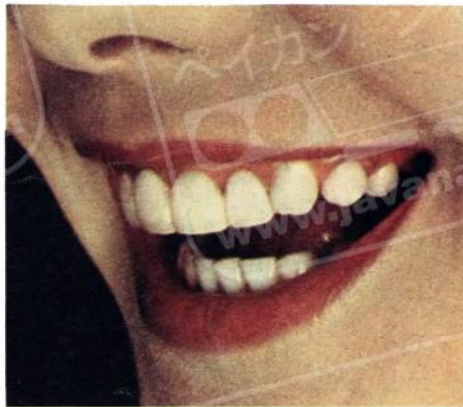
اما جالب اینکه این محرومیت بدنبال گزارش داور مسابقه صورت نگرفت زیرا دو بازیکن مزبور دور از صحنه بازی و چشم داور با یکدیگر نزاع کردند و ماجرا با عکسی که یکی از روزنامه‌های اسپانیا از آمانسیو و کاپون در حال «دعوا» چاپ کرد، روشن شد و فدراسیون فوتبال اسپانیا با استناد به عکس مزبور دو بازیکن را از شرکت در دو مسابقه محروم کرد!

★ کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال ایتالیا «فرنو زوکو» مربی تیم آ.ث. میلان و کمک مربی تیم «آرنه و سولوستری» را نیم میلیون لیر ایتالیا (۶۰۰۰۰ ریال) جریمه کرد.

دلیل این جریمه اعتراض ایشان به نحوه قضاوت داور طول یکی از دیدارهای آ.ث. میلان بوده است.

● «رینوس میشلز» مربی تیم «بارسلون» اسپانیا بعنوان مربی تازه تیم ملی هلند انتخاب گردید. «میشلز» که از بازیکنان سابق تیم آژاکس می‌باشد، مدتی نیز کارمربیگری آژاکس را بعهده داشت و در فصل ۷۱-۱۹۷۰ نیز این تیم را صاحب عنوان قهرمانی مسابقات باشگاههای اروپا کرد.

«میشلز» سپس مربی تیم بارسلون اسپانیا شد که یک فصل بعد این تیم بمقام قهرمانی اسپانیا رسید.



داشتن دندان‌های سالم نعمت بزرگی است

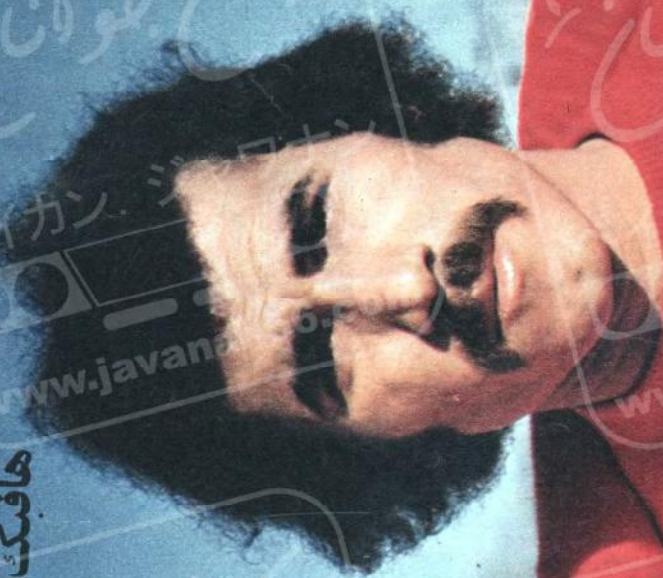
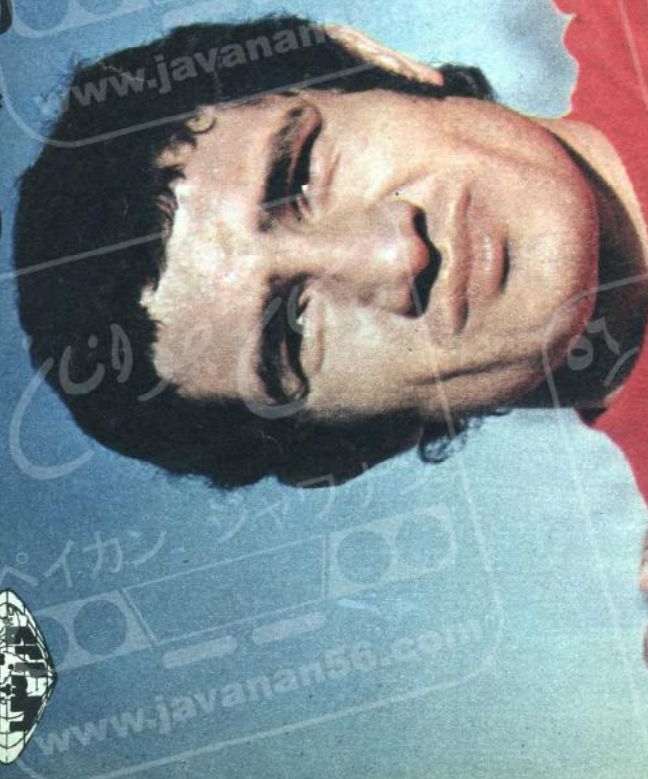


باخمیر دندان **پاوه**
از دندان‌های خود مواظبت کنید

خمیر دندان **پاوه** با SFP
برای مبارزه با فساد دندان



عبدالواحد بن مه وسياوش حيدري
هافبک و مهاجم ذوب آهن



رضاعاد لځاني

تاج

۱- ابن بزرگترین خاطره ورزشی من در آلمان است. هنگامیکه در تیم اوبرهاوزن (فرمزو سفید) بازی میکردم. تیم ما احتیاج به یک نتیجه مساوی داشت تا به مرحله نهایی مسابقات منطقه‌ای «یونیس-ایکا» برسد. آخرین دیدار ما بود که به‌زود «بایرلورکوزن» رفته بودیم و در نیمه اول شکست سختی (۳-۰) روبرو شدیم. لیکن از آنجا که به‌قول آلمانی‌ها فوتبال ۹۰ دقیقه‌ای فرصت بسیاری برای جبران گلهای از دست رفته دارد، در نیمه دوم با دو ضربه دقیق من نتیجه ۲ شد و باز از آنجا که آلمانها ضرب المثلی دارند که چیزهای خوب سه مرتبه تکرار میشود، درست در ثانیه‌های آخر روی یک پاس بلند از جناح راست، از فاصله ۱۸ قدمی بطرز دشواری گل سوم را زدم. داور پس از شوت من دوتا سوت زد. یکی برای قبول گل سوم من و دیگری برای پایان بازی.

اوبرهاوزن با این مساوی وارد مرحله نهایی مسابقات منطقه‌ای شد.

۲- اول کارگرجم، بخاطر قدرت بدنی و بازی با دوی که گول زدنش مشکل می‌باشد. مدافعی که در هر مکان قادر به انجام وظیفه است.

دوم بورجیدری، که بسیار تیزهوش است و دارای تجربه‌ای فوق‌العاده.

سوم گازرانی، بخاطر باهای بلند و ضربه‌های دقیق سرش و نیز دربارگیری فشرده که ایده‌آل است. و اگر سرعش کمی بیشتر باشد میتوان جای خوبی در تیم ملی داشته باشد.

۳- ناصر حجازی - بخاطر دید خوب، چشم خوب تجربه بیشتر و خونسردی که بر اعصابش تسلط دارد.

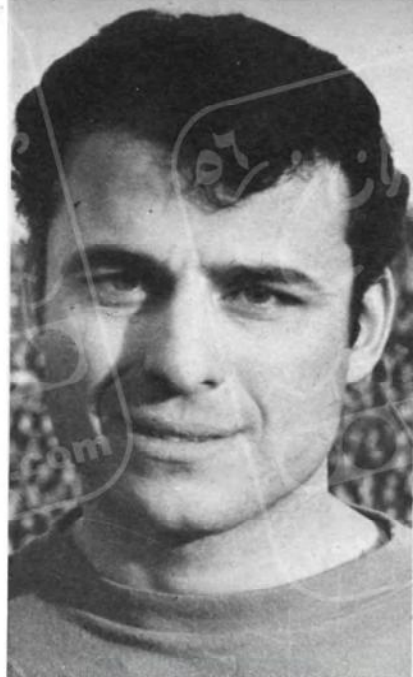
۴- چندتن را در ردیف هم میدانم: الف- مسعود مژدهی را به علت شجاعت، دوندگی بی‌امان، بازی با دویا چشم خوب و آزدن بسیار خریف.

ب- دروشن، که بهترین گوش راست جوانان آسیا بود و درپیل‌های بموقع و فرارهای سریع دارد و میل به همکاری دلپذیر در او زیاد است و روشن را جزو امضی‌ترین مهاجمان ایران قرار میدهم.

ج- مظلومی - نبوغ کلانی مظلومی را مشکل میتوان تشریح کرد. زیرا در هر آن قادر به تعویض نتیجه میباشد بشرطی که دوست هم‌باشگاهی من دارای قدرت و شرایط ایده‌آل باشد.

د- صادقی - با چنگدگی و دوندگی بی‌امان، جز مقتدر ترین بازیکنان ایرانی است. ضربه‌های سریع او توام با انعکاس خوب و از فاصله دور بسیار حائز اهمیت است.

ه- اشتیای گل زدن، دارای هیچ فرمولی نمیباشد. مهاجمی موفق است که در بازی بدون توپ دارای شامه نیز و ضربه‌های دقیق باشد و در فوتبال کنونی جهان، کمتر بازیکنی وجود دارد که هم‌سازنده و هم به پایان رساننده باشد و از نظر من «کرویف» در حال حاضر بهتر از دیگران جلوه میکند.



همایون بهزادی پرسپولیس

۱- از آن موقعیکه از خط دفاع با خط حمله آدمم، گل‌های متعددی زده‌ام که بعضی از لحاظ حساسیت و بعضی از لحاظ زیبایی برایم جالب و فراموش نشدنی هستند. مانند: گل اول ایران با هندوستان، در مسابقات برگشت، مقابل المپیک توکیو (درگلکته) موقعیکه تیم ایران یک گل خورده بود و هندوها شدیداً حمله‌ور بودند و در این هنگام بود که پاس زیبای شیرزادگان را پاس درون دروازه کوبیدم و از آن پس تیم ایران با قدرتی مضاعف جنگید و بی‌روز به همین بازگشتم، که این‌گلی بود حساس.

اما گل زیبایی که در تهران با پاکستان زدم برایم فراموش نشدنی است. گل چهارم ایران در آن بازی بود و من روی پاس کامیز جمالی، با پای چپ و با شلیکی سنگین، توپ را از پشت محوطه جریمه به دروازه پاکستان وارد کردم.

۲- در این مدت نسبتاً طولانی که فوتبال بازی کرده‌ام، تا بحال در مقابل هیچ مدافعی اظهار عجز ننموده‌ام و لاقلاً روی کدیرم بوده‌ام و اراده کرده‌ام صاحب همه توپ‌های هوایی بوده‌ام ولی در هر صورت باید از «جسترنوف» مدافعی که در مقابل او بازی کرده‌ام یاد کنم که از لحاظ سلامت، نرمی، بازی، جایگیری خوب و اداره تیم بی‌نقص بود و عبور از او مشکل و نظیر او باید از یکن‌باوشر و بای-موریاد کرد.

از مدافعان گذشته ایران، ایرج عرفان، امیر عراقی، محراب شاهرخ و نادر افشار، و از کنونی‌ها، کاشانی، آشتیانی، مسیحیا، رضا وطنخواه و کارگرجم را مدافعان خوب میشناسم که از میان ایشان کاشانی در فصل گذشته بدون شک بهترین بوده است.

۳- بهتر است از دروازه‌بانهای حال حاضر بگویم. به ترتیب از ناصر حجازی، بهرام مودت، هادی طاووسی و فرامرز صیاحی.

حسن ایمن، انعطاف‌پذیری، جایگیری خوب، شیرجه و خروج بموقع و مقاومت دروازه‌بان است. این چند دروازه‌بان که بیش دارای این خصوصیات‌اند.

۴- متأسفانه منی «فوروارد» خوب، در مملکت ما اغلب با تعداد گل خلاصه میشود و هرکس صاحب توپ بود و بدیگران بی‌توجه، همه‌چشمه دنبال او می‌گردد. در حالیکه یک فوروارد خوب کسی است که تابع خواست مربی باشد و بدون توپ و یا تغییر جای دفاع را در هم بریزد و در پیروزی تیمش سهم باشد و در پیروزی شخصی. بدون شک در گذشته از برومند، دهادری و شیرزادگان و در حال حاضر باید از کلانی، ایرانیانک، حاج‌رحیمی‌پور و عادل‌لخانی نام برد.

۵- اصل اول قراردادن خود در موقعیت گل است. اصل دوم جایگیری خوب، اصل سوم در اختیار تیم بودن، و دیگر در سازندگی و گل‌زدن شریک بودن است. و من شخصا سعی کرده‌ام همیشه این اصول را قبول داشته باشم و هرکس را که بهتر از من در موقعیت گل قرار دارد صاحب توپ سازم.

دو بهرمانان لحظات ملخ و سیرین فراوان داوند، لحظاتی که اگر تماشاگران آنها فراموش نمیکند. در خاطر تهرمانان چون سنگ نشسته‌ای باقی میماند. در صفحه تازه صحنه‌ها و خاطره‌ها هر هفته سراغ بهرمانان میرویم و کوشش داریم که از این سؤال و جواب‌ها اگر حاشیه‌ها زنده میشوند، برای خواننده‌ها و عین‌دبان‌ها بخیرهای باشد و آموختنی بکنکی بطوری غیرمستقیم، امیدواریم که این کار «نو» برای خوانندگان ما حلال باشد. این هفته ۵ سؤال داریم از ۵ مهاجم

صحنه‌ها و خاطره‌ها

۵ سؤال از
۵ مهاجم

۱- بهترین و زیباترین گلی که زده‌ای کدام است؟

۲- کدامیک از مدافعان را مقابل خودت مشکلت‌تر از همه دیده‌ای؟

۳- به گمان تو، به کدام دروازه‌بان مشکل میتوان گل زد؟

۴- کدامیک از فورواردهای ایرانی را می‌پسندی؟

۵- چه فرمولی برای گل زدن می‌شناسی؟





اصغر شرفی

پاس

۱- بازیکنی که درخط حمله می‌ایستد، ناگزیر نتیجه کاربک تیم بای او خلاصه میشود بایان میگردد. و من نیز که دراین جبهه قرار دارم، به اجبار صاحب گلهایی بوده‌ام که خاطره انگیزترین آن مربوط به گلی است که در دیدار تیمهای ارتش ایران و سوریه «در مسابقات نهایی قهرمانی ارتش های جهان درآین زمدم» قبل از این گل، دروازه بان سوریه باعث چنان بدان من گوید که دکتر تیم منی خواست مانع ادامه بازی من شود، باین وجود دوباره وارد میدان شدم، چندلحظه ای گذشت که پانتوپ تاروی خط کرنر رفته و از لب خط کرنر و از زاویه ای بسیار تنگ، با تمام قدرت بدروازه گویدم و بی تعادل بر زمین افتادم. وقتی از جا بلند شدم، توپ را درون دروازه دیدم. آن بازی ۲-۱ بسود ما تمام شد.

۲- عقیده‌ام اینست که در فوتبال ایران، فرق میان بهترین و بدترین بازیکن، خیلی کم است و هر فوروارد خوبی، جلوه‌های مدافعی، کمی سستی کند کارش زار است. رویهمرفته من همیشه حریفانم را جدی گرفته‌ام ولی در مقابل بورجیدری، عبور از او برام مشکل بوده است. دلیلش اینست که خیلی باهوش و با فکر بازی میکند و بی آنکه از فوتبال دور شود، جنگنده و محکم مقابل هر مهاجمی می‌ایستد.

۳- من مودت را می‌پسندم، زیرا که او درست آن لحظه که باید، مقابل آدم سبز میشود و چاره‌ی برای تصمیم نهایی باقی نمی‌گذارد.

۴- بارها در هنگامی که میرفتم تا تصمیم برای شوت کردن بگیرم، توپ را از پیش پایم دور کرده است. او جسارت فوق العاده‌ای دارد و اقتصادی فکر نمیکند و کاملاً در خدمت تیم خود قرار میگیرد. خوب فکر میکند و بموقع از خروجی توپ با شهادت سود میدهد.

۵- در طول سالها بازی خود، از بین آنها که می‌شناسم، رویهم رفته شیرزادگان، طالبی، اسماعیل و عادلخانی را باید از زمره بازیکنان خوب خط حمله بشمار آورم و از میان این چهارتن باید عادلخانی را یک فوتبالیست کاملاً حرفه‌ای بحساب بیآوریم که کار هایش با دیگران فرق بسیار دارد. دریا، زنی‌ماهر و صاحب شلیک هایی سنگین و دقیق است.

۶- گل زدن تاحدی ذاتی است. يك مهاجم موفق و گلزن معمولاً موقع سنجی باید داشته باشد و بتواند خود را در موقعیت گل قرار دهد و این کمتر به آموزش و مربی بستگی دارد. مهاجمین گلزن از این استعداد زیاده‌تر از دیگران برخوردارند.

۷- یکی دیگر از رموز مهاجمین گلزن، ترس و از خود گزشتگی است. خیلی کم دیده‌ام که مهاجمی، راحت و بی درنگ بتواند دروازه‌ای را تسخیر کند.

۸- علاوه بر اینها باید همیشه درون محوطه جرمه حضور پیدا کند و بهیچانی دیگر نزدیک شکار نباشد. آمادگی بدن شرط دیگری است که متواند از همه خصوصیات بالا به نحو مطلوب استفاده ببرد.



حاج رحیمی پور

پرسپولیسی

۱- ساز دیدار های جام تخت جمشید بود که با راه آهن روبرو شدیم. روی توپ بلند رضا وطنخواه، در هفت متری دروازه. با پای راست روی توپ زدم و پس از مهار آن با شلیکی سنگین و با پای چپ و با اولین گل فصل دروازه راه آهن را شکستم.

۲- یک گل هم در وقت اضافی بازیهای جام دوستی به بانک ملی زدم که از پشت محوطه جرمه بود و فوق العاده حساس، که با آن گل، پرسپولیس به پیروزی رسید.

۳- برای من مطرح نیست که کدام مدافع در مقابل قرار دارد، چون زیاد با خط دفاع درگیر نمیشوم و بیشتر همی پسندم که با فرار های آتی این دیوار را بشکشم. اما بطور کلی در بین مدافعان چپ بهتر از همه عزت جان ملکی را میدانم که خیلی سختکوش، سمج و ترسناک است. من، او را بهتر از همه در این مکان میدانم.

۴- وقتی که ناصر حجازی درون دروازه باشد، برای من و دیگر فورواردها یک نوع دلهره و نگرانی وجود دارد که چگونه باید از بازی بیرون بیرون رفت و وجود او در هر دروازه‌ای، مسلماً، خیلی از کیفیت کار یک مهاجم را کم میکند.

۵- بهرام مودت نیز از جمله دروازه‌بانهای خوب و همطراز با حجازی است و این دو با قد بلند، پرش‌های خوب و سرعت عمل کافی مشکلتترین دروازه‌بان هایی می‌باشند که میتوان توپ را از آنها عبور داد.

۶- من شک دارم که بگویم چه کسی بهترین فوروارد ایرانی است. اما در میان همه، بهزادی، ایرانپاک، مظلومی و مذهبی را از سایرین بهتر میدانم. بهزادی اگر در آمادگی دلخواه باشد، مهاجمی پرمغز و کارساز است. ایرانپاک کلاس بالایی دارد. مظلومی ماموریت فتح دروازه را بهتر از دیگران انجام می‌دهد و مذهبی، با آن قد و بالای کوچک، اغلب کار های بزرگ و غیر منظره‌ای خود بروز می‌دهد، بخصوص ضربه های سر او که با پرش های بلند توام است.

۷- فرمول من واضح و معلوم است. فراز از نزدیکی های خط میانی زمین، میل به سست دروازه تا آنجا که بتوانم گاهی (که در گذشته بیشتر بود) نقش سازندگی داشته ولی سعی دارم تا آنجا که مقدور است از این پس با هر فراری که مرا به نزدیک دروازه برساند شلیکی هم بنمایم که در این مواقع، بخت گشودن دروازه، یا برای من، یا برای دیگران بهتر فراهم میشود.

پرویز میرزا حسن

پاس

۱- در درجه نخست، وظیفه هر مهاجمی گل زدن است و من هم بحکم حضور در خط حمله، گلهای زیادی به ثمر رسانیده‌ام ولیکن از میان گلهایی که زده‌ام خودم فکر میکنم زیاده‌ترین آنها گلی بود که همراه باتیم خرمشهر، مقابل تیم عراق زدم.

۲- سه دقیقه به پایان بازی بود که از فاصله ۴۵ متری، با پای چپ توپی را وارد دروازه تیم عراق کردم، که ضمن زیبایی و قشنگی آن، گلی بود حساس و نتیجه بازی را که تا آن موقع ۲-۲ بود سه بر دو بسود تیم ما ساخت.

۳- هر کدام از مدافعانی که مقابل آنها بازی کرده‌ام، خود بازیکنان سرشناسی بوده‌اند و اگر از حسن حیثیتی و خلوصی که نمی‌دانم اگر مقابل آنها قرار میگرفتم، چه میکردم. بگذریم، مقابل قلیچ خانی که بازی میکنم، مرا تحت تاثیر کار هایش قرار می‌دهد. او واقعا صاحب تکنیک خوبی است و گاهی شاهکار میکند و همه را به تحسین وامیدارد.

۴- من همیشه او را ستایش میکنم و فکر میکنم تاکنون هیچ مدافع یا هافبکی از او بهتر در مقابل من بازی نکرده است.

۵- در مقابل دروازه‌بانان زیادی بازی کرده‌ام. از دروازه‌بانان خارجی که بگذریم، تا قبل از ناصر حجازی جسورترین و با قدرت ترین دروازه‌بان ایرانی را عزیز اصلی میشناسم ولی پس از او، ناصر حجازی با آن قد بلند و کشیده‌اش جای خالی او را پر کرد.

۶- او دارای تمام خصوصیات یک دروازه‌بان خوب است، ماهر در خنثی کردن شلیک های ناگهانی، واکنش سریع در ضربه های انحرافی و مسلط در بازی هوایی. پس از او باید از قفل‌ساز نام ببرم که وقتی او دروازه‌بان تیم پاس باشد، همه بازیکنان آسوده‌مویی نگرانی بازی میکنند.

۷- حمید شیرزادگان، جلال طالبی و اکبر افتخاری، این هرسه بازیکن از فوتبال جدی بدورند، اما شیرزادگان، زیرک در زدن گل های ظریف بود، طالبی خالق صحنه های بدیع و گل‌ساز و افتخاری صاحب تکنیکی بسیار خوب و شونهایی محکم و دقیق بود. خلاصه آنکه هر سه از فوت و فن فوتبال خیلی چیز ها می‌دانستند و در زمان خود به تیم ملی خیلی کمک کردند.

۸- گل زدن بستگی دارد به حضور ذهن یک بازیکن و جا گرفتن در محیطی خالی، اطراف محیط ۱۸ قدم و شلیک شوت های ناگهانی از این ناحیه. این فرمولی است که تا بحال مرا صاحب گل های زیادی کرده است و همیشه از این ناحیه دروازه مقابل را تهدید کرده‌ام.



۸۰ سال تجربه در صنایع الکترونیک.



در یکد مخفی تیونر

تلویزیون بلاپونکت
هم مثل تمام تلویزیونهای
موجود در سبزه و سفید بخوبی میتواند
برنامه های رنگی پررنگ را در هر کجای
دنیا بطرفه سیاه و سفید روشن نشان
دهد.

تلویزیون جدید بلاپونکت در
سه مدل فوق العاده زیبایی رویش
خودر و صلب چهار دره تلویزیون در
بازارهای ایران صدر نفوذ.
سیستم تنظیم کننده تیونر الکترونیک
تلویزیون بلاپونکت ثبت یک در یک مخفی
در جلوی تلویزیون قرار گرفته و کاملاً
نقطه یکبار آنرا تنظیم کننده و در یک
ببینید.



روی تلویزیونی که میخرید دنبال
علامت بلاپونکت باشید
یک دایره آبی رنگ!

بلاپونکت ۸۰ سال سابقه در صنایع آلمان • BLAUPUNKT